



آثار پاندمی کوید-۱۹ بر ساختار عاطفی در آئینه شبکه‌های اجتماعی مجازی ایرانی
محمدسعید ذکایی، سیمین ویسی

چالش‌های حقوقی حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در کنترل
بیماری‌های واگیر؛ مطالعه موردی کووید-۱۹
غلامعلی قاسمی، محمد عاکفی قاضیانی

نقد ادبی و مطالعات میان‌رشته‌ای در ایران؛ با نگاهی به کتاب «نظریه و نقد ادبی: دوستانه‌ای میان‌رشته‌ای»
عبدالرسول شاکری، مسعود فرهمندفر

مطالعه بین‌رشته‌ای نقش صورخیال در ادبیات و نگارگری ایران با تأکید بر آرایه استعاره
زینب رجبی، اصغر فهیمی‌فر

ارائه الگوی مدیریت زنجیره تأمین سبز جهت توسعه پایدار محیط زیست با رویکرد مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد و دیمتل
زهرا دلشاد، مرزده ربانی، حسن دهقان دهنوی

تحلیل ماهیت حقوقی-اقتصادی تأمین مالی پروژه‌محور؛ تعیین سلسله‌مراتب بین زنجیره قراردادها و چالش تعارض و
هماهنگی بین آنها
شادی کسنوی، سید نصرالله ابراهیمی، محمود باقری



فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی | پیاپی ۵۰، دوره ۱۳، شماره ۲، بهار ۱۴۰۰
امتیاز: ۳/۱۱/۱۴۵۲ / کمیسیون نشریات وزارت عتف
۱۳۸۸/۰۹/۰۳

هیئت تحریریه

حسین ابراهیم‌آبادی، دانشیار مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ غلامعلی افروز، استاد روان‌شناسی دانشگاه تهران؛ اکارت اهلرز، استاد جغرافیا دانشگاه بن؛ مرتضی بحرانی، دانشیار اندیشه سیاسی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ حسن حنفی، استاد فلسفه دانشگاه قاهره؛ هادی خانیکی، استاد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی؛ داریوش رحمانیان، دانشیار تاریخ دانشگاه تهران؛ فرامرز رفیع‌پور، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی؛ محمدتقی رهنمایی، استاد جغرافیا دانشگاه تهران؛ مقصود فراستخواه، استاد برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ مایکل کوک، استاد اسلام‌شناسی دانشگاه پرینستون؛ رضا ماحوزی، دانشیار فلسفه علم پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ فتح‌الله مجتبابی، استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران؛ مصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی؛ محمدعلی مظاهری، استاد روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی؛ محمدهادی زاهدی‌وفا، دانشیار اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)؛ عباس منوچهری، استاد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

داوران این شماره

ابراهیم اخلاصی، استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی؛ فرهاد ایران‌پور، دانشیار حقوق دانشگاه تهران؛ فرهاد پروین، دانشیار حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی؛ محسن صادقی، دانشیار حقوق، دانشگاه تهران؛ مجید غمامی، دانشیار حقوق، دانشگاه تهران؛ خشایار قاضی‌زاده، استادیار هنر، دانشگاه شاهد؛ حسین گنجی‌دوست، استاد آب‌وهواشناسی، دانشگاه تربیت مدرس؛ امیرحسین ماحوزی، استادیار ادبیات، دانشگاه پیام‌نور؛ رضا مکتون، دانشیار مهندسی آب، دانشگاه صنعتی امیرکبیر؛ محمود مهرمحمدی، استاد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تربیت مدرس؛ بهمن نامور مطلق، دانشیار ادبیات، دانشگاه شهید بهشتی؛ نهال نفیسی، استادیار انسان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

کارشناس فصلنامه: مهناز شاه‌علی‌زاده
ویراستار فارسی: سمیه صالح‌نیا
ویراستار انگلیسی: سمیه صالح‌نیا و اعظم کهنی

«مقالات منتشرشده در فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی صرفاً بیانگر نظرات نویسندگان آن است و ضرورتاً مورد تأیید پژوهشکده نیست.»
«دریافت مقاله صرفاً از طریق سایت (www.isih.ir) امکان‌پذیر است.»

پایگاه‌های نمایه‌کننده



مدیر مسئول

حسین میرزایی

سرمدیر

محمود مهرمحمدی

سرمدیر میهمان

حسین ابراهیم‌آبادی

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مؤمن‌نژاد (گلستان یکم) شماره ۱۲۴
تلفن: ۲۲۵۷۰۷۱۹ / پست الکترونیک: info@isih.ir / وبگاه: www.isih.ir
قیمت: ۳۰۰,۰۰۰ ریال

شیوه‌نامه نگارش و شرایط پذیرش مقاله

۱. مقاله، میان‌رشته‌ای و دارای ویژگی‌های پژوهشی باشد و میان‌رشته‌نگی، در چکیده و متن مقاله به‌خوبی تبیین و توضیح داده شود؛
۲. در راستای اولویت‌های پژوهشی فصلنامه باشد و پیش‌تر در نشریه‌های داخلی و خارجی یا مجموعه مقالات سمینارها و مجامع علمی چاپ نشده یا به‌طور همزمان برای انتشار به جایی دیگر واگذار نشده باشند؛
۳. نثر مقاله و شیوایی نگارش از جمله معیارهای مهم داوری مقاله است.
۴. چکیده فارسی و انگلیسی مقاله بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ کلمه باشد که در آن خلاصه‌ای از موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین یافته‌های مقاله قید شود.
۵. کل مقاله بین ۶ هزار تا ۹ هزار کلمه باشد و دارای نوآوری باشد.
۶. مشخصات نویسندگان به این ترتیب ذکر شود: مرتبه علمی، رشته تحصیلی، گروه، دانشکده، دانشگاه و یا سازمان (پژوهشکده، پژوهشگاه) و پست الکترونیکی آکادمیک.
۷. معادل غیرفارسی اسامی و مفاهیم مهم در پاورقی هر صفحه آورده شود.
۸. ارجاعات درون متنی به صورت (نام مؤلف، سال انتشار، شماره صفحه) نگارش شود. برای مثال: (علوی و عبدالله‌زاده، ۲۰۰۳، ۲۵).
۹. تهیه چکیده گسترده به زبان انگلیسی برای مقاله‌های پذیرفته شده ضروری است.
۱۰. مقاله دارای فهرست منابع و مأخذ مستند و کامل و اطلاعات کتاب‌شناختی معتبر باشند و به سبک APA نگارش شود؛ برخی موارد در ذیل آمده است. برای دریافت کامل شیوه‌نامه به سایت مراجعه نمایید.

الگوی کلی: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب (شماره چاپ)، محل انتشار: نام انتشارات.	کتاب
آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). <i>تحلیل گفتمان انتقادی</i> (چاپ اول). تهران: انتشارات علمی _ فرهنگی. Morreale, S. P., Spitzberg, B. H., & Barge, J. K. (2007). <i>Human communication: Motivation, knowledge and skills</i> (2nd ed). Belmont, CA: Thonson Wadsworth.	
الگوی کلی: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان مقاله، نام نشریه، دوره یا سال (شماره)، صفحه.	مقاله در نشریه
ایمان، محمدتقی (۱۳۸۰). نقد روش‌های کمی و لزوم توجه به روش‌های کیفی در پژوهش رسانه‌ها در ایران. <i>مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز</i> ، ۱۶ (۲)، ۱۴۷-۱۳۱. Lynch, J. (2006). It's not easy being interdisciplinary. <i>International Journal of Epidemiology</i> , 35, 1119-1122.	
الگوی کلی: نام خانوادگی، نام (سال)، عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی (ویراستار)، نام اثری که مقاله در آن چاپ شده است. مقاله منتشر شده در عنوان کنفرانس، محل برگزاری (صفحه آغاز - صفحه پایان)، محل نشر: نام ناشر.	مقاله در کنفرانس
جمالی، حمیدرضا (۱۳۹۰). تولید علم ایران. در محمدصادق حسینی (ویراستار)، <i>مجموعه مقالات علم در ایران</i> . مقاله منتشر شده در کنفرانس علوم اجتماعی ایران، تالار قدس (صص ۲۸-۲۵). تهران: انجمن جیحون. Rowling, L. (1993, September). Schools and grief: how does Australia compare to the United States. In Wandarna coowar: Hidden grief. paper presented at the proceedings of the 8th National Conference of the National Association for Loss and Grief (Australia). Yeppoon, Queensland (pp. 196-201). Turrumurra, NSW: National Association for Loss and Grief.	
الگوی کلی: نام خانوادگی نویسنده، نام (تاریخ). عنوان پایان‌نامه (پایان‌نامه منتشر نشده ...). دانشکده، دانشگاه، شهر، کشور.	پایان نامه
جهانگشای رضایی، مصطفی (۱۳۸۴). <i>طراحی و بکارگیری نرم افزار ارزیابی عملکرد واحدهای خودروسازی</i> (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران، تهران، ایران. Kassover, A. (1987). <i>Treatment of abusive males: Voluntary vs. court-mandated referrals</i> (Unpublished doctoral dissertation). Nova University, Fort Lauderdale, FL.	

۱۰. دریافت مقاله به صورت الکترونیکی و از طریق سایت www.isih.ir می‌باشد.
۱۱. مقاله‌های ارسالی مورد ارزیابی داوران تعیین شده از طرف هیئت تحریریه قرار خواهند گرفت و پذیرش نهایی آنها منوط به تأیید هیئت تحریریه است؛
۱۲. مسئولیت مطالب، نظریات و اطلاعات ارائه شده در مقاله‌ها و صحت و سقم آنها برعهده مؤلف یا مؤلفان است.

فهرست مقالات

آثار پاندمی کوید-۱۹ بر ساختار عاطفی در آئینه شبکه‌های اجتماعی مجازی ایرانی

محمدسعید ذکایی، سیمین ویسی / ۱

چالش‌های حقوقی حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو تعهدات بین‌المللی

دولت‌ها در کنترل بیماری‌های واگیر؛ مطالعه موردی کووید-۱۹

غلامعلی قاسمی، محمد عاکفی قاضیانی / ۳۱

نقد ادبی و مطالعات میان‌رشته‌ای در ایران؛ با نگاهی به کتاب «نظریه و نقد ادبی:

درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای»

عبدالرسول شاکری، مسعود فرمندفر / ۶۱

مطالعه بین‌رشته‌ای نقش صورخیال در ادبیات و نگارگری ایران با تأکید بر آرایه استعاره

زینب رجبی، اصغر فهیمی فر / ۸۹

ارائه الگوی مدیریت زنجیره تأمین سبز جهت توسعه پایدار محیط زیست با رویکرد

مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد و دیمتل

زهرا دلشاد، مژده ربانی، حسن دهقان دهنوی / ۱۲۱

تحلیل ماهیت حقوقی-اقتصادی تأمین مالی پروژه‌محور؛ تعیین سلسله‌مراتب بین

زنجیره قراردادها و چالش تعارض و هماهنگی بین آنها

شادی کسنوی، سید نصرالله ابراهیمی، محمود باقری / ۱۴۹



آثار پاندمی کوید-۱۹ بر ساختار عاطفی در آئینه شبکه‌های اجتماعی مجازی ایرانی

محمّدسعید ذکایی^۱، سیمین ویسی^{۲*}

دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵

چکیده

ساختار عاطفی هر جامعه بخش پویای فرهنگی آن جامعه را تشکیل می‌دهد. به‌رغم آثار عمیق و فراگیر این شبکه‌های عاطفی بر متن اجتماعی و تعاملات روزمره، به‌ندرت در فضای علوم اجتماعی ایرانی، مطالعه‌ای کیفی بر روی ساختار عواطف جامعه انجام می‌شود. پاندمی کرونا در چند ماه گذشته توانسته بر ساختار عاطفی جامعه ایرانی، به‌ویژه امید و اضطراب، تأثیرات مهمی بگذارد. فضای مجازی به‌عنوان فضایی که ادامه فضای واقعی است به‌خوبی این تغییرات را نشان می‌دهد. مقاله حاضر با اتکا به قوم‌نگاری مجازی، نشانه‌شناسی و تحلیل تماتیک نشان می‌دهد که شیوع ویروس کرونا باعث شده است بیش از پیش و در ادامه ساختارهای عاطفی واقعی جامعه، در فضای مجازی امید جمعی در برابر امید عمومی قرار بگیرد. بر اساس نتایج، امیدورزی انتقادی بیشتر به سمت امیدورزی اتوپیایی و نیز کارناوالی شدن فضا میل کرده است. با این وجود رگه‌هایی از امیدورزی عاملانه، که البته گاه به انحراف کشیده می‌شود، در فضا دیده می‌شود. اضطراب به‌عنوان عاطفه‌ای که در برابر امید و به‌ویژه امید جمعی قرار می‌گیرد، با افزایش کرونا افزایش چشمگیری داشته است. از آنجایی که افزایش ترس‌های ساختاری به امید عاملانه منجر نمی‌شود بر ناکامی‌ها و ملال و اضطراب وجودی افزوده است. حتی تبدیل اضطراب وجودی به اضطراب بصری توانسته از شدت آن بکاهد. در نهایت اضطراب ناشی از کرونا تبدیل به انزجار نسبت به تمام افراد جامعه و به‌دنبال آن افزایش اضطراب نیز می‌شود.

کلیدواژه‌ها: امید جمعی، امید عمومی، تروماسازی، مخاطره عینی و ملی، هراس اخلاقی معکوس

۱. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

✉ siminveisi@gmail.com

۱. مقدمه

رسانه‌های دیجیتال و به‌طور خاص شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر تغییرات مهمی را در جامعه ایرانی سبب شده‌اند. آنها به‌طور خاص منجر به تغییر «اقتصاد عاطفی جامعه» نیز گشته‌اند؛ چرا که عرصه‌ها و فرصت‌های نامحدود و اغلب کنترل‌نشده‌ای را در تولید، بازتولید، مبادله و تغییر عواطف بر عهده گرفته‌اند. شبکه‌های اجتماعی به‌خاطر خاصیت متن‌بودگی خود (در برگرفتن انواع تصاویر و نوشته‌ها و مکالمات)، که می‌توانند به‌صور مختلف خوانش و تأویل شوند، اهمیت خاصی در معناسازی پیرامون این عواطف دارند. بیماری کوید-۱۹ علاوه بر تمامی ابعاد پزشکی، اقتصادی و سیاسی خود در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی گوناگون صورت‌های اجتماعی نوپیدی را به‌وجود آورده است. وجود شبکه‌های اجتماعی این فرایند را تسریع بخشیده است؛ به‌خصوص از این نظر که شبکه‌های اجتماعی در برساخت عاطفی جوامع نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند. «سرایت عاطفی گسترش یافتن حالات و عواطف از طریق جمعیت به‌وسیله در معرض یک موضوع ساده قرار گرفتن است» (دوان، لیندر و هورمویک^۱، ۲۰۱۹، ۴۶).

به نظر می‌رسد که در مواجهه با کوید-۱۹ سرایت عاطفی اتفاق افتاده است و حتی می‌توان از تغییر شکل ماهیت عواطف و تبدیل شدن مداوم آنها به یکدیگر سخن گفت. دو عاطفه «اضطراب» و «امید» به‌عنوان منفی‌ترین و مثبت‌ترین عواطف در مواجهه با یک پاندمی نه تنها اهمیت بسیاری دارد بلکه قابلیت تبدیل شدن به یکدیگر را نیز دارد. علاوه بر این، «احساساتی که قبلاً به‌صورت جداگانه تجربه شده بودند، به احساساتی تبدیل شدند که همه در آن اشتراک داشتند» (جتن، ریپر، هسلیم و گرووایز^۲، ۲۰۲۰، ۱۳). با الهام از لوبون^۳ (۲۰۰۱) می‌توان حتی از محوشدن احساسات فرد در جماعت‌ها سخن گفت که بدون شک گسترش شبکه‌های اجتماعی نمونه جدید و منحصر به فردی از آنها را به‌وجود آورده است.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۲

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰

1. Duan, Linder, & Huremović

2. Jetten, Reigher, Haslam & Gruwys

3. Le Bon



در زمان شیوع ویروس‌های قبلی همچون ویروس سارس در سال ۲۰۰۳ و نیز ویروس مرس در سال ۲۰۱۲، شبکه‌های اجتماعی قدرت و گسترش امروزی در گسترش اخبار را در جامعه ایرانی نداشتند. با این حال، کرونا به دلیل بحرانی ساختن شرایط زیست انسانی با وساطت شبکه‌های اجتماعی به شکل‌گیری جماعت‌های عاطفی منجر شده است. در این جماعت‌واره‌ها افراد دو عاطفه ذکر شده را به عنوان تشدید یافته‌ترین عواطف خود بروز می‌دهند. این دو عاطفه پیش از این نیز به عنوان پایه‌ای‌ترین عواطف، ساختار عاطفی جامعه ایرانی را شکل می‌دادند، با این حال به نظر می‌رسد که پویایی‌های شکل گرفته در متن تعاملات مجازی و دیجیتال کاربران ایرانی ماهیت و کیفیت متفاوتی به آنها بخشیده است. از سوی دیگر، تلاقی ترس‌ها و تنگناهای برآمده از پاندمی کرونا با چالش‌های اقتصادی و سیاسی خاصی که در سال‌های اخیر جامعه ایران با آن دست‌به‌گریبان بوده است (تحریم‌های اقتصادی، تهدیدات نظامی، تورم و تشدید شکاف‌های سیاسی) اهمیت و حساسیت ویژه‌ای را متوجه این سنخ از عاطفه‌ورزی‌ها ساخته و بر پیچیدگی‌های آن افزوده است.

در این مقاله به دنبال این هستیم تا نقش شبکه‌های اجتماعی را در شکل‌دهی به دو عاطفه «امید» و «ترس» در مواجهه با بیماری کوید-۱۹ در جامعه ایرانی و نیز در تغییرات ساختاری آنها نشان دهیم. از آنجایی که در جامعه ایرانی ساختار عواطف متأثر از ساختارهای کلان جامعه است، به‌طور خاص بر این مسئله متمرکز می‌شویم که آیا شبکه‌های اجتماعی در مواجهه با پاندمی کوید-۱۹ صورت جدیدی از دو عاطفه امید و اضطراب در جامعه ایرانی ارائه کرده‌اند و یا در مسیر تداوم ساختار پیشین عمل کرده‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

کلاسیک‌ترین مطالعه بر روی سرایت عاطفی را می‌توان مربوط به کتاب جمعیت: مطالعه ذهنیت رایج در فرانسه اثر گوستاو لوبون در ۱۸۵۵ دانست. لوبون در این کتاب بر این نکته تمرکز کرد که چگونه جمعیت زیادی می‌توانند ماهیت فرد را به سمت همان نگرش معطوف کنند. او دریافت که کنش‌های افراد در جمعیت ناخودآگاه بوده و خارج از کنترل آنهاست. رابرت پارک و هربرت بلومر نظریه لوبون را گسترش دادند. «تئوری پارک استدلال می‌کرد که



افراد هنگام تجربه استرس رفتارها و احساسات یکدیگر را تقلید می‌کنند» (به نقل از: دوان، لیندر و هورمویک، ۲۰۱۹، ۴۶). ویلیام مک دوگال^۱ سرایت عاطفی را به عنوان اصل القای مستقیم احساسات از طریق پاسخ دلسوزانه بدوی تعریف کرد (همان). این پژوهش‌های کلاسیک نشان دادند که عواطف می‌توانند در میان جمعیت سرایت پیدا کنند. در ادامه به دو پژوهش که مواجهه عاطفی با پاندمی کرونا را بررسی کرده‌اند می‌پردازیم.

احمدی و رمضانی (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «تجربه و بیان عاطفی ایرانی در طول بحران کوید-۱۹» به این نتیجه رسیدند که ترس مهم‌ترین و رایج‌ترین عاطفه در مواجهه با کوید-۱۹ در ایران است. این بیماری انتظارات فاجعه‌آمیزی را در مورد آینده به وجود آورد و باعث ایجاد اضطراب شدید در میان مردم شد. همچنین آنها نشان دادند بحث‌ها و تصورات غلط بی‌شماری در مورد این بیماری در فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی وجود دارد و باعث ایجاد احساسات ناسازگاری مانند ترس در بین مردم می‌شود. ترزیسکی، کابانسکی و چارنکا^۲ (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان «واکنش‌ها به پاندمی کوید-۱۹» انجام دادند. آنها با بررسی ۳۱۷ شرکت‌کننده در لهستان نشان دادند که اضطراب رابطه مثبتی با واکنش به ویروس کرونا دارد و نیز رابطه منفی با امید اساسی، معنای زندگی و رضایت از زندگی دارد. همان‌طور که دیده می‌شود به‌طور کلی پژوهش‌ها رابطه میان عواطف مثبت و منفی را در زمان شیوع ویروس کرونا نشان می‌دهند.

برخی پژوهش‌ها نیز به بررسی اضطراب کرونایی پرداختند. اسماندسون، پالیشک، لندری، ریچور، مک‌کی و تیلور^۳ (۲۰۲۰) در پژوهش خود نشان دادند افرادی که پیش‌زمینه ابتلا به آسیب‌های روانی را دارند در مواجهه با کوید-۱۹ دچار اضطراب بیشتری شده‌اند. در این پژوهش که به صورت پیمایش صورت گرفت ۷۰۰ نفر از بزرگسالان در آمریکا و کانادا، که سابقه اختلالات روانی داشتند، با یک نمونه تصادفی ۵۰۰ نفری از افرادی که اختلالاتی همچون اضطراب را تجربه نکرده بودند مقایسه شدند. نتایج نشان داد

1. William McDougall

2. Trzebiński, Cabański & Czarnecka

3. Asmundson, Paluszek, Landry, Rachor, McKay & Taylor



گروهی که اختلالات مربوط به اضطراب را تجربه کرده بودند نمرات بالاتری در ترس از خطر و آلودگی، پیامدهای اجتماعی-اقتصادی و مانند این نشان دادند.

مقنی‌باشی (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی سطح اضطراب جمعیت عمومی ایران در طی شیوع کوید-۱۹» مطالعه‌ای با هدف بررسی اضطراب عمومی در میان ایرانیان در مواجهه با بیماری کوید-۱۹ انجام داد. ۱۰۷۵۴ پرسشنامه آنلاین در مارس ۲۰۲۰ توسط افراد در استان‌های مختلف پاسخ داده شد. یافته‌ها نشان داد که میزان اضطراب در زنان، کسانی که اخبار مربوط به کرونا را دنبال می‌کنند، و گروه سنی ۲۱ تا ۴۰ سال بالاتر است. اوزدین و بایراک اوزدین^۱ (۲۰۲۰) نیز در پژوهش خود با عنوان «سطح پیش‌بینی‌کننده‌های اضطراب، افسردگی و اضطراب سلامت در دوران پاندمی کوید-۱۹ در جامعه ترکیه: اهمیت جنسیت»، که همچون پژوهش قبلی به‌وسیله پرسشنامه آنلاین صورت گرفت، به دنبال بررسی تأثیرات عاطفی و ویروس کرونا بر روی بیمارانی بودند که پیش از این نیز سابقه اضطراب داشته‌اند. نتایج این مطالعه مقطعی نشان می‌دهد که زنان، افرادی با سابقه بیماری روان‌شناختی، افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند و کسانی که سابقه بیماری مزمن دارند بیش از سایرین اضطراب مربوط به بیماری کوید-۱۹ را درک می‌کنند.

طاهری‌کیا (۱۳۹۹) در مطالعه خود با عنوان «فرهنگ دیجیتال و مطالعات بصری: نوستالژی و خیالبافی در رخداد شیوع ویروس کرونا در ایران» به بررسی نوستالژی و خیالبافی در زمان شیوع ویروس کرونا پرداخت. یافته‌ها نشان داد یکی از مهم‌ترین احساساتی که در دوران کرونا در فضای مجازی به اشتراک گذاشته شد احساس نوستالژی در مورد دوران پیشاکرونا و خیالبافی پیرامون آینده بود. او با تحلیل تصاویر در فضای مجازی نشان داد که مهم‌ترین نتایج یاد کردن شهر به مثابه خانه امنی که از دست رفته است و فکرکردن درباره آینده مبهم و پیش‌رو در قالب خیالبافی بودند.

این مطالعات در نهایت تأثیر عاطفه اضطراب را در سطح فردی و روان‌شناختی بررسی کرده‌اند و به بررسی اضطراب‌های اجتماعی ناشی از کوید-۱۹ پرداخته‌اند. به علاوه، خلاء پژوهشی در زمینه وضعیت امید اجتماعی در دوران کرونایی نیز دیده می‌شود. مقاله حاضر



به‌دنبال رفع خلاء پژوهش‌های پیشین است. در این مقاله ساختار عاطفی به‌عنوان وجه پویای ساختار جوامع در نظر گرفته شده و ساختار عاطفی موجود در فضای مجازی ادامه این ساختار در فضای واقعی و روزمره جامعه ایرانی است. روش بررسی و میدان بررسی داده‌ها نیز داده‌های بدون مداخله مناسبی را بدین منظور فراهم کرده‌اند. به‌علاوه، مقاله حاضر به پیوند میان سطح فردی و ساختاری عواطف، دسته‌بندی هر کدام از عواطف و نیز رابطه دیالکتیکی عواطف مثبت و منفی پرداخته است. توجه بر وجه اجتماعی عواطف از مهم‌ترین ابعاد پژوهش حاضر است. به گفته کسانی همچون میلر^۱، عواطف احساساتی هستند که در ارتباط با عقاید، مفاهیم و شناخت‌ها و نیز در ارتباط با زمینه اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرند که در آنها احساس می‌شوند (میلر، ۱۹۹۷).

در مقاله حاضر به‌طور خاص بر مواجهه کاربران ایرانی در فضای مجازی با ویروس کرونا پرداخته‌ایم تا از این رهگذر تأثیرات بحران کرونا را بر ویژگی‌های ساختار عاطفی جامعه ایرانی بررسی کنیم. بهره‌گیری از سنت مطالعات فرهنگی عواطف، امکان بررسی واقعیت برساخت‌شده را با استفاده از نگرش‌ها و روش‌های بینارشته‌ای فراهم می‌سازد. این رویکرد به‌ویژه به رابطه متقابل فرد/ساختار در این برساخت اهمیت می‌دهد.

۳. مبانی نظری

۳-۱. دسته‌بندی‌های امید اجتماعی

تعداد کمی از محققان امید را به‌صورت جمعی و عمومی بررسی کرده‌اند. در اوس^۲ (۲۰۰۴) به‌طور خاص بر روی آنچه که او آن را «امید عمومی»^۳ نامیده است تأکید کرده است؛ «امیدی که به‌وسیله صاحب‌منصبان دولتی ساخته شده و برای تغییر عقیده عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. امید عمومی اغلب در ارتباط با امید مستقیم افراد در جامعه قرار نمی‌گیرد» (در اوس، به‌نقل از: لوئک^۴، ۲۰۰۷، ۲۵۲). به‌عبارتی، امید عمومی را می‌توان

1. Miller
2. Drahos
3. public hope
4. Lueck



نوعی برساخته دولتی دانست در حالی که امید جمعی مستقل از خواست قدرت و به‌طور خاص دولت است و ماهیتی مدنی دارد. «امید جمعی»^۱ متفاوت از امید عمومی است. امید جمعی اغلب بیشتر در ارتباط با عاملان مردمی و غیرحکومتی قرار دارد که برای ساختن یک جامعه متفاوت تلاش می‌کنند (لونک، ۲۰۰۷). «امید جمعی تمایل مشترک برای ساختن جامعه بهتر، متصل ساختن از طریق مجموعه گسترده‌ای از اهداف و اصول توافق‌شده، گسترش و شرح از طریق گفت‌وگوهای کلی اجتماعی است. ارتباط میان امید و عاملیت هنوز در امید جمعی آشکار است» (برایتویت^۲، ۲۰۰۴، ۱۴۶). بنابراین امید در بستر فرهنگ و جامعه شکل می‌گیرد و حتی در معنای فردی نیز کاملاً متأثر از جامعه است. دسته‌بندی‌های دیگری نیز از انواع امیدورزی ارائه شده است. از جمله در دسته‌بندی وب^۳ (۲۰۰۷) می‌توان امید همراه با شکیبایی^۴ را دید که به سمت یک عینیت معطوف است که ضمن پرهیز از هرگونه تصویرسازی به‌طور معمول از حرکت در جهت آن حمایت می‌کند. امید همراه با انتقاد^۵ نیز با گشودگی همراه با احترام روح نسبت به آینده همراه است. این نوع امید معطوف به یک امر عینی مناسب و درخور مانند یک بهشت جدید، یک زمین جدید و آینده‌ای است که به شکل بنیادی جدید و غیرقابل پیش‌بینی است [همانند انتقادهای سیاسی-اجتماعی].

امیدورزی ارزیابانه^۶ نیز معطوف به آینده است و این باور وجود دارد که هدف دست‌یافتنی است. در اینجا هدف رسیدن به جامعه‌ای است که در آن اثری از گرسنگی، سرکوب و تحقیر وجود ندارد. امیدورزی مصمم^۷ نیز معطوف به هدفی در آینده است. در اینجا فرد تلاش می‌کند تا شواهدی را بر اساس باورهایش در کنار هم چیده و خود را به‌عنوان فردی که قابلیت نتیجه‌گیری از مسیر مشخص شده و رسیدن به تمایلات مورد

1. collective hope

2. Braithwaite

3. Webb

4. patient hope

5. critical hope

6. estimative hope

7. resolute hope



انتظار را دارد در نظر می‌گیرد. او به خود انگیزه داده و خود را به‌عنوان عاملیتی در نظر می‌گیرد که توانایی استفاده از مسیر را دارد. در امیدورزی اتوپایی^۱ امیدورزی به سمت نقشه‌ای تاریخی برای ساختن جامعه‌ای کاملاً متفاوت از نظر کیفی معطوف است؛ یک اتوپای آزاد که به‌وسیلهٔ اعضای یک جمعیت به اشتراک گذاشته می‌شود (وب، ۲۰۰۷).

۲-۳. تروماسازی و امید

برخی نویسندگان بر اهمیت رسانه‌های جدید در شکل‌گیری تعاریف از خوبی و بدی، غم و شادی و مانند این تأکید دارند. الکساندر^۲ با طرح مفهوم تروما نشان داد که رسانه‌ها می‌توانند با خلق و بازسازی برخی مفاهیم تعاریف مردم پیرامون مسائل مختلف را تغییر دهند. الکساندر به خوبی مفهوم تروما را شرح می‌دهد:

تروما زمانی اتفاق می‌افتد که احساس خوب‌بودگی در نزد کنش‌گر فردی و جمعی در هم می‌شکند. واکنشی که در مقابل این اتفاقات برهم‌زننده صورت می‌گیرد، ساختن تروما به‌عنوان واکنشی فوری و غیربازاندیشه‌ای است. تجربه ترومایی زمانی اتفاق می‌افتد که اتفاق آسیب‌زننده با طبیعت انسانی برخورد می‌کند. موجود انسانی نیازمند امنیت، نظم، عشق و ارتباطات است. اگر اتفاقی باعث آسیب‌رسیدن به این نیازها شود به‌شدت غافلگیرکننده به نظر آمده و مردم را دچار حالت ترومایی می‌کند (الکساندر، ۲۰۱۳، ۸-۷).

تروما اگرچه کاملاً فرهنگی نیست اما توسط فرهنگ بازسازی می‌شود. اتفاقی که در یک زمان از تاریخ صورت گرفته در طول زمان از طریق نمادسازی‌های مختلف به یک روایت جدید تبدیل می‌شود که خود می‌تواند نمادپردازی‌های جدیدی را بر جهان واقع تحمیل کند (الکساندر، ۲۰۰۹). الکساندر نشان می‌دهد که نه تنها رسانه‌ها، بلکه گروه‌های انتقالی^۳ نیز کارگزاران فرایند ایجاد شوک هستند. آنها بر روی این چارچوب‌های روایی پیشین کار می‌کنند و آنها را در موقعیت چارچوب‌های اجباری طبقه‌بندی‌های فرهنگی قرار می‌دهند (ایرمن^۴، ۲۰۰۴). ذکایی و ویسی (۱۳۹۸) با بررسی گفتمان‌های امیدورزی در فضای مجازی ایرانی دریافتند که خاصیت ذره‌بینی و درپراترگذاری این فضا

1. utopian hope

2. Alexander

3. carrier groups

4. Eyerman



باعث تروماسازی و تقسیم جامعه به خیر و شر می‌شود. فرایند قهرمان و ضدقهرمان‌سازی که در فضای مجازی ایرانی به‌واسطه ایجاد مرزهای خوبی و بدی ترسیم می‌شد بسیار مقطعی بودند و به‌سرعت جایگزین دسته‌بندی‌های بعدی می‌شدند. به نظر می‌رسد که خاصیت تروماسازی به‌عنوان یک مکانیسم فرهنگی مهم در شبکه‌های اجتماعی ایرانی، به‌ویژه در زمان شیوع کرونا نیز جامعه را دچار چنین دسته‌بندی کرده باشد.

۳-۳. نظریه‌های مربوط به اضطراب

همان‌گونه که هایدگر^۱ می‌نویسد، ترس و اضطراب دو پدیده خویشاوند هستند که معمولاً با یکدیگر خلط می‌شوند اما لازم است از یکدیگر تفکیک شوند. عاملی که باعث تهدید می‌شود، اگر با آن به‌عنوان امری تعریف‌شده و دارای هویت واقعی برخورد شود، ترسناک خوانده می‌شود. برعکس، «آنچه که فرد در برابر آن دچار اضطراب می‌شود، به‌طور کامل غیرقابل تعریف است. اضطراب چیزی در مورد امر مضطرب‌کننده نمی‌داند زیرا تهدید به‌طور خاص در هیچ مکان مشخصی وجود ندارد و منبع آن نیز نامشخص است» (فرازتو^۲، ۲۰۱۴، ۱۸۴). آنچه که هایدگر به‌عنوان متفکری وجودگرا بر آن انگشت می‌گذارد تصمیم‌گیری درباره صورت‌های وجودی دوگانه‌ای است که در هر زمان تنها امکان انتخاب یکی از دو شق برای ما وجود دارد. اضطراب از جایی ناشی می‌شود که نمی‌دانیم کدام شق ما را به‌صورت وجودی بهتر رهنمون می‌سازد و بنابراین، یافتن وجود اصیل، چالش پایان‌ناپذیری است که هر روزه و بسته به درجه خودآگاهی مان با آن مواجهیم (فرازتو، ۲۰۱۴). اگرچه وجود دائمی اضطراب در آگاهی اشخاص که سورن کی‌یرکگور^۳ (۱۹۸۰) به‌عنوان مبدع وجودگرایی بر آن تأکید داشت و آن را ترس آگاهی^۴ می‌نامید امری ذاتی و ضروری است؛ اما وجود انسان در بستری اجتماعی قرار داشته و معنای ارزش ذاتاً با گروه و جامعه نیز در ارتباط است. تعریفی که ما از اضطراب در اینجا داریم اضطراب اجتماعی است که مرکزیت آن را تصمیم‌گیری و انتخاب ارزش‌های اجتماعی تشکیل می‌دهند.

1. Heidegger

2. Frazzetto

3. Søren Kierkegaard

4. anxiety (angoisse)



از طرفی می‌توان تفکیکی میان دو نوع از اضطراب نیز قائل شد: اضطراب وجودی^۱ و اضطراب بصری^۲. در اضطراب بصری موضوع ترس قابل مشاهده است، درحالی‌که در اضطراب وجودی موضوع ترس در ذهن ما وجود دارد. به گفته ارنست^۳ (۲۰۱۷)، ذهن به‌صورت غریزی اضطراب بصری را به‌جای اضطراب وجودی انتخاب می‌کند زیرا خطر آن کمتر است. ما از طریق زبان و به‌صورت آگاه و ناخودآگاه از وجود خود آگاهی می‌یابیم و از طریق این شناخت، به پرسش از وجود خود و مسائلی همچون مسئله معنا، مرگ و مانند آن می‌پردازیم. ذهن به‌طور فعالانه‌ای برای حفظ بقای خود تلاش می‌کند تا از چنین پرسش‌هایی اجتناب کند (ارنست، ۲۰۱۷). ما تلاش می‌کنیم تا با اضطراب بصری از اضطراب وجودی و ملال ناشی از آن رهایی پیدا کنیم؛ زیرا «ملال وجودی یا فراملال شامل از دست‌دادن معنای شخصی است که ممکن است بر حالات روحی فرد تأثیر گذاشته و در قربانی خود فقدان تمایل به‌وجود آورد و فرد را به این باور برساند که زندگی پوچ است» (توهی^۴، ۲۰۱۱، ۲۵). اضطراب وجودی، که گاهی خود را به‌صورت اضطراب بصری آشکار می‌سازد، پایه‌ای‌ترین صورت اضطراب است. گرچه ممکن است نمود اجتماعی یافته و در آنچه ما اضطراب اجتماعی می‌نامیم نمایان گردد. احساس ترس و اضطراب گاه صورت‌های ساختاری به‌خود می‌گیرد که مخاطره از آن جمله است.

۳-۴. مخاطره

نظریه مهم دیگری که می‌تواند به تبیین اضطراب ساختاری در جامعه ایرانی، به‌ویژه در مواجهه با پاندمی کرونا، کمک کند نظریه مخاطره است. اولریش بک^۵ اصطلاح جامعه مخاطره‌ای^۶ را برای توصیف جامعه‌ای مطرح کرد که برخلاف گذشته که مخاطرات از جهان طبیعی نشئت می‌گرفتند، در آن مخاطره‌های اصلی از تولیدات انسانی حاصل می‌شوند. طبق نظر بک، این مخاطرات جهانی بوده و فراتر از حواس معمول ما هستند.

1. existential anxiety

2. visual anxiety

3. Ernest

4. Toohey

5. Ulrich Beck

6. risk society



همچنین طبق اصل اثر بومرنگی^۱ در نهایت مخاطره به سمت طبقات اجتماعی، که در ابتدا از تولید مخاطره سود می‌بردند بازگشته، و آنها را تهدید می‌کند. مخاطرات مدرن باعث به‌وجود آمدن چرخه‌ای از مخاطرات جدید می‌شوند. مخاطرات به دخالت در قشر بندی اجتماعی پرداخته و باعث شده مخاطرات بر مبنای طبقات قدیمی و سیستم منزلتی با مخاطراتی با مبنای توزیع نابرابر منابع کمیاب جایگزین شوند. در نهایت، ترس به داخل فضاها و عمومی نفوذ پیدا کرده است (اسکول^۲، ۲۰۱۰). جوامع طبقاتی در ایده‌نال برابری و در پویایی‌های مربوط به پیشرفت باقی می‌مانند اما جامعه مخاطره‌ای اساساً پروژه مخالفی را در پیش می‌گیرد که اساس و انگیزه حرکت در آن امنیت است. برخلاف اتوپای برابری، که منجر به تغییرات اجتماعی مثبت می‌شد، جامعه مخاطره‌ای تدافعی است. به عبارتی «دیگر نگرانی در مورد به‌دست‌آوردن چیزهای خوب وجود ندارد بلکه به‌جای آن مهم‌ترین دغدغه جلوگیری از به‌وجود آمدن بدترین است» (بک، ۱۹۹۲، ۴۹).

۳-۵. هراس اخلاقی

صورت دیگر اضطراب ساختاری هراس اخلاقی^۳ است. «هراس اخلاقی به بیان تخطی و نقض ارزش‌های اساسی مطلق مفروضی می‌پردازد که موجب تضعیف چیزی در بخشی از جامعه می‌شود که ذاتاً به‌عنوان مثبت در نظر گرفته شده‌اند، یعنی اصولی که متضمن شایستگی، درستکاری و فضیلت هستند» (گود و بن یهودا^۴، ۲۰۱۱، ۲۱).

در هراس اخلاقی تهدیدی از جانب یک فرد یا گروهی احساس می‌شود که گرچه همیشه ساختگی نیست، اما اغلب در جدیت، وسعت، خصوصیات و حتی حتمی بودن آن اغراق شده است. گود و بن یهودا از مدل افقی هراس اخلاقی سخن می‌گویند چرا که جامعه از هویت‌های فرهنگی متفرقی تشکیل شده است که هر یک از آنها هراس‌های اخلاقی خاص خود را تولید می‌کنند (گود و بن یهودا، ۲۰۱۱). برخلاف مخاطره که عمدتاً توسط قدرتمندان ملی یا بین‌المللی ایجاد می‌شود در هراس اخلاقی معمولاً فرض بر این

1. boomerang effect

2. Skoll

3. moral panic

4. Goode & Ben Yehuda



است که قدرتمندان گروه‌هایی را به‌عنوان عاملان ایجاد هراس عمومی تعریف می‌کنند. البته در تعاریف جدیدتر از هراس اخلاقی مدل افقی هراس اخلاقی مطرح است که در آن تعریف شیطان قوم^۱ تنها توسط قدرتمندان صورت نمی‌گیرد.

همان‌طور که مشاهده شد امیدورزی و اضطراب می‌توانند نمودهای گوناگونی داشته باشند. امیدورزی خود گرچه می‌تواند صورت اتوپیایی به خود بگیرد اما در صورتی که ارزیابانه، انتقادی و عاملانه باشد می‌تواند موجب کاهش اضطراب شود. رابطه میان امید جمعی و امید عمومی می‌تواند بر امیدواری و اضطراب اثر گذارد. از طرفی اضطراب در فردی‌ترین صورت خود را به شکل اضطراب وجودی نشان می‌دهد که البته خصوصاً در سطح جمعی با اضطراب بصری جایگزین می‌شود. به‌خصوص، وجود ساختارهای کلان پیشین، اضطراب ناشی از کرونا را با دو مفهوم مخاطره و هراس اخلاقی پیوند زده است.

۴. روش تحقیق

مقاله حاضر متکی بر مردم‌نگاری مجازی است. مردم‌نگاری مجازی به محقق امکان می‌دهد به بررسی میدان‌هایی بپردازد که وسعت آنها از دامنه مکان و زمان فراتر می‌رود و افرادی را مورد بررسی قرار می‌دهد که با زمینه‌های متفاوت به‌واسطه حضور در یک میدان مجازی اشتراک می‌یابند. انعطاف و قابلیت‌های این روش امکان مشاهده‌های غیرمشارکتی و به‌اصطلاح حضور در خفا را نیز فراهم می‌سازد. انگیزه دیگر به‌کارگیری این روش در مطالعه حاضر، قلمرو موضوعی پژوهش و سروکارداشتن با تعاملات عاطفی و خودبیانگری‌ها و تفسیرها و دریافت‌ها از زندگی روزمره مجازی ایرانیان است. عرصه‌های موضوعی مردم‌نگاری مجازی دربرگیرنده مواردی چون تجربیات (آنچه افراد احساس می‌کنند)، اعمال (رفتار یا آنچه افراد انجام می‌دهند)، روابط (محیط‌های اجتماعی و روابط صمیمی ما)، جهان اجتماعی، مکان (فضاهای مشترک زندگی)، و رویدادها (گردهم‌آمدن فرایندهای متفاوت در یک بستر عمومی) است (پینک، هورست، پوستیل، هیورث، لوئیس و تاکی^۲،

1. folk devils

2. Pink, Horst, Postill, Hjorth, Lewis & Tacchi



۲۰۱۶). به منظور انجام پژوهشی که بتواند به طور هم‌زمان لایه‌های روان‌کاوانه و اجتماعی عواطف مورد نظر و تأثیرات پاندمی کرونا را بر تعمیق و تغییرات آنها بسنجد نیازمند استفاده از روش‌های غیرمشارکتی و داده‌های بدون مداخله بودیم. بدین منظور با مراجعه به صفحات اشخاص گوناگون، صفحاتی به صورت تصادفی و سپس هدفمند از میان آنها انتخاب می‌شدند که به طور سیستماتیک طیف‌های گوناگون جنسیتی، سنی، قومیتی و طبقاتی را شامل شده و درک و ابرازگری در مورد تأثیرات پاندمی کوید ۱۹ بر عواطف خود داشته و صورت داده باشند.

با توجه به اینکه نمونه‌گیری و پوشش تنوع نمونه‌ها، میدان‌ها و کاربران در پژوهش‌های مجازی نوعاً با چالش جدی همراه است و ملاحظات را در آنچه هابرمین و مایلز^۱ (۲۰۰۲) اعتبار تفسیری، نظری و تعمیم‌پذیری نتایج می‌خوانند به دنبال دارد، برای این منظور، علاوه بر اینکه با منطقی قیاسی تمرکز بر محورها و مقولات مرتبط با حیات عاطفی پاسخ‌گویان قرار داشته است، تنوع در انتخاب رویدادها، مناسبت‌ها، دوره‌های زمانی و برخی زمینه‌های دموگرافیک (همچون دوره زندگی و جنسیت) نیز مورد توجه بوده است. از سوی دیگر و به موازات منطق غالب قیاسی، در تحلیل متون مختلف تولید و نمایش یافته در شبکه‌ها، مقولات و سازه‌هایی نیز به صورت استقرایی شناسایی و در تحلیل و مفهوم‌سازی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به این ترتیب رویکرد ابداکتیو^۲ (رفت و برگشت مفهوم و مشاهده) اساس تحلیل‌ها را شکل داده است. ایده‌های نشانه‌شناختی به دست آمده از این تصاویر مکمل داده‌های متنوع متنی استخراج شده شامل زندگی‌نامه کوتاه که در کنار تصویر پروفایل و برای معرفی افراد می‌آید، کپشن‌ها یا جمله (جملات) نغز آنها در زیر پست‌های‌شان، خواندن نوشته‌های موجود در پست‌ها شامل اشعار، متون ادبی و یا خودنوشته‌ها، خواندن وبلاگ‌ها و مانند آن بوده‌اند.

1. Huberman & Miles

2. Abductive

۵-۱. انواع صورت‌های امیدورزی

صورت‌های چندگانه امید: به واسطه وجود مخاطره‌ای حتمی امنیت هستی‌شناختی و امید صبورانه در معرض تهدید قرار گرفته و به جای آن اضطراب هستی‌شناختی جایگزین شده است. از طرفی کاربر برای اینکه آسیب نبیند اضطراب بصری را جایگزین اضطراب هستی‌شناختی نموده است. کاربران تلاش می‌کنند تا با پخش تصاویر گوناگون رعب‌انگیز مانند فردی که بر اثر ابتلا به ویروس، در گوشه‌ای از خیابان افتاده، کودکی که در اثر خوردن الکل جان‌باخته است و تصاویری از این دست اضطراب خود را به اضطراب بصری تبدیل کرده و از این طریق از آن بکاهند. از طرفی، از آنجایی که اهداف عینی معمولاً منوط به رفتار قدرت حاکم هستند، بنابراین، امید همراه با انتقاد رواج بیشتری دارد و امیدورزی صبورانه، ارزیابانه و مصمم نمود کمتری دارند؛ گرچه در انواع حرکت‌های فردی دیده می‌شوند. در امیدورزی انتقادی، کاربر به شکل عقلانی تلاش می‌کند تا حاکمیت را به پاسخ‌گویی وادار کند. به طور مثال صحبت کردن در مورد آمار واقعی مرگ‌ومیر، افشای سیاست ایمنی گله‌ای^۱ در قبال بیماری کرونا، مقایسه میزان کمک‌های معیشتی سایر کشورها به اقشار فرودست، پخش تصاویر فوت‌شدگان در اثر کرونا و دفن شبانه آنها در برخی شهرها، و نیز در غسل‌خانه‌ای در قم و ... همگی موجب شدند تا حاکمیت به شیوه‌های گوناگون پاسخ‌گو باشد.

به جرأت بتوان گفت کرونا سبب شده تا امید جمعی با امکانات خود از جمله عاملیت‌هایی مثل امید مشفقانه آشناتر شود. همان‌گونه که نوسباوم^۲ به نقل از مک‌براید^۳ (۲۰۱۸) در مورد عاطفه خشم نشان می‌دهد، می‌توان عواطف منفی جمعی را به سمتی هدایت کرد که انرژی حاصل از آنها تبدیل به نیرویی مثبت در جهت رفاه همگان شود. گاه فردی که مبتلا به بیماری است با جزئیات پیرامون بیماری خود می‌گوید و دردمندانه از دیگران می‌خواهد که دستورات بهداشتی را رعایت کنند؛ گاه پزشکان با جزئیات به تشریح



1. herd immunity

2. Nussbaum

3. McBride III

بیماری می‌پردازند؛ یا کاربری تصویر و یا نام افرادی که ماسک و موارد ضد عفونی کننده را رایگان در اختیار بقیه می‌گذارند به اشتراک می‌گذارد.

کرونا سبب شد تا به شکل آشکاری امید جمعی در مقابل امید عمومی قرار گیرد. به طور مثال، افراد به دنبال قهرمان و ناجیانی از بین خود گشتند و بنابراین توجه بیشتر به کادر درمان و فعالان اجتماعی و خیران شتاب بیشتری گرفت. امید عمومی در این میان تلاش کرد تا با «مدافع سلامت» خواندن کادر درمان یعنی برداشتی نظامی از حوزه پزشکی این حوزه و قهرمانان آن را مصادره کند و این درحالی است که امید جمعی به دنبال یافتن قهرمان خود بوده و قهرمان‌های مورد نظر امید عمومی و استراتژی‌های آن را پس می‌زند. گرچه مردم اصطلاح مدافع سلامت را به دلیل تعلق به امید عمومی معمولاً به کار نمی‌برند، اما کادر درمان درگذشته در اثر کرونا را شهید خطاب کرده و حتی اصطلاح شهید کرونا را به کار می‌برند. کادر درمان نیز تلاش کردند تا با شیوه‌های گوناگون از جمله دادن اطلاعات درست، همدردی با مردم، و حتی ایستادن در برابر سیاست‌های فرهنگی، به طور مثال با ایجاد چالش رقص خود را به عنوان قهرمانان امید جمعی تثبیت کنند. با وجود این، امید جمعی در اینجا بیشتر شکل امید اتوپیایی به خود می‌گیرد. کاربران ایرانی همانند سایر مصیبت‌های جمعی به دنبال یک دنیای اتوپیایی هستند؛ دنیایی فارغ از رنج و غم؛ دنیای که در آن عدالت وجود دارد و لازمه شکل‌گیری چنین دنیایی قهرمانان اساطیری است که قدرت تغییر کامل شرایط را دارند و با توجه به اینکه امکانات دستیابی به این شرایط را در عالم واقع نمی‌یابند، به رؤیایپردازی رسیده و در آن ناجی را تصور می‌کنند که آنها را به تمامی آرزوهای شان می‌رساند. از آنجایی که قهرمانان موردنظر، از جمله کادر درمان، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیران و ... قدرت کافی را برای تغییر شرایط ندارند و به عبارتی تدابیر عقلانی، برنامه‌ریزی درست و عاملیت قوی چه در سطوح خرد و چه کلان برای تعیین اهداف جمعی وجود ندارد، افراد سرخورده می‌شوند.

از آنجا که اضطراب و ناامنی هستی‌شناختی سویه دیگر امید است و هر فردی برای زیستن نیازمند احساس امنیت است افراد به حداقل رضایت قانع شده و به تولید لحظات شاد و لحظات زیستن می‌پردازند. در این مرحله لحظات شاد می‌تواند خود را به صورت طنز





کارناوالی متجلی سازد. تمسخر صحبت‌های مسئولین از جمله «از شنبه همه چیز به روال عادی برمی‌گردد» که توسط رئیس‌جمهور ذکر شد و یا تمسخر مسئولین و پزشکان منسوب به قدرت که قرنطینه را مربوط به قرون وسطی می‌دانستند، تمسخر ابتلای مسئولین به کرونا (با این تصور که آنها به کیت تشخیص دسترسی بیشتری دارند و اعلام ابتلا در جهت عوام‌فریبی و رقابت‌های حزبی است) از این دست شوخی‌های گروتسکی و بینامتنی بودند.

امید جمعی گاه عاملانه است و خود را به صورت ایجاد سرگرمی در قرنطینه مانند مسابقه جایزه‌دار، آموزش انواع مهارت‌ها، به‌ویژه مهارت‌هایی که بار سرگرمی دارند، ورزش و مانند این نشان می‌دهد و یا به مقاومت در برابر امید عمومی می‌پردازد. همچنین چالش‌های بسیاری با هدف امیدوارانه‌تر کردن دوران قرنطینه در فضا صورت گرفتند که عمدتاً بر سبک زندگی فراغتی متمرکز بودند و در محیط خانه انجام می‌شدند. از این چالش‌ها می‌توان به چالش تغییر لباس (در یک فیلم فرد لباس‌های متعددی می‌پوشید و یا دو فرد غالباً از جنس مخالف لباس‌هایشان را عوض می‌کردند)، چالش پیری که به‌ویژه سلبریتی‌ها را موضوع خود قرار داده بود، چالش غافل‌گیرکردن شریک جنسی به‌وسیله برهنه‌شدن و مانند این اشاره کرد.

فضای کلی، از غلبه هیچ‌یک بر دیگری سخن نمی‌گوید؛ بلکه گاه میان امید جمعی و عمومی گفت‌وگو و یا گفت‌وگوی تخالفی شکل می‌گیرد. پویش «من ماسک می‌زنم» به دلیل تعلق داشتن به امید عمومی استقبال نسبی داشت و «به‌جای آن ماسک می‌زنیم تا زنده بمانیم»، «کرونا را جدی بگیرید»، «ماسک بزنیم»، «در خانه بمانیم»، «هر خانه را یک حسینه می‌کنیم»^۱ و مانند آن رواج یافتند. در واقع گاه مقاومت در برابر امید عمومی نه بر سر مفهوم بلکه بر سر کلمات است؛ زیرا با تصور بر این که خدمات عمومی لازم در دوران قرنطینه به مردم ارائه نگردیده است افراد به دنبال مقاومت کردن به صورت‌های گوناگون هستند. مطالباتی همچون تعطیلی اماکن عمومی و رویدادهای عمومی از مهم‌ترین مطالبات امید جمعی بوده است که امید عمومی عموماً نتوانسته است به آن پاسخ مناسبی بدهد.

۱. هم‌زمان شدن شیوع ویروس کرونا با مناسک دینی ماه محرم در ایران باعث شد تا مردم به گفت‌وگو با سیاست‌مداران پرداخته و با هشتک هر خانه یک حسینه باعث محدودیت‌هایی در این مناسک جمعی شدند.



البته امید جمعی چندتکه نیز شده و برخی به دلایلی همچون برگزاری کنکور با امید عمومی همراه می‌شوند. در مقابل، امید عمومی نیز چندتکه شده است به‌طوری‌که برخی سیاست‌مداران در مقابل برخی دیگر قرار گرفته و به طرفداری از امید جمعی می‌پردازند. شرایط بحرانی کرونا هم باعث صف‌بندی امید عمومی در مقابل جمعی شده است و هم از طرفی باعث شده است تا در هر دو گسست‌هایی به‌وجود بیاید. یکی از مهم‌ترین مسائلی که گسست در هر دو نوع امید را مشخص‌تر می‌ساخت دو راهی برگزاری مدارس حضوری یا محروم‌شدن عده‌ای از دانش‌آموزان به‌دلیل نداشتن تلفن همراه مناسب آموزش مجازی و یا تقاضای دورکاری و رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی در محل کار در مشاغل بود؛ درحالی‌که بسیاری از مشاغل طبقات پایین چنین ظرفیتی را در کشور نداشتند. این دوراهی‌ها که از مشکلات زیرساختی ناشی می‌شد بر اضطراب ساختاری می‌افزود.

همان‌گونه که ملدون^۱ می‌گوید: «الزامی که در کرونا برای انزوای اجتماعی وجود دارد بر وجه ترومایی آن افزوده است» (ملدون، ۲۰۲۰، ۷۰). البته او همچنین معتقد است که وجه جمعی مواجهه با کرونا باعث افزایش مقاومت افراد نسبت به اضطراب حاصل از تروما شده است. بررسی داده‌های ایرانی نشان می‌دهد ارتباطات اجتماعی گرچه از ماهیت تروماتیک کرونا می‌کاهد اما به‌طورکلی فضای مجازی با تجمع عواطف منفی همچون ترس، خشم و نفرت و نیز قراردادن کرونا در سایر داستان‌های اضطراب‌آمیز باعث تروماتایز شدن بیشتر وضعیت کرونایی می‌شود.

امیدورزی و طنز کارناوالی: شوخی از مکانیزم‌های بلوغ‌یافته دفاعی است که انسان در مقابل اضطراب به‌کار می‌برد. گاهی امیدواری با طنز و به‌خصوص طنز سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد. در پاسخ به اضطراب‌های ساختاری طنزهای جالبی شکل می‌گیرد که می‌توانند بسیار مؤثر باشند؛ اما هنگامی که بر لایه متنی این طنزها افزوده می‌شود کارآیی‌شان از دست می‌رود. برخی طنزها مستقیم‌تر بوده و همین مسئله موجب اثرگذاری بیشتر آنها می‌شود. به‌طورمثال، ساختن جوک‌هایی درباره اینکه در زمان مراسم مذهبی و کنکورهای سراسری آمار مرگ و میر تک‌رقمی می‌شود که به‌طور هم‌زمان کنایه از اصرار امید

1. Muldoon



عمومی برای برگزاری مراسم‌ها داشت و از طرفی بی‌اعتمادی به نهادهای و متخصصان و رسانه‌های رسمی را نشان می‌دهد. بخشی از این کارناوالی شدن فزاینده پاسخ به ناامیدی نسبت به جریان‌های رسمی سیاسی در چند دهه اخیر و قطع امید افراد از امید عمومی است. این ناامیدی در لحظات حساس‌تر مانند وقوع یک بیماری همه‌گیر همچون کرونا همچون سایر مصیبت‌های قبلی مانند افزایش فساد اقتصادی ساختاری، مشکلات اقتصادی، محدودیت‌های فرهنگی برای جوانان، وقوع حوادث ملی و مانند آن به گسترش احساس غم در سطح ملی دامن زد. در تمامی موارد ضعف مدیریتی باعث افزایش ناامیدی عمومی/جمعی گشته بود.

گاه این شوخی با مسائل به همه حوزه‌ها تسری پیدا کرده و به‌عنوان مکانیزمی خیالبافانه و در نتیجه پس‌رونده‌ای عمل می‌کند که تمام مسائل جامعه از جزئی تا حیاتی و مهم را در یک کلیت درهم‌تنیده ترکیب می‌کند و از طریق بینامتنیت بر طنز موضوع افزوده می‌شود. این حالت گرچه در شکل‌های خفیف‌تر باعث نفوذ و تأثیرپذیری بیشتر شوخی می‌شود، درنهایت با از بین بردن مرز شوخی و جدی تبدیل به کلیتی می‌شود که جهت‌گیری آن مشخص نیست. در این حالت نه فقط جزئی از واقعیت بلکه کل متن موجود به سخره گرفته می‌شود و در نتیجه جایی برای بحث و گفت‌وگوی جدی باقی نمی‌ماند. در کل طنزها به جز موارد انتقاد و هشدار، به شکل شوخی با ویروس یا شرایط کرونایی برای پرت‌کردن حواس افراد از اضطراب بیماری و شرایط کسل‌کننده دوران قرنطینه هستند.

۵-۲. کرونا و دیالکتیک اضطراب وجودی و ساختاری: از آنجایی که درمان قطعی برای بیماری وجود ندارد و حتی علم هم که قبلاً در معنی پاسخ‌های متقن بود نمی‌تواند پاسخ شفافی در مورد علل، عوارض و درمان کرونا بدهد، نوعی اضطراب عمیق و جمعی به‌وجود آمده است. افراد در فضای مجازی این اضطراب را به اشتراک می‌گذارند که شامل پخش اخبار گاه بدون مرجع مطمئن در مورد انتشار ویروس، تجربه بیماری از سوی بیماران و پزشکان و پرستاران، ترس از داشتن علائم، ابتلای عزیزانشان، عدم رعایت اصول بهداشتی توسط مردم و ... است و معمولاً باعث تشدید آن می‌شود. همچنین در داده‌ها کم‌رنگ‌بودن انواع امید و به‌ویژه عدم عاملیت موجب افزایش اضطراب شده است. اضطراب کرونا با

سایر این اضطراب‌ها که گاه کهنه و قدیمی‌اند و شامل تمام مشکلات ساختاری هستند ترکیب شده و تبدیل به اضطرابی دائمی گشته‌اند که جزئی از وجود افرادند. اضطراب وجودی که در اثر نبود احساس امنیت هستی‌شناختی به وجود آمده است با شکل‌گیری مخاطره کرونا تشدید شده است.

نوع خاصی از اضطراب که آن را «اضطراب ناشی از ناکامی» می‌نامیم در فضای شبکه‌ای شکل گرفته و به سرعت در حال رواج است. خاصیت دیداری و آیکانیک این فضا و تأکید بر سبک زندگی باعث شده تا ژن فرهنگی احساس بی‌عدالتی ایرانی دچار جهش عظیمی شده و نوع خاصی از فقدان، که در رابطه با ساختارهای اقتصادی و سیاسی و خشم و نفرت نسبت به آنها احساس می‌شود، خود را با سایر شکل‌های ملال مانند ملال وجودی ترکیب کرده و صورتی از ملال را به وجود بیاورد که اضطراب و ملال وجودی را به ناکامی‌های ساختاری پیوند می‌زند. بدون شک این شکل از اضطراب اگر بتواند عنصر امید و انتقاد را در خود حفظ کند و به شکل عمل‌گرایانه‌ای منجر به تغییرات بیرونی شود، امیدبخش خواهد بود، اما فضای شبکه فرصتی برای عمل‌گرایی ایجاد نخواهد کرد و این شکل از ملال در نهایت باعث تحلیل رفتن بیش‌ازپیش انرژی فرد به واسطه خشم و نفرت سرایت‌یافته، شده و حتی او را به فرهنگ مرگ نزدیک می‌سازد. فرهنگ مرگ را می‌توان تحلیل رفتن کامل انرژی حیاتی فرد دانست. از آنجایی که فرد در خود احساس عاملیت نمی‌کند و قهرمانان اتوپیایی نیز یا وجود ندارند (سیاست‌مداران شایسته) و یا قدرت کافی ندارند (کادر درمان و خیرین)، بنابراین احساس می‌کند انرژی برای زیستن ندارد و همین مسئله باعث رخوت دوچندان و عدم امید به آینده می‌گردد. البته عنصر انتقاد و خشم مستتر در آن می‌تواند نویدبخش وجود رگه‌هایی از امید در ذهنیت فرد یا افراد باشند. با این حال خشم‌ها و نفرت‌های فروخورده جز در قالب انتقاد در فضای مجازی راهی نمی‌یابند. از سوی دیگر، این نقدها نیز پس از مدتی متوقف شده و فرهنگ مرگ، که مهم‌ترین نشانه آن فکر کردن مداوم به نداشتن انرژی حیاتی و مزیت مرگ نسبت به زندگی است، رواج می‌یابد. به‌طورکلی، پاندمی کرونا سبب مرگ‌آگاهی گسترده شده است. هشتگ‌هایی همچون ماسک بزنیم تا زنده بمانیم و اضطراب بصری ناشی از دیدن تصاویر کفن و دفن





قربانیان می‌توانند جدی‌ترین مواجهه افراد با مرگ‌آگاهی باشد و به همین دلیل و بر اساس دیدگاه هایدگر اضطراب ایجاد کند. البته کاربران تلاش می‌کنند تا با کاهش اضطراب وجودی به اضطراب بصری از آن بگریزند. همان‌طور که گفتیم، زندگی روزمره که ادامه آن را می‌توان در فضای مجازی دید، جولانگاه اضطراب بصری است و نه اضطراب هستی‌شناختی. اما گسترش آن و احاطه شدن انسان در این فضای آکنده از غم‌ها و شادی‌های ناشی از اضطراب بصری در درازمدت می‌تواند اضطراب هستی‌شناختی را نیز گسترش دهد. به عبارتی، افراد برای طفره‌رفتن از سوالات وجودی به دنیای تصنعی شادی‌ها و غم‌های بصری پناه می‌برند، اما از آنجایی که سبب اغنای روحی نمی‌شود و خلاء معنایی بیشتری نیز به وجود می‌آورد، افراد را دچار ملال و اضطراب وجودی افزون‌تری می‌کند. کاربر نمی‌داند که چرا به یک‌باره از طریق تنفس ممکن است او یا عزیزانش بیمار شوند و طومار زندگیشان درهم پیچیده شود. همچنین او با وجود کرونا اضطراب وجودی را، که به گفته هایدگر با زمان در ارتباط است، بیشتر حس کرده و از آن رنج می‌برد. زمان قرنطینه که به شدت طولانی شده است و مشخص نیست تا چه زمانی ادامه پیدا می‌کند بر این اضطراب می‌افزاید؛ اضطرابی که انجام برنامه‌ریزی‌های گوناگون و پناه بردن به کیش‌های سبک زندگی گوناگون نیز نمی‌تواند باعث رهایی فرد از آنها شود. اضطراب ناشی از ناکامی نیز در این فضا پاسخی نمی‌یابد. همان‌گونه که گفتیم، این اضطراب با ناکامی‌های ساختاری در پیوند است، یعنی همان ناکامی‌هایی که به علت مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به وجود آمده‌اند و فرد به تنهایی قادر به پاسخ‌گویی به آنها نیست. گرچه برخی انتقادات و مطالباتی که توسط کاربران مطرح می‌شوند به شیوه‌های گوناگون توسط حاکمیت پاسخ داده می‌شوند اما در نهایت مهم‌ترین آنها پاسخ داده نمی‌شوند و بنابراین به طور دیالکتیکی اضطراب وجودی و ساختاری سبب افزایش یکدیگر می‌گردند.

۳-۵. کرونا به عنوان امر مخاطره‌ای: شیوع و ویروس کرونا یک مخاطره است زیرا این ویروس ناشناخته است و برخلاف سایر ویروس‌های خانواده سرماخوردگی که راه‌های انتقال و مکانیزم عمل مشخصی داشتند، به شکل مرموزی گسترش یافته و سبب مرگ



می‌شود. برخی منابع از ساختگی بودن این ویروس و قرار داشتن آن در زمره ترورهای بیولوژیک جمعی خبر می‌دادند. با این وجود سازندگان (سهوی یا عمدی) احتمالی آن و به‌طور کلی سیاست‌مداران در هیچ‌کجای دنیا به‌طور کامل از این ویروس در امان نبودند. علاوه بر اثر بومرنگی، در طول دوران شیوع آن این ترس وجود داشت که چندی بعد ویروسی جدیدتر و قوی‌تر شیوع یابد. این مخاطره در نقاط مختلف باعث تثبیت قشر بندی اجتماعی شد. به‌طور مثال، با وجود کمیابی کیت‌های تشخیص، تنها سیاست‌مداران و قدرتمندان توانایی دستیابی به آنها را داشتند. بسیاری از افراد در طبقات پایین و نیز حاشیه‌نشینان شهری به دلیل ضعف سیستم ایمنی بدن و در اثر فقر و اجبار به حضور در محل‌های کار و زندگی عمومی محکوم به ابتلا بودند. شیوع ویروس کرونا باعث شد تا امنیت عمومی جایگزین امنیت شخصی شود. مقاومت مردم برای تعطیلی اماکن عمومی و سپس همراه شدن نسبی حاکمیت با آنها، همدلی مردم برای توزیع ماسک و مواد ضد عفونی‌کننده و از خودگذشتگی تاریخی پزشکان و کادر بیمارستان‌ها در درمان بیماران از نمونه‌های عمومی شدن این مخاطره بودند. از طرفی شایعات در مورد کرونا باعث می‌شود که مخاطره بیشتر احساس شود. علائم عجیب در ویژگی‌های ذاتی ویروس و شیوه ابتلا، عوارض داروها، جهش ویروس، مرگ ناشی از تزریق واکسن، شایعات طب سنتی مثل نوشیدن ادرار شتر برای درمان، اخباری در مورد شیوع بیماری‌های دیگر که گاه مرز آنها با واقعیت مشخص نبود همگی باعث شدند تا مخاطره کرونا در ایران شدیدتر احساس شود. به پیش‌بینی تیلور^۱ «ما می‌توانیم انتظار داشته باشیم که در طی همه‌گیری بعدی، شاهد افزایش درمان‌های قلبی، داروهای قومی و رفتارهای خرافی باشیم» (تیلور، ۲۰۱۹، ۳۰).

مشاهدات ما در صفحات کاربران شبکه‌ها نشان می‌دهند که اضطراب کرونا سبب پناه‌بردن مردم به درمان‌های خرافی گردیده است. همان‌طور که ویکتور^۲ و احمد (۲۰۱۹) می‌گویند: «برخی اعتقادات، نگرش‌ها و عملکردها همچنین بر سلامت روان بازماندگان در اثر بحران تأثیر می‌گذارند» (ویکتور و احمد، ۲۰۱۹، ۶۲). اعتقادات دینی در ایران و

1. Taylor

2. Victor & Ahmed



به‌ویژه روحیه همکاری سنتی می‌تواند امیدبخش باشد؛ گرچه شکاف اجتماعی گسترده مانع از انجام کامل چنین همکاری‌هایی می‌گردد. از طرفی گسترش بدون منطق و افسارگسیخته آنچه باعنوان طب سنتی به‌ویژه در فضای مجازی در حال رواج است می‌تواند بر احساس مخاطره بیفزاید.

مراجع سلامت و متخصصین در دوران پست‌مدرن افزایش زیادی داشته‌اند به‌طوری‌که هر کسی خود را متخصص خوانده و همین امر بر اضطراب افراد می‌افزاید. گرچه این تکرر ظاهراً امیدبخش است اما سبب سردرگمی و ایجاد اضطراب می‌شود. در معاهده سنتی و مدرن، متخصصان به‌عنوان مراجع دانش شناخته می‌شدند و همین مسئله امنیت هستی‌شناختی به بار می‌آورد، اما امروز حتی تبلیغات اقتصادی وجه تخصصی را در بسیاری موارد پوشانده است و با افزایش مراجع کسب آگاهی، امنیت هستی‌شناختی افراد به خطر افتاده است. در مقابل اضطراب در اثر بی‌اعتمادی به متخصصان و به‌طورکلی نهادها، نوعی امید بستن به آنها نیز وجود دارد و همچنین مقاومت در برابر نهادهای پیشین در مواردی می‌تواند امیدبخش باشد و نوعی عاملیت در برابر نهادها شکل گرفته است. از طرفی تعریف کرونا به‌عنوان امر مخاطره‌ای در چارچوب تعریفی که بک از مخاطره داده است به‌طور کامل نمی‌گنجد و می‌توان از مخاطرات ساختاری در ایران سخن گفت که برخلاف مخاطره مورد نظر بک، که جهانی و ذهنی است، «مخاطرات ملی و عینی» هستند. بنابراین، مسئله مهم در مخاطرات ایرانی، مهم‌بودن نقش قدرت‌مندان در مخاطرات ساختاری (مشکلات اقتصادی مانند تحریم و به تبع آن افزایش تورم، بیکاری و فقر، وضعیت نابسامان بورس، بی‌عدالتی قضایی و...) است. مخاطرات ساختاری معمولاً مختص عامه مردم بوده و قدرتمندان در نتایج آنها شریک نیستند. برخلاف نظر بک که «جهانی‌بودن» را نیروی محرک مخاطرات می‌داند، در ایران معمولاً مخاطرات در سطح ملی بروز می‌یابند و در نهایت تصور بر این است که با دخالت قدرت‌های خارجی ایجاد و یا تشدید می‌شوند. از نظر کاربر ایرانی گرچه مخاطرات ساختاری منوط به تأثیرگذاری قدرت‌های داخلی و خارجی هستند اما «دائمی»، «فراگیر» و «برگشت‌ناپذیر» نبوده بلکه با تغییر سیاست‌گذاری‌ها در سیاست خارجی و داخلی قابل تغییر هستند. در نظر یک ایرانی



پیوستگی جهانی که در تعریف بک از مخاطره وجود دارد هنوز فراگیر نیست و مخاطرات نه از دیدگاه یک فرد جهان‌وطن بلکه عموماً از دیدگاه ملی و مقطعی تعبیر و تفسیر می‌گردند. گرچه در بسیاری موارد پیچیده، پایدار و لاینحل به نظر می‌رسند. کرونا با تمامی ابعاد مخاطره‌ای و جهانی نیز در نهایت ملی و سیاسی و در ارتباط با سایر مخاطرات ساختاری دیگر تعبیر و تفسیر می‌شود و حتی باعث هم‌افزایی مخاطرات ساختاری پیشین می‌شود. جامعه ایران هنوز ویژگی‌های جامعه طبقاتی را دارد همواره مخاطرات به نیروهای عینی ربط داده می‌شوند و گویی تنها با قدرت سیاسی در ارتباط‌اند. از آنجا که مخاطرات برخلاف مخاطرات مورد نظر بک جهانی نبوده بلکه در سطح ملی و حاکمیت اتفاق می‌افتند، بنابراین احساس قربانی‌بودن به فرد دست می‌دهد. در چنین شرایطی کرونا به‌عنوان یک امر مخاطره‌ای، که تمام طبقات به‌جز افراد دارای قدرت عموماً سیاسی را درگیر می‌کند شناخته می‌شود؛ زیرا آنها قادر به ماندن در خانه، خرید کیت تشخیص، خرید واکسن احتمالی و مانند آن هستند. بنابراین، گرچه کرونا امری جهانی است و تمام افراد را درگیر می‌کند اما در نهایت منحصر به عامه مردم بوده و برای آنها همچون سایر مشکلات ساختاری به‌شدت عینی، ساختاری و مربوط به قدرت است. با وجود این، ابعاد مخاطره‌ای کرونا تا حدی نیز جهانی بودند. هراس ناشی از واکسن احتمالی ساخته برخی کشورها و نیز مخاطرات محیط‌زیستی گرچه تا حدی از طریق درک روابط میان دولت-ملت‌ها نیز قابل تبیین است؛ اما در نهایت می‌توان آنها را ابعاد بین‌المللی مخاطره کرونا دانست. گرچه ماهیت ویروس کرونا مخاطره‌ای است اما امید به کشف واکسن می‌تواند امید جمعی و حتی احساس امنیت هستی‌شناختی را افزایش دهد.

از سوی دیگر، به دلیل وجود لایه‌های عقیدتی بسیار و نگرش اتوپایی در امیدورزی نوع خاصی از مخاطره مطرح گردیده است که می‌توان آن را «مخاطره آخرالزمانی» نامید. هم‌زمان شدن انفجار بیروت و نامشخص بودن دلیل آن مثل ویروس کرونا نگاه‌های آخرالزمانی رواج پیدا کرد. پاسخ‌های علمی نمی‌توانند کافی باشند و نگاه هزاره‌ای غلبه کرده است. بی‌ثباتی وضعیت خاورمیانه، دخالت سایر کشورها در امور آنها و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی این کشورها همگی باعث افزایش احساس مخاطره آخرالزمانی شده‌اند.



این شکل از مخاطره خود را در سطحی‌ترین شکل به‌صورت ادعاهای پیشگویی که گاه صورت سرگرمی‌گونه به خود می‌گیرد (مثلاً به‌وسیله کارتون سیمپسون‌ها و مانند آن در مورد اتفاقات بعدی پیشگویی‌هایی می‌شود) و در صورت تشدید به‌صورت تبلیغات مدعیان آخرالزمانی در فضای مجازی ایرانی نشان می‌دهد. افزایش این ادعاها در کنار ترس به‌دلیل نیاز جامعه به معنا و گسترش ملال در کنار سایر دلایل ذکر شده می‌تواند باشد.

سلسله‌وارشدن مخاطرات از جمله مواردی بود که باعث تشدید مخاطره کرونا شد. این مخاطرات که گاه تنها شایعه هستند شامل مخاطراتی که معمولاً یک نوع دیگری از بیماری فراگیر را اطلاع می‌دهند، هستند مانند رواج طاعون خیارکی، ویروس هانتا که توسط موش‌ها و جوندگان منتقل می‌شود و ... یا ابعاد جدیدی از مخاطره کنونی را نشان می‌دهند که باعث بی‌اعتمادی به دیگران، راه‌های پیشگیری و ... می‌گردد؛ مانند ترس از فروش متانول به جای اتانول، افزایش مسمومیت اعضای جامعه با الکل، ابتلای دوباره بیماران بهبودیافته و مواردی از این دست.

۴-۵. کرونا به‌عنوان یک ترس جمعی و هراس اخلاقی: هراس جمعی پدیده گروهی است که در آن، مردم با وحشت شدید فقط به خود فکر می‌کنند و معمولاً خود را در رفتارهای گسترده ضد اجتماعی مانند شورش، غارت و از بین بردن املاک نشان می‌دهند. اما هراس جمعی به‌طور معمول در طول همه‌گیری‌ها اتفاق نمی‌افتد و در آن حتی رفتارهای وابسته، حمایتی و اجتماعی بیشتر دیده می‌شوند. اما حتی در این صورت نیز مردم محتاط و دچار ترس از کمک به دیگران هستند (تیلور، ۲۰۱۹). داده‌ها نشان می‌دهند که خاصیت پراکنش عاطفه‌ای که در فضای مجازی وجود دارد باعث شده تا رفتارهای شفقت‌آمیز نمود بسیار بیشتری داشته باشند. تنها هنگامی که فرصت حضور، مشارکت و عاملیت به دلایل مختلف از نبود ساختارهای قانونی برای فعالیت‌های مدنی و گفت‌وگو و در نهایت به چالش کشیدن قدرتمندان به‌خاطر اشتباهات‌شان در سطح جمعی وجود داشته باشد عاطفه مثبتی همچون امیدورزی از ترس جمعی به‌وجود خواهد آمد. در شرایط کرونایی چنین شرایط امیدواری لحظه‌ای بودند. به‌طورمثال، در هم‌افزایی ترس‌های ساختاری پیشین با کرونا تعلیق کنکورها، همراهی با برخی مشاغل، تجدیدنظر در پرونده‌های قضایی که افکار

عمومی خواهان آن بودند، تعلیق بازگشایی مدارس و مواردی از این دست می‌توانست امیدبخش باشد که تنها تا حدودی در دو مورد اول اتفاق افتاد.

در زمان رواج کرونا اتفاق مهم در هراس اخلاقی، عوض شدن جایگاه گروه‌های انتقالی در تعریف شیاطین قوم و به عبارتی معکوس شدن جهت‌گیری آن بود که می‌توان آن را «هراس اخلاقی معکوس» نامید. گرچه بر طبق مدل عمودی هراس اخلاقی در اینجا همچنان یک مسئله کلی موجب هراس کلیت جامعه شده اما این بیماری تبدیل به مسئله‌ای فراتر گشته و با تمامی مسائل ساختاری در کشور درهم‌تنیده شده است. در اینجا کلیت جامعه، مسئولان کشور و صاحبان قدرت اقتصادی را تبدیل به شیطان قوم ساخته است. به‌طورمثال، همان‌طور که حاکمیت به دلیل اعلام دیرنگام ورود و ویروس به کشور به‌خاطر تلاقی آن با راهپیمایی سالگرد پیروزی انقلاب یا انتخابات مجلس مورد محاکمه قرار می‌گرفت، هوپیمایی ماهان نیز به دلیل تردد به چین پس از اعلام ورود و ویروس به کشور مورد مواخذه قرار گرفت و به‌عنوان شیطان قوم شناخته شد. علاوه بر این، همراهی نکردن حاکمیت با افکار عمومی در موارد ذکر شده در بالا نیز از حاکمیت شیطان قوم ساخت زیرا گرچه مستقیماً به کرونا مربوط نبودند اما می‌توانستند امیدبخش باشند.

علاوه بر نفرت کلی نسبت به دارندگان قدرت، نوعی هراس اخلاقی مبتنی بر انزجار نیز در مفهوم فاصله اجتماعی شکل گرفت. به گفته احمد (۲۰۰۴) برخلاف نفرت که می‌تواند در مسافت‌های دور نیز تجربه شود، انزجار نیازمند تماس‌های نزدیک افراد به شکل خطرناکی است. انزجار نمی‌تواند با بازیابی بدن‌ها ناپدید گردد بلکه یادآورکننده فاصله‌هایی است که باید رعایت می‌شدند. برخلاف نفرت که به روش‌های احساسی برخی بدن‌ها را به‌عنوان «دیگری» نشانه‌گذاری می‌کند، ترس از طریق منع کردن افراد از بدن‌های دیگران عمل می‌کند. ترس از طریق محدودسازی برخی بدن‌ها فواصل مفروض بین بدن‌ها را دوباره تعیین می‌کند. ترس از طریق مشمول کردن بدن‌های دیگران و افزایش سیالیت موضوع ترس عمل می‌کند. محدود ساختن بدن‌های مورد نفرت، نتیجه سیاست عاطفی ترس است (احمد، به نقل از: والبی و اسپنسر، ۲۰۱۱) هراس نسبت به تنفس عزیزترین افراد زندگی، پخش تصاویر مبتلایان و مرگ افراد به‌طور ناگهانی در گوشه‌گوشه شهرها و شیوه



خاک‌سپاری که موجب ترس همراه با انزجار نسبت به «دیگری» می‌شد، باعث می‌شد از یک طرف به دلیل عدم همراهی با مشاغل فرودست، عدم حمایت مالی مناسب از طبقات پایین و ... نسبت به حاکمیت نفرت ایجاد شود و از طرف دیگر، نسبت به هر فرد دیگر انزجار به وجود بیاید.

۶. نتیجه‌گیری

ورود کرونا به ایران با تمام مسائل ساختاری و زمینه‌های موجود موجب گسترش ساختارهای عاطفی پیشین و به‌طور خاص امید و اضطراب شد که شبکه‌های اجتماعی به‌خوبی آنها را انعکاس می‌دهند. با این وجود، شیوع این ویروس از جمله لحظات تاریخی بود که توانست امید عمومی، که برخاسته از حاکمیت است و امید جمعی که مربوط به تمامی گروه‌های جامعه می‌شود، را در مقابل یکدیگر قرار دهد. در نهایت، این تقابل پیروزی ندارد و حتی هر دو نوع امید دچار گسست از درون شده‌اند. علاوه بر این با وجود حضور نسبی امیدورزی انتقادی در میان کاربران ایرانی فضاهای شبکه‌ای، نیروهای امید جمعی قدرت کافی برای مبارزه همه‌جانبه با گسترش و کنترل بیماری را ندارند. در شرایط فوق، امیدورزی بیشتر به سمت برساخت قهرمان و اتوپایی شدن میل کرده است. از طرفی شوخی که نیروی مؤثری برای امیدورزی در جامعه ایرانی است، از طریق طنز بینامتنی به‌صورت امر کارناوالی درآمده است، به‌طوری‌که دیگر جهت شوخی مشخص نیست. امید عاملانه خود را به‌صورت افزایش سرگرمی‌ها در دوران قرنطینه، کمپین‌ها و چالش‌هایی نیز نشان داد اما تهدیدشدن توسط نیروهای استراتژی و نیز افتادن در دام بی‌معنایی حاصل از فراغت محوری بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به آن وارد ساخت.

امیدورزی با اضطراب پیوند نزدیکی دارد. افزایش امید جمعی همواره می‌تواند اضطرابی را که نیروهای ساختاری به‌وجود آورده‌اند کاهش دهد. اضطراب‌های ساختاری موجود (مانند مشکلات اقتصادی (تورم)، احساس بی‌عدالتی قضایی که در هشتگ‌های مختلف خود را نشان می‌دهد) با اضطراب کرونا تلفیق شده و باعث افزایش اضطراب ساختاری شده است. اضطراب فوق هم برآمده از ضعف‌های ساختاری سیاسی، اقتصادی



و سیاست‌گذارانه و هم مربوط به کم‌توجهی و سهل‌انگاری‌های عامه مردم است. هراس‌های جمعی تنها زمانی که فرصت گفت‌وگو با قدرت و عاملیت وجود داشته باشد می‌توانند به امید تبدیل شوند، در غیر این صورت به تقویت اضطراب ناشی از ناکامی می‌انجامند که خود رابطه دیالکتیکی با اضطراب وجودی دارد. کاربران برای کاهش اضطراب وجودی تلاش می‌کنند تا اضطراب وجودی را به اضطراب بصری کاهش دهند، اما از آنجا که اضطراب وجودی رابطه مستقیمی با اضطراب‌های ساختاری دارد که افراد در برابر آنها عاملیتی نداشته و راه‌های فرار آنها از این اضطراب سطحی هستند به‌زودی دچار اضطراب شدیدتری می‌گردند. از طرف دیگر کرونا در ایران با امر مخاطره‌ای مورد نظر اولریش بک تفاوت‌هایی دارد؛ در ایران مخاطراتی همچون کرونا گرچه ابعاد بین‌المللی و ذهنی دارند که به‌طور مثال خود را در منشأ پیدایش ویروس، ارتباط با سایر فرهنگ‌ها، ابعاد زیست محیطی و آلودگی‌های جهانی در زمان کرونا نشان می‌دهد، اما در نهایت وابسته به نیروهای ساختاری و بنابراین عینی و ملی هستند. همین مسئله باعث شده تا در تجربه کرونا به‌عنوان یک هراس اخلاقی، قدرتمندان به‌عنوان شیاطین قوم شناخته شوند. در مجموع گرچه کرونا فرصت‌های جدیدی برای تولید، نمایش و تفسیر عواطفی همچون امید و ترس را فراهم ساخته اما این ابرازگری‌ها همچنان در امتداد ساختار عاطفی پیشین و بازتولید کننده ساختارهای کلان جامعه ایرانی است.



ذکایی، محمدسعید؛ و ویسی، سیمین (۱۳۹۸). گفتمان‌های امید در شبکه‌های اجتماعی، در هادی خانیکی، امید اجتماعی، چیستی، وضعیت و سبب‌شناسی، (صص ۲۰۵-۱۷۵)، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

طاهری‌کیا، حامد (۱۳۹۹). فرهنگ دیجیتال و مطالعات بصری: نوستالژی و خیالبافی در رخداد شیوع ویروس کرونا در ایران. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۹۱-۱۲۲.

doi:10.22035/isih.2020.3847.3978

Ahmadi, K., & Ramezani, M. A. (2020). Iranian emotional experience and expression during the COVID-19 crisis. *Asia-Pacific Journal of Public Health*, 32(5), 285-286. doi:10.1177/1010539520937097

Alexander C., J. (2009). *Remembering the Holocaust: A debate*. New York: Oxford University Press.

Alexander, C, J. (2013). *Trauma: A social theory*. Cambridge: Polity Press.

Asmundson, G. J., Paluszek, M. M., Landry, C. A., Rachor, G. S., McKay, D., & Taylor, S (2020). Do pre-existing anxiety-related and mood disorders differentially impact COVID-19 stress responses and coping? *Journal of Anxiety Disorders*, 74, 102271. doi:10.1016/j.janxdis.2020.102271

Beck, U. (1992). *Risk Society: Toward a new modernity*. London: Sage Publication.

Braithwaite, V. (2004). The hope process and social inclusion. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 592(1), 128-151. doi:10.1177/0002716203262096

Duan, C., Linder, H., & Huremović, D. (2019). Societal, public, & [Emotional] epidemiological aspects of a pandemic, In D. Huremović (Ed.), *Psychiatry of Pandemics: A Mental Health Response to Infection Outbreak* (pp: 45-53). Springer. <https://www.springer.com/gp/book/9783030153458>

Ernest. J.R. (2017). *Remarks on existentialism: Boredom, anxiety and freedom*. Lulu.com.

Eyerman, R. (2004). Jeffrey Alexander & the cultural turn in social theory. *Thesis Eleven*, 79(1), 25-30, doi:10.1177/0725513604046953

Frazzetto, G. (2014). *Joy, guilt, anger, love: What neuroscience can and can't tell us about how we feel*. London, UK: Penguin book.

Goode, E., & Ben Yehuda, N. (2011). Grounding & defending the sociology of moral panic. In S. P. Hier (Ed.), *Moral panic and the politics of anxiety* (pp: 20-36), London: Routledge.

Huberman, M., & Miles, M. B. (2002). *The qualitative researcher's companion*. London: Sage Publication.

Jetten, J., Reigher, S.D., Haslam, S.A., & Gruwys, T. (2020). *Together apart: The psychology of Covid-19*. London: Sage Publication.





- Kierkegaard, S. (1980). *The concept of anxiety*. New Jersey: Princeton University Press.
- Le bon, G. (2001). *The crowd: A study of the popular mind*. Mineola, New York: Dover publication, INC.
- Lueck, M. A. (2007). Hope for a cause as cause for hope: The need for hope in environmental sociology. *The American Sociologist*, 38(3), 250-261. doi:10.1007/s12108-007-9017-7
- McBride III, L. A. (2018). Anger & approbation, In (Eds.) Cherry. M & Flangan, O. *The Moral Psychology of Anger*, New York: Rowan Littlefield.
- Miller, W. I. (1997). *The anatomy of disgust*. Cambridge, London: Harward University Press.
- Moghanibashi-Mansourieh, A. (2020). Assessing the anxiety level of Iranian general population during COVID-19 outbreak. *Asian Journal of Psychiatry*, 51(102076). doi:10.1016/j.ajp.2020.102076
- Muldoon, O. (2020). Collective trauma, In (Eds.) Jetten, J., Reigher, S.D. Haslam, S.A & Gruwys, T., *Together Apart: The Psychology of Covid-19*. London: Sage Publication.
- Özdin, S., & Bayrak Özdin, Ş. (2020). Levels & predictors of anxiety, depression & health anxiety during COVID-19 pandemic in Turkish society: The importance of gender. *International Journal of Social Psychiatry*, 66(5), 504-511. doi:10.1177/0020764020927051
- Pink, S., Horst, H., Postill, J., Hjorth, L., Lewis, T., & Tacchi, J. (2016). *Digital ethnography: Principles & practice*. London: Sage Publication.
- Skoll, G. R. (2010). *Social theory of fear, terror, torture and death in a post capitalist world*. Palgrave, Macmillan.
- Taylor, S. (2019). *The psychology of pandemics: Preparing for the next global outbreak of infectious disease*. Cambridge Scholars Publishing.
- Toohy, P. (2011). *Boredom: A lively history*. Yale University Press.
- Trzebiński, J., Cabański, M., & Czarnecka, J. Z (2020). Reaction to the COVID-19 pandemic: The influence of meaning in life, life satisfaction, & assumptions on world orderliness & positivity. *Journal of Loss & Trauma*, 25(6-7), 544-577. doi:10.1080/15325024.2020.1765098
- Victor, G. S., & Ahmed, S (2019). The importance of culture in managing mental health response to pandemics. In Ed Huremović, D *Psychiatry of pandemics: A mental health response to infection outbreak* (pp: 55-64). New York: Springer, Cham.
- Walby, K., & Spencer, D. (2011). How emotions matter to moral panic, In S. P. Hier (Ed.), *Moral panic and the politics of anxiety* (pp: 104-117). London: Routledge.
- Webb, D. (2007). Modes of hoping. *History of the Human Sciences*, 20(3), 65-83. doi: 10.1177/0952695107079335



چالش‌های حقوقی حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در کنترل بیماری‌های واگیر؛ مطالعه موردی کووید-۱۹

غلامعلی قاسمی^{۱*}، محمد عاکفی قاضیانی^۲

دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۳؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

چکیده

بیماری کووید-۱۹ اقتصاد جهانی را با چالش‌هایی، از جمله در حوزه سرمایه‌گذاری مواجه ساخته است. دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل موظف به حفظ سلامت و امنیت شهروندان هستند، اما وضع تدابیر حمایت از سلامت عمومی در کنترل بیماری‌ها منجر به ورود خسارات متعدد به فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌گذاران می‌گردد. عمده دولت‌ها در دوران امر بین حمایت از سلامت عمومی و سرمایه‌گذاری خارجی، اولی را انتخاب کرده و تدابیر ضروری و فوری اتخاذ نموده‌اند. این مقاله با ماهیت کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال بوده که در جریان همه‌گیری، و به تبع آن، وضع قوانین بهداشتی و اعلام وضعیت اضطراری، تکلیف سرمایه‌گذاری‌های خارجی که متحمل خسارت شده‌اند چیست و چگونه تدابیر دولت‌ها قابلیت توجیه دارد؟ پس از ارائه مقدمه‌ای از این بحران اقتصادی، این موضوع در سه بخش (۱) تعهدات بین‌المللی در کنترل بیماری‌های واگیر؛ (۲) ابعاد حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی؛ و (۳) چالش‌های حل و فصل اختلافات مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این نتیجه حاصل شد که دولت‌ها موظف به کنترل و مقابله با بیماری‌های واگیر بوده و از این رو مطابق مقررات بین‌المللی سلامت، اعلام وضعیت اضطراری و دیگر محدودیت‌ها نه تنها توجیه‌پذیر، بلکه تعهدی بین‌المللی و قابل رسیدگی است. از طرفی سیل دعاوی سرمایه‌گذاری علیه دولت‌های میزبان از تهدیدات جدی قلمداد می‌گردد. فارغ از عدم قطعیت فعلی، که ناشی از فقدان احکام صادر شده از سوی مراجع بین‌المللی در این خصوص می‌باشد، مجموعه موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری، حقوق بین‌الملل عرفی و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها از جمله مؤلفه‌هایی هستند که مبنای تصمیمات محاکم در جریان این دعاوی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: کووید-۱۹، اقتصاد، سرمایه‌گذاری خارجی، مسئولیت بین‌المللی، موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری

۱. گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

ghasemi@qom.ac.ir ✉

۲. گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

۱. مقدمه

بیماری‌های واگیر تا اوایل قرن بیستم، که بیماری‌های مزمن تحلیل برنده^۱ از آن‌ها پیشی گرفت، شایع‌ترین تهدید علیه سلامت بشر محسوب می‌شد (برتو، تکسیرا و کارمو^۲، ۲۰۰۶، ۱۹۲). منظور از بیماری‌های واگیر، بیماری‌هایی است که از طریق تماس مستقیم و یا غیرمستقیم با انسان، حیوانات و اشیاء منتقل می‌شود. این بیماری‌ها به دو دسته کشنده و غیرکشنده تقسیم می‌شود: ابولا، ایدز، سارس و کووید-۱۹ از اقسام کشنده آن و تبخال و برفک هم از نوع غیرکشنده می‌باشد (فروغی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۲۷). در تعریف سازمان بهداشت جهانی، «بیماری‌های واگیر یا عفونی^۳، بیماری‌هایی هستند که از طریق میکروارگانیسم‌هایی چون باکتری، ویروس، انگل و یا قارچ‌هایی که قابلیت شیوع دارد، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از یک فرد به فردی دیگر منتقل می‌شود» (سازمان بهداشت جهانی، دفتر منطقه‌ای آفریقا^۴، ۲۰۲۰). وبا و طاعون از برجسته‌ترین این بیماری‌ها قلمداد می‌شود که تاکنون جمعیت انسانی عظیمی را در اروپا از بین برده است. امروزه تهدید بیماری‌های واگیر رو به افزایش بوده و باعث تلفات بسیاری می‌شود (فروغی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۲۷).

شیوع بیماری‌هایی چون مرس، سارس و کووید-۱۹، رویکرد جوامع بشری، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را تحت‌تأثیر قرار داده است؛ به‌عنوان مثال بیماری سارس، در سال ۲۰۰۳ قریب به ۷۷۴ نفر قربانی گرفت. تنها در نیم قرن اخیر قریب به ۳۳۵ بیماری عفونی نوظهور شناسایی شده است؛ همچنین بیماری‌های واگیر قدیمی نیز در برخی مناطق شیوع دوباره پیدا کرده است (گوستین^۵، ۲۰۱۴، ۳۵). از همین رو، سازمان بهداشت جهانی، که مبارزه با بیماری‌های واگیر را از وظایف اصلی خود می‌داند، به بازنگری مقررات بین‌المللی بهداشت^۶ پرداخته است که «چارچوب حقوقی و اجرایی مبارزه با همه‌گیری بیماری‌ها» را شکل می‌دهد (زیدار^۷، ۲۰۱۵، ۵۰۵).



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۳۲

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰

1. chronic degenerative disease
2. Barreto, Teixeira & Carmo
3. infectious disease (communicable disease)
4. WHO - Regional Office for Africa
5. Gostin
6. International Health Regulations, 2005
7. Zidar



و ویروس کرونا خانواده‌ای از ویروس‌هاست که می‌تواند منجر به بیماری‌هایی از یک سرماخوردگی ساده تا انواع بسیار شدید بیماری‌های تنفسی منجر به مرگ، چون سارس گردد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۲۰). از زمان وقوع سندرم تنفسی حاد شدید سارس^۱ در سال ۲۰۰۳، چند نوع ویروس کرونی انسانی جدید شناسایی شده است که همگی عفونت تنفسی ایجاد کرده و در سرتاسر جهان پخش می‌شوند (سلیمان میگونی، ۱۳۹۲، ۴۹).

در دسامبر سال ۲۰۱۹ مواردی از عفونت شدید تنفسی با علائمی شبیه به ویروس سارس و مرس، در شهر ووهان چین گزارش شد. بررسی‌های بعدی حاکی از این بود که منشأ این بیماری از بازار غذاهای دریایی، طیور و حیوانات زنده واقع در شهر ووهان در در مرکز چین بوده است (گرالینسکی و منچری^۲، ۲۰۲۰، ۲). این ویروس «کووید-۱۹» در خانواده ویروس کرونا تعریف شد که سومین نوع واگیر آن در چند دهه گذشته است (محدث اردبیلی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۴۹-۱۴۶). به دنبال شیوع این ویروس سازمان بهداشت جهانی در مارس ۲۰۲۰ همه‌گیری جهانی آن را به‌طور رسمی اعلام کرد. به‌رغم تمامی فرضیه‌های کارشناسان درخصوص منشأ جانوری برای این ویروس، تاکنون منشأ پیدایش آن ناشناخته باقی مانده است (گرالینسکی و منچری، ۲۰۲۰، ۲). اگر چه برخی مقامات عالی‌رتبه دولت ایالات متحده، از جمله رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه، به وجود شواهد قوی دال بر منشأ آزمایشگاهی این ویروس اشاره داشته‌اند، اما به اذعان دفتر اداره اطلاعات ملی^۳ ویروس ساخته دست بشر نبوده است. به‌هرحال، درخصوص اینکه ویروس از حیوان به انسان منتقل شده و یا اینکه زائیده اتفاقی در آزمایشگاه بوده، تاکنون قطعیتی حاصل نشده است (دیلانین، کوبه، و لی^۴، ۲۰۲۰).

برخی نویسندگان بیان داشته‌اند که از همان «اواخر دسامبر سال ۲۰۱۹ که برخی موارد پنومونی در ووهان گزارش شد، دولت و محققان حوزه بهداشت در چین اقدامات سریع را برای کنترل همه‌گیری آن انجام داده و تحقیقات اتیولوژیک را آغاز کرده‌اند» (احمدی و گرکز،

1. Severe acute respiratory syndrome

2. Gralinski & Menachery

3. Office of the Director of National Intelligence (DNI)

4. Dilanian, Kube & Lee



۱۳۹۹، ۲۸). به‌علاوه، گروهی از صاحب‌نظران نیز وقفه چند هفته‌ای دولت چین در مقابل تماس‌های سازمان بهداشت جهانی در ابتدای شیوع این بیماری را ناشی از تصمیم دولت چین برای فرصت دادن به متخصصین این کشور جهت شناسایی ابعاد و ماهیت قضیه قلمداد نموده‌اند (آقامحمدی، ۱۳۹۹، ۷۵). بااین حال، اظهارات راجع به مسئولیت دولت چین در این رابطه صرفاً در حد ادعایی اثبات نشده بوده و تاکنون ارزش حقوقی و قضائی قابل‌اعتنایی پیدا نکرده است.

در راستای توقف و کاهش شیوع این بیماری، دولت‌ها آزادی تردد شهروندان را تعلیق کرده محدودیت‌هایی وضع نمودند. همچنین مدارس، معابد و مراکز فعالیت تجاری تعطیل و در برخی کشورها وضعیت اضطراری ملی^۱ اعلام شد (امونز^۲، ۲۰۲۰). تاکنون قریب به سه میلیون نفر در جهان در اثر این بیماری جان خود را از دست داده‌اند (نیویورک تایمز^۳، ۲۰۲۱).

وقوع این حجم از خسارات جانی و مالی، اذهان حقوق‌دانان را به مسئله حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی، که ممکن است تحت تأثیر تعهدات دولت‌ها در مقابله و کنترل این بیماری قرار گیرد، رهنمون ساخته است. چرا که دولت‌ها به‌عنوان تابعین اصلی حقوق بین‌الملل، درخصوص پیشگیری و جلوگیری از شیوع بیماری‌ها و همچنین همکاری به‌موقع با سازمان‌های تخصصی بین‌المللی تکالیف متعددی را متعهد شده‌اند؛ حال آنکه چنین تدابیری در بسیاری موارد منافع سرمایه‌گذاران خارجی را تهدید و یا حداقل به‌صورت جدی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

گرچه اخیراً برخی مقالات در این باره به رشته تحریر درآمده است، اما به تمایز مهم میان حق سلامت و تعهد به کنترل و مبارزه با بیماری‌های واگیر توجه کافی نشده است. مسئله پیشگیری، کنترل بیماری‌های واگیر، اعلان موارد بحران سلامت عمومی، و حسب مورد، ارائه خدمات فوری پزشکی و اعلام وضعیت‌های اضطراری ملی که در برخی اسناد مرکزی حقوق بشر مرتبط با حق سلامت ذکر شده را باید به‌عنوان تعهدات مستقل و شعبه

1. National State of Emergency

2. Emmons

3. The New York Times



های حق سلامت شناسایی نمود که به‌طور خاص در شرایط بحران، اضطراب و با فوریت بالا مصداق می‌یابد؛ از این رو، اعمال این تعهدات ممکن است کسب‌وکار و مراودات تجاری و بانکی و دیگر شئون زندگی اجتماعی و اقتصادی را نیز با اختلال و خسارت مواجه سازد. این ویژگی شدت و فوریت، در دیگر تعهدات، ذیل حقوق سلامت برجستگی چندانی ندارد. همین ویژگی اضطراب و شدت در این‌گونه بیماری‌های واگیر است که در نهایت استناد به قوه قاهره و یا دیگر جهات رافع مسئولیت دولت‌ها را میسر می‌سازد. اگر دولت‌ها را تنها به موجب تعهدات ذیل حقوق سلامت ملزم به اتخاذ تدابیر بهداشتی و کنترل همه‌گیری بدانیم، نقش حقوقی بالقوه برای قواعد شناخته‌شده‌ای چون لاضرر^۱، تسبیب^۲ و یا دکترین مراقبت مقتضی را انکار کرده‌ایم؛ حال آنکه این قواعد خود به تنهایی می‌تواند موجبات مسئولیت دولت نسبت به شهروندان و یا حسب مورد سرمایه‌گذاران خارجی را فراهم آورد.

این مقاله با ویژگی میان‌رشته‌ای و با تشریح تبعات کم‌سابقه اقتصادی و سرمایه‌گذاری این بحران، به بررسی ابعاد حقوقی حمایت از سرمایه‌گذاری در این میان پرداخته است و با رویکرد توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای، به دنبال پاسخ به این سؤال است که در جریان همه‌گیری و به تبع آن وضع قوانین بهداشتی و اعلام وضعیت اضطراری برای کنترل این‌گونه بیماری‌ها، تکلیف جوانب حقوقی سرمایه‌گذاری‌های خارجی که متحمل خساراتی شده چیست و چگونه تدابیر دولت‌ها از جهت حقوقی قابلیت توجیه خواهد داشت؟

جهت ارائه پاسخ به این سؤال، مقاله در سه بخش پس از بحث درباره تعهدات دولت‌ها به موجب اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق عرفی، که اغلب ذیل قاعده لاضرر و دکترین مراقبت مقتضی تجلی می‌یابد، ابعاد حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی و چالش‌های حل و فصل اختلافات مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در نهایت، یافته‌های مقاله در بخش نتیجه‌گیری ارائه شده و این فرضیه اثبات می‌شود که تعهد دولت‌ها برای کنترل بیماری‌های واگیر و مقتضیات آن امری کاملاً موجه و ضروری است؛ اما ابعاد حقوقی

1. The No-harm principle
2. Principle of causation

حمایت از سرمایه‌گذاری، به تبع عوامل حقوقی^۱ و جهات واقعی در هر پرونده^۲ کاملاً ذواباد و در هر قضیه می‌تواند متفاوت باشد.

۲. تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در کنترل بیماری‌های واگیر

دولت‌ها نه تنها به طور ذاتی مسئول حمایت از شهروندان در مقابل وقایع آسیب‌رسان هستند، بلکه تعهدات حقوقی الزام‌آوری در این رابطه به موجب حقوق قراردادی و عرفی بر آنها مترتب است که در حوزه‌های حقوقی مختلفی قابل واکاوی است. درخصوص کنترل بیماری‌های واگیر تعهدات دولت‌ها بیشتر به موجب حقوق بشر و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی است.

۲-۱. تعهدات حقوق بشری دولت‌ها

قسمت مهمی از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در مبارزه با شیوع بیماری‌های واگیر برخاسته از حقوق بین‌الملل بشر است. حق حیات و حق بر سلامت از جمله حقوقی هستند که به شدت از همه‌گیری کووید-۱۹ تأثیر می‌پذیرد. به موجب مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۳ همه افراد حق ذاتی بر حیات دارند و این حق باید به موجب قوانین داخلی کشورها مورد حمایت قرار گیرد (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶، ماده ۶). عدم اعمال سیاست‌های سلامت عمومی از سوی دولت‌ها نیز می‌تواند منجر به نقض این حق گردد. دولت‌ها تکلیف ایجابی به حمایت و تضمین حق حیات داشته و ملزم به اتخاذ تدابیر لازم برای حمایت از حیات افراد و ممانعت از در خطر قرار گرفتن جان آنها در سرزمین خود هستند. این تکلیف شامل ارائه خدمات فوری پزشکی و همچنین مدیریت حوادث و وضعیت‌های اضطراری در شرائطی از قبیل بیماری‌های واگیر نیز می‌باشد. میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۴ حق همه افراد در برخورداری از بالاترین سطح ممکن از سلامت جسمی و روانی را به رسمیت شناخته است (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۶۶، ماده ۱۲، بند ۱). در جهت تحقق این مهم، دولت‌ها ملزم به



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۳۶

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰

1. Matter of law

2. Matter of fact (res facti)

3. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), 1966

4. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR), 1966



پیشگیری، معالجه و مقابله با بیماری‌های واگیر، بومی، شغلی و غیره شده‌اند (میشاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۶۶، ماده ۱۲، بند ۲، ج). در بسیاری از اسناد بین‌المللی از جمله ماده (۱۱) منشور اجتماعی اروپا^۱، ماده (۱۶) منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم^۲، و همچنین ماده (۱۰) پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در زمینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۳ نیز «حق بر سلامت» با ادبیاتی مشابه مورد تأکید قرار گرفته است (اصغرینا، ۱۳۹۵، ۴۱-۴۰). کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز دولت‌ها را ملزم به اجرای برنامه‌های آموزشی و پیشگیرانه درخصوص تهدیدات رفتاری متوجه سلامت دانسته است که در مورد کووید-۱۹ نیز مجری می‌باشد. بنابراین، اعمال محدودیت‌های اجتماعی و تعطیلی مراکز تجاری نه تنها از روی تدبیر عقلانی، که به موجب تکالیف حقوقی جهت حمایت از افراد جامعه وضع می‌گردد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۴ نیز برای دولت‌ها در کنترل بیماری‌ها، به‌طور جمعی و انفرادی قائل به تکلیف است. لذا دولت‌هایی که به اتخاذ تدابیر لازم در جلوگیری از شیوع بیماری کووید-۱۹ نمی‌پردازند، احتمالاً ناقض این تعهدات بین‌المللی می‌باشند. تمامی دولت‌ها در تحقق کامل حق بر سلامت، ملزم به سعی، اهتمام و بهره‌گیری حداکثری از منابع موجود می‌باشند (E/C.12/2000/4, Para.30). این تعهد شامل اتخاذ سیاست‌های ملی سلامت در راستای نیازهای بهداشتی تمامی افراد جامعه و اعمال تدابیر لازم برای پیشگیری، کنترل و درمان بیماری‌های واگیر نیز می‌باشد (E/C.12/2000/4, Paras.43-44)، (کوکو و دیاس^۵، ۲۰۲۰).

اساسنامه سازمان بهداشت جهانی^۶ نیز تعهدات مربوط به سلامت را در خود گنجانده است که تخطی از این مقررات می‌تواند برای دولت‌ها مسئولیت بین‌المللی به‌دنبال داشته

1. European Social Charter, 1996

2. African Charter on Human and Peoples' Rights, (Banjul charter), 1981

3. Additional Protocol to the American Convention on Human Rights in the area of Economic, Social, and Cultural Rights (Protocol of San Salvador), 1988

4. Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), 1985

5. Coco & Dias

6. WHO Constitution, 1946



باشد. در همین راستا مقررات بین‌المللی بهداشت در حمایت جهانی از نژاد بشر، در مقابل شیوع بیماری‌ها تصویب شده است (مقررات بین‌المللی بهداشت، ۲۰۰۵، ماده ۳، بند ۳). همچنین دولت‌ها موظف به توسعه، تقویت و نگهداری زیرساخت‌های تشخیص، نظارت، گزارش و اعلان موارد بحران سلامت عمومی هستند (مقررات بین‌المللی بهداشت، ۲۰۰۵، ماده ۵). در مواقع بروز وضعیت اضطراری بهداشت عمومی با اهمیت بین‌المللی^۱، دولت‌های عضو سازمان موظف به اطلاع‌رسانی به سازمان به همراه جزئیات بیماری، تدابیر اتخاذ شده، موارد ابتلا و قربانیان، در حداکثر مدت زمانی ۲۴ ساعت از تشخیص وضعیت و به بهترین نحو ممکن می‌باشند (مقررات بین‌المللی بهداشت، ۲۰۰۵، ماده ۷-۶).

۲-۲. تعهدات حقوقی عرفی و دکترین مراقبت مقتضی

فارغ از مقررات حقوق معاهده‌ای، به موجب حقوق عرفی نیز دولت‌ها ملزم به کنترل بیماری‌های واگیر می‌باشند. به موجب قاعده‌ی لاضرر دولت‌ها ملزم هستند که از ورود خسارات فرامرزی به دیگر کشورها و اتباع ایشان، ممانعت به عمل آورده و خسارات را جبران نمایند (طرح پیش‌نویس مواد راجع به جلوگیری از خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک^۲، ۲۰۰۱، ماده ۲). به اقتضای این قاعده دولت‌ها موظف به اقدام هستند؛ فارغ از اینکه چنین تهدیداتی ناشی از فعالیت نهادهای دولتی یا خصوصی، اقدامات حقوقی یا غیرحقوقی و یا حوادث و بلایای طبیعی باشد. امروزه به‌رغم اینکه قاعده لاضرر، عمدتاً در حوزه محیط زیست و با تأکید بر پیشگیری و اتخاذ اقدامات احتیاطی پذیرفته می‌شود، در حقوق بین‌الملل به شکل عام نیز لازم‌الاتباع می‌باشد (طرح پیش‌نویس مواد راجع به جلوگیری از خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک، ۲۰۰۱، ۱۴۸-۱۴۹). شیوع بیماری کووید-۱۹ حائز تمامی این ویژگی‌ها است و امروز عواقب گسترده و زیان‌بار آن علیه سلامت عمومی با شیوه علمی به اثبات رسیده است. بنابراین، تمامی دولت‌ها متعهد به اتخاذ کارآمدترین تدابیر ممکن در ممانعت از شیوع آن و همچنین جلوگیری از شکل‌گیری بیماری‌های مشابه هستند (کوکو و دیاس، ۲۰۲۰).

1. Public Health Emergency of International Concern

2. Draft Articles on Prevention of Trans-boundary Harm from Hazardous Activities, 2001



طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها^۱ که ماهیت حقوقی عرفی نیز پیدا نموده، هر اقدام متخلفانه دولت‌ها را منجر به مسئولیت بین‌المللی دولت خاطی می‌داند و در تعریف «اقدام متخلفانه» آن را «هرگونه اقدام یا خودداری از اقدامی که نقض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها تلقی گردد و به موجب مقررات حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت باشد» دانسته است (طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ۲۰۰۱، ماده ۱-۲). اساساً رفتاری به دولت‌ها قابل انتساب خواهد بود که از طریق قانون‌گذاری، قوه مجریه و یا قوه قضائیه ارتکاب یافته باشد و یا هر عملکرد دیگری فارغ از جایگاه نهاد عامل در دولت مرکزی و یا در سرزمین تحت حاکمیت آن دولت باشد. بنابراین، در مورد کنترل ویروس کووید-۱۹ مسئولیت مقامات محلی به دولت‌های مرکزی نیز تعمیم می‌یابد؛ وانگهی امتناع عامدانه از کنترل و مقابله با شیوع این بیماری و همکاری با سازمان بهداشت جهانی و دیگر نهادهای بین‌المللی، نقض تعهد محسوب شده و موجب مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌گردد (طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ۲۰۰۱، ماده ۱۲، بند ۱۴).

لزوم اعمال مراقبت مقتضی^۲ هم از مسائل مبتلی به در رابطه با شیوع بیماری‌های واگیر است. به موجب این دکترین، معیار احراز مراقبت مناسب، حداقل استاندارد رفتاری مورد قبول دولت‌ها در پیشبرد اقدامات مشخص و در شرایط عادی است که به‌طور عمده ناظر بر کیفیت کلی سازوکارهای اجرایی دولت‌ها است. بنابراین، دکترین مراقبت مقتضی ماهیت تعهد به وسیله^۳ دارد و نتیجه خاصی را تضمین نمی‌نماید (هنگین^۴، ۲۰۰۳، ۱۶۵). مراقبت مقتضی از مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب^۵ است که ابعاد واکنش دولت به تهدیدات، یا ورود خسارات را ارزیابی می‌نماید و نیز دولت‌ها را ملزم به پیشگیری، توقف و جبران مناسب خسارات داخلی و فرامرزی می‌نماید. تعهد به شناسایی تهدیدات و انتشار اطلاعات از سوی دولت‌ها در مواقع شیوع بیماری‌های واگیر، از اصلی‌ترین الزامات دکترین مراقبت مقتضی در جریان شیوع کووید-۱۹ می‌باشد. هر چه شدت تهدید بیماری بیشتر باشد

1. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, (A/56/10)

2. Due diligence

3. Obligation of conduct

4. Hanqin

5. Good governance



دولت‌ها تکلیف بیشتری نسبت به پیشگیری، مقابله و جبران خسارات خواهند داشت (کوکو و دیاس، ۲۰۲۰).

امروزه سازوکار بین‌المللی قابل اطمینانی برای نظارت بر کیفیت مقابله با شیوع بیماری‌های واگیر وجود ندارد. با این وجود، برخی نهادها همچون مراکز پیشگیری و کنترل از بیماری‌ها^۱ با همکاری سازمان بهداشت جهانی تلاش‌هایی را برای حمایت از سلامت عمومی و مقابله با شیوع بیماری‌ها در سطح ملی و بین‌المللی به کار بسته‌اند (املی^۲، ۲۰۱۵، ۲۰).

دولت‌ها نسبت به اتباع و سرمایه‌گذاری‌های دولت‌های دیگر نیز در این رابطه مسئولیت دارند؛ همان‌گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه تنگه کرفو بیان داشته: «هیچ دولتی نباید اجازه دهد که سرزمینش برای اعمال اقدامات نافه حقوق دیگر دولت‌ها مورد استفاده قرار گیرد؛ دولت‌ها برای جبران خسارات مادی و معنوی این اقدامات متخلفانه مسئولیت دارند» (طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ۲۰۰۱، ماده ۳۱). جبران خسارات می‌تواند به شکل اعاده وضعیت، غرامت، جلب رضایت و یا تضمین عدم تکرار اقدام متخلفانه باشد (سرکار^۳، ۲۰۲۰).

متعاقب اعمال همین تعهدات در کنترل این بیماری است که دولت‌ها گستره‌ای از مقررات منع آموشد و یا تعطیلی فعالیت کارگاه‌ها و شرکت‌های اداری، سرمایه‌گذاری و خدماتی را وضع نموده‌اند. به‌خاطر همین محدودیت‌های پیشگیرانه بود که در بسیاری موارد به کسب‌وکار، تجارت و سرمایه‌گذاری‌ها خسارات مالی و یا حسب مورد عدم‌النفع وارد آمد. اما چه ترتیبات حقوقی برای حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در جریان شیوع بیماری‌های واگیر با چنین ابعادی وجود دارد؟

۳. همه‌گیری کووید-۱۹ و ابعاد حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی

فارغ از تمامی ابعاد بهداشتی و اقتصادی شیوع کووید-۱۹، روابط بین‌المللی دولت‌ها نیز به‌شدت متأثر شده است. از جمله اینکه روند مذاکرات سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه

1. Centers for Disease Control and Prevention (CDC)

2. Ameli

3. Sarkar



زیرساخت‌ها به‌طور موقت تعلیق شد؛ فعالیت شرکت‌ها کساد و جریان انتقال سرمایه در بسیاری مناطق متوقف شد (مازولی^۱، ۲۰۲۰، ۴).

کمیسیون اروپا در جریان همه‌گیری ویروس کووید-۱۹، در مارس ۲۰۲۰ دستورالعمل نظارت بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۲ را با ماهیت غیرالزام‌آور صادر کرد. در این سند تلاش‌های سرمایه‌گذاران خارج از اتحادیه اروپا در جهت به دست آوردن تسلط بر تولید کالاهای اساسی به‌خصوص محصولات بخش بهداشت و درمان در این اتحادیه، به‌عنوان تهدیدی فزاینده تلقی گردیده است. این سند خواهان اتخاذ تدابیر نظارتی بی‌سابقه در حمایت از زیرساخت‌های حیاتی سلامت، تأمین مواد مورد نیاز و موارد دیگری شده است که برای حفظ توانایی اتحادیه اروپا در پاسخگویی به نیازهای سلامت و بهداشت شهروندانش ضرورت دارد. از جمله این تدابیر، رعایت حداقل‌های نظارتی چون: شفافیت مقررات و روند سرمایه‌گذاری، عدم تبعیض نسبت به دولت‌های ثالث، محرمانگی اطلاعات مندرج در اظهارها، ارزیابی قضائی تدابیر نظارتی و تدابیر پیشگیری از دور زدن سازوکارهای نظارتی در این رابطه است. این مقررات گرچه ماهیت اجباری برای دولت‌های عضو اتحادیه ندارد، اما از اعضا خواسته شده است که به آن به شکل حداکثری ترتیب اثر داده و در مواردی که از آن متابعت نمی‌کنند به کمیسیون توضیحاتی ارائه نمایند. در صورتی که بر این سرمایه‌گذاری‌ها نظارت نباشد، کمیسیون یا هر یک از اعضا ممکن است آن را مضر به امنیت یا نظم عمومی تشخیص داده و تا پانزده ماه پس از تحقق آنها نقطه نظرات خود را ارائه دهند و دولت میزبان سرمایه باید به این نگرانی‌ها توجه لازم را مبذول دارد. تا مارس ۲۰۲۰ قریب به ۱۵ دولت عضو اتحادیه، اعمال سازوکارهای نظارتی خود را اعلام داشته‌اند. به‌رغم اینکه این نهاد به‌طور سنتی مخالف دخالت در تعاملات اعضا بوده است، این سند گامی در پیشبرد جایگاه کمیسیون اروپا در نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ارتقای هماهنگی در این حوزه محسوب می‌شود؛ البته این سند تصمیم نهائی در این خصوص را به خود دولت‌ها واگذار کرده است (کمیسیون اروپا^۳، ۲۰۲۰).

1. Mazzuoli

2. Guidance to the Member States concerning foreign direct investment and free movement of capital from third countries, and the protection of Europe's strategic assets, (C/2020/1981 final).

3. EU Commission



برخی دیگر از دولت‌ها نیز به‌طور جداگانه و با اهدافی چون پیشگیری از ورشکستگی شرکت‌ها، به اتخاذ تدابیری از جمله ملی کردن^۱ شرکت‌ها پرداخته‌اند که سلب مالکیت شرکت ایتالیا در کشور ایتالیا، تنها یکی از این موارد است (گایلارد و بنی فاطمی^۲، ۲۰۲۰). بدین ترتیب همه‌گیری ویروس کووید-۱۹، عواقب اقتصادی و اجتماعی جهانی و سهمگینی به بار آورده است؛ تا جایی که این بحران را به اصطلاح «تعطیلی بزرگ»^۳ خوانده‌اند (صندوق بین‌المللی پول، دپارتمان تحقیقات^۴، ۲۰۲۰، ۷).

از منظر اقتصادی شیوع جهانی این ویروس و اتخاذ تدابیر سلامت جمعی در مقابله با آن موجب کاهش نرخ تقاضا، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش مخارج دولت‌ها و همچنین کاهش نرخ صادرات کشورها شده است (اونیکوینا و اِکروچه^۵، ۲۰۲۰). برآورد صندوق بین‌المللی پول از مجموع خسارات تولید ناخالص جهانی^۶ ناشی از همه‌گیری این ویروس در بازه زمانی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۱ قریب به ۹ تریلیون دلار تخمین زده می‌شود. این بحران، شدیدترین رکود اقتصادی جهان، از زمان وقوع «رکود بزرگ»^۷ و به مراتب بزرگ‌تر از بحران مالی جهانی در دهه گذشته قلمداد می‌گردد (صندوق بین‌المللی پول- دپارتمان تحقیقات، ۲۰۲۰، ۷).

در مواردی شیوع ویروس کرونا منجر به تسهیل برخی دشواری‌های معمول پیش روی سرمایه‌گذاران نیز شده است؛ برای مثال حل و فصل آنالاین اختلافات^۸، از جمله از طریق ویدئوکنفرانس و برگزاری دادگاه‌های آنالاین، را می‌توان نام برد. از آنجا که سرعت و دقت در دادرسی یکی از مشخصه‌های اصلی در تأمین اهداف نظام قضایی است، دادرسی

1. Nationalization

2. Gaillard & Banifatemi

3. The Great Lockdown

4. International Monetary Fund-Research Dept.

5. Onyekwena & Ekeruche

6. Global Gross Domestic Product

۷. رکود بزرگ (The Great Depression) به رکود اقتصادی کلان بین‌المللی در سال‌های ۱۹۲۹ الی ۱۹۳۹ اشاره دارد که طولانی‌ترین و شدیدترین رکود اقتصادی که جهان صنعتی غرب متحمل شده توصیف می‌شود و باعث شکل‌گیری تحولات اساسی در نهادها و نظریات اقتصادی و همچنین سیاست اقتصاد کلان شد (Duignan, 2013, 1-3).

8. Online dispute resolution



الکترونیکی در واقع تحولی در کیفیت دادرسی و به نوعی اعتراض به اطاله دادرسی سنتی قلمداد می‌شود (اسمعیلی و پورقهرمانی، ۱۳۹۸، ۳۰). این روند پس از شیوع کووید-۱۹ سرعت گرفته و با جدیت مضاعفی دنبال می‌شود و احتمالاً در آینده منجر به فراگیری اعمال دادرسی دیجیتال در قوای قضائی بسیاری از کشورها خواهد شد. این امر تسریع در دادرسی آسان و از راه دور را برای سرمایه‌گذاران و دیگر اقشار جامعه بیش از پیش فراهم خواهد کرد (زلزینکو و سوردین^۱، ۲۰۲۰، ۲۰-۱۶).

در مجموع، این سیاست‌ها سرمایه‌گذاری خارجی و منافع مشروع سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین، ابعاد حمایت‌های حقوقی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی باید مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

۳-۱. حمایت‌های حقوقی از سرمایه‌گذاری خارجی

در گذشته مداخله دولت‌ها در اموال اتباع بیگانه یا سرمایه‌گذاران خارجی بیشتر به صورت مصادره واقع می‌شد، اما در دهه‌های اخیر و در چارچوب موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری این امکان برای سرمایه‌گذاران خارجی به وجود آمده است که در موارد نقض استانداردهای حمایتی مندرج در این موافقت‌نامه‌ها از سوی دولت میزبان، در محاکم داوری یا قضائی داخلی و یا بین‌المللی به این مسئولیت دولت‌ها استناد نمایند (قنبری جهرمی، وصالی محمود، ۱۳۹۴، ۳۴۰). این حمایت‌ها شامل پرداخت خسارت منصفانه، فوری و مناسب در مواقع سلب مالکیت سرمایه‌گذاری، عدم اتخاذ تدابیر خودسرانه و توجیه‌ناپذیر در رابطه با این سرمایه‌گذاری‌ها، احقاق حق سرمایه‌گذاران خارجی، اجرای مقررات قراردادهای سرمایه‌گذاری، عدم تبعیض، عدم اعمال الزامات اجرائی، تضمین نقل و انتقال آزادانه سرمایه و غیره می‌باشد (گایلارد و بنی فاطمی، ۲۰۲۰).

به‌طور کلی دولت‌ها در اعمال وظائف اداری و انتظامی خود مختار به وضع مقرراتی هستند که در فعالیت خصوصی اشخاص (از جمله سرمایه‌گذاران) موثر واقع می‌شود. اصولاً این‌گونه اقدامات موجب مسئولیت دولت نخواهد بود، مگر اینکه به شکل فاحشی تبعیض‌آمیز باشد، با اهداف خاص باشد و یا برای ضرر زدن به سرمایه‌گذار اتخاذ شده باشد. دیوان داوری لاهه در

1. Zelezinkow & Sourdin



چند پرونده به این موضوع تصریح داشته است. از جمله در پرونده سدکو علیه شرکت ملی نفت ایران بیان شد: «مطابق اصل مستقر در حقوق بین‌الملل، دولت‌ها از بابت ضررهای اقتصادی ناشی از مقررات عمومی که با حسن نیت و در محدوده اختیارات انتظامی^۱ آنان وضع شده مسئول نمی‌باشند»^۲. حتی اگر سرمایه‌گذاران خارجی از این تدابیر متحمل خساراتی گردند، کاربرد منصفانه اختیارات پلیسی دولت، موجب مسئولیت نیست. در قضیه شرکت فیلیپ موریس علیه دولت اروگوئه^۳ نیز دیوان داوری ایکسید^۴ حکم کرد که سیاست‌های دولت اروگوئه در حمایت از سلامت عمومی، خودسرانه نبوده و در جهت حمایت از سلامت عمومی و مطابق با تعهدات ملی و بین‌المللی این دولت بوده است (رنجان^۵، ۲۰۱۹، ۱۰۸-۱۰۷). در سال‌های اخیر در چندین پرونده در دعاوی ناشی از سرمایه‌گذاری بین‌المللی این اصل لحاظ شده است؛ بنابراین، لازم است بین اقدامات دولت در اعمال وظایف و سیاست‌هایش که ممکن است منجر به محرومیت سرمایه‌گذار یا کاهش ارزش سرمایه‌گذاری گردد و اقدامات خاص و غیرضروری که موجب محرومیت و یا در مواردی مصادره غیرمستقیم می‌شود قائل به تمایز بود (پیران، ۱۳۹۳، ۲۷۶-۲۷۵).

۲-۳. استثنائات حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی

در راستای حق اعمال حاکمیت دولت‌ها، زمینه عدم برخورداری سرمایه‌گذاران خارجی از حمایت‌های مقرر در موافقت‌نامه‌ها در چارچوب استثنائات عمومی و استثنائات امنیتی پیش‌بینی شده که شامل شرایط اضطراری چون تهدید امنیت ملی، تهدید منافع عمومی، تخریب محیط زیست، اخلاف در اقتصاد کشور و یا نظام پولی و ارزی می‌باشد (حاتمی، کریمیان، ۱۳۹۴، ۲۵۸-۲۵۲). برای مثال، ماده (۸) قانون موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری میان ایران و تانزانیا، در رابطه با استثنائات بهداشتی، ایمنی، محیط زیست و غیره مقرر می‌دارد:

1. Police power

2. See, Iran-U.S. CTR, 1985, Award No. ITL 59-129-3.

3. Philip Morris Brands Sàrl, Philip Morris Products S.A. and Abal Hermanos S.A. v. Oriental Republic of Uruguay, ICSID Case No. ARB/10/7 (8 July 2016).

4. International Centre for Settlement of Investment Disputes

5. Ranjan



طرف‌های متعاقد موافقت می‌نمایند که تشویق سرمایه‌گذاری‌ها از طریق نادیده گرفتن اقدامات داخلی مربوط به بهداشت، ایمنی، یا محیط زیست، صحیح نیست. طرف متعاقد نباید به اغماض یا عدول از چنین اقداماتی جهت تشویق برای تأسیس، تحصیل، توسعه یا نگهداری سرمایه‌گذاری یک سرمایه‌گذار در قلمرو خود متوسل شود....^۱

در همین راستا تعداد زیادی از موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری مقرراتی در خصوص پرداخت غرامت یا جبران خسارت در مواقع مخاصمات را در خود گنجانده‌اند که در برخی موارد به شکلی موسع به وضعیت اضطراری ملی نیز قابل تعمیم است (اوستروو، دوویجر، و سندرسون^۲، ۲۰۲۰، ۴). برای مثال می‌توان به موافقت‌نامه تسهیل و تعاون سرمایه‌گذاری میان هند و برزیل^۳ اشاره داشت که در ماده (۷) مقرر می‌دارد:

سرمایه‌گذاران هر یک از طرفین که سرمایه‌گذاریشان در سرزمین میزبان به علت جنگ یا اشکال دیگر مخاصمات، انقلاب، وضعیت اضطراری، منازعات داخلی و یا حوادث مشابه متحمل خساراتی شده است، درخصوص اعاده وضعیت، پرداخت غرامت و اشکال دیگر جبران خسارت، مستحق بهره‌مندی از همان رفتاری که میزبان نسبت به سرمایه‌گذاران داخلی و یا سرمایه‌گذاران دیگر کشورها می‌نماید، هر کدام برای سرمایه‌گذار مطلوب‌تر باشد هستند.

همچنین در ادامه این سند به مقوله استثنائات امنیتی در اجرای موافقت‌نامه نیز اشاره شده است که اعمال «اقداماتی که هر یک از طرفین در زمان جنگ و یا وضعیت‌های اضطراری مشابه در حوزه داخلی و بین‌المللی» برای منافع اساسی امنیتی خود ضروری پندارند را مجاز دانسته است (موافقت‌نامه تسهیل و تعاون سرمایه‌گذاری میان هند و برزیل، ۲۰۲۰، ماده ۲۴).

در معاهده منشور انرژی که امروزه بزرگترین معاهده بین‌المللی سرمایه‌گذاری شناخته می‌شود نیز دولت‌ها در اغلب موارد در اتخاذ تدابیر ضروری برای حمایت از بهداشت یا حیات انسان، حیوان و نبات مختار شناخته می‌شوند. طرفین همچنین در اتخاذ اقدامات

۱. قانون موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری متحده تانزانیا، ۱۳۹۵.

2. Ostrove, De vejar & Sanderson

3. Investment Cooperation and Facilitation Treaty between the Federative Republic of Brazil and The Republic of India, (2020).



ضروری در مواقع جنگ، برخورد مسلحانه و یا دیگر مواقع اضطراری در روابط بین‌المللی آزادی دارند (معاهده منشور انرژی، ۱۹۹۴، ماده ۲۴، بند ۲ و ۳).

در برخی موافقت‌نامه‌ها مقرراتی در توجیه تدابیر دولت میزبان در پیشبرد تکالیف خود مقرر گشته است. برای مثال مدل موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری خارجی هلند^۱ که در بند (۸) ماده (۱۲) اینگونه بیان داشته است:

جز در موارد استثنائی که اثر اقدامات از حیث نتایج آن سخت و به‌ظاهر بیش از حد باشد، تدابیر غیر تبعیض‌آمیز که با حسن‌نیت و در حمایت از منافع مشروع عمومی چون سلامت جمعی، امنیت، محیط زیست و ... اعمال شده، سلب مالکیت غیر مستقیم محسوب نمی‌شود.

برخی موافقت‌نامه‌ها پا را از این نیز فراتر گذاشته و به‌طور کلی «سیاست‌های غیر تبعیض‌آمیز از سوی هر یک از طرفین که در راستای حمایت از اهداف مشروع رفاه عمومی، از جمله سلامت عمومی و حفاظت از محیط زیست اعمال گردد را مصداق سلب مالکیت غیر مستقیم نمی‌داند»، (موافقت‌نامه توسعه و حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها میان استرالیا و اروگوئه^۲، ۲۰۱۹، ضمیمه. ب. ۳). در شکل پیشرفته‌تر، برخی موافقت‌نامه‌ها اساساً طرح دعوای سرمایه‌گذار خارجی علیه دولت میزبان در اعتراض به تدابیر اتخاذ شده برای اهداف مشروع رفاه جمعی و سلامت عمومی را که به‌طور غیر تبعیض‌آمیز اتخاذ شده را منع می‌کنند (معاهده تجارت آزاد چین و استرالیا^۳، ۲۰۱۵، ماده ۹، بند ۱۱ و ۴). اینگونه مقررات به روشنی دفاعی تمام‌قد، در برابر ادعاهای سرمایه‌گذاران خارجی در این شرایط می‌تواند باشد (بکر^۴، ۲۰۲۰، ۲).

برخی دیگر از موافقت‌نامه‌ها اتخاذ تدابیر دولتی در حفظ نظم عمومی را استثنائی بر تمامی مقررات معاهده فرض نموده‌اند؛ برای مثال، موافقت‌نامه همکاری و تسهیل سرمایه‌گذاری میان برزیل و امارات متحده عربی^۵ است که در ماده (۱۳) «مقررات این موافقت‌نامه را محدودکننده

1. Netherlands Model Investment Agreement, 2019.

2. Agreement between Australia and the Oriental Republic of Uruguay on the Promotion and Protection on Investments, 2019

3. The *China-Australia Free Trade Agreement (ChAFTA)*, 2015.

4. Bekker

5. Cooperation and Facilitation Investment Agreement between the Federative Republic of Brazil and the United Arab Emirates, 2019.

هیچ یک از طرفین در اتخاذ و یا اعمال تدابیر ناظر بر حفظ امنیت ملی و نظم عمومی و...» نمی‌داند. این مقررات هرچند نسبتاً نادر است، اما در دفاع از سیاست‌های دولت‌ها در مبارزه با کووید-۱۹ می‌تواند مورد استناد باشد (بندتلی، کرنثو و مینلا^۱، ۲۰۲۰).

۳-۳. حقوق بین‌الملل عرفی

در فرضی که اماره حقوقی که به هر ترتیب قادر به توجیه تدابیر دولت‌ها است در دسترس نباشد، حقوق بین‌الملل عرفی دستاویز کارآمدی خواهد بود. حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه حمایت از سرمایه‌گذاران و اختلافات مربوط به سرمایه‌گذاری اهمیت زیادی دارد؛ چرا که اساساً حقوق بین‌الملل عرفی از منابع اولیه حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری به‌شمار می‌رود و مشخصاً در حوزه‌هایی چون مسئولیت دولت‌ها، حمایت دیپلماتیک، تفسیر قراردادها و موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری و مهمتر از همه، تطبیق موضوعات بر مصادیق در جریان حل و فصل اختلافات ایفاء نقش می‌کند. برجسته‌ترین جهات رافع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که در مواد (۲۳)، در (۲۴) و (۲۵) طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی، در جریان شیوع بیماری کووید-۱۹ قابلیت استناد دارد، قوه قاهره^۲، اضطراب^۳ و ضرورت^۴ است (A/RES/62/61). همین مؤلفه «ضرورت» بود که مبنای اصلی دفاعیات دولت آرژانتین در مقابل سیل دعاوی که به‌دنبال بحران اقتصادی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۱ علیه این دولت طرح شد را شکل می‌داد؛ بحرانی که از آن به برجسته‌ترین بحران سرمایه‌گذاری خارجی ناشی از سیاست‌های منافع عمومی در تاریخ معاصر یاد می‌شود^۵ (اوستروو و همکاران، ۲۰۲۰، ۳).

موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری اگرچه لزوماً دولت‌ها را از اعطای رفتار متفاوت با بازیگران و یا بخش‌های مختلف اقتصادی و یا تبعیض میان فعالیت‌های راهبردی و غیرراهبردی منع نمی‌کنند، هرگونه رفتار نابرابر از سوی دولت‌ها باید به موجب سیاست‌های صحیح و قابل توجیه

1. Benedetteli, Coroneo & Minella

2. Force Majeure

3. Distress

4. Necessity

۵. در سال ۲۰۰۱ که این کشور با بحران اقتصادی، کاهش تولید ناخالص ملی و افزایش ۲۰ درصد نرخ بیکاری، هرج و مرج و تغییر پنج رئیس‌جمهور در مدت تنها ده روز مواجه شد، دولت مجموعه‌ای از تدابیر اضطراری از جمله ملی‌سازی اموال، توقف نظام نرخ ثابت ارز و توزیع اوراق قرضه داخلی را اجرایی نمود. به‌دنبال این سیاست‌ها تا پایان سال ۲۰۱۴، بیش از ۵۰ دعا علیه این دولت از سوی سرمایه‌گذاران خارجی طرح شد که منجر به صدور احکام با ارزش بیش از ۲ میلیارد دلار علیه این دولت شد.





باشد (گیلارد و بنی فاطمی، ۲۰۲۰). از این رو اصول تفسیر معاهدات اهمیت مضاعف پیدا می‌کند^۱. این اصول که در مواد (۳۱) و (۳۲) کنوانسیون حقوق معاهدات نیز مندرج است، نه تنها به موجب این کنوانسیون از ماهیت قراردادی برخوردار می‌باشد، بلکه به عنوان قواعد عرفی بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته و رویه قضائی نیز مؤید این معنی است (زمانی و شیرعلیزاده، ۱۳۹۸، ۱۲۵). این اصول از جمله شامل اصل حسن نیت، اصل انصاف، اصل آثار مفید، تفسیر طبق معنای معمول، توجه به سیاق عبارات معاهده و همچنین دیگر وسائل تکمیلی تفسیر^۲ است (محمودی کردی، ۱۳۹۷، ۳۵۶-۳۵۵).

همانطور که در رویکرد غالب دولت‌ها نسبت به مقوله تجارت و سرمایه‌گذاری نیز کاملاً محسوس است، تحول سیاست‌های دولت در خصوص مقتضیات مستحده بیماری کووید-۱۹ را ممکن است به عنوان «توافق آتی» و یا رویه بعدی^۳ طرفین معاهده، که ذیل بند (۳) ماده (۳۱) کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات^۴ ذکر شده تعبیر نمود. البته صائب دانستن این تفسیر تا حدود زیادی تابع اراده محاکم بین‌المللی و بازیگران غیردولتی (از جمله دادگاه‌های افکار عمومی)^۵ در پذیرش مصداقی این رویکرد خواهد بود (پاپارینسکیس^۶، ۲۰۲۰، ۳۴-۳۳). از سوی دیگر، این همه‌گیری می‌تواند مبنای قابل‌استماعی برای استناد به تغییر اساسی اوضاع و احوال^۷ و در نتیجه فسخ و یا خروج از معاهدات نیز محسوب گردد (کنوانسیون وین حقوق معاهدات، ۱۹۶۹، ماده ۶۲). در نهایت، این محاکم هستند که قابلیت تطبیق این مقررات با شرایط به وجود آمده ناشی از همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ را در عالم اثبات مشخص خواهند کرد.

۱. اصول تفسیر معاهدات که عمدتاً ماهیت اصول کلی حقوقی و حسب مورد حقوق بین‌الملل عرفی دارد، در جریان حمایت از سرمایه‌گذاری و حل و فصل دعاوی مربوط به آن ممکن است مستقیماً و به نفع یکی از طرفین ایفای نقش نماید؛ نمونه برجسته این معنی هم قاعده تفسیر به زیان تنظیم‌کننده یا متعهدله (Contra Proferentem Rule) می‌باشد که هماهنگ با اصل برائت است؛ به این معنی که هر زمان قصد مشترک متعاهدین مبهم باشد و قاضی با استفاده از ادله نتواند این ابهام را رفع نماید، باید معنایی را مقدم دارد که کمترین مسئولیت را برای متعهد (که در اینجا دولت میزبان است) به دنبال داشته باشد. بنگرید به: موسوی، فضل‌الله؛ موسوی، مهدی؛ وکیلی مقدم، محمدحسین؛ و غلامی، مهدی (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی اصول تفسیر قرارداد. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی. (۱)، ۱۹۹-۲۰۰.

2. Supplementary means of interpretation
3. Subsequent agreement or practice
4. Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969
5. Bar of public opinion
6. Paparinskis
7. Fundamental changes of circumstances



جنبه دیگری که ذیل حقوق بین‌الملل عرفی برای احقاق حق اتباع و سرمایه‌گذاران کشورهای خارجی مطرح است، مقوله حمایت دیپلماتیک^۱ است. پیش شرط توسل به حمایت دیپلماتیک از سوی دولت‌ها و در جهت حمایت از اتباع خود، که احتمالاً متحمل خسارات جانی، مالی و یا روحی شده باشند، طی کلیه مراحل دادرسی داخلی^۲ در مراجع قضائی کشور میزبان است و تنها پس از طی این مراحل و حسب مورد، احراز تحقق استنفاف از احقاق حق^۳، اعمال حمایت دیپلماتیک در این رابطه قابل استناد و پیگیری خواهد بود (دوگلاس، پاولین، و وینوالس^۴، ۲۰۱۴، ۶۲). کارآمدی حمایت دیپلماتیک نیز که اغلب به‌عنوان آخرین مستمسک حقوقی از سوی برخی دولت‌ها دنبال می‌شود، تا حدود زیادی متأثر از ماهیت سیاست‌های اعمال‌شده از سوی خود دولت حمایت‌کننده خواهد بود؛ چراکه به‌عنوان قاعده‌ای عقلی و حقوقی، حکم‌الامثال فی مایجوز و فی ما لایجوز واحد^۵؛ بنابراین، اتخاذ تدابیر مشابه از سوی دولت حامی سرمایه‌گذار، می‌تواند به میزان قابل توجهی توجیه‌کننده سیاست‌های دولت میزبان در برابر شیوع و ویروس کووید-۱۹ نیز باشد.

۴. چالش‌های حقوقی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری

طرح دعاوی سرمایه‌گذاری خارجی در محاکم بین‌المللی در اغلب موارد به‌طور مستقیم امکان‌پذیر نیست و مقدمه آن در بیشتر موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری، طی کردن کلیه مراحل دادرسی داخلی است و این خود از دلایل اصلی عدم طرح دعاوی سرمایه‌گذاری درخصوص کووید-۱۹ در محاکم بین‌المللی تاکنون بوده است. اما نظام قضائی کشورها به‌شدت تحت تأثیر این همه‌گیری و تبعات اقتصادی و اجتماعی آن قرار گرفته است. تنها در ایالات متحده تا اواخر ژانویه ۲۰۲۱ قریب به ۱۵۰۰ دعوای حقوقی میان کارگران و کارفرمایان در حوزه‌های مختلف عمران، سلامت، نظام آموزشی، ورزش، ارتباطات و

1. Diplomatic protection
2. Exhaustion of local remedies
3. Denial of justice
4. Douglas, Pauwelyn & Vinuales

۵. به موجب این قاعده، اشیاء همانند دارای حکمی همانند خواهند بود؛ اعم از اینکه آن حکم مثبت باشد یا منفی. به عبارت دیگر: حکم هر شیء حکم مانند آن نیز هست. بنابراین اگر موجودی به حکمی از احکام محکوم گردد، موجود دیگری که مانند آن موجود است به همان حکم محکوم می‌گردد. این قاعده از جمله قواعدی است که در بسیاری از موارد به آن استناد شده و زیربنای بسیاری از مسائل قرار گرفته است. اگر چه در کتب فلسفی بحثی تحت عنوان این قاعده دیده نمی‌شود و فلاسفه آن را بطور مستقل مورد بحث قرار نداده‌اند ولی امام فخر رازی فصلی از کتاب الاربعین فی اصول الدین را به بحث از این قاعده اختصاص داده و برای آن استدلال کرده است (ابراهیمی دینانی ج ۱، ۱۳۹۳، ۱۷۱).



رسانه و ... در نتیجه شیوع کووید-۱۹ در دادگاه‌های ایالتی و فدرال و برپایه ادعاهایی چون نقض قرارداد کار، تبعیض میان کارگران، محیط ناسالم کاری و ... به ثبت رسیده است (فیشر فیلیپس^۱، ۲۰۲۱). این حجم از دعاوی نشان از تبعات گسترده اقتصادی و درگیری شرکت‌ها در جریان این همه‌گیری دارد و نتیجه‌بخش نبودن سازوکارهای حقوقی داخلی، در نهایت، دعاوی سرمایه‌گذاری را به محاکم قضائی و یا داوری بین‌المللی خواهد کشاند. البته هنوز پیش‌بینی نتیجه نهائی روند حقوقی حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در پرتو این همه‌گیری کمی زود به نظر می‌رسد؛ از جمله به این دلیل که به‌رغم جریان این دعاوی حقوقی در محاکم کشورهای مختلف، تنها در ژانویه ۲۰۲۱ بود که تیم حقیقت‌یاب سازمان بهداشت جهانی برای مطالعه منشأ ویروس وارد ووهان شد و نتایج یافته‌های خود را نیز هنوز رسماً اعلان ننموده است (خبرگزاری گاردین^۲، ۲۰۲۱).

تعیین قطعی منشأ اصلی ویروس از سوی سازمان احتمالاً خواهد توانست به‌نحو قابل‌توجهی دعاوی بین‌المللی سرمایه‌گذاری را نیز تحت تأثیر قرار دهد. فرض کنید وجود منشأ آزمایشگاهی و یا حسب مورد عمدی بودن تولید و اشاعه این ویروس واگیر برای سازمان محرز شود؛ آیا در این حالت، دعاوی بین‌المللی آتی سرمایه‌گذاری علیه دولت‌ها، تحت‌تأثیر دعاوی مطالبه غرامت این دولت‌ها علیه دولت چین قرار نخواهد گرفت؟ این البته از بعد حقوقی فرضی کاملاً ممکن است که در مطالعه این مبحث نباید از آن به کلی غافل بود. شاید فراخوان برخی نهادهای بین‌المللی برای توقف سازوکارهای حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری به‌موجب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی نیز ریشه در همین وضعیت غیرشفاف در مبدأ و فرجام این همه‌گیری داشته باشد.^۳

1. Fisher Phillips

2. The Guardian

۳. از جمله می‌توان به فراخوان مرکز سرمایه‌گذاری پایدار دانشگاه کلمبیا و سازمان‌های معین (Columbia Center on Sustainable Investment) و فراخوان مؤسسه بین‌المللی توسعه پایدار (International Institution for Sustainable Development) برای تعلیق سازوکارهای حل‌وفصل دعاوی میان سرمایه‌گذاران و دولت‌ها در رابطه با همه‌گیری کووید-۱۹ اشاره نمود. البته خروج یک یا دو جانبه از موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری و یا تعلیق سازوکار حل‌وفصل دعاوی راجع به کووید-۱۹، که از سوی این نهادها پیشنهاد شده است، به‌هرحال دولت‌ها را از پاسخگویی نسبت به حقوق مکتسبه سرمایه‌گذاران می‌زا نخواهد ساخت و چنین تکنیک‌هایی در جهت حذف حمایت‌های حقوقی از سرمایه‌گذاری، عطف به ماسبق نخواهد شد.



به‌هرصورت، تمامی حقوق مندرج در اسناد بین‌المللی برای اجرایی شدن، باید قابلیت دادخواهی داشته باشد. در صورتی که از این حقوق حمایت قضایی نشود، تنها تعهدی وجدانی محسوب خواهد شد و نه تکلیفی قانونی. مفهوم حق بر دادرسی منصفانه^۱ نیز مؤید این معنی است که شهروندان و اتباع بیگانه قادر باشند در برابر رویه‌های ناعادلانه در زمینه‌های گوناگون، از جمله فعالیت اقتصادی، دسترسی به بازار سرمایه^۲، رقابت، خدمات سلامت، امنیت و... از حمایت قضائی یکسانی برخوردار گردند (کوکبی سقی، ۱۳۹۵، ۱۳). بنابراین، حق به‌رسمیت شناخته شده برای دولت‌ها در اتخاذ تدابیر لازم برای حمایت از سلامت عمومی لزوماً به معنای عدم امکان بررسی این سیاست‌ها و مورد سؤال قرار دادن ابعاد آن‌ها در محاکم نیست. کما اینکه در حقوق داخلی نیز هرگونه تدابیر اضطراری نباید با قانون اساسی و قوانین اداری مغایرت داشته باشد و از همین رو نظارت قضائی بر تصمیمات دولت‌ها اعمال می‌گردد. حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری نیز متضمن این است که دولت‌ها تعهدات خود در حمایت از سرمایه‌گذاری را زیر پا نگذارند. اما نقض مقررات موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری، به‌ویژه با استناد به استثنائات عمومی، همواره ظن اعمال بدون حسن‌نیت اینگونه سیاست‌ها از سوی دولت میزبان را برمی‌انگیزد (سبانگلاری^۳، ۲۰۱۸، ۱۷۲-۱۷۱). این سوء برداشت در وضعیت همه‌گیری کووید-۱۹ هم صادق است؛ هرگونه اقدامی که با نیت سوء اعمال گردد، سرمایه‌گذاران را از حق دادرسی منصفانه محروم سازد، یا خودسرانه، به‌طور نامتناسب و یا به‌نحو تبعیض‌آمیز اتخاذ گردد، موجب مسئولیت دولت بر اساس حقوق بین‌الملل خواهد بود (گایلارد و بنی فاطمی، ۲۰۲۰).

برای مثال می‌توان به مصوبه شماره (۱۸) هیئت دولت ایتالیا^۴ اشاره داشت که برای اتخاذ تدابیر فوری مقابل با آثار اقتصادی و اجتماعی شیوع کووید-۱۹ تصویب شد. به موجب این قانون، دولت مجاز به مصادره هتل‌ها و تجهیزات پزشکی شد مشروط بر اینکه غرامتی با محاسبه ارزش فعلی اموال در بازار به سرمایه‌گذاران پرداخت گردد. همچنین تدابیری در رابطه با توقف اجباری فعالیت‌های برخی واحدهای تجاری و صنعتی، خطوط

1. The right to a fair trial
2. Capital market access
3. Sabanogullari
4. Italia Law Decree no.18, 2020.



اعتباری، توقف پرداخت اقساط وام‌ها، توقف رسیدگی به موارد ورشکستگی شرکت‌ها، حق فسخ قراردادهای گردشگری و غیره نیز پیش‌بینی شده است. اما این قانون اشاره‌ای به چگونگی ارزیابی قیمت فعلی این اموال در بازار و یا نحوه پرداخت غرامت ندارد. بنابراین، تضمینی وجود ندارد که اجرای این قانون منجر به نقض حمایت‌های مقرر در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری ایتالیا و یا حقوق بین‌الملل عرفی، در لزوم پرداخت غرامت فوری، متناسب و موثر نگردد (بندتلی و همکاران، ۲۰۲۰).

مبانی که سرمایه‌گذاران ممکن است به موجب آن در محاکم بین‌المللی اقدام نمایند و نتایج این دعاوی، به‌شدت تابعی از شرایط خاص هر قضیه و ابعاد سیاست‌های اتخاذ شده از سوی نهادهای دولتی و غیردولتی است. باید توجه داشت که سیاست‌های اعمال شده نهادها، به‌مثابه نقض بالقوه حمایت‌های مقرر در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری بوده یا خیر؟ برای مثال سلب مالکیت بدون پرداخت غرامت و یا احراز اعمال سیاست‌های مبارزه با کووید-۱۹ به‌عنوان شکلی از سلب مالکیت غیرمستقیم، نحوه اعمال استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه و همچنین عدم تبعیض در اعمال سیاست‌ها، حقوق مکسبیه و غیره همگی می‌تواند در این زمره مطرح باشد. محاکم داوری ممکن است حتی به رسیدگی این ادعا بپردازند که بسته‌های حمایتی دولت‌ها از سرمایه‌گذاری‌های خارجی منجر به شکل‌گیری شرایط نابرابر رقابت میان آنها شده است یا خیر؟ (اوسترو و همکاران، ۲۰۲۰، ۲). از این رو، رسیدگی به دعاوی سرمایه‌گذاران خارجی در اعتراض به تدابیر اضطراری دولت‌ها در کنترل کووید-۱۹، آزمون دشواری پیش‌روی محاکم داوری خواهد بود. حاشیه صلاح‌دید^۱ که دولت‌ها معمولاً در هنجارسازی و جهت‌نیل به منافع همگانی دارند، در شرایط این همه‌گیری به علت ابعاد گسترده سلامت جمعی و عدم شناخت علمی کافی نسبت به این بیماری، دامنه گسترده‌تری پیدا می‌کند^۲ (بندتلی و همکاران، ۲۰۲۰).

1. Margin of appreciation

۲. اگر تصمیم‌گیری دولت‌ها مستلزم گزینش‌های خاص و یا ارزیابی پیچیده عوامل اقتصادی و اجتماعی باشد، معمولاً روش ارزیابی حاشیه صلاح‌دید مناسب خواهد بود. بر اساس این روش، دیوان داوری با تکیه بر این استدلال که در گزینش بهترین اقدام لازم برای منافع عمومی، هیچ مرجعی شایسته‌تر از خود مرجع حاکمیتی نیست، به ارزیابی و تدقیق در تصمیمات مقامات ملی می‌پردازد. لذا در ارزیابی تصمیمات مراجع ملی، دیوان داوری سطحی از صلاح‌دید را برای مراجع ملی قائل می‌گردد و تشخیص آنها در اجرای وظائف حاکمیتی را محترم می‌شمارد و صرفاً از حیث قواعد شکلی و نقض صریح قواعد ماهوی به ارزیابی تصمیم دولت می‌پردازد. برای مطالعه بیشتر، رک: (پیری، عرفان‌منش و طباطبائی‌نژاد، ۱۳۹۹، ۱۶-۱۵).



احراز مصادیق رافع مسئولیت طرفین قراردادهای سرمایه‌گذاری، چون قوه قاهره، انتفاء قرارداد، اضطراب و ضرورت و به تبع آن عدم اجرای قراردادهای سرمایه‌گذاری، تابع مقررات و عبارات این اسناد و احتمالاً شناسایی نمودن این همه‌گیری، به عنوان مصادیقی از این عوامل رافع مسئولیت خواهد بود. همچنین قوانین داخلی برخی کشورها نیز مصادیقی برای این موارد بیان داشته‌اند؛ به عنوان مثال، در قوانین مسافرتی آلمان، همه‌گیری و بیماری از مصادیق قوه قاهره دانسته شده است. ذیل ماده (۱۸۰) مقررات عمومی حقوق مدنی و ماده (۱۱۷) حقوق قراردادهای جمهوری خلق چین^۱ نیز به قوه قاهره پرداخته شده است و آن را «شرایط واقعی غیرقابل پیش‌بینی، اجتناب‌ناپذیر و برطرف نشدنی» تعریف می‌کند. سخنگوی کمیسیون امور تقنین کنگره ملی خلق چین نیز بر همین اساس در تاریخ دهم فوریه سال ۲۰۲۰، طرفین قراردادها را در صورتی که متعاقب تدابیر اتخاذ شده دولت برای مقابله با کووید-۱۹ قادر به ایفاء تعهدات قراردادی‌شان نباشند، مختار به استناد به مقررات حقوق قراردادهای چین در رابطه با وضعیت قوه قاهره دانست. بنابراین، هر یک از طرفین قراردادهای سرمایه‌گذاری با استناد به این وضعیت می‌توانند از اجرای قرارداد معاف شده و یا در صورتی که نتیجه قرارداد غیرقابل تحقق شده باشد تقاضای فسخ آن را بنمایند. در هر پرونده، بررسی توصیه‌های سازمان بهداشت جهانی و نهادهای داخلی و یا سیاست‌های دولت در اعمال محدودیت‌ها، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تطبیق مصادیق بر موضوعات داشته باشد (مایر بروان^۲، ۲۰۲۰).

ممکن است سرمایه‌گذاران به مقررات دیگر معاهدات لازم‌الاجرا برای دولت میزبان نیز استناد نمایند. برای مثال، می‌توان از ماده (۷۹) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نام برد که طرفین قرارداد را به دنبال عدم اجرای آن، در صورتی که عدم اجرای تعهداتشان ناشی از مانعی فراتر از کنترل آن‌ها بوده که در زمان انعقاد قرارداد محاسبه چنین مانعی و یا طرق فائق آمدن بر آن و یا پیامدهای آن به شکل منطقی قابل پیش‌بینی نبوده است، مسئول نمی‌داند (کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا^۳، ۱۹۸۰، ماده ۷۹، بند ۱). استناد دولت‌ها به دفاعیاتی چون اصل ضرورت، در توجیه سیاست‌هایشان در دعاوی سرمایه‌گذاری، به علت دامنه

1. Contract Law of the People's Republic of China, 1999.

2. Mayer Brown

3. United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, 1980



وسیع حمایت‌های مقرر در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری و عدم وجود رویکرد واحد میان محاکم داوری در شرایط مشابه و یکسان، امری دشوار بوده است. بنابراین، در حداقل ۴۶ مورد از دعاوی اخیر سرمایه‌گذاری خارجی علیه دولت‌ها، حکم به پرداخت خسارت به مبلغ بیش از ۱۰۰ میلیون دلار داده شده است و جالب‌تر اینکه در یک مورد حکم دیوان داوری ارزش ۴۰ میلیارد دلاری داشت.^۱ این احکام با ارزش گزاف، تهدید جدی علیه کشورهای در حال توسعه و برنامه‌های احیای اقتصادی و سلامت عمومی آنهاست. دفاع دولت‌ها در مقابل این دعاوی نیز حتی اگر نهایتاً موفقیت‌آمیز باشد، موجب صرف هزینه و وقت بسیار است. دولت‌ها برای جلوگیری از این تهدیدات باید هماهنگی داشته باشند. یکی از راه‌های خروج از این بن‌بست، تعلیق سازوکارهای دعاوی سرمایه‌گذاری علیه دولت‌ها، به‌طور چندجانبه و یا دوجانبه، به‌ویژه به‌دنبال شیوع کووید-۱۹ است (کنوانسیون وین حقوق معاهدات، ۱۹۶۹، بخش ۴ و ۵). تدابیر چندجانبه دولت‌ها در این خصوص همچنین می‌تواند از طریق کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد، که در حوزه این موافقت‌نامه‌ها و اصلاحات آن فعالیت دارد، پیگیری شود. همچنین می‌توان از کارگروه سوم کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل ملل متحد^۲، که برای اعمال اصلاحات در شیوه‌های حل و فصل اختلافات میان سرمایه‌گذاران و دولت‌ها تأسیس شده، بهره برد (روبرتس^۳، ۲۰۱۸، ۴۱۱). تجربه دعاوی علیه آرژانتین نشان می‌دهد که رسیدگی به سیاست‌های واحد یا مشابه دولتی در محاکم داوری، نتایج متفاوتی را می‌تواند به دنبال داشته باشد. مضاف بر اینکه هیچ یک از محاکم داوری ملزم به تبعیت از آرای پیشین خود نمی‌باشند. از دیگر سو، امکان توسل سرمایه‌گذاران به تأمین‌کنندگان مالی دعاوی داوری، که نفع مستقیم در اقامه آن‌ها و به ثمر رساندن این دعاوی دارند، می‌تواند به دلالتی و افزایش دعاوی در خلال این بحران دامن زند (استروالدِر، بروین و مینا^۴، ۲۰۲۰، ۴). محاکم داوری باید عملکرد محتاطانه‌تری داشته باشند، چرا که تعیین تکلیف ابعاد این همه‌گیری نیازمند استمداد از

1. See, *Hulley Enterprises Ltd. v. Russian Federation* (PCA Case No. 2005-03/AA226)

۲. کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل (UNCITRAL) در پنجاهمین اجلاس خود در سال ۲۰۱۷، کارگروه سوم خود را موظف به امکان‌سنجی اصلاح حل و فصل اختلافات میان دولت و سرمایه‌گذاران خارجی نمود (UN Doc. A/72/17, Para.264).

3. Roberts

4. Osterwalder, Brewin and Maina



حوزه‌های همجوار حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری چون حقوق محیط زیست، توسعه پایدار و حقوق سلامت است؛ از سوی دیگر، نیاز به برقراری موازنه میان منافع ملی و منافع سرمایه‌گذاران وجود دارد و این محاکم باید احتمال تعدی دولت‌ها در اتخاذ تدابیر به اصطلاح ضروری، نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی و امکان سوءاستفاده از این بحران در جهت نیل به منافع اقتصادی را نیز از نظر دور ندارند (بندتلی و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین، مقوله شفافیت و عمومیت تدابیر اتخاذ شده و یا در دسترس عموم قرار گرفتن متن پیش‌نویس این سیاست‌ها برای بررسی تمامی جوانب آن و اظهارنظر در این باره، و از سوی دیگر نحوه عملکرد سرمایه‌گذاران در برابر این سیاست‌ها همه و همه باید مورد مذاکره قرار گیرد. برای مثال، سرمایه‌گذاری که دعوت به مشارکت در امر تقنین و تصویب این سیاست‌ها را رد کرده است، در زیر سؤال بردن مشروعیت این تدابیر، لاجرم شانس کمتری خواهد داشت (گایلارد و بنی‌فاطمی، ۲۰۲۰).

از سوی دیگر، تدابیر متعاقب شیوع ویروس کووید-۱۹ گاهی از سوی دستگاه‌های پایین‌دستی و یا سیاست‌های غیرمتمرکز برخی نهادها اجرائی می‌گردد که با وجود این باید قابلیت انتساب این‌گونه تدابیر به دولت و به‌نحوی قانع‌کننده وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت اساساً امکان انتساب مسئولیت به دولت وجود نخواهد داشت (بکر، ۲۰۲۰، ۳).

۵. نتیجه‌گیری

همه‌گیری کووید-۱۹ بدون شک آزمونی بی‌سابقه در تاریخ دعاوی سرمایه‌گذاری خارجی است که ابعاد حقوقی قطعی آن در آینده خود را نشان خواهد داد. بررسی و تحلیل بیشتر چالش‌های حقوقی حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این زمینه به جد منوط به عملکرد آتی محاکم قضائی و داوری بین‌المللی است. از جمله اتهامات مطرح‌شده علیه دولت چین توسط سیاستمداران آمریکایی نیز از منظر قضائی و حقوقی نیازمند تحقیق، دادرسی و اثبات در محاکم صالح است که البته در غیر این صورت هیچ ارزش ثبوتی نخواهد داشت.

پر واضح است که با همه‌گیری این ویروس، سرمایه‌گذاران خارجی در کشورهای مختلف با مشکلات اقتصادی زیادی مواجه شده‌اند. شیوه‌های



حل و فصل اختلافات در موافقتنامه و قرارداد سرمایه‌گذاری و رعایت شروط طرح دعوی در داوری نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در این میان ایفا می‌کند. البته به‌عنوان یک قاعده کلی تمامی خساراتی که سرمایه‌گذاران خارجی متحمل شده‌اند، باید قابلیت انتساب به سیاست‌ها و تدابیر دولت را داشته باشد و بدون احراز چنین رابطه‌ای امکان مطالبه غرامت از دولت منتفی خواهد بود.

به هر حال، طرح این دعاوی تهدید جدی علیه دولت‌ها محسوب می‌شود. بنابراین، اتخاذ تدابیر کارآمدی ضرورت پیدا کرده است که در نبود چنین تدابیری دولت‌ها تا سال‌ها درگیر این دعاوی خواهند بود و بسیاری از سرمایه‌گذاران خواهند توانست سیاست‌های دولتی در کنترل کووید-۱۹ را در محاکم گوناگون به چالش بکشند. دولت‌ها می‌توانند به‌رغم توسل به استثنائات عمومی و امنیتی در موافقت‌نامه‌ها، در دفاع از سیاست‌های خود به تغییر اساسی اوضاع و احوال استناد کرده و در نتیجه فسخ یا خروج از قراردادها را نیز خواستار باشند. دفاعی دیگر از عملکرد دولت‌ها در این رابطه، با استناد به عوامل رافع مسئولیت دولت‌هاست که در دعاوی علیه آرژانتین نیز همواره مستمسک این دولت بوده است.

از دولت‌ها انتظار می‌رود که ابعاد سیاست‌های مقابله با کووید-۱۹ را پیش از اجرائی نمودن آن‌ها، نسبت به سرمایه‌های خارجی و امکان اعتراض به این تصمیمات در محاکم داوری مورد سنجش قرار دهند. چرا که حاشیه صلاحیت تدابیر دولت‌ها باید همواره متناسب بوده و قابلیت توجیه حقوقی داشته باشد؛ بنابراین، احکام صادر شده از سوی محاکم داوری در وضعیت‌های مشابه را می‌توان برای این منظور تنقیح مناط نمود و طرح ادعا یا حکم محاکم در این مورد را نیز تا حدود زیادی پیش‌بینی کرد و بدین ترتیب حاشیه صلاحیت اجرائی لازم برای دولت را به‌نحو احسن ترسیم نمود.

- احمدی، شهرزاد؛ و گرکز، منصور (۱۳۹۹). چشم انداز هزینه سلامت اقتصادی در بیماران مبتلا به ویروس کووید ۱۹. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۳)، ۵۴-۲۵. doi: 10.22035/ISIH.2020.3939.4047
- اسمعیلی، اکبر؛ و پورقهرمانی، بابک (۱۳۹۸). چالش‌های فراوری دادرسی الکترونیک در ایران. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۲۴(۸۷)، ۵۹-۲۹.
- اصغرینیا، مرتضی (۱۳۹۵). چالش‌ها و الزامات دولت‌ها در تنظیم مقررات در حوزه سلامت. فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۰(۳۷)، ۵۷-۳۵.
- آقامحمدی، ابراهیم (۱۳۹۹). روابط بین الملل بهداشت در پرتو همه‌گیری کرونا. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۳)، ۵۵-۸۳. doi: 10.22035/isih.2020.3950.4057
- پیران، حسین (۱۳۹۳). مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی (چاپ دوم). تهران: گنج دانش.
- پیری، مهدی؛ عرفان‌منش، محمدحسین؛ طباطبائی‌نژاد، سیدمحمد (۱۳۹۹). استانداردهای بررسی رفتار دولت میزبان در داوری‌های حقوق سرمایه‌گذاری. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۸(۳۰)، ۳۳-۹. doi: 10.22054/JPLR.2018.5320.1127
- حاتمی، علی؛ و کریمیان، اسماعیل (۱۳۹۴). حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری (چاپ دوم). تهران: انتشارات تیسرا.
- زمانی، سیدقاسم؛ و شیرعلیزاده، ابوالفضل (۱۳۹۸). اصول و رویه تفسیر معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی توسط محاکم داوری و ترجیح حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی. مجله حقوقی دادگستری، ۸۳(۱۰۵)، ۱۳۶-۱۱۱. doi: 10.22106/JLJ.2019.35489
- سلیمان میگوئی، سعید (۱۳۹۲). طغیان بیمارستانی سندرم تنفسی کوروناویروس خاورمیانه. فصلنامه پرستار و پزشک در رزم، ۲۱(۲۲)، ۵۲-۴۹.
- فروغی، فضل‌الله؛ میرزایی، محمد؛ باقرزادگان، امیر؛ و صوفی زمر، محسن (۱۳۹۴). نحوه احراز مسئولیت کیفری در بیماری‌های واگیردار و جرائم قابل انتساب. فصلنامه حقوق پزشکی، ۹(۳۵)، ۱۵۶-۱۲۶.
- قانون موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری متحده تانزانیا، ۱۳۹۵.
- قنبری جهرمی، محمدجعفر؛ وصالی محمود، منصور (۱۳۹۴). تحول نظام مسئولیت بین‌المللی دولت در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۷۱، ۳۷۶-۳۴۰.





کوکبی سقی، فاطمه (۱۳۹۵). قابلیت دادخواهی حق بر سلامت در نظام حقوق بین‌الملل. فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۰(۳)، ۳۳-۷.

محدث اردبیلی، ابوالفضل؛ جوادیان نیک، سمیه؛ آزادمنش، مصطفی؛ و مکیان، امیر (۱۳۹۸). کرونا (تعاریف، مداخلات، پیامدها). فصلنامه پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۲(۲۳)، ۱۴۵-۱۴۹.

محمودی کردی، زهرا (۱۳۹۷). ماهیت اصول کلی حقوقی و کارکردهای آن در حقوق بین‌الملل. مجله حقوقی بین‌المللی. ۳۵(۵۸)، ۳۶۴-۳۲۹. doi: 10.22066/CILAMAG.2018.31692

موسوی، فضل‌الله؛ موسوی، مهدی؛ وکیلی مقدم، محمدحسین؛ و غلامی، مهدی (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی اصول تفسیر قرارداد. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۱۱(۱)، ۲۱۳-۱۸۳.

Agreement between Australia and the Oriental Republic of Uruguay on the Promotion and Protection on Investments, 2019.

Ameli, J. (2015). Communicable diseases and Outbreak Control, *Turkish Journal of Emergency Medicine*, 15(1), 20-26. doi: 10.5505/1304.7361.2015.19970

Barreto, M. L., Teixeira, M. G. & Carmo, E. H. (2006). Infectious diseases epidemiology. *Journal of Epidemiology and Community Health*, 60(3), 192-195. doi: 10.1136%2Fjech.2003.011593

Bekker, P. (2020). *International law in times of crisis: COVID-19 and foreign investments*. CMS- Law Now.

Benedetteli, M., Coroneo, C. & Minella, N. (May 26, 2020). Could COVID-19 emergency measures give rise to investment claims? First reflections from Italy. *Global Arbitration Review*, Retrieved from <https://globalarbitrationreview.com/coronavirus/could-covid-19-emergency-measures-give-rise-investment-claims-first-reflections-italy>

Constitution of the World Health Organization, 1946.

Cooperation and Facilitation Investment Agreement between the Federative Republic of Brazil and the United Arab Emirates, 2019.

Cura Italia Decree- Law Decree no.18, 2020.

Dias, T. S. & Coco, A. (2020). Part II: Due Diligence and COVID-19: States' Duties to Prevent and Halt the Coronavirus Outbreak". Ejil: Talk.

Dilanian, K., Kube, C., & Lee, C. E. (Apr. 29, 2020). Trump administration asks intelligence agencies to find out whether China, WHO hid Info on Coronavirus pandemic. *NBCNews*, Retrieved from <https://www.nbcnews.com/politics/national-security/trump-administration-asks-intelligence-agencies-find-out-whether-china-who-n1194451>

Douglas, Z., Pauwelyn, J., & Vinuales, J. E. (2014). *The foundations of international investment law: Bringing theory into practice*. UK: Oxford University Press.



- Draft Articles on Prevention of Trans boundary Harm from Hazardous Activities, 2001.
- Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, A/56/10.
- Duignan, B. (2013). *The great depression*. U.S, New York: Britannica Educational Publishing.
- Emmons, C. (2020). International human rights law and COVID-19 states of emergency. *Verfassungsblog*.
- Energy Charter Treaty, 1994.
- EU Commission. (2020). Guidance to the Member States concerning foreign direct investment and free movement of capital from third countries, and the protection of Europe's strategic assets, ahead of the application of Regulation (EU) 2019/452 (FDI Screening Regulation), C(2020) 1981 final.
- Fisher, P. (2020). COVID-19 employment litigation tracker and insights, Retrieved from <https://www.fisherphillips.com/innovations-center/covid-19-employment-litigation-tracker-and-insights.html>
- Gaillard, E., & Banifatemi, Y. (2020). Covid-19 and international investment protection. *Shearman And Sterling*, Retrieved from <https://www.shearman.com/perspectives/2020/04/covid-19-international-investment-protection>
- Gostin, L. O. (2014). *Global health law*. US: Harvard University Press.
- Gralinski, L. E. & Menachery, V. D. (2020), Return of the Coronavirus: 2019-nCoV. *Viruses* 2020. 12(2), 135. doi: 10.3390/v12020135
- Hanqin, X. (2003). *Transboundary damage in international law*. UK: Cambridge University Press.
- International Health Regulations (Third Edition), 2005.
- International Monetary Fund-Research Dept. (Apr. 14, 2020). *World economic outlook 2020*. World Economic and Financial Surveys, Retrieved from <https://www.imf.org/en/Publications/WEO/Issues/2020/04/14/weo-april-2020>
- Investment Cooperation and Facilitation Treaty between the Federative Republic of Brazil and the Republic of India, 2020.
- Iran-United States Claims Tribunal, Sedco, Inc. v. National Iranian Oil Co., award n. ITL 59-129-3, 28 October 1985.
- Mayer Brown. (March 20, 2020). COVID-19 Contractual performance – Force Majeure clauses and other options: a global perspective. Retrieved from <https://www.mayerbrown.com/en/perspectives-events/publications/2020/03/covid19-contractual-performance-force-majeure-clauses-and-other-options-a-global-perspective>
- Mazzuoli, V. D. O. (2020). International responsibility of states for transnational epidemics and pandemics: The case of COVID-19 from the people's Republic of China. *Revista de Direito Civil Contemporâneo*, 23. doi: 10.2139/ssrn.3584944
- Osterwalder, N. B., Brewin, S., & Maina, N. (2020). Protecting against investor–state claims amidst COVID-19: a call to action for governments. *Investment Treaty News*. 2(11), 4-7.

- Ostrove, M., De Vejar, K. B., & Sanderson, B. (Apr. 16, 2020). COVID-19 – a legitimate basis for investment claims? . *DLA Piper*.
- Paparinskis, M. (2020). Covid-19 and the foundations of international law. In *Opinio Juris Symposium on COVID-19 and International Law*. Retrieved from <http://opiniojuris.org/wp-content/uploads/B.-Sander-J.-Rudall-eds-COVID-19-and-International-Law-Opinio-Juris-Symposium-copy-1.pdf>
- Ranjan, P. (2019). Police powers, indirect expropriation in international investment law, and Article 31(3)(c) of the VCLT: A critique of the Philip Morris v. Uruguay. *Asian Journal of International Law*, 9(1), 98-124. doi: 10.1017/S2044251318000139
- Roberts, A. (2018). Incremental, systemic, and paradigmatic reform of investor-state arbitration. *American Journal of International Law*. 112(3), 410-432. doi: 10.1017/ajil.2018.69
- Sabanogullari, L. (2018). *General exception clauses in international investment law*. Germany, Baden: Nomos Verlagsgesellschaft.
- Sarkar, S. (Apr. 13, 2020). Liability of China for Covid19 outbreak, state responsibility, and jurisdictional challenges. *Modern Diplomacy*, Retrieved from <https://moderndiplomacy.eu/2020/04/13/liability-of-china-for-covid19-outbreak-state-responsibility-and-jurisdictional-challenges>
- Sourdin, T., Zeleznikow, J. (May. 8, 2020). Courts, mediation and COVID-19, *Australian Business Law Review*. Forthcoming. doi: 10.2139/ssrn.3595910
- Substantive Issues arising in the implementation of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. E/C.12/2000/4.
- The Guardian (2021). WHO team exits Wuhan quarantine to start Covid fact-finding mission, Retrieved from <https://www.theguardian.com/world/2021/jan/28/who-team-exits-wuhan-china-quarantine-covid-fact-finding-mission>
- The New York Times. (May 29, 2021). *The Coronavirus Outbreak*, Retrieved from <https://www.nytimes.com/interactive/2021/world/covid-cases.html>
- The UN General Assembly Resolution on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, A/RES/62/61.
- The China–Australia Free Trade Agreement (ChAFTA), 2015.
- Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969.
- World Health Organization. (2020). Novel Coronavirus China. *Disease Outbreak News*.
- World Health Organization. (Jan. 12, 2020). *Communicable Diseases*, Retrieved from <https://www.who.int/csr/don/12-january-2020-novel-coronavirus-china/en/>
- Zidar, A. (2015). WHO international health regulations and human rights: from allusions to inclusion. *The International Journal of Human Rights*, 19(4), 505-526. doi: 10.1080/13642987.2015.1045340



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۶۰

دوره ۱۳، شماره ۲

بهار ۱۴۰۰

پیاپی ۵۰



نقد ادبی و مطالعات میان‌رشته‌ای در ایران؛ با نگاهی به کتاب «نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای»

عبدالرسول شاکی*^۱، مسعود فرهمندفر^۲

دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۹؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

چکیده

کتاب نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای نوشته حسین پاینده به‌عنوان کتاب درسی دانشگاهی برای درس نظریه‌ها و نقد ادبی در دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی (برای همه گرایش‌ها) در دو جلد نخستین بار در سال ۱۳۹۷ در انتشارات سازمان مطالعه و تدوین (سمت) منتشر شد. با توجه به اهمیت جهانی مطالعات میان‌رشته‌ای در ادبیات طی چند دهه اخیر و نیاز مبرم به چنین مطالعاتی در ادبیات فارسی، در این مقاله میزان و نحوه کاربست رویکردهای میان‌رشته‌ای در کتاب یادشده بررسی شده است. بر این اساس با روشی تاریخ‌نگارانه و توصیف و تحلیل، تاریخچه‌ای از نظریه و نقد ادبی در غرب و سپس در ایران به دست داده‌ایم. این موضوع در برنامه‌های رسمی دانشگاه‌های ایران نیز ارائه شده است. پس از تبیین دوره رواج گفتمان نقد ادبی در ایران، شکل و ساختار کتاب بررسی شده است. در بخش بررسی محتوای کتاب، ضمن برشمردن مهم‌ترین مؤلفه‌ها، نسبت مباحث آن با وضعیت کنونی نظریه و نقد ادبی در غرب و ایران توضیح داده شده و مطالب آن از جهت انطباق با مطالعات میان‌رشته‌ای در ادبیات فارسی در کانون توجه قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های این مقاله، می‌توان ادعا کرد انتشار کتاب نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای، ضمن حفظ پیوند با نظریه‌های ادبی، نشان‌دهنده گسست از این نظریه‌ها و عطف توجه به مطالعات میان‌رشته‌ای در ادبیات فارسی است و انتشار آن در جایگاه کتاب درسی دانشگاهی را می‌توان چرخشگاهی در مطالعات ادبی دانشگاهی در ایران دانست.

کلیدواژه‌ها: نظریه و نقد ادبی، مطالعات ادبی، رویکردهای میان‌رشته‌ای

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سمت، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

✉ shakeri@samt.ac.ir

۲. گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۱. مقدمه

کتاب نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای نوشته حسین پاینده به عنوان کتاب درسی دانشگاهی برای درس نظریه‌ها و نقد ادبی در دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی (برای همه گرایش‌ها) در دو جلد نخستین بار در سال ۱۳۹۷ در انتشارات سازمان مطالعه و تدوین (سمت) منتشر شد. با توجه به اهمیت جهانی مطالعات میان‌رشته‌ای در ادبیات طی چند دهه اخیر و نیاز مبرم به چنین مطالعاتی در ادبیات فارسی، مسئله اصلی ما در مورد کتاب یادشده در این مقاله واکاوی وجوه میان‌رشته‌ای نظریه‌ها و رویکردهای معرفی شده و میزان توجه آن به بهره‌مندی از این وجه از مطالعات ادبی در خوانش متون ایرانی خواهد بود.

نقد ادبی در غرب از حدود سال‌های ۱۹۲۰ بدین سوی با رویکرهایی کاملاً درون‌متنی در دانشگاه‌ها و مجامع علمی رواج یافت. چنین رویکردی عمدتاً تا سال‌های ۱۹۷۰ رایج بود تا اینکه اهمیت مطالعات میان‌رشته‌ای از این تاریخ به بعد در کانون توجه قرار گرفت و متون هنری و ادبی، در تعامل با جهان بیرون از متن، در پرتو نظریاتی خارج از نظریه‌های ادبی صرف مورد واکاوی قرار گرفت. در واقع، «آموزش میان‌رشته‌ای هنر فراتر رفتن از مرزهای سنتی رشته‌های گوناگون دانش را به ما می‌آموزد. تفکر میان‌رشته‌ای یعنی توانایی ادغام دانش دو یا چند رشته با هدف رسیدن به تعالی شناختی. شاید این تعالی از طریق یک رشته تحصیل نشود» (اسپلت، ۲۰۰۹، ۳۶۵). «میان‌رشته‌گی می‌تواند برای مسائل غامض امروز راه‌حل بیابد زیرا رویکردی که صرفاً به یک رشته از دانش محدود نیست پژوهشگران را به درک روشن‌تر و فراگیرتری از موضوعی خاص رهنمون می‌شود» (همان، ۳۶۶). این موضوع در کانون توجه محیط‌های علمی و دانشگاهی نیز قرار گرفته است. «امروزه تلاش‌های بسیاری برای تقویت و ترویج دانش پژوهی میان‌رشته‌ای، از سوی دانشگاه‌ها و نهادهای خصوصی، صورت می‌گیرد» (یاکوبس و فریکل، ۲۰۰۹، ۴۵) و «اگرچه معمولاً رؤسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها انگیزه و نیروی محرک را برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای فراهم کرده‌اند، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها نیز تا حد بسیاری ضرورت و ارزش دانش میان‌رشته‌گی را پذیرفته‌اند» (همان، ۴۶).



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۶۲

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰



در این میان، خوانش متون ایرانی (اعم از ادبی یا غیره ادبی) از طریق رویکردهای میان‌رشته‌ای و معرفی چنین رویکردهایی به همراه ارائه نمونه‌هایی عملی در جهت گسترش معناهای این متون و آشکار ساختن تعامل جهان متن و جهان خارج از آن، به منظور کاربردی کردن ادبیات و مطالعات ادبی در مواجهه با انبوهی از مسائل جامعه ایرانی، به‌ویژه با توجه به اهمیت ادبیات در فرهنگ ایرانی، از اهمیت و ارزشی ویژه برخوردار است. نگاه انضمامی و مسئله‌محور، کاربردی بودن و بومی‌گرایی در رویکردهای میان‌رشته‌ای (درزی، ۱۳۹۸، ۹-۱۵) نیز از جهت کاربردی خوانش‌های متون ادبی و ایرانی در بررسی مسائل کشور نیز بر اهمیت آن می‌افزاید. بر این اساس، آموزش چنین رویکردهایی در کتاب‌های درسی دانشگاهی در کشورمان بسیار ضروری و با اهمیت به نظر می‌رسد. چنانکه بررسی‌ها نشان می‌دهد، در مطالعات میان‌رشته‌ای، به‌جای تمرکز بر موضوع‌محوری که در دانشگاه‌های کشورمان همچنان گرایشی رایج به شمار می‌آید، از طریق کاربردی رویکرد تلفیقی در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی دانشگاهی می‌توان موجبات افزایش امکانات برای تلفیق فردی و اجتماعی و خودرهبی یادگیرندگان و کسب مهارت‌های عملی زندگی را فراهم کرد (سبحانی نژاد و نورآبادی، ۱۳۹۶، ۳۱).

هدف ما در این مقاله به دست دادن تصویری روشن از جایگاه کتاب نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای در مطالعات مربوط به ادبیات فارسی به منظور ارائه راهکارهایی برای توجه هرچه بیشتر به ارتباط رشته‌های گوناگون علوم انسانی در فضای دانشگاهی کشورمان خواهد بود. در این میان به ضعف‌های موجود در این فضا نیز پرداخته می‌شود. برای رسیدن به هدف اصلی مقاله، در ادامه، با نگاهی تاریخ‌نگارانه، نخست به ارائه تصویری فشرده از تاریخ نظریه و نقد ادبی در غرب می‌پردازیم. سپس تصویری کلی از پیشینه نظریه و نقد ادبی در کشورمان به دست می‌دهیم و پس از آن، به دوران رواج گفتمان نقد ادبی در ایران و معرفی نمونه‌های موفق می‌پردازیم تا امکان مقایسه میان وضعیت نقد ادبی در کشورمان با خاستگاه این مفهوم روشن شود. تاریخچه نقد ادبی در دانشگاه و برنامه‌ها و درسنامه‌های دانشگاهی رشته زبان و ادبیات فارسی از آغاز تأسیس رشته زبان و ادبیات فارسی در کشورمان تا کنون موضوع بسیار مهمی است که در بخش بعدی مقاله به



آن می‌پردازیم. پس از این‌ها، در بخش بعدی، که بدنه اصلی مقاله است، شکل و ساختار و محتوای کتاب نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای توصیف و تجزیه و تحلیل می‌شود. در تحلیل ما از کتاب یادشده، مضمون کتاب در تعامل با کارکرد آن در جامعه ایرانی در کانون توجه بوده است. نگاه تاریخ‌نگارانه به وضعیت نظریه و نقد ادبی در غرب و در کشورمان (اعم از فضای دانشگاهی و غیردانشگاهی) برای تعیین جایگاه و کارکرد کتاب مورد بررسی در فضای دانشگاهی و غیردانشگاهی کشورمان ضروری بوده است. در بخش پایانی مقاله، بر پایه مباحث مطرح‌شده، نتیجه‌گیری خود را درباره وضعیت نقد ادبی در فضای دانشگاهی کشورمان ارائه کرده‌ایم و پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت آن و همچنین برای بهتر شدن کتاب مورد نظر در ویراست‌های بعدی به دست داده‌ایم.

۲. نقد ادبی در غرب

نقد ادبی به معنای مدرن آن، همانند دیگر مؤلفه‌های مدرنیته، مؤلفه‌ای وارداتی از فرهنگ غربی است. در انگلستان، نخستین تلاش‌ها برای رسیدن به نظریه و نقد ادبی مدرن در سال‌های ۱۸۹۰ صورت گرفت، و نویسندگان کوشیدند خود را از پیشینیان‌شان در عصر ویکتوریا (کسانی چون متیو آرنولد^۱) جدا سازند. البته تأثیر آرنولد بر ناقدان انسان‌باور قرن بیستم (از جمله ایروینگ ببیت، جی. کی. چسترتون، و ثرمن فورستر^۲) مشهود است. به هر روی، اقدامات اولیه برای ارائه جایگزینی غیر ویکتوریایی (اگر نه ضد ویکتوریایی) در نقد هنری و ادبی از سوی والتر پیتر^۳ و اسکار وایلد^۴ انجام شد. اینان، و بعدها ویلیام. سی. براونل^۵ و جیمز هانکر^۶، به دنبال رهاسازی زیبایی‌شناسی از دغدغه‌های اخلاقی و دینی بودند تا استقلال نقد ادبی را نشان دهند. نقد ادبی ویکتوریایی یا بیوگرافیک بود یا تعهدی شدید به ضبط عینی واقعیات با نگرشی اخلاقی داشت. وایلد با انتشار مجموعه مقالاتی انتقادی با

1. Matthew Arnold
2. Irving Babbitt; G. K. Chesterton; Norman Foerster
3. Walter Pater
4. Oscar Wilde
5. W. C. Brownell
6. James Huneker



عنوان نیت‌ها در سال ۱۸۹۱ به‌طور رسمی با سنت انتقادی آرنولد مخالفت کرد و اظهار داشت که نقد نه از سنت بلکه از تجربه‌های ذهنی گوناگون نویسنده و ناقد نیرو می‌گیرد. درحالی‌که آرنولد می‌گفت مسئولیت منتقد این است که اُبژه را همان‌طور که هست ببیند (حبیب، ۲۰۰۵، ۴۹۶)، وایلد در مقاله معروف «منتقد در مقام هنرمند» بر عنصر تخیل تأکید می‌کند و از تبعیت برده‌وار از واقعیات بیرونی می‌گریزد و همزمان بر ماهیت خلاقانه نقد تکیه می‌کند، زیرا عمل نقد برای او نوعی بازسازی اثر اصلی است. چند سال بعد، ویرجینیا وولف در مقاله تأثیرگذار «ادبیات داستانی مدرن» همین اندیشه را دنبال و تکمیل می‌کند و میان نویسندگان مادی‌گرا (که به مسائل بی‌اهمیت بیرونی می‌پردازند) و نویسندگان باطن‌نگر (که به نفس و جان انسان‌ها می‌پردازند) تمایز قایل می‌شود (وولف، ۲۰۰۰).

همان‌طور که از آرای وایلد و بعدها وولف برمی‌آید، نقد ادبی مدرن در آغاز قرن بیستم بیشتر «سوژه‌بنیاد» می‌شود و دغدغه اصلی‌اش همانا «سوژگی» در دنیایی به‌سرعت در حال تحول است، دنیایی که در آن عرف و سنت‌های زبان و واقعیت و اخلاقیات و دین زیر سؤال رفته است. البته از نقش نظریات فروید هم نباید غافل شد، ولی آنچه اوضاع را وخیم‌تر و پایه‌های اعتقادی را سست‌تر کرد وقوع جنگ جهانی بود. جنگ جهانی موجب شد متفکران نه‌تنها در میراث «روشنگری» بلکه در اصول بنیادین تمدن غرب هم تردید روا دارند. در این حال و هواست که ویندم لوویس^۱ مفهوم «وُرتسیسم»^۲ را در مجله بلست^۳ تبلیغ کرد. راه‌اندازی مجلات روشنفکری در زمینه‌های هنر، ادبیات و نقد ادبی از جمله کرایتریان،^۴ دایل،^۵ و اسکروتینی^۶ هم به رواج نظرپردازی‌های ناقدان کمک کرد. ناقدان آزاداندیش بزرگی از جمله اف. آر. لیویس، جی. ویلسن نایت، و ادموند ویلسن^۸ در این مجلات قلم می‌زدند که متأسفانه ما امروزه آشنایی چندانی با آثارشان نداریم.

1. Intentions
2. Wyndham Lewis
3. Vorticism
4. Blast
5. Criterion
6. Dial
7. Scrutiny
8. F. R. Leavis, G. Wilson Knight, & Edmund Wilson



در سال‌های بین دو جنگ جهانی، تفکرات سوسور در باب ساختارمندی نظام‌گونه زبان تحول چشمگیری در نظریه و نقد ادبی ایجاد کرد، طوری که می‌توان گفت فرمالیسم و نقد نو از آرای سوسور مایه گرفتند. نخستین کتاب انتقادی مهم به زبان انگلیسی که کوشید روش نقد نو را در مطالعه آثار ادبی به کار ببندد اصول نقد ادبی^۱ (۱۹۲۴) از آی. ای. ریچاردز^۲ بود. او در کتاب بعدی‌اش نقد عملی^۳ (۱۹۲۹) نیز این رویه را پی گرفت و اثر ادبی را «سازه زبانی خودبسنده» معرفی کرد (حبیب، ۲۰۰۵، ۵۶۳). او معتقد بود که متن ادبی را نباید در حکم سندی سیاسی و اجتماعی در نظر گرفت.

پس از جنگ جهانی دوم بازاندیشی در رویکردها و تفکرات پیشین آغاز شد و مهم‌تر از همه، تغییر پارادایم زبان‌شناختی، موسوم به «چرخش زبانی»، صورت گرفت که پیامدش غیاب عینیت، تكثر معنا و برجسته شدن نقش زبان در فرآیند معناسازی بود. این نکات در نظریه‌های پسا ساخت‌گرا اهمیت محوری یافت. در ضمن، پس از جنگ جهانی دوم و با شدت گرفتن جنبش‌های ضد استعمار، در نقد ادبی نیز توجه به بافت اجتماعی-سیاسی پیرامون متن و مسائل نژاد و فرهنگ و جنسیت روزبه‌روز بیشتر و ژرف‌تر شد. پیدایی نظریه‌ها و رویکردهای پسااستعماری و مطالعات فرهنگی و نژادی ریشه در این تحولات تاریخی دارد. با تشکیل «مرکز مطالعات فرهنگی معاصر» در دانشگاه بیرمنگام به دست ریچارد هاگرت^۴ و استوارت هال^۵ در ۱۹۶۴، «توجه نقادانه به جنبه‌های گوناگون فرهنگ معاصر»، از فرهنگ والا گرفته تا خرده‌فرهنگ‌های حاشیه‌ای، آغاز شد؛ از مختصات توسعه مطالعات فرهنگی در دهه‌های پایانی قرن بیستم این است که محل تلاقی «انواع رشته‌ها و اشکال سیاسی نقد ادبی» بوده است، «از واسازی و پسامدرنیسم گرفته تا مطالعات جنسیت و نقد بوم‌شناختی» (ولفریس و همکاران، ۲۰۰۶، ۱۱۸-۱۱۷).

با این مقدمات اکنون می‌توان گفت به‌رغم کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی که در دو دهه اخیر در تأیید وجود نقد ادبی در ایران پیشامدرن نوشته شده و همچنین تأثیراتی که بلاغت

1. Principles of Literary Criticism
2. I. A. Richards
3. Practical Criticism
4. Richard Hoggart
5. Stuart Hall



سنتی در آفرینش متون ادبی و مطالعات ادبی در دوران پیشامشروطه داشته است، نقطه آغاز بررسی این مفهوم در کشورمان باید به آغاز توجه به گفتمان مدرنیته و تحولات مربوط به آن محدود شود. برای نمونه، در پژوهشی درباره بعضی از مهم‌ترین اظهارنظرها درباره وجود یا فقدان نقد ادبی در سنت ادبی پیشامدرن فارسی (طاهری، ۱۳۹۷، ۹۴-۹۹)، نویسنده، با معرفی مهم‌ترین اظهارنظرها در تأیید وجود نقد ادبی در ایران پیشامدرن، طی یک سلسله استدلال‌ها زیر عنوان‌های چستی نظام نقد ادبی، نسبت نظریه و نظام نقد ادبی با عصر پیشامدرن، عدم تفکیک علم ادبیات از خلاقیت ادبی، عدم ارتباط نظریه و نظام نقد ادبی با آفرینش هنری، عدم ورود تفکر نقادانه از حوزه‌های کلام و فلسفه به عالم ادبیات، عدم زایایی دستگاه بلاغت اسلامی - ایرانی، نظام استبداد سیاسی و نسبت آن با فقدان نظریه و نظام نقد ادبی، و اعتقاد به منشأ متافیزیکی شعر و هنر، با عطف توجه به تفکیک «عالم خلاقه ادبی» از «علم ادبیات»، فقدان نقد ادبی در ایران پیشامدرن را بررسی کرده است.

۳. نظریه و نقد ادبی در ایران

آشنایی با گفتمان تجدد در اواخر سده نوزدهم میلادی در جنبش مشروطه‌خواهی نمایان می‌شود. در چنین وضعیتی است که اجزاء گوناگون حیات اجتماعی کشورمان، به تدریج، بر اساس الگوهای غربی تجدد، مورد انتقاد قرار می‌گیرد. رویکرد نقادانه به ادبیات فارسی نیز در چنین وضعیتی و تحت تأثیر فرهنگ مدرن یا با الگوبرداری از مطالعات ادبی مدرن صورت پذیرفته است. کسانی که به عنوان پیشگامان نقد ادبی در ایران معرفی می‌شوند، میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۲۸ تا ۱۲۹۵ ق.)، عبدالرحیم طالبوف تبریزی (۱۲۵۰ تا ۱۳۲۹ ق.)، و میرزا آقاخان کرمانی (۱۲۷۰ تا ۱۳۱۴ ق.)، (دهقانی، ۱۳۸۰؛ پارسی‌نژاد، ۱۳۸۰) روشنفکرانی بوده‌اند که آغازگر نگاه نقادانه به میراث ادب کلاسیک فارسی بوده‌اند. پس از مشروطیت، و در سال‌های پایانی سده سیزدهم خورشیدی، نظرهای تقی رفعت را که در مجله تجدد منتشر می‌شد می‌توان در در تاریخ نقد ادبی در ایران بااهمیت دانست. (نفیسی، ۱۳۷۲، ۱۷۴-۱۷۳؛ آرین‌پور، ۱۳۷۲، ۴۵۲-۴۳۶) از سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰، نظرهای جمالزاده در مقدمه مجموعه داستان یکی بود یکی نبود (۱۳۰۰ ش)، نیما یوشیج



در مقاله «ارزش احساسات در زندگی هنرمندان» (۱۳۱۹ ش، مجله موسیقی) و در حرف‌های همسایه و مجموعه کامل نامه‌های نیمایوشیچ (جورکش، ۱۳۸۳)، و صادق هدایت در مقاله «چند نکته درباره ویس و رامین» (۱۳۲۴) (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۰، صص ۳۰۷ تا ۳۰۹) و در پیام کافکا (۱۳۲۷) به نقد ادبی نزدیک می‌شود.

از سال‌های ۱۳۲۰ تا انقلاب ۵۷ فضای ادبی و روشنفکری ایران عمده‌تاً تحت تأثیر گفتمان مارکسیستی حزب توده قرار دارد، به گونه‌ای که در این دوره، رئالیسم سوسیالیستی بر ادبیات ایران حکم‌فرما می‌شود و ادبیات فارسی و اظهار نظرها درباره آن تحت تأثیر یک گفتمان خاص قرار می‌گیرد. (تلطف، ۱۳۹۴، ۲۰۴-۱۳۵). در این میان، استثنائاتی مانند انجمن هنری خروس جنگی و نشریه خروس جنگی با محوریت هوشنگ ایرانی (۱۳۰۴-۱۳۵۲) تحت تأثیر فرمالیسم و به‌ویژه ایماژیست‌ها کوشش‌های صورت داد که تأثیرات آن بسیار اندک بود. انتشار کتاب مکتب‌های ادبی تدوین و ترجمه رضا سید حسینی در سال ۱۳۳۴ در معرفی مکتب‌های ادبی غربی و کتاب طلا در مس، در سال ۱۳۴۴، نوشته رضا براهنی در توجه به نظریه‌های فرمالیستی و گاه ساختارگرایانه در تحلیل شعر با اهمیت است. نمونه‌های پراکنده دیگری که خارج از حیطه گفتمان غالب در زمینه نظریه و نقد ادبی منتشر شد عبارت‌اند از: مجله جنگ اصفهان (نخستین شماره، ۱۳۴۴ ش)، چند مقاله در زمینه نقد روانکاوانه بعضی داستان‌های شاهنامه از محمود صناعی که در سال ۱۳۴۸ در مجله یغما منتشر شد. این مقالات با اینکه همچنان در دوره‌های نخستین نقد روانکاوانه جای می‌گیرد، از محدود تجربه‌های موفق تحلیل روانکاوانه آثار کلاسیک فارسی به شمار می‌آید. (یاوری، ۱۳۷۲، ۱۵۸-۱۲۹). سال ۱۳۵۰، کتاب صور خیال در شعر پارسی: تحقیق انتقادی در تطور ایماژهای شعر منتشر می‌شود که تحت تأثیر نظریه‌های نظریه‌های فرمالیستی بهره گرفته است. سال ۱۳۵۴، کتاب نقد ادبی: جستجو در روشها و مباحث نقادی با بررسی در تاریخ نقد و نقادان نوشته عبدالحسین زرین‌کوب منتشر می‌شود که نخستین اثر فارسی در ارائه تاریخی از نقد ادبی به شمار می‌آید. انتشار ترجمه ابراهیم یونسی از کتاب جنبه‌های رمان نوشته ای. ام. فوستر در سال ۱۳۵۲ نیز از نمونه‌های توجه به نظریه‌های جدید در مطالعات ادبی است.



پس از انقلاب، به دلایل گوناگون، در حدود بیش از یک دهه توجهات به نظریه و نقد ادبی بسیار اندک است. در سال ۱۳۵۸ کتاب واقعیت اجتماعی و جهان داستان، تحت تأثیر نظریات لوسین گلدمن، از جمشید مصباح‌پور ایرانیان منتشر شد. کتاب شیوه‌های نقد ادبی از دیوید دیچز با ترجمه غلامحسین یوسفی و محمدتقی صدقیانی در سال ۱۳۶۶ منتشر می‌شود. اما شرایط رکود فرهنگی، کم‌وبیش، تا پایان جنگ هشت‌ساله و سال ۱۳۶۸ ادامه داشت. در همین سال ویرایش دوم کتاب موسیقی شعر، تحت تأثیر فرمالیسم، از شفیع کدکنی منتشر می‌شود. در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد چندین مقاله از آذر نفیسی در نشریات کلک، کیهان فرهنگی و کیان منتشر می‌شود. با آرامش نسبی فضای فرهنگی جامعه، از اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد خورشیدی به تدریج آثاری ترجمه و منتشر می‌شود که موضوع آن‌ها به طور مستقیم نظریه و نقد ادبی است یا نمونه‌هایی معروف و موفق از یکی از نحله‌های نظریه و نقد ادبی را شامل می‌شود. بعضی از مهم‌ترین این کتاب‌ها عبارت‌اند از: ریخت‌شناسی قصه‌های پریان از ولادیمیر پراپ، بدره‌ای، ۱۳۶۸؛ رمان به روایت رمان‌نویسان نوشته میریام آلوت ترجمه علی‌محمد حق‌شناس، ۱۳۶۸؛ چهار مقاله از راجر فالر، رومن یاکوبسن، دیوید لاج، و پیتر بری با عنوان زبان‌شناسی و نقد ادبی، گردآوری و ترجمه خوزان و پاینده، ۱۳۶۹.

در سال‌های آغازین دهه هفتاد (از بهار ۷۳) فصلنامه ارغنون در شماره‌های گوناگون به معرفی و نقد فرهنگ مدرن می‌پردازد و در برخی شماره‌ها مقالات ترجمه‌ای دست‌اولی درباره نقد ادبی نو، رمان، و مباحث مدرن مربوط به ادبیات منتشر می‌کند. بعضی از مهم‌ترین کتاب‌های ترجمه در زمینه نظریه و نقد ادبی در دهه هفتاد عبارت‌اند از: راهنمای نظریه ادبی معاصر نوشته رامان سلدن و پیتر ویدوسون، ترجمه مخبر، ۱۳۷۲؛ تاریخ نقد ادبی جدید نوشته رنه ولک در هشت جلد از ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۹ با ترجمه ارباب‌شیروانی (کتابی که در زمینه تاریخ نقد ادبی جدید همچنان منبعی معتبر و دانشگاهی در سطح جهانی به شمار می‌آید)؛ مبانی نقد ادبی نوشته ویلفرد گرین و دیگران، ترجمه طاهری، ۱۳۷۷، نقد ادبی در قرن بیستم از ژان ایوتادیه، ترجمه مهشید نونهالی، ۱۳۷۸؛ سلسله کتاب‌های نشر مرکز شامل سی عنوان، که از میان کتاب‌های مجموعه The Critical Idiom برای ترجمه انتخاب شده‌اند و موضوعاتی



در باره جنبش‌ها و مکتب‌های ادبی، انواع ادبی، سبک‌ها و برخی عناصر داستانی را شامل می‌شوند. در این دهه چند کتاب در موضوع جامعه‌شناسی ادبیات با ترجمه محمدجعفر پوینده منتشر شد که عبارت‌اند از: جامعه‌شناسی ادبیات از گلدمن، ۱۳۷۱؛ جامعه‌شناسی رمان از لوکاچ؛ مجموعه مقالات سودای مکالمه، خنده و آزادی، گردآوری و ترجمه، ۱۳۷۳؛ مجموعه مقالاتی با عنوان جامعه، فرهنگ، ادبیات از گلدمن، آدورنو، و دیگران، گردآوری و ترجمه، ۱۳۷۶. کتاب منطق گفتگویی باختین نوشته تودوروف (ترجمه داریوش کریمی، ۱۳۷۷ و کتاب مهم دوره زبان‌شناسی عمومی فردینان دو سوسور، ترجمه کورش صفوی، از مهم‌ترین کتاب‌های منتشر شده در این دهه به شمار می‌آیند.

در این دهه، ترجمه همچنان غالب است و کتاب‌های تألیفی موفق در زمینه نقد ادبی بسیار انگشت‌شماراند: داستان یک روح، شمیس، ۱۳۷۲؛ جلد نخست کتاب از زبان‌شناسی به ادبیات از کورش صفوی؛ روانکاوی و ادبیات: دو متن دو انسان و دو جهان از بهرام گور تا راوی بوف کور، یآوری، ۱۳۷۴؛ مجموعه مقالاتی با عنوان تجدد و تجددستیزی در ایران، میلانی، ۱۳۷۸. گفتنی است، نویسندگان این کتاب‌ها یا پرورش‌یافته دانشگاه‌های غربی هستند یا دانش خود از نقد ادبی را مرهون ارتباط بی‌واسطه با متون انگلیسی و فرانسوی هستند و می‌توان گفت ترجمه‌های فارسی از نظریه‌های ادبی تأثیری در تألیفات آنان نداشته است.

۱-۳. رواج گفتمان نقد ادبی در ایران

گفتمان نقد ادبی در کشورمان از اواخر دهه هفتاد رایج شده است. طی تاریخ‌شنایی با نقد ادبی در کشورمان، بیش‌ترین ترجمه‌ها در این زمینه در دهه هشتاد و اوایل دهه نود صورت پذیرفته است. این ترجمه‌ها در معرفی نظریه‌های جدید در نقد ادبی مؤثر بوده‌اند، اما ایراداتی به این ترجمه‌ها وارد است. در نظر نگرفتن تفاوت پس‌زمینه‌های فرهنگی-ادبی مخاطبان ایرانی با مخاطبان غربی، که این آثار برای آن‌ها نوشته شده، گزینش‌های نامناسب در انتخاب متون برای ترجمه، ترجمه نظریه‌های جدید بدون توجه به آشنایی مخاطب ایرانی با نظریه‌های قبلی که پیش‌نیاز فهم این نظریه‌ها هستند، در نظر نگرفتن سطح دانش و نیاز مخاطبان ایرانی، آشفتگی در ترجمه‌ها به‌ویژه در انتخاب معادل‌های فارسی از

مهم‌ترین دلایل ناکارآمدی اغلب متون ترجمه‌ای است که بعضی از منتقدان ادبی بدان اشاره کرده‌اند (پاینده، ۱۳۸۳، ۵-۱).

در زمینه مطالعات ادبی نظریه‌بنیاد در این مقطع زمانی بعضی از مهم‌ترین کتاب‌ها عبارت‌اند از: تحلیل‌های روانشناختی در هنر و ادبیات از محمد صنعتی در ۱۳۸۰؛ ردّ پای تزلزل: رمان تاریخی ایران ۱۳۳۲-۱۳۲۰ نوشته کامران سپهران در ۱۳۸۱؛ گفتمان نقد: مجموعه مقالاتی در نقد ادبی از حسین پاینده در ۱۳۸۲؛ صادق هدایت و هراس از مرگ از محمد صنعتی در ۱۳۸۲؛ زندگی در آینه: گفتارهایی در نقد ادبی از حورا یآوری در ۱۳۸۴؛ بوطیقای شعر نو: نگاهی دیگر به نظریه و شعر نیما یوشیج از شاپور جورکش در ۱۳۸۳؛ طلیعه تجدد در شعر فارسی از احمد کریمی حکاک، ترجمه مسعود جعفری در ۱۳۸۴؛ کتاب نقد ادبی و دموکراسی: جستارهایی در نظریه و نقد ادبی جدید نوشته حسین پاینده در ۱۳۸۵؛ نقد ادبی و مطالعات فرهنگی: قرائتی نقادانه از آگهی‌های تجاری در تلوزیون ایران از همان نویسنده، در ۱۳۸۵؛ سیر رمانتیسیم در ایران: از مشروطه تا نیما، نوشته مسعود جعفری در ۱۳۸۶؛ تناظرکراسی در عصر مشروطه (۱۲۸۵-۱۳۰۴)، نوشته کامران سپهران در ۱۳۸۸؛ سه‌گانه داستان کوتاه در ایران: داستان‌های رئالیستی و ناتورالیستی (۱۳۸۹)، داستان کوتاه در ایران: داستان‌های مدرن (۱۳۸۹)، و داستان کوتاه در ایران: داستان‌های پسامدرن (۱۳۹۰)، نوشته حسین پاینده؛ گشودن رمان: رمان ایران در پرتو نظریه و نقد ادبی از همان نویسنده در ۱۳۹۲؛ کتاب روایت نابودی ناب: تحلیل بوردیوی بوف کور نوشته شهرام پرستش در ۱۳۹۲؛ سیاست نوشتار از کامران تلطف، ترجمه مهرک کمالی در ۱۳۹۴؛ نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان رشته‌ای از حسین پاینده در ۱۳۹۷.

چنانکه می‌بینیم، سهم کتاب‌های تألیفی همچنان اندک‌شمار است. در مورد وضعیت مقالات دانشگاهی در زمینه نظریه و نقد ادبی، بررسی مقالات منتشرشده در فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی (متعلق به انجمن نقد ادبی ایران) می‌تواند تصویری کلی به ما ارائه کند. سردبیر این مجله کارنامه ده‌ساله آن را با نگاهی نقادانه بررسی کرده است. این بررسی ۳۳۶ مقاله منتشر شده در ۳۹ شماره تا سال ۱۳۹۶ ش را در بر می‌گیرد و بر اساس آن، نتایج ناامیدکننده‌ای به دست آمده است. سهم ناچیز نوشتار نظری و تحلیلی، قرار



گرفتن بیشینه مقالات در قالب «نقد آموزشی» یا «تمرین نقد» از جمله مهم ترین مواردی است که در این بررسی نقادانه عنوان شده است (فتوحی، ۱۳۹۶، ۷-۱۱).

۲-۳. نقد ادبی در دانشگاه و رشته زبان و ادبیات فارسی: برنامه و درسنامه

به رغم غالب شدن گفتمان نقد ادبی از اواخر دهه هفتاد بدین سو، توجه به نظریه و نقد ادبی در برنامه های رسمی دانشگاهی اندک بوده است. سابقه تدریس ادبیات فارسی به صورت دانشگاهی به سال ۱۳۰۷ ش برمی گردد. در این سال دارالمعلمین مرکزی و دارالمعلمین عالی تأسیس شده بود و رشته ادبیات در ترکیب با فلسفه در آن جا دایر بود. سال تحصیلی ۱۳۱۱-۱۲ رشته ادبیات فارسی مستقل شد تا اینکه سال ۱۳۱۳ ش دانشگاه تهران تأسیس شد و از سال ۱۳۱۶ ش در دوره دکتری ادبیات فارسی نیز دانشجو پذیرفت. سرفصل های برنامه درسی دوره دکتری از این قرار بود: ۱. یک زبان خارجه غیر از زبانی که برای گرفتن لیسانس آموخته است؛ ۲. زبانهای ایران پیش از اسلام و زبانشناسی؛ ۳. تاریخ مفصل ایران؛ ۴. دوره عالی ادبیات عرب؛ ۵. معانی بیان زبان فارسی و سبک شناسی و مقایسه روش های نظم و نثر؛ ۶. سنجش ادبیات زبان های مختلف و روش تاریخ ادبیات (دانشگاه تهران، ۱۳۹۷). در دی ماه ۱۳۳۰ ش، هشت کرسی برای رشته ادبیات فارسی تصویب شد که عبارت بودند از: ۱. تاریخ ادبیات (دو کرسی)، فنون ادبی، سبک شناسی، تحقیق در متون فارسی، تاریخ زبان فارسی، دستور زبان فارسی، و تاریخ تصوف. (همان).

از برنامه درسی، بعد از این تاریخ تا انقلاب ۱۳۵۷ اطلاعی در دست نگارندگان نیست. در برنامه درسی دانشگاهی در کشورمان، از سال های انقلاب تا سال ۱۳۸۹ ش نظریه و نقد ادبی هیچ جایگاهی نداشته است. اما در سال ۱۳۸۹ ش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برنامه بازنگری شده را به دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشور برای ارائه پیشنهادها اعلام کرد. (نیک منش، ۱۳۸۹، ۴۸). در این برنامه بازنگری شده، در دوره کارشناسی، درس دو واحدی کلیات نقد ادبی زیر عنوان درس های اصلی آمده است و زیر عنوان درس های اختیاری گروه دوم: فنون ادبی، دو درس دو واحدی با نام نظریه های ادبی و مکاتب نقد ادبی آمده است. البته زیر همین عنوان یک درس دو واحدی اختیاری دیگر با عنوان فلسفه و ادبیات نیز گنجانده شده که می توان آن را در حیطه نظریه و نقد ادبی به شمار آورد. آنچه در آخرین بازنگری برنامه دوره



مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی

۷۲

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰



کارشناسی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۱، ۱۰، ۱۳) آمده هیچ تفاوتی با اطلاعات ارائه شده در بازنگری سال ۱۳۸۹ ندارد. در بازنگری‌ای که در دهه نود در برنامه درسی گرایش‌های گوناگون دوره کارشناسی ارشد و دکتری صورت گرفته «نظریه‌ها و نقد ادبی» برای همه گرایش‌ها، به‌استثنای گرایش نظریه و نقد ادبی، به عنوان یک درس پایه در نظر گرفته شده است. البته، بررسی سرفصل‌های گرایش‌های گوناگون از جمله روایی، عامه، ادبیات معاصر و ادبیات محض کاستی‌های فراوانی را در زمینه توجه به اهمیت نظریه و نقد در دروس تحصیلات تکمیلی نمایان می‌سازد. از میان گرایش‌های دوره دکتری شامل ادبیات غنایی، عرفانی، و حماسی، در گرایش حماسی، درسی تخصصی با عنوان مبانی نظری و تطبیقی نوع ادبی حماسه آمده است و در گرایش غنایی نیز درسی با عنوان مبانی نظری ادب غنایی، اما سرفصل‌های گرایش ادبیات عرفانی بیش‌تر سنتی است و فقط زیر عنوان درس‌های اختیاری درسی با عنوان مطالعات تطبیقی در مکاتب عرفانی آمده که چنانکه از توضیحات آن مشخص است (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۰، ۲۶) ارتباط چندانی با نظریه و نقد ادبی در آن مشاهده نمی‌شود.

رخداد مهم دیگر تصویب گرایش نظریه و نقد ادبی در دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی به تاریخ ۱۳۹۶/۶/۷ است که درس‌های مربوط به نظریه و نقد ادبی در این گرایش عبارت‌اند از: یک درس پایه با عنوان نظریه و نقد ادبی در ایران و جهان اسلام تا دوره مشروطه، درس‌های اصلی شامل نظریه‌ها و نقد ادبی فارسی از مشروطه تا امروز، ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی، نقد هرمنوتیک، کارگاه نقد شعر، کارگاه نقد داستان و درس‌های اختیاری شامل آسیب‌شناسی نقد ادبی در ایران، نقد روان‌شناختی و اسطوره‌شناختی، کلیات زیبایی‌شناسی و ادبیات، فرمالیسم و نقد نو، و نقد جامعه‌شناسی. (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۶، ۸-۷).

چنانکه می‌بینیم تا دهه نود خورشیدی توجه چندانی به نظریه و نقد ادبی در برنامه‌های درسی دانشگاهی نشده است. در زمینه درسنامه‌ها نیز برای درس دو واحدی کلیات نقد ادبی در دوره کارشناسی، غیر از منابع عمدتاً ترجمه‌ای، چهار درسنامه تألیف شده است که عبارت‌اند از مبانی و روش‌های نقد ادبی، امامی، ۱۳۸۵؛ نقد ادبی: نظریه‌های ادبی و کاربرد آن‌ها در ادبیات فارسی، شمیسا، ۱۳۸۸؛ نقد ادبی، شایگانفر، ۱۳۹۱. که با وجود

تأثیرگذاری آن‌ها در در زمان انتشار در فضای ادبیات دانشگاهی، انتقادهایی بر آن‌ها وارد شده است (قاسمی‌پور، ۱۳۹۶، ۹۱-۶۷). غیر از گرایش تازه‌تأسیس نظریه و نقد ادبی در دوره کارشناسی ارشد، گنجانیدن درس «نظریه‌ها و نقد ادبی» برای همه گرایش‌های کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی رخدادی مهم و ارزشمند است.

۴. کتاب نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان رشته‌ای

با توضیحات فشرده‌ای که درباره تاریخچه پیدایش نقد ادبی جدید در غرب ارائه شد و با عطف توجه به تاریخچه این مفهوم - چه در فضای خارج از دانشگاه و چه در فضای دانشگاهی - و وضعیت کنونی آن در کشورمان، اکنون می‌توان درباره کتاب نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان رشته‌ای، نوشته حسین پاینده که در سال ۱۳۹۷ در انتشارات سازمان مطالعه و تدوین (سمت) منتشر شده، سخن گفت. این کتاب، اگرچه دامنه گسترده‌ای از مخاطبان را در بر می‌گیرد، در اصل مختص درس نظریه‌ها و نقد ادبی به نگارش درآمده است. در ادامه، به معرفی کتاب نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان رشته‌ای می‌پردازیم و جایگاه آن در گفتمان نقد ادبی در کشورمان را بررسی می‌کنیم.

۱-۴. شکل و ساختار

کتاب در قطع وزیری و در دو جلد در سال ۱۳۹۷ و در انتشارات سمت منتشر شده است. جلد اول آن ۵۴۵ صفحه است و شش فصل را شامل می‌شود که عبارت‌اند از: فرمالیسم، روانکاوی، ساختارگرایی و روایت‌شناسی، نقد اسطوره‌ای-کهن‌الگویی، تاریخ‌گرایی نوین، و نقد لاکانی. پس از پایان فصل شش، بخشی با عنوان فهرست اعلام خارجی (به ترتیب حروف الفبای فارسی و همراه با برابر انگلیسی) آمده است و پس از فهرست منابع نیز بخش نمایه آمده که فهرست نام کسان و کتاب‌ها و مفاهیم و اصطلاحات را شامل می‌شود. جلد دوم ۴۷۶ صفحه است و پنج فصل را شامل می‌شود که عبارت‌اند از: نشانه‌شناسی شعر، نقد ادبی از منظر مطالعات زنان، پسامدرنیسم، مطالعات فرهنگی و نشانه‌شناسی، و نظریه دریافت و واکنش خواننده. در این جلد، پس از پایان یافتن فصل یازده، این بخش‌ها به ترتیب اصطلاحات نظریه و نقد ادبی مده است: سخن فرجامین، فهرست نام اشخاص خارجی،



مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی

۷۴

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰



اصطلاحات نظریه و نقد ادبی (انگلیسی به فارسی)، مراجع، و در پایان نیز نمایه‌ای که شامل فهرست نام کسان و کتاب‌ها و مفاهیم و اصطلاحات جلد دوم را شامل می‌شود.

قلم این کتاب با قلم‌های رایج تفاوت دارد. بیش‌تر قلم‌های فارسی رایج در بازار برگرفته از مایکروسافت هستند که پایه آن‌ها عربی است. این قلم، که انتخاب مؤلف بوده است، برای خط فارسی طراحی شده و بسیاری از مشکلات خط‌های موجود را ندارد. مزیت‌های این فونت از جمله استقلال واژه‌های دو جزئی و چندجزئی و همچنین، نزدیکی نشانه‌های مصوت‌های کوتاه سه‌گانه و تنوین به حروف است. وضوح و اندازه حروف نیز با ویژگی آموزشی کتاب تناسب دارد. طرح جلد کتاب (تصویری از یک میز در زمینه‌ای از دریا و آسمان که چندین کتاب به صورت عمودی روی آن چیده شده و بر روی آن‌ها فانوسی روشن قرار گرفته، به همراه یک فنجان نوشیدنی روی میز و پرنده‌ای در آسمان) نیز از ویژگی‌های برجسته آن است و معنایی نمادین و در جهت فایده نظریه و نقد ادبی را القا می‌کند. فارغ از دلالت‌های ضمنی و آشکار تصویر و تناسب آن با محتوا و کارکرد کتاب، در استفاده از این طرح، حقوق مؤلف آن، نقاش آلمانی، کوینت بوخهلز رعایت شده و افزون بر آمدن امضای او، مشخصات رسمی حقوق وی بر پشت جلد آمده است.

اگرچه صفحه‌آرایی کتاب، طبق الگوی کتاب‌های دانشگاهی، کلاسیک است، به اقتضای کارکرد آموزشی کتاب مواردی در آن رعایت شده که در کتاب‌های مشابه کمتر در کانون توجه قرار می‌گیرد، از جمله: در آغاز هر فصل در کادری مجزا زیر عنوان «آنچه در این فصل می‌خوانید» عنوان‌های مطرح شده در آن فصل آمده و در هر فصل باز در کادری مجزا زیر عنوان «چند نکته در حاشیه» توضیحاتی ضروری درباره رویکرد یا نظریه مورد بحث آمده که به نوشته مؤلف، «شامل نکات مرتبط اما بسط داده‌نشده‌ای است که برای مزید اطلاعات خواننده گنجانده شده‌اند» (پاینده، ۱۳۹۷، ج ۱، ۲۰). به اقتضای مطالب، در جاهای مختلف کتاب، تصویر، جدول و نمودارهایی گنجانده شده و فهرست آن‌ها در هر دو جلد پس از فهرست مطالب آمده است. زبان توضیحات و تحلیل‌ها، با اینکه تحت تأثیر الگوهای مدرن است و در حیطه‌ای قرار می‌گیرد که کاربست زبان فارسی در آن پیشینه و تجربه اندکی دارد (اغلب متن‌های مربوط به نقد ادبی در حیطه ترجمه و ترجمه‌وتألیف



زبانی آشفته و دشوارفهم دارند)، در همه‌جا ارجاعی و به‌دور از پیچیدگی‌های مرسوم است، به‌گونه‌ای که زبان ارجاعی و شفاف را می‌توان از شاخص‌های این کتاب دانست.

کتاب ساختار مشخص و دقیقی دارد. ده فصل این کتاب از یک ساختار مشخص پیروی می‌کند، به‌گونه‌ای که در هر فصل هر رویکرد یا نظریه‌ای که مطرح می‌شود مطالب مربوط ذیل ده مورد می‌آید: ملاحظات کلی درباره‌ی نظریه‌ی همان فصل، اصول و مفروضات بنیادین آن نظریه، روش‌شناسی نقد با آن نظریه، متونی که برای نقد شدن با آن نظریه مناسب‌ترند، پرسش‌هایی که منتقدان آن نظریه می‌خواهند پاسخ دهند، مزیت‌ها و محدودیت‌های آن نظریه، مرور نمونه‌های نقد، و اصطلاحات کلیدی آن نظریه. در فصل یازدهم، نظریه‌ی دریافت و واکنش خواننده، ساختار متفاوت می‌شود و مؤلف زیر چهار عنوان مطلق‌گرایی در نقد ادبی، نسبی‌گرایی در فلسفه‌ی پدیدارشناسی هوسرل، نسبی‌گرایی در آراء یاوز و آیزر، و برداشت‌های نادرست از نظریه‌ی دریافت و واکنش خواننده، با پیش کشیدن بحثی تاریخی تحلیلی درباره‌ی نقد ادبی و توضیحاتی درباره‌ی نقد سنتی و سپس برخی بنیان‌های فلسفی نظریه‌ی دریافت و واکنش خواننده، درباره‌ی بعضی برداشت‌های نادرست از این نظریه توضیحاتی به دست می‌دهد.

۲-۴. محتوا و کارکرد آموزشی کتاب

با توجه به این که کتاب نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای به سفارش سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و برای یک درس مصوب به نگارش درآمده، در بررسی محتوای آن، پرداختن به توضیحات رسمی و مصوب آن ضروری است. از آنجاکه این درس در همه‌ی گرایش‌های کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی (به‌جز گرایش نظریه و نقد ادبی) به عنوان درس پایه مصوب شده و در نتیجه توضیحات آن در همه‌ی گرایش‌ها یکسان است، توضیحات آن را بر اساس یکی از این گرایش‌ها یعنی گرایش ادبیات معاصر (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۴/۶/۷، ۱۹-۱۸) نقل می‌کنیم.

هدف درس «آشنایی با نظریه‌ها و رویکردهای ادبی و کاربرد آن‌ها در نقد و تحلیل آثار ادبی فارسی» ذکر شده است. سرفصل‌ها نیز از این قرارند: «۱. تعریف نظریه، نقد، جریان، مکتب و تفاوت‌های آن‌ها»؛ ۲. نظریه و نقد ادبی در گذشته ادبیات فارسی؛ ۳. فرمالیسم و نقد نو، و نقد یک نمونه ادبی فارسی؛ ۴. ساختارگرایی و پساساختارگرایی، و نقد یک نمونه

ادبی فارسی؛ ۵. نقد روانشناختی و اسطوره‌شناختی، و نقد یک نمونه ادبی فارسی؛ ۶. نقد فمینیسم، مدرنیسم و پسامدرنیسم و نقد چند نمونه ادبی فارسی؛ ۷. آسیب‌شناسی نقد ادبی در ایران». سه کتاب نیز به عنوان منابع اصلی ذکر شده که عبارت‌اند از درسنامه نظریه ادبی (گیلز، ۱۳۸۸)، نقد ادبی (زرین کوب، چ ۳، ۱۳۶۳)، و ساختار و تأویل متن (احمدی، ۱۳۸۹). ده منبع نیز به عنوان منابع بیشتر آمده است. بررسی نقادانه این درس مصوب و توضیحات آن موضوع این نوشته نیست و توضیحات ما درباره آن در پیوند با کتاب نظریه و نقد ادبی خواهد بود که در این میان بعضی از کاستی‌ها و ضعف‌های برنامه مصوب این درس نیز آشکار می‌شود. در ادامه، از طریق مقایسه محتوای کتاب و محتوای مصوب درس نظریه‌ها و نقد ادبی، محتوای کتاب نظریه و نقد ادبی در کانون توجه قرار می‌گیرد.

۱. شمول در معرفی رویکردها و نظریه‌ها. چنانکه می‌بینیم، در سرفصل‌ها، فرمالیسم و نقد نو، ساختارگرایی و پساساختارگرایی، نقد روانشناختی و اسطوره‌شناختی، و «نقد فمینیسم و مدرنیسم و پسامدرنیسم» به عنوان ضروریات محتوای درسنامه تصویب شده است. در کتاب نظریه و نقد ادبی، یازده رویکرد هر یک در فصلی مستقل در کانون توجه قرار گرفته است که عبارت‌اند از: فرمالیسم، روانکاوی، ساختارگرایی و روایت‌شناسی، نقد اسطوره‌ای-کهن‌الگویی، تاریخ‌گرایی نوین، نقد لاکانی، نشانه‌شناسی شعر، نقد ادبی از منظر مطالعات زنان، پسامدرنیسم، مطالعات فرهنگی و نشانه‌شناسی، و نظریه دریافت و واکنش خواننده. فارغ از عبارت مبهم و دارای اشکال «نقد فمینیسم و مدرنیسم و پسامدرنیسم» در برنامه مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، چنانکه می‌بینیم، نظریه‌ها و رویکردهای معرفی شده در کتاب نظریه و نقد ادبی بیشتر از آن چیزی است که در برنامه یاد شده تصویب شده است. در نتیجه کتاب از این جهت شمول بیشتری دارد و کامل‌تر است.

۲. تأکید بر رویکردهای میان‌رشته‌ای و مناسبات برون‌متنی. در سرفصل‌های مصوب، فمینیسم و نقد روانشناختی و اسطوره‌شناختی آمده و این موضوع نشانه توجه - اگرچه اندک - به مطالعات میان‌رشته‌ای در ادبیات فارسی است، با این حال نکته‌ای اساسی که در توضیحات این درس مغفول واقع شده رویکرد اساساً میان‌رشته‌ای و عطف توجه به مناسبات برون‌متنی است که از دهه هفتاد میلادی، به‌خصوص از طریق رواج مطالعات فرهنگی، نظریه و نقد ادبی را





به‌کلی متحول کرده است. نگاهی به سیر تحولات مطالعات مربوط به ادبیات، چنانکه در مقدمه این جستار بدان پرداخته شد، نشان می‌دهد که مطالعات میان‌رشته‌ای و مناسبات برون‌متنی در چند دهه اخیر تحلیل ادبیات و به‌طور کلی در تحلیل متون گوناگون در مرکز توجه قرار گرفته است. این نکته در چندین فصل از کتاب نظریه و نقد ادبی از جمله در فصول نقد ادبی از منظر مطالعات زنان و تاریخ‌گرایی نوین در کانون توجه بوده است. فصل نشانه‌شناسی و مطالعات فرهنگی و پیوند این دو در یک فصل اوج توجه به مطالعات میان‌رشته‌ای در این کتاب به‌شمار می‌آید. انتخاب نمونه‌های تحلیلی از میان انواع متن‌ها و منحصر نکردن متون تحلیلی به متون صرفاً ادبی و عنوان فرعی در عنوان فارسی کتاب (درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای) و همچنین عنوان اصلی انگلیسی کتاب (Critical Theory) همه نشان‌دهنده عطف توجه به سیر تحولات نظریه و نقد ادبی و در نتیجه محدود نشدن آن به نظریه‌های ادبی صرف بوده است.

۳. بومی‌گرایی در نمونه‌های تحلیلی. با توجه به ترجمه‌ای بودن غالب منابع مربوط به نظریه و نقد ادبی، نمونه‌های انتخاب شده برای نقد عملی متن‌های مربوط به جامعه‌های مبدأ این نظریه‌ها هستند. این متن‌ها غالباً به زبان فارسی ترجمه نشده‌اند و ارجاعات مداوم به آن‌ها از فهم نظریه می‌کاهد. این در حالی است که نمونه‌های تحلیلی کتاب نظریه و نقد ادبی همه بومی هستند. این نمونه‌ها عبارت‌اند از: شعر «جمعه» از فروغ فرخزاد، شعر «آن‌ها» از حسین سنایور و «خواب و جین‌گر» از احمد شاملو، داستان سه قطره خون و بخش‌هایی از رمان بوف کور صادق هدایت، رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم زویا پیرزاد، شوهر آهوخانم از محمدعلی افغانی، بخش «ذکر بقیه احوال امیرمحمد» از تاریخ بیهقی، چند تصویر تبلیغاتی از آقای روحانی رئیس‌جمهور کشورمان، داستان عامیانه حمام بنفش از صبحی مهتدی، رمان سووشون از سیمین دانشور، شعر «زمستان» از مهدی اخوان ثالث، شعر «آی آدم‌ها» از نیما یوشیج، داستان مدل از سیمین دانشور، داستان زمستان مرا گرم کن از علی خدایی، رمان شب هول از هرمز شهدادی، سریال عامه‌پسند دارو ندار به کارگردانی مسعود ده‌نمکی و سریال بزنگاه نوشته سروش صحت و به کارگردانی رضا عطاران، و تصاویر و کارکاتورهایی از محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه با موضوع برجام.



۴. گسترش معنای متن در بخش عملی. در نمونه‌های انتخابی مؤلف برای نقد عملی، معنای متن گسترش یافته و هم شعر و ادبیات داستانی و متون کهن (در مورد اخیر فقط یک متن بررسی شده) را دربرمی‌گیرد و هم سریال‌های تلویزیونی و مجموعه‌ای از خبر و تبلیغات و عکس و کاریکاتور را. از مهم‌ترین نتایج چنین رویکردی، که در نمونه‌های نقد عملی این کتاب نمایان شده است، گسترش نظریه و نقد و نگاه نقادانه به حیطه‌های گوناگون مربوط به حیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورمان بوده است.

۵. بومی‌گرایی در توضیحات مربوط به نظریه‌ها. چون مخاطبان اصلی دانشگاهی کتاب‌ها و مقالات مربوط به نظریه و نقد از جهات گوناگون آگاهی‌های بیشتری در مقایسه با مخاطب فارسی‌زبان دارند، مؤلفان آن‌ها از توضیح بسیاری از موارد مربوط به مباحث مطرح شده صرف‌نظر می‌کنند، این موضوع کارایی این متن‌ها را در جامعه‌هایی مانند جامعه ما کم می‌کند. آگاهی از وضعیت منابع موجود و تقایص گوناگون این حیطه و آشنا بودن به سطح آگاهی مخاطبان ایرانی موجب شده کتاب نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای ضمن بهره‌مندی از روزآمدترین منابع در زمینه نظریه و نقد ادبی و رعایت مبانی علمی، به ارائه مطالب پایه‌ای درباره هر نظریه نیز بپردازد، مطالبی که برای مخاطبان ایرانی ضروری اما برای مخاطبان کشورهای توسعه‌یافته غیرضروری است.

۶. منابع دست اول. اکثریت قریب به اتفاق منابع استفاده شده در کتاب برگزیده‌ای از منابع انگلیسی است، به گونه‌ای در ارجاعات کتاب نیز آشکار است مبنای معرفی هیچ یک از نظریه‌ها و رویکردها ترجمه‌های فارسی نبوده است. این ویژگی از این جهت اهمیت دارد که در آسیب‌شناسی نقد ادبی در کشورمان، عمدتاً به فهم نادرست نظریه‌ها (امن‌خانی و علی‌مددی، ۱۳۹۱: ۷۵-۵۱)؛ و همچنین سهل‌انگاری در کاربرد نظریه‌ها که خطاهای روش‌شناختی را موجب شده (محمدی‌کله‌سر، ۱۳۹۷، ۱۷۲-۱۴۹) اشاره شده است. به نظر می‌رسد هم فهم نادرست نظریه‌ها و هم سهل‌انگاری در کاربرد آن‌ها به دانش‌اندک نویسندگان مربوط شود. به‌بیانی روشن‌تر، دانش اغلب نویسندگان مقالات مربوط به نقد ادبی به واسطه ترجمه کسب شده و نه از طریق ارتباط مستقیم با متون اصلی. متون ترجمه‌شده نیز هم از جهت انتخاب متن (زیرا بسیاری از متون اصلی همچنان ترجمه نشده



باقی مانده‌اند) و هم از جهت دقت در ترجمه غالباً اشکالات فراوانی دارند و ضعف‌های موجود این ترجمه‌ها نیز به تألیفات این حیطه راه یافته است.

۷. تنوع در متون تحلیلی. در بعضی از کتاب‌های معتبر مربوط به نظریه و نقد ادبی رویکردهای نظری گوناگون در ارتباط با یک متن واحد معرفی می‌شوند (برای نمونه، بنگرید به تاپسن، ۱۳۹۴). چنین روشی اگرچه به خوانش یک متن از جنبه‌های گوناگون می‌انجامد، در مواردی ممکن است به اجرای مکانیکی نظریه‌ها در خوانش متون منجر شود. به نظر می‌رسد موضوع اخیر در کشورمان همه‌گیر شده است. در واقع، فقدان تناسب میان نظریه و متن موضوع نقد نیز یکی از مهمترین ایراداتی است که به مطالعات ادبی در حیطه نقد ادبی وارد شده و در آسیب‌شناسی نظریه و نقد ادبی در کشورمان در قالب مفاهیمی مانند «تصادف نظریه و متن» (عمارتی مقدم، ۱۳۸۸، ۲۱۹-۲۱۵) و «ناسازگاری نظریه با نوع ادبی» (بهفر، ۱۳۸۹، ۲۱۱-۲۰۵) به آن پرداخته شده است. افزون بر تنوع در متون تحلیل شده، در قالب دو بخش ثابت در هر فصل از کتاب نظریه و نقد ادبی، بحث‌هایی درباره متونی که برای نقد شدن با هر نظریه یا رویکرد مناسب‌ترند و مزیت‌ها و محدودیت‌های هر نظریه یا رویکرد آمده است که این موضوع به مخاطبان کتاب در انتخاب نظریه و رویکرد متناسب با متن کمک می‌کند.

۸. اصطلاح‌شناسی. در فهم هر نظریه، اصطلاحات تخصصی و کلیدی آن نظریه اهمیتی ویژه دارد، به‌ویژه اینکه هر اصطلاح در هر نظریه بار معنایی خاصی دارد. در این کتاب در پایان هر فصل در کادری مجزا اصطلاحات مربوط به نظریه مورد بحث به همراه برابر انگلیسی آن‌ها آمده که برای اصطلاح‌شناسی هر نظریه ابزاری مفید است.

۹. نبود بعضی نظریه‌های مدرن: بعضی از نظریه‌های نوین از جمله بعضی نظریه‌های مربوط به امور جنسی، نظریه‌های پسااستعماری، و مارکسیسم در این کتاب دیده نمی‌شود. در این کتاب به باختمین نیز پرداخته شده اما نه در یک فصل مستقل، در حالی که در غالب کتاب‌های نظریه و نقد ادبی فرهنگی نظریه‌های این نظریه‌پرداز مهم - که اتفاقاً نظریه‌های او در جامعه ما کاربست فراوان دارد - یک فصل مجزا را تشکیل می‌دهد. محدودیت‌های تألیفات درسنامه‌ای و محدودیت در حجم چنین کتاب‌هایی کاملاً پذیرفتنی است، اگرچه

نظریه‌ها و رویکردهای معرفی شده در این کتاب و حجم آن، چنانکه در بخش‌های پیشین گفته شد، به همین صورت نیز از سرفصل‌های مصوب و حجم پیش‌بینی شده برای آن فراتر است. به جز این، در نبود نظریه‌های مربوط به امور جنسی احتمالاً اولویت‌های جامعه و موانع فرهنگی، و مسائل مربوط به ممیزی دخیل بوده است. البته، با وجود این، کتاب نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای مفصل‌ترین و کامل‌ترین اثر تألیفی در زمینه نظریه و نقد به زبان فارسی است، اگرچه می‌توان جلد سومی نیز برای این کتاب در نظر گرفت.

چنانکه می‌بینیم، عمده کارکردهای آموزشی در کتاب مورد بررسی در کانون توجه بوده است. توجه به این کارکرد به اندازه‌ای بوده است که در همه فصول، پس از نقد یک متن نمونه، روند، مراحل مختلف و نحوه نقد آن نیز مرور شده که این امر بر وجه کارگاهی و آموزشی کار افزوده است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در برنامه‌های درسی رشته زبان و ادبیات فارسی بر اساس سنتی دیرینه هنوز متن‌خوانی و شرح و تفسیر و تحلیل به شکلی سنتی غالب است. در این زمینه، نمونه‌های درخشان تألیفی وجود دارد (مثلاً شرح مثنوی شریف استاد بدیع الزمان فروزان‌فر). به هر روی، بهره‌مندی همزمان از سنت گذشته در حیطه‌های تصحیح و توضیح لغات و شرح متون امری فوق‌العاده ضروری است، زیرا هر پژوهش مدرنی درباره ادبیات غنی کلاسیک فارسی از این سنت بی‌نیاز نخواهد بود. در کنار این گونه خوانش‌ها، خوانش‌های موفق دیگری از متون ادب فارسی نیز وجود دارد که تلفیقی از رویکردهای سنتی و بومی و نظریه‌های مدرن است. نمونه‌هایی از این گونه خوانش را در پژوهش‌های محمدرضا شفیعی کدکنی (بیشتر تحت تأثیر فرمالیسم) و تقی پورنامداریان (بیشتر تحت تأثیر هرمنوتیک) می‌توان دید. اما در مورد خوانش‌های مدرن متون فارسی یعنی خوانش‌هایی نظریه‌محور، به جز استثنائاتی، وضعیت چندان مطلوب نیست. تحولات سال‌های اخیر نشان می‌دهد از یک سو خوانش‌های پیشامدرن با بحران مواجه شده است که نشانه‌های آن را در انبوهی عنوان‌های مدرن انبوهی از مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها و کتاب‌های دانشگاهی می‌توان دید. از





سوی دیگر، چنانکه در این جستار به صورتی فشرده بدان پرداخته شد، به دلایل گوناگون، نمونه‌های تحلیل و نقد متون در کشورمان به گونه‌ای مدرن و مطابق استانداردهای روز دانشگاهی جهان و هم‌زمان طبق نیازهای جامعه‌مان بسیار اندک است. به نظر می‌رسد همانند بسیاری از ساحت‌های اجتماعی و فرهنگی دیگر در کشورمان، در این زمینه نیز ساختاری فروریخته است اما ساختار جدید هنوز جایگزین آن نشده است.

در سطرهای آغازین پیشگفتار کتاب رویداد ادبیات چنین آمده است: «نظریه ادبی در دو دهه اخیر از مد افتاده است، به گونه‌ای که کتاب‌هایی از این دست رفته‌رفته کمتر دیده خواهند شد [...] در سال‌های دهه هفتاد و هشتاد پیش‌بینی اینکه بخش عمده‌ای از نشانه‌شناسی، پساساختارگرایی، مارکسیسم، روانکاوی و زمینه‌هایی مانند آن برای دانشجویان سی سال بعد گویی زبان‌هایی ناشناخته‌اند، بسیار سخت بود. این زمینه‌ها را چهارگانه‌ای از دل مشغولی‌ها، شامل پساساختارگرایی، مطالعات مربوط به قومیت، امور جنسی، و مطالعات فرهنگی به کناری زده‌اند» (ایگلتون، ۲۰۱۲، IX). نویسنده در ادامه همین بحث البته خاطر نشان می‌کند که هیچ یک از رویکردهای یادشده خالی از نظریه نیستند. در واقع، نگاهی به سیر تحولات مطالعات مربوط به مطالعات ادبی، چنانکه در مقدمه این مقاله بدان پرداخته شد، نشان می‌دهد که نظریه و نقد ادبی از فرمالیسم و نقد نو در دهه ۱۹۲۰ میلادی به مطالعات میان‌رشته‌ای و مناسبات برون متنی به ویژه از دهه ۱۹۸۰ تحول یافته است و رویکردهای میان‌رشته‌ای در تحلیل ادبیات و به طور کلی در تحلیل متون گوناگون در چند دهه اخیر در غرب در مرکز توجه قرار گرفته است. چنانکه در بخش تاریخچه نظریه و نقد ادبی بدان اشاره شد و چکیده وضعیت امروز آن را در اظهارات منتقد معروف، تری ایگلتون، می‌بینیم، امروزه، انبوهی از نظریه‌های ادبی به اصطلاح «خارج از مد» شده‌اند و رویکردهای روزآمد در خوانش متون در پیوند با دیگر رشته‌های مربوط به علوم انسانی در کلیتی میان‌رشته‌ای جایگزین آن شده است. استعاره «مد» در نقل قول ایگلتون همچنین ما را به سرعت تحولات در نقد و نظریه و از میان رفتن مرزها در شاخه‌های گوناگون علوم انسانی در قالب رویکردهای میان‌رشته‌ای متوجه می‌سازد. این درحالی است که طی چند دهه گذشته، با وجود کوشش‌های صورت گرفته، روند آشنایی با نظریه و نقد ادبی در کشورمان روندی معیوب و ناقص بوده است. کاربست رویکردهای



میان‌رشته‌ای در مطالعات ادبی، چنانکه دیدیم، نیز به نمونه‌هایی اندک محدود می‌شود. برای نمونه، توجه به یک اظهار نظر دربارهٔ مباحث مربوط به نظریه‌های روایت‌شناسی، برای آشنایی با وضعیت کاریست نظریه‌های مدرن در کشورمان روشن‌گر خواهد بود: «در ایران نیز که پیشینهٔ تحلیل ساختاری روایت نه قدمت چند هزار ساله دارد (عصر ارسطو) و نه حتی قدمت چند ده ساله (عصر پراپ) [...] بدین ترتیب، روایت‌شناسی در ایران دانشی نوپاست، بسیار نوپاتر از رواج آن در بسیاری از دیگر جوامع جهان. از این رو، انتظار پیدایی پژوهشگرانی بومی که در آیندهٔ نزدیک بتوانند با دستاوردهای خود بر پیکرهٔ نظری و یا حتی عملی این دانش بیفزایند فرسنگها از واقعیت به دور است. عمرها باید که تا ... پس بدین قیاس، ضرورت ترجمهٔ آثار زیربنایی در این زمینه بیش از پیش احساس می‌شود.» (رهنما، ۱۳۹۴، صص هفت و هشت).

نگاهی به توضیح دروس نظریه و نقد ادبی در دانشگاه‌های معتبر جهان و فهرست منابع درسی معرفی شده برای آن‌ها نشان‌دهندهٔ کمبود و ضعف منابع در این زمینه به زبان فارسی است. برای نمونه منابع مربوط به درس نظریه و نقد ادبی در دانشگاه کمبریج^۱ (۲۰۱۹) در ترم گذشتهٔ این دانشگاه، به طوری که در توضیحات این درس آمده، حدود ۳۰۰ منبع در چهار بخش کتاب‌های مقدماتی، متون اصلی، پیشنهاد‌های بیشتر، و منابع مرجع را شامل می‌شود. چنین ادبیات گسترده‌ای در زمینهٔ نظریه و نقد ادبی و مباحث مربوط به آن، به هیچ روی قابل مقایسه با وضعیت نقد ادبی در کشورمان، چنانکه در بررسی پیشینهٔ نظریه و نقد ادبی در کشورمان بدان پرداخته شد، نیست. افزون بر این، تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های شاخص عمدتاً از حالت تخصصی خارج شده و زیرمجموعهٔ مقوله‌های عمومی تری چون مطالعات فرهنگی قرار می‌گیرد. همچنین، برای نمونه، کاریست واژهٔ «مدرسه» به جای «دانشکده» برای نامیدن بخش‌های مطالعاتی دانشگاهی در دانشگاه‌های معتبر جهان نشان‌دهندهٔ برداشته شدن مرزهای تخصصی میان رشته‌های گوناگون و اهمیت و رواج رویکردهای میان‌رشته‌ای فضاهای دانشگاهی است.

۱. نگارنده به سایت دانشگاه کمبریج در ۹ آوریل ۲۰۱۹ به آدرس زیر مراجعه کرده است:



در نتیجه، می‌توان گفت جامعه ادبی و دانشگاهی کشورمان در حالی که هنوز به شکلی نظام‌مند با نظریه و نقد ادبی آشنا نشده است و نمونه‌های تحلیلی موفق اندکی در این زمینه به فارسی موجود است، با این رویکردهای خارج از نظریه‌های صرفاً ادبی روبه‌رو شده است. چنانکه در بخش توضیحات مربوط به محتوای کتاب آورده شد، این مسئله در کتاب نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای در علوم انسانی تا اندازه‌ای در کانون توجه بوده، به گونه‌ای که می‌توان گفت این کتاب ضمن پیوند با نظریه‌های ادبی و معرفی دقیق آن‌ها و به دست دادن نمونه‌های عملی بومی در این زمینه، از طریق عطف توجه به کاربردی‌ترین رویکردهای میان‌رشته‌ای در مطالعات ادبی و خوانش انواع متون، گسست از نظریه ادبی و ورود به حیطه مطالعات میان‌رشته‌ای را نیز اعلان می‌کند. در ترتیب یازده فصل کتاب، به‌رغم اینکه هیچ اصراری به دیدگاه کروئولوژیک نبوده، در شیوه فصل‌بندی آن این موضوع تا حدودی لحاظ شده است. کتاب با فرمالیسم که طلیعه نقد جدید به شمار می‌آید آغاز می‌شود و با روزآمدترین نظریه‌های رایج در جهان یعنی مطالعات فرهنگی و همچنین بحثی درباره نظریه دریافت و واکنش خواننده پایان می‌یابد.

چنانکه در بخش مروری بر وضعیت نقد ادبی در کشورمان گفته شد، غالب نمونه‌های اندک‌شمار نقد ادبی موفق همچنان تألیف پژوهشگرانی بوده است که افزون بر آشنایی با فرهنگ و ادبیات کشورمان و همچنین آشنایی با جامعه ایرانی، به طور مستقیم از طریق تحصیل در دانشگاه‌های معتبر خارجی یا به علت تسلط بر زبان (غالباً) انگلیسی با مفاهیم مربوط به نظریه و نقد آشنایی یافته‌اند یا خاستگاه آنان اساساً از رشته‌های دیگری بوده است. در واقع، برنامه درسی در رشته زبان و ادبیات فارسی در کشورمان به گونه‌ای نیست که خوانش متون ادب فارسی را به حیطه‌های مدرن وارد کند. بر این پایه، بازاندیشی اساسی در انتخاب متون ترجمه و ترجمه متون اصلی، به عنوان یکی از راه‌حل‌ها، از جهات گوناگون زمینه‌ساز توسعه کیفی آموزش نظریه و نقد و مطالعات میان‌رشته‌ای در ادبیات فارسی خواهد شد.

ایجاد ارتباط و پیوند میان گروه‌های تخصصی و جدا از یکدیگر در شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی در وزارت عطف و مشخص کردن بعضی واحدهای درسی ضروری رشته‌های

دیگر و الزامی کردن آن‌ها برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی در دوره کارشناسی و همچنین، الزامی کردن گذراندن واحدهای درسی از رشته‌های دیگر علوم انسانی در مقاطع تحصیلات تکمیلی به تدریج زمینه را برای برداشتن مرزهای قدیمی میان «تخصص» ها و رشته‌های گوناگون علوم انسانی فراهم خواهد ساخت. بازاندیشی در برنامه‌ها و سرفصل‌های مصوب در مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته‌های علوم انسانی به منظور پیوند هرچه بیشتر آن‌ها با یکدیگر می‌تواند زمینه‌های آموزش دانشگاهی رویکردهای میان‌رشته‌ای در کشورمان را فراهم سازد. در این میان، کتاب نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای می‌تواند یکی از نمونه‌ها در حیطه مطالعات میان‌رشته‌ای در ادبیات فارسی در فضای دانشگاهی کشورمان در نظر گرفته شود.



منابع

- آرین پور، یحیی (۱۳۷۲). از صبا تا نیمه: تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی (جلد دوم، چاپ پنجم). تهران: انتشارار زوّار.
- امن‌خانی، عیسی؛ و علی مددی، مونا (۱۳۹۱). درد یا درمان: آسیب‌شناسی کاربرد نظریه‌های ادبی در تحقیقات معاصر. فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ۹(۳۶)، ۵۱-۷۶.
- بهفر، مهری (۱۳۸۹). ناسازگاری نظریه با نوع ادبی. فصلنامه نقد ادبی، ۳(۱۰)، ۲۱۱-۱۰۵. doi: 20.1001.1.20080360.1389.3.0.13.1
- پارسی‌نژاد، ایرج (۱۳۸۰). روشنگران ایرانی و نقد ادبی. تهران: انتشارات سخن.
- پاینده، حسین (۱۳۹۷). نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای (جلد اول و دوم). تهران: سمت.
- پرینس، جرالده؛ بارت، رولاند؛ و تودوروف، تزوتان (۱۳۹۴). درآمدی بر روایت‌شناسی (گردآوری و ترجمه: هوشنگ رهنما). تهران: انتشارات هرمس.
- تلطف، کامران (۱۳۹۴). سیاست نوشتار: پژوهشی در شعر و داستان معاصر (مترجم: مهری کمالی). تهران: نشر نامک.
- دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (۱۳۹۸/۱/۲۵). تاریخچه دانشکده. برگرفته از <https://literature.ut.ac.ir/history>
- درزی، قاسم (۱۳۹۸). تاریخ انگاره میان‌رشته‌ای؛ گذار از نگاه آرمان‌گرایانه و مبتنی بر «تلفیق دانش» به رویکرد عمل‌گرایانه و مبتنی بر «حل مسئله». فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۱(۴)، ۳۲-۱. doi: 10.22035/isih.2020.3626.3809
- دهقانی، محمد (۱۳۸۰). پیشگامان نقد ادبی در ایران. تهران: انتشارات سخن.
- سبحانی‌نژاد، مهدی؛ نورآبادی، سولماز (۱۳۹۶). پیش‌نیازها و سازوکار برنامه درسی میان‌رشته‌ای دانشگاهی برای تقویت آینده‌پژوهی در راستای تحقق معرفت جامع. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۹(۳)، ۴۱-۲۵. doi: 10.22631/isih.2017.1937.2480
- طاهری، قدرت‌الله (۱۳۹۷). جستجوی امر ناموجود: مقدمه‌ای بر دلایل فقدان نظریه و نظام نقد ادبی در ایران. نظریه و نقد ادبی، ۱(۳)، ۹۳-۶۹. doi: 10.22124/naqd.2019.3266
- عمارتی مقدم، داوود (۱۳۸۸). تصادف نظریه و متن. نقد ادبی، ۲(۸)، ۲۱۹-۲۱۵.
- فتحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۶). یادداشت سردبیر. نقد ادبی، ۳۹، ۱۲-۷.
- قاسمی‌پور، قدرت (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی و نارسایی‌های درسنامه‌های نقد ادبی. ادب پارسی معاصر، ۷(۱)، ۶۷-۹۱.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۸۶

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰



محمّدی کله‌سر، علیرضا (۱۳۹۷). نقد کاربرد نظریه ادبی در مقالات پژوهشی: با تأکید بر روایت‌شناسی ساختارگرا. نقد ادبی، ۴۲، ۱۷۲-۱۴۹.

نیک‌منش، مهدی (۱۳۸۹). نقد و بررسی گردهم‌آیی بازنگری در برنامه‌ریزی درسی زبان و ادبیات فارسی. کتاب ماه ادبیات، ۱۵۹، ۵۴-۴۷.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۱/۴/۴). برنامه درسی دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، در سه زمینه مهارت‌های ادبی؛ فنون ادبی؛ متون ادبی (بازنگری)، گروه زبان و ادبیات، کمیته تخصصی زبان و ادبیات فارسی، مصوب هشتصدمین جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۰/۹/۵). برنامه درسی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات عرفانی، گروه علوم انسانی، کمیته برنامه‌ریزی زبان و ادبیات فارسی، مصوب هفتصدونودمین جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی. برگرفته از www.msrt.ir

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۴/۶/۷). برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، گرایش نظریه و نقد ادبی، گروه علوم انسانی، کمیته تخصصی زبان و ادبیات فارسی، مصوب هشتصد و شصت و پنجمین جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی. برگرفته از www.msrt.ir

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۴/۶/۷). برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات معاصر، گروه علوم انسانی، کمیته تخصصی زبان و ادبیات فارسی، مصوب هشتصد و شصت و پنجمین جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی.

یاوری، حورا (۱۳۷۲). تأملی در نقد روانشناختی و رابطه روانکاوی و ادبیات در ایران. ایران‌نامه، ۴۵، ۱۵۸-۱۲۹.

Eagleton, T. (2012). *The event of literature*. Yale University Press.

Habib, M. A. R. (2005). *A history of literary criticism from Plato to the present*. Oxford: Blackwell.

Jacobs, J. A. & Frickel, S. (2009). Interdisciplinarity: A Critical Assessment, *Annual Review of Sociology*, 35, 43-65.

Moran, J. (2002). *Interdisciplinarity*. London: Routledge.

Spelt, E. J., Biemans, H. J., Tobi, H., Luning, P. A., & Mulder, M. (2009). Teaching and learning in interdisciplinary higher education: A systematic review. *Educational Psychology Review*, 21(4), 365.

Wilde, O. (2009). *Intentions*. Auckland: Floating Press.

Wolfeys, J. (2013). *Key concepts in literary theory*. Edinburgh University Press.

Woolf, V. (2000). *Modern fiction, in theory of the novel: A historical approach* (M. McKeon, Ed.). JHU Press.



مطالعه بین‌رشته‌ای نقش صورخیال در ادبیات و نگارگری ایران با تأکید بر آرایه استعاره

زینب رجبی^{۱*}، اصغر فهیمی‌فر^۲

دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۸؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

چکیده

پیوند درونی شعر و ادبیات فارسی با نگارگری ایران که نمایانگر اشتراک در زمینه خیال و صورخیال است، سبب شده تا این دو حوزه از هنرهای ایران دارای اشتراکی درونی و عمیق باشند و زبان و بیان مشترکی برای بیان صور و معانی عالم خیال ارائه نمایند. شاعران و نگاران ایران از ابزارهای کلامی و بصری خاصی همچون آرایه‌های ادبی و بصری برای انتقال این صور و معانی بهره جسته‌اند. در این مقاله که با تأکید بر آرایه استعاره است، به نقش و قابلیت بیانی این آرایه در شعر و نگارگری، به‌طور خاص پرداخته شده است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: ۱. آرایه استعاره در شعر و نگارگری ایران چه تأثیرات بیانی دارد؟ ۲. نگاران چگونه از ظرفیت استعاره در بیان بصری خویش بهره برده‌اند؟ هدف از مقاله، بررسی ارتباط دو حوزه تمدنی ایران یعنی شعر و نگارگری و تبیین وجه اشتراک آنها یعنی عالم خیال و صورخیال است. همچنین مشخص نمودن انواع استعاره و استعاره گونه‌های بصری در آثار نگارگری از اهداف دیگر این مقاله است. این مطالعه به شیوه توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای-اسنادی است. داده‌های مقاله نشان می‌دهد که استعاره در شعر فارسی در قالب واژگان و جملات به‌صورت صریح و غیرصریح تداعی معنا می‌نماید که این امکانات از طریق شعر به نگارگری ایران منتقل گشته و هنرمندان نگارگر از امکان بیانی این آرایه به‌صورت بصری در قالب اشکال، رنگ‌ها و بافت‌ها استفاده کرده‌اند و هویت بصری جدیدی برای بیان مضامین ارائه نمودند.

کلیدواژه‌ها: خیال، صورخیال، استعاره، شعر، ادبیات، نگارگری

۱. گروه هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

z.rajabi@modares.ac.ir ✉

۲. گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۱. مقدمه

شعر و ادبیات فارسی در طول تاریخ همواره با نگارگری اسلامی ایران پیوندی عمیق داشته است. پیوند ادبیات با نگارگری در ایران منحصر به مشترک بودن موضوع نمی شود بلکه این مشارکت سبب ایجاد نوعی زیبایی شناسانه مشترک نیز شده است. غنی بودن ادبیات و شعر فارسی از نظر صورخیال سبب شد تا نگارگری ایران نیز به شدت لطیف، شاعرانه و انعکاس دهنده فضاهای خیالی و مثالی گردد. هر چه ادبیات ایران از نظر صورخیال قوی تر شود، نقاشی ایران نیز از این نظر غنی تر می شود. «خیال، عکس یا صورت منعکس در آینه، آب یا شیشه و یا هر شیء شفاف دیگر همچون صورتی که در خواب دیده شود و یا نقشی که در بیداری با غیبت شیء محسوس در ادراک شخص باقی می ماند، است» (مددپور، ۱۳۸۳، ۳۷۲).

عالم خیال دارای ویژگی ها و شرایطی است و صورت هایی در آن متجلی است که به واسطه قوه خیال درک می شود. عالم خیال که حد فاصل عالم عقل و عالم محسوسات است، در حقیقت منتقل کننده فیض حق و صور مثالین به عالم محسوسات است. تنها در این عالم است که هم ویژگی های عالم عقول و مجردات وجود دارد و هم ویژگی عالم محسوسات. اما هنر که مهمترین جلوه ظهور صورت های خیالی است، به هنرمند این امکان را می دهد تا مکنونات قلبی خود را از طریق قوه خیال عیان سازد. عالم خیال وجه اشتراک همه هنرها به خصوص ادبیات و نگارگری است و این مسئله سبب ارتباط ذاتی و وحدتی درونی بین آنها می شود.

در این میان، هنرمندان برای انتقال و نمایش مشاهدات خود از عالم خیال نیازمند ترفندها و ابزارهایی هستند تا بتوانند حقایق عالم خیال را بازگو کنند؛ به همین دلیل، از صور خیال استفاده می کنند. این صور خیال که در ادبیات فارسی با عناوینی همچون آرایه ها یا صناعات ادبی نیز مطرح می شوند، ضمن آنکه اثر هنری را خیال انگیز و زیبا می کنند، مجالایی برای انتقال صورت های مثالین هستند که در شعر و ادبیات به صورت کلمات و در هنرهای تجسمی و نگارگری به صورت تصاویر نمایان می شود و به دلیل آنکه منبع الهام هر دو یکی است می توان زبان و بیان مشترکی را بین آنها ملاحظه نمود. در این مقاله با انتخاب



مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی

۹۰

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰



آرایه استعاره، سعی می‌شود تا کارکرد این آرایه در انتقال مفاهیم و صورت‌های خیالی در دو حوزه شعر و نگارگری تبیین شود تا در نهایت زبان مشترک این دو هنر عیان گردد. اساساً در مطالعات میان‌رشته‌ای، میان دو حوزه متفاوت ارتباط برقرار می‌شود و این ارتباط با اهداف خاصی صورت می‌پذیرد: «گاه دو موضوع از دو رشته، مقایسه می‌شود تا بتوان از آنها رابطه‌ای انتزاعی را استخراج کرد. در این نوع مطالعه، که آن را مطالعه تطبیقی متوازن می‌نامیم، اساساً هدف استخراج مشترکات است. پژوهشگر در این نوع پژوهش، به دنبال یافتن پیوندها بین اموری است که پیش‌تر پیوند داده نشده است... در مطالعات تطبیقی نامتوازن، هدف از اجرای پژوهش آن است که دو موضوع از دو رشته، که در یک کلیت مشترک هستند، از نظر مقایسه، در اوضاعی باشند که یکی از دو موضوع در رشته خود توسعه یابد و دیگر موضوع در رشته خود، مغفول یا توسعه نیافته باشد» (پاکتچی، ۱۳۸۷، ۱۱۸). در مقاله حاضر، سعی شده است تا بر امری کلی که همان قابلیت زبان استعاره است و کارکرد آن در ادبیات فارسی که مقدم بر سایر هنرهاست تأکید گردد و این قابلیت بیانی در نگارگری ایران مورد بررسی و ارزیابی و توسعه قرار گیرد.

۲. پیشینه تحقیق

درخصوص ارتباط ادبیات با نگارگری ایران، تحقیقات محدودی انجام شده است از جمله: پولیاکوا و رحیمووا^۱ (۱۳۸۱) در کتاب نقاشی و ادبیات ایرانی بیان می‌کنند که نقاش مانند شاعر، امور تجریدی و جهان آرمانی را به تصویر می‌کشد و به نمایش جهان مادی و دنیوی بی‌اعتناست. همچنین تأکید می‌کنند که بازآفرینی آثار منظوم از نظر سبک و استعارات، با توجه به امکانات تجسمی آنها ظاهراً برای نگارگران دشوار می‌نمود؛ اما ایشان توانستند زبان خاص هنری و روش‌های متناسب با سبک آثار ادبی را بیابند و ارزشی برابر کلام و اندیشه شعرا به دست آورند. همچنین اشرفی^۲ (۱۳۶۷) در کتاب همگامی نقاشی با ادبیات ایرانی سعی نموده پیوستگی نگارگری با ادبیات را از نظر نسخه‌شناسی و سیر تحوّل آن بیان کند و

1. Polyakova & Rahimova

2. Ashrafi



خواننده را به این نکته توجه می‌دهد که نقاشی ایرانی همراه با تحوّل سخنوری پیشرفت کرده و زمانی که ادبیات فارسی، غنا، تنوع و عمق محتوایی خود را از دست داد، این هنر نیز از مسیر پیشین خود منحرف گردید.

درخصوص صور خیال و نقش بیانی آرایه‌های ادبی نیز تألیفات متعددی انجام شده است. از جمله محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۸۰)، در کتاب صور خیال در شعر فارسی، به مسئله خیال و نقش آن در بیان هنری شعر فارسی پرداخته و آراء صاحب‌نظران را در این خصوص مورد نقد و تجزیه و تحلیل قرار داده است. همچنین عناصر معنوی در شعر فارسی شامل استعاره، تشبیه، مجاز و کنایه و غیره را مطرح نموده و به بیان دیدگاه‌های گوناگون علمای علم بلاغت پرداخته است.

در زمینه هنر نگارگری و عوامل مؤثر و خاستگاه آن، اولک گرابر^۱ (۱۳۸۴) در بخشی از کتاب مروری بر نگارگری ایرانی، تأثیر و تأثر نقاشی و ادبیات فارسی بر یکدیگر را بررسی کرده و بین این دو گونه هنری روابطی مترتب داشته که از سطح رابطه مستقیم میان متن و تصویر فراتر رفته است. همچنین عسگرنژاد و گذشتی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «هنر ادبی و ادبیات هنری»، هنر و ادبیات را دو جلوه از آفرینشگری می‌دانند که از دیدگاه زیبایی‌شناسی به هم پیوسته‌اند. همچنین ایشان تبیین می‌کنند که هدف شاعر ایرانی تنها بیان منظوم روایت و داستان نیست و در پس هر کلمه و سطر، معنا و مفهومی مستتر است و درونمایه اثر، نشان از واقعیت دیگری دارد.

در مرور ادبیات پیشینه پژوهش می‌توان بر این نکته تأکید کرد که محققان بیشتر به جنبه کلی ارتباط ادبیات فارسی و نگارگری ایران پرداخته‌اند و بندرت از تأثیر قابلیت‌های بیانی آرایه‌های ادبی بر نگارگری به صورت مصداقی سخن گفته‌اند. لذا پژوهش پیش‌رو که به طور مصداقی قابلیت بیانی استعاره را در آثار نگارگری مورد بررسی قرار داده، می‌تواند دیدگاه نوینی را در این گونه مطالعات بین‌رشته‌ای فراهم آورد.

۳. روش تحقیق

مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی صورت گرفته و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای-اسنادی است. پس از تحلیل چارچوب نظری موضوع، از میان آثار نگارگری مکتب هرات و تبریز دوم، حدود ۲۰ اثر یا جزئی از آنها، که دربردارنده استعاره‌های متنوعی بوده‌اند، به‌عنوان نمونه آماری از نظر شیوه کاربرد استعاره، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این مقاله سعی می‌نماید در پی پاسخ به این سؤالات باشد: ۱. آرایه استعاره در شعر و نگارگری ایران چه تأثیرات بیانی دارد؟ و نگارگران چگونه از ظرفیت استعاره در بیان بصری خویش بهره برده‌اند؟

هدف از مقاله حاضر بررسی ارتباط ذاتی دو مقوله هنری ایران یعنی ادبیات و نگارگری و نقش بیانی صورخیال در نمایش معانی پنهان و دور از ذهن است. همچنین مشخص نمودن قابلیت بیانی انواع استعاره و استعاره‌گونه‌های بصری در آثار نگارگری از اهداف اصلی دیگر این مقاله است.

۴. چارچوب نظری

۴-۱. نسبت عالم خیال با هنر

عالم خیال تجلی‌گاه زیبایی حقیقی است. ذات آن برای انسان قابل درک نیست و تنها از طریق تجلیات خداوند می‌توان به درک زیبایی نائل آمد و این امر از طریق قوه خیال امکان‌پذیر است. «خداوند در اسم جمیل خود متجلی می‌شود و انسان به واسطه قوه خیال، مرتبه‌ای از این اسم را در می‌یابد. پس اهمیت ادراک خیالی چنان است که در ارتباط انسان با مبدأ هستی نیز اثر می‌گذارد. در متون دینی نیز، آنجا که سخن از تمثّل است، ادراک خیالی مطرح است» (دینانی، ۱۳۸۱، ۱۰).

یکی از بهترین راه‌های انتقال و ظهور صورت‌های خیالی در عالم محسوسات، هنر است. از نظر فتوحی «هنرمند، مانند سایر آدمیان، با همه مراتب ادراک سر و کار دارد، اما از آن جهت که هنرمند است، در آفرینش هنری، با ادراک خیالی عمل می‌کند. آفرینش صورت خیالی کار هنر است و متعلق به عرصه هنر، هنر یعنی اندیشیدن با صور خیالی و





شاعران بیش از هر کسی مستغرق تصاویر خیال‌اند و به مدد خیال می‌اندیشند و جهان‌های تازه می‌سازند» (فتوحی، ۱۳۸۱، ۱۱۸).

در حقیقت هنر مقام تجلّی صور مثالی زیبا است و هنرمند از طریق کشف و شهود می‌تواند این امور غیر محسوس را صورتی محسوس بیوشاند. «شرط لازم تحقق هنر قدسی، ملکوتی شدن روح هنرمند است تا حقیقت هنر در روح او تحقق یابد. کشف و شهود هنرمند در عوالم خیالی مبدأ تحقق صورت‌های هنری‌اند که تجارب هستی‌شناسانه هنرمند را از عالم مجردات آشکار می‌کند.» (کشاوری، ۱۳۹۴، ۸۵).

هنرمندان به‌منظور احراز قابلیت برای مشاهده صور خیالی، علاوه بر سیر باطنی و شهودی باید قواعد هنر را از طبیعت به‌وسیله تجربه عملی و دانش علمی به دست آورند تا از طریق پختگی در این قواعد، توانایی ظهور صورت‌های خیالی را در آثار هنری خویش داشته باشند. هنرهای اسلامی -ایرانی دارای دو ویژگی محسوس و مشهودند که جلوه محسوس آن تطابق کامل ظاهری و باطنی با صور مشهود دارد. هرچند که هنرمندان در هنرهای دیگر نیز از خیال بهره می‌گیرند، از آن جهت که اساساً خیال، مبنای اثر هنری است؛ اما هنرهای اسلامی، اولاً سنخیت ظاهری و باطنی با صور خیال دارند و ثانیاً هنرهای گوناگون در حوزه‌های مختلف هنر اسلامی، وجه زیبایی‌شناسانه مشترکی از این حیث دارند و این «وحدت زیبایی‌شناسی»، خاص هنرهای اسلامی است که ادبیات فارسی را نیز در بر می‌گیرد. از آنجایی که هنرهای اسلامی در یک امر یعنی به‌پیداآوری صور زیبای عالم خیال مشترکند و از ابزارهای مشابهی برای این منظور استفاده می‌کنند، بنابراین، دارای نوعی وحدت ذاتی زیبایی‌شناسانه هستند. هر جلوه هنری با توجه به قابلیت‌های خاص خود قادر است بخشی از حقایق عالم خیال را در خود متجلّی کند. گاهی در قالب کلمات و آواها به‌صورت شعر و موسیقی و گاهی در قالب شکل و رنگ به‌صورت نقاشی و نگارگری ظهور می‌کند. بر این اساس هنرها بیان‌کننده وجه اشتراک و حقیقتی واحد می‌شوند. چنانچه جامی می‌گوید:

اعیان همه شیشه‌های گوناگون بود	کافتاد در آن پرتو خورشید وجود
هر شیشه که بود سرخ یا زرد و کبود	خورشید در آن هم به همان رنگ نمود

۲-۴. تجلی عالم خیال در شعر فارسی

شعر در کتاب‌های منطق دوره اسلامی، کلامی موزون، مقفا و مخیل است. «بحث خیال‌انگیزی آن به قدری اهمیت دارد که اگر از هر شعر مؤثر و دل‌انگیز، جنبه خیالی آن را بگیریم، جز سخنی ساده و عادی که از زبان همه کس قابل شنیدن است، چیزی باقی نمی‌ماند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ۵).

ساختار خیال و صورت‌های خیالی در شعر فارسی در گذر زمان دچار تحولاتی شده و از صورت‌های محسوس و مادی به صورت‌های خیالی و ذهنی و مجرد، سیری تکاملی یافته است. «در سبک خراسانی تصویرها حسی‌اند. فراوانی تشبیه حسی به حسی بسیار محسوس است. به تدریج تجربه‌های شعری خیالی‌تر می‌شود و در قرن ششم تشبیه‌های عقلی و خیالی در شعر فارسی ظهور می‌کند. در مرحله دیگر، تخیل شعری فارسی‌زبانان با ورود به عصر استعاره صورت تخیلی‌تری پیدا می‌کند و تا حدودی از سطح نازل ادراک حسی فراتر می‌رود. ساختار تصویر خیالی‌تر و پیچیده‌تر می‌شود... ظهور نمادهای عرفانی و تمثیلات رمزی محصول تجربه‌های غیرحسی شاعرانی بود که با ایده‌های ذهنی و فراحسی مانوس و محشور بودند» (فتوحی، ۱۳۸۱، ۱۲۶ و ۱۲۷).

در شعر فارسی آنچه واسطه انتقال صورت‌های خیالی است، صناعات یا آرایه‌های ادبی می‌باشد که در عرف ادبا به آن «صورخیال» هم می‌گویند. این صناعات در حقیقت به شاعر کمک می‌کنند تا مکنونات قلبی و آنچه بر ضمیر وی از عالم خیال منعکس گردیده را در قالب الفاظ و عبارات به زبان اشارت و نمادین بیان کنند. از این رو، مجاز و صور گوناگون آن یعنی تشبیه، استعاره، کنایه و سایر صناعات بدیعی لفظی و معنوی اعم از ایهام، جناس، ترصیع، مراعات‌النظیر، تضاد و غیره از جمله ابزارهایی هستند که شاعر برای انتقال مفاهیم و معانی مورد نظرش به کار می‌گیرد تا کلام را زیبا و خیال‌انگیز نماید.

۳-۴. تجلی عالم خیال در نگارگری ایران

یکی دیگر از جلوه‌های نمایش عالم خیال را در هنر نگارگری می‌توان ملاحظه نمود. تصاویر در نگارگری ایرانی، نمادهایی از صورت‌های خیالی و مثالین هستند. صورت‌های خیالی دو جنبه دارد: از طرفی دارای مقدار و شکل‌اند که به عالم محسوسات شبیه‌اند و از





طرفی از ماده و حرکت و زمان دورند و به مجردات شباهت دارند. این صور، اشکالی دو بعدی هستند که در عالم مثال که عالمی نورانی است، تجسمی لطیف و شبیه رؤیا دارند. برای به تصویر کشیدن این صور در قالب شکل، هنرمندان نگارگر ایرانی از قواعدی خاص استفاده نموده‌اند، اشکال را به صورت دوبعدی، با رنگ‌های درخشان، بدون سایه و پرسپکتیو (اعم از شکلی و رنگی)، که از عوارض عالم محسوسات است، به کار برده و به خوبی توانسته‌اند زبانی نمادین و نزدیک به عالم خیال ایجاد نمایند.

هنر نگارگری که جلوه‌ای خاص از نقاشی است، از آنجایی که نه کاملاً رویکرد به طبیعت دارد و نه انتزاع محض، چونانکه در هنر سایر فرهنگ‌ها دیده می‌شود، جنبه‌ای بینابین یافته که از طرفی شاخصه‌هایی مجرد و مثالین دارد و از طرف دیگر از طبیعت محسوس بهره برده، لیکن از آن گذر نموده و جنبه تجریدی یافته است. «نگاره‌های ایرانی در فضایی مثالی ترسیم می‌شوند. عالم مثال مقدم بر عالم ماده بوده و همواره مورد توجه هنرمند ایرانی قرار گرفته است. این عالم به دلیل آنکه بین دو عالم مجرد و مادی محسوس قرار دارد، دارای هر دو خواص مادی (از جهت قابل رؤیت بودن) و غیر مادی (از جهت غیرقابل لمس بودن) است» (ماه‌وان، ۱۳۸۹، ۱۶۶).

استفاده از نظام دایره‌وار در طراحی همه اجزا و ترکیب‌بندی نگارگری، جلوه‌ای ملکوتی به آثار می‌بخشد چرا که دایره نماد ملکوت و عالم معناست. رنگ‌های مجرد و بدون هرگونه سایه‌روشن که مستقل از هر منبع نوری به کار گرفته شده چنانکه گویی نوری کل فضا را احاطه نموده، زمینه مناسب دیگری برای نمایش جلوه مثالی، خصوصاً در ارتباط با طراحی فرم‌های خاص نگارگری ایجاد کرده است. به بیان دیگر، رنگ‌ها در نگارگری نمایش نور وجودی اشیاء به جای بازتاب نور از اجسام است، از این رو نه سایه‌ای از آنها باقی می‌ماند و نه احساس جسمیت و سنگینی در آنها دیده می‌شود. تمامی این عوامل اگر با عنصر بافت در نظر گرفته شود، در مجموع بازتابی از صور خیال و عالم مثال در اثر هنری را نمایش می‌دهند.

۴-۴. زبان و بیان مشترک ادبیات و نگارگری

هنرمندان نگارگر که عموماً در محافل ادبی و حکمی حضور داشته و بعضاً خود، ادیب و شاعر نیز بودند، توانسته‌اند آثار گرانمایی به وجود آورند که نه تنها با متن ادبی هماهنگ بوده



بلکه بیانی متعالی و متناسب با فرهنگ غنی ادبیات فارسی ارائه نموده‌اند. «بازآفرینی آثار منظوم تحریر شده در قطع‌ها و اوزان مختلف و پیچیده از نظر سبک و استعارات، با توجه به امکانات تجسمی آنها امری دشوار می‌نمود؛ اما نگارگران توانستند زبان خاص هنری و روش‌های متناسب با سبک آثار ادبی را بیابند و ارزشی برابر کلام و اندیشه مؤلف اثر پدید آورند. دیدگاه‌های مشترک زیبایی‌شناسی، اخلاقی و فکری شاعر و نقاش، به‌عنوان فرهیخته‌ترین نمایندگان جامعه آن زمان و بینش یگانه و طرز فکر مشابه آن دو، موجب هماهنگی شیوه‌های ادبی و تجسمی می‌گردید» (پولیاکوا و رحیمووا، ۱۳۸۱، ۱۰۵ و ۱۰۶). تمامی انواع شعر از حماسی و تعلیمی و اخلاقی گرفته تا غزل‌های عارفانه، مملو از صور خیال و آرایه‌های ادبی است که هر یک بابتی از بیان هنری را به روی فرهنگ و هنر ایران گشوده است و به‌خصوص تأثیر بسزایی بر نگارگری ایران گذاشته است. آنچه در این بین مهم می‌نماید آن است که ارتباط و وابستگی ادبیات و نگارگری برای متجلی کردن حقایق و صور مثالی به قدری است که نمی‌توان آنها را جدا از یکدیگر تفسیر کرد. از یک طرف جلوه‌های نگارگری موجب استفاده شاعران از تصاویر خیال‌انگیز بصری می‌شود، چنانکه بیدل در توصیف معشوق، حتی از اصطلاحات مطرح در آثار نگارگری بهره‌می‌برد:

چه نقش‌ها که نیست آرزو به پرده شوق خیال موی میان تو کلک بهزاد است

از طرف دیگر صور خیال ادبی، معانی و تصاویری برای نگارگر ایرانی پدید می‌آورد که سبب تعالی بیان بصری آن شده است. «کار او [نگارگر] بیشتر از مصورسازی (ایلوسترسیون) در معنای متعارف آن است. ادبیات فارسی و هنر ایرانی پیوند درونی و همخوانی ذاتی داشته‌اند، زیرا هنرور و سخنور مسلمان، هر دو بر اساس بینشی یگانه و ذهنیتی مشابه دست به آفرینش می‌زده‌اند. آنان از خلال زیبایی‌های این جهان، به عالم ملکوتی نظر داشتند و هدفشان دست‌یافتن به صورت مثالی و درک حقایق ازلی بود. در هنر آنان قلمرو زیبایی با جهان معناقرین بود» (عسگرنژاد، ۱۳۹۴، ۲۲۷). این ارتباط ذاتی درخصوص سایر شاخه‌های هنر اسلامی نیز صدق می‌کند به‌طوری‌که می‌توان گفت همه این هنرها با زبان‌های متفاوت و جلوه‌های گوناگون، ترجمان یک حقیقت‌اند. ژرژ مارسه^۱ می‌نویسد:



فرض کنید به تناوب با عکس‌هایی از آثاری چون تصویر یک قطعه گچ‌بری، صفحه‌ای از یک قرآن تزیین شده و یک ظرف مسین متعلق به ایران برخورد می‌کنید؛ در این هنگام هر چند با عالم هنر ناآشنا باشید، با این همه بلافاصله میان سه اثر اخیر وجوه مشترکی پیدا می‌کنید که آن‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌کند و همین را ما «روح هنر اسلامی» می‌نامیم (تجویدی، ۱۳۸۵ به نقل از مارسه، ۱۹۶۲).

بنابراین، هر یک از این هنرها به دلیل پیوند درونی، ترجمان یکدیگر نیز هستند بدین معنا که معرفتی را به معرفت دیگر تبدیل می‌کنند: «هر هنر بخشی از معنا را در خود منعکس می‌کند و بخشی دیگر از معنا در آن مکتوم می‌ماند و کشف این معنای مکتوم میسر نیست مگر اینکه هنری دیگر ترجمان آن باشد» (ماه‌وان، ۱۳۸۹، ۱۸۳).

نگارگران در ترسیم تصاویر، عموماً از تخیلات شاعرانه الهام می‌گیرند. به همین جهت توصیف‌های شاعرانه از طبیعت، اشیاء و انسان و نوع تشبیهات و استعاراتی که در ادبیات به کار می‌رود، بیان وصف هنری بیشتری را برای نگارگران فراهم می‌آورد. «شاعر شب را به لاجورد، خورشید را به سپر زرّین، روز را به یاقوت زرد، رخ را به ماه، قد را به سرو، لب را به غنچه و جز اینها تشبیه می‌کند، نقاش نیز می‌کوشد معادل تجسمی این زبان استعاری را بیابد و به کار برد، بدین منوال، نقاشان به تدریج فهرستی از تصویرهای قراردادی بر پایه مضامین ادبیات حماسی و غنایی گرد می‌آورند» (اشرفی، ۱۳۶۷، ۱۱).

پس می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از بیان هنری در نگارگری از صور خیال و صناعات ادبی در شعر فارسی شکل می‌گیرد که به زبان بصری معادل‌سازی شده است. همچنین استفاده از «قابلیت‌های بیانی» صور خیال نیز بخش دیگر زبان بصری ایشان را تشکیل داده و در نتیجه سبب تعالی زبان هنری ایشان شده است، به طوری که نگارگری را دارای هویت بصری جدیدی از نظر بیانی کرده است.

هنرمندان برای انتقال صورت‌های خیالی از ابزارهایی استفاده می‌نمایند که قابلیت تداعی معانی پنهان و خیالی را دارند. علم بیان در ادبیات فارسی، به شناسایی و توصیف این ابزارها می‌پردازد که آن را «صور خیال» می‌نامند. چنانچه در تعریف آن آمده است:

علمی است که به واسطه آن شناخته می‌شود که یک معنی را چگونه به طرق مختلف می‌توان ادا کرد که به حسب وضوح و خفا با یکدیگر فرق داشته باشند. یعنی گاهی جمله

را طوری می‌آورند که معنی مقصود آشکار و واضح باشد و گاهی مراد را به صورت مجاز و استعاره و کنایه می‌آورند... مجاز و صور گوناگون آن و تشبیه، ارکان اصلی خیال شعری هستند (همایی، ۱۳۷۰، ۱۳۵).

شمیسا در تعریف علم بیان بر جنبه خیالی بودن صناعات تأکید می‌کند و می‌نویسد: بیان، ایراد معنای واحد به طرق مختلف است، مشروط بر این که اختلاف آن طرق مبتنی بر تخیل باشد، یعنی لغت و عبارات به لحاظ تخیل نسبت به هم متفاوت باشند (شمیسا، ۱۳۹۲، ۲۹).

از آنجایی که خیال وجه مشترک نگارگری ایران و شعر فارسی است، بنابراین، از ابزار انتقال مشترکی نیز برای نمایش صور مثالین استفاده می‌کنند. اما نمود آن خیالات در شعر به واسطه واژگان و در نگارگری به واسطه تصاویر ملاحظه می‌گردد و شاعرانه و خیال‌انگیز هنر خود را عرضه می‌کنند. در نتیجه، برای درک نمادها و صور خیال بصری در آثار نگارگری می‌توان از نوع بیان نمادها و صورخیال ادبی اطلاع حاصل کرد. چنین شکلی از فرهنگ و هنر، معانی عمیق و تصاویر بکری در اختیار مخاطب قرار می‌دهد که با هر بار دیدن تصاویر یا خواندن کلمات در شعر، معنایی به ذهن متبادر می‌شود. این ارتباط دیالکتیکی بین شعر و نگارگری، سبب ظهور بیشتر صورخیال در عالم محسوسات می‌شود. یکی از صورخیال و شاید خیال‌انگیزترین ابزار انتقال صورت‌های خیالی در هنر «استعاره» است. به بیان دیگر استعاره اساساً مولود فرایندهای خیال و قوه متخیله است. به همین منظور در این مقاله به عنوان نمونه آرایه استعاره و قابلیت‌های بیانی آن که یکی از مهمترین صورخیال است و کاربرد مهمی در شعر و نگارگری دارد، انتخاب شده است تا زبان مشترک این دو حوزه از هنر و در نهایت پیوند ذاتی آنها با یکدیگر بیشتر عیان گردد.

۴-۵. کاربرد و قابلیت‌های بیانی استعاره در ادبیات فارسی

استعاره در لغت مصدر باب استفعال است یعنی عاریه خواستن لغتی را به جای لغت دیگری، زیرا شاعر در استعاره، واژه‌ای را به علاقه مشابهت به جای واژه دیگری به کار می‌برد. اهمیت این صنعت ادبی در ادبیات تا حدی است که برخی آن را خود شعر و برخی آن را از الزامات آن می‌دانند. «مقام استعاره در شعر چندان پراهمیت بوده که در تعریف ابن خلدون از شعر می‌خوانیم: «شعر کلامی است مبتنی بر استعاره و اوصاف...»





و در بعضی از ادوار ادبی اروپا دسته‌ای از صاحبان فکر، زبان را فقط «خیال و استعاره» می‌دانسته‌اند و ناقدان قدیمی عرب آن را یکی از ستون‌های کلام به شمار آورده‌اند. (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۰، ۱۱۲ و ۱۱۳).

بر اساس شواهد زبان‌شناختی، بخش عمده سیستم مفهوم‌پردازی عادی در ذهن انسان، ماهیتاً استعاری است. «استعاره به مثابه ابزار شناخت یک حوزه مفهومی، از طریق کاریست اصطلاحات و زبان یک حوزه مفهومی دیگر، ابداع می‌شود. به آن حوزه مفهومی که از آن یک بیان استعاری برای فهم حوزه دیگری اخذ می‌شود، حوزه مبدأ و به آن حوزه مفهومی که از این طریق فهم می‌شود، حوزه مقصد یا هدف گفته می‌شود.» (بیچرانلو و پورعزت، ۱۳۹۲، ۱۱۴).

منتقل شدن از حوزه مبدأ به حوزه مقصد خود به خود صورت نمی‌پذیرد و باید موقعیت مناسب آن ایجاد شود. «موقعیت، برای استفاده از استعاره، زمانی به وجود می‌آید که دو قلمرویی که انتقال میان‌شان صورت می‌پذیرد بتوانند در ارتباط با یکدیگر باشند. چه این ارتباط به وسیله شباهت خصوصیات ظاهری آنها باشد و چه به وسیله شباهت روابط خویشاند آنها» (درزی، ۱۳۹۶، ۵). اما علمای علم بلاغت کاربرد استعاره و قابلیت‌های بیانی آن را در ادبیات فارسی به شیوه‌های گوناگونی بیان کرده و برای هر یک تعریفی مجزا قائل شده‌اند که در اینجا به برخی از آنها به طور مختصر اشاره می‌شود.

الف) استعاره مصرحه. اشاره شد که استعاره به کار بردن واژه‌ای به جای واژه دیگر به علاقه مشابَهت است. به این نوع استعاره، استعاره مصرحه یا محققه یا استعاره نوع اول می‌گویند. یعنی استعاره‌ای که صراحت دارد و مورد قبول همه است. مانند لعل که به علاقه رنگ قرمز آن، استعاره از لب است چنانچه حافظ می‌گوید:

لعل سیراب بخون تشنه، لب یار من است وز پی دیدن او دادن جان کار من است

ب) استعاره مکنیه و تخیلیه. در این نوع استعاره که به آن استعاره نوع دوم نیز می‌گویند، شاعر مشبه را ذکر می‌کند نه مشبّه‌ه را و آن را در دل و ضمیر خود معمولاً به جاندار تشبیه می‌سازد و سپس برای آن که این تخیل به خواننده منتقل شود یکی از صفات آن جاندار را در کلام ذکر می‌کند. مثل «دست روزگار» که در آن مشبه یعنی روزگار به همراه یکی از صفات مشبه‌ه یعنی انسان، که «دست» باشد آمده است. به آن قسمت که گوینده در ضمیر

خود روزگار را به انسان تشبیه کرده استعاره مکنیه، و به آن قسمت که برای روزگار، دستی فرض یا خیال کرده، استعاره تخیلیه می‌گویند. از این رو قدما روی هم رفته این‌گونه استعاره را «استعاره مکنیه و تخیلیه» می‌نامند. همان‌طور که شمیسا گفته است:

غریبان به این نوع استعاره، personification می‌گویند که در فارسی به «تشخیص» ترجمه شده است و می‌توان به آن انسان‌وارگی یا استعاره انسان‌مدارانه یا انسان‌واره یا انسان‌انگاری و نظایر آن گفت (شمیسا، ۱۳۹۲، ۱۸۴).

برای مثال در بیت زیر از حافظ، شاعر صفت نازکردن، خندیدن یا رنجیدن را که مختص انسان است برای تشخیص، به گل نسبت داده و می‌گوید:

صبحدم مرغ چمن با گل نوحاسته گفت ناز کم کن که درین باغ بسی چون تو شکفت
گل بخندید که از راست نرنجیم ولی هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت
شفیعی کدکنی در تعریف آرایه تشخیص، آن را از خیال‌انگیزترین انواع استعاره می‌داند و می‌نویسد:

یکی از زیباترین گونه‌های صور خیال در شعر، تصوّفی است که ذهن شاعر در اشیاء و در عناصر بی‌جان طبیعت می‌کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش بدان‌ها حرکت و جنبش می‌بخشد و در نتیجه هنگامی که از دریچه چشم او به طبیعت و اشیاء می‌نگریم، همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی و حرکت و حیات است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ۱۴۹).

ج) استعاره مرکب. این نوع استعاره برخلاف موارد قبل که در کلمات قابل درک بود، در جمله فهمیده می‌شود. یعنی با مشبّه‌بھی سروکار داریم که جمله است و در معنای حقیقی خود به کار نرفته و به علاقه مشابّهت معنای دیگری را افاده می‌کند.

تیرباران سحر دارم سپر چون نفکند این کهن گرگ خشن بارانی از غوغای من
که «تیر باران سحر کردن» استعاره از آه کشیدن است.

د) نماد. سمبل، نماد یا رمز به نوعی استعاره محسوب می‌شود چرا که مانند استعاره، ذکر مشبّه‌به و اراده مشبه است منتهی با تفاوت‌هایی از جمله آنکه در سمبل (استعاره یا مشبّه‌به) بر چند مشبه دلالت می‌شود؛ مانند زندان در شعر عرفانی که سمبل تن، دنیا، تعلقات دنیوی یا امیال نفسانی است. ارتباط دو طرف مشبه و مشبّه‌به نیز ممکن است بر





پایه تشبیه نباشد و به‌طور کلی یک طرف، طرف دیگر را تداعی می‌کند مانند کبوتر نماد صلح و لاله نماد شهید. همچنین معمولاً معنی استعاره در شعر بیان می‌شود اما معنای سمبل بیان نمی‌شود و ما خود معنا را استنباط می‌کنیم.

پس سمبل ابزاری تصویرآفرین است که از دل استعاره قابل تفسیر می‌باشد. به دلیل آنکه عموماً در نگارگری از سمبل به‌صورت عام برای تفسیر معنای پنهان صور و نقوش استفاده می‌شود، و این در حالی است که می‌توان به‌صورت جزئی‌تر برخی سمبل‌ها را در نگارگری ذیل تعاریف استعاره‌های دیگر مورد بررسی قرار داد. در این مقاله بین سمبل که معنایی عام دارد و استعاره‌های دیگر، تفکیک قائل شده و برای آن مصادیقی در نگارگری ارائه می‌گردد.

۴-۶. کاربرد و قابلیت‌های بیانی استعاره در نگارگری ایران

شیوه بیان هنری استعاره‌گونه که نمایشی پیچیده و لایه‌لایه است و خواننده را در برزخی میان صورت ظاهری و صورت باطنی یا معنا قرار می‌دهد، همگی تصاویر خیال در شعر محسوب می‌شوند. این شیوه بیان هنری در نگارگری نیز ملاحظه می‌شود. بدین ترتیب که نگارگران معانی نهفته و پنهان را در قالب صورت‌های خیالی بصری به نمایش می‌گذارند. همین امر سبب گردیده تا ارتباط تنگاتنگی بین ادبیات و نگارگری ایجاد شود و زمینه ترجمانی معانی بین این دو هنر ایجاد شود.

نگارگران همچون شعرا در پس تصویر و رنگ، معانی عمیقی را مکتوم نمودند که دستیابی به آن نیازمند همراهی با صور خیالی می‌باشد و زبان مشترک بین هنرها و از جمله بین شعر و نگارگری است. اما این بدان معنا نیست که نگارگری از شعر تقلید کرده و یا تصویرسازی عین‌به‌عین از شعر نموده، بلکه نگارگری در حقیقت ترجمان شعر است و معرفتی را به معرفتی دیگر تبدیل نموده و بیان جدیدی از حقایق را به‌ظهور رسانده است.

استعاره به‌عنوان یکی از ابزارهای انتقال صور خیال جایگاه ویژه‌ای بین سایر آرایه‌های ادبی دارد. درک این آرایه، که بُعد مفهومی دارد، در واقع درک یک حوزه مفهومی در قالب حوزه مفهومی دیگر است و معانی پنهانی از یک صورت کلامی یا تصویری افاده می‌نماید، بنابراین در همه هنرها می‌تواند تسری یابد. چنانچه کوچش^۱ می‌نویسد:

اگر استعاره‌ها واقعا مفهومی اند، پس باید در قالب صورت‌های غیر زبانی نیز نمود یابند. یعنی اگر نظام مفهومی حاکم بر تجربیات ما، شیوه تفکر ما و نیز رفتار ما تا اندازه‌ای استعاری است، پس استعاره‌های مفهومی نه تنها در زبان، بلکه در حوزه‌های دیگری از تجربه انسانی باید ظاهر شوند. این نمودها را صورت‌های غیرزبانی استعاره‌های مفهومی می‌نامیم (کوچش، ۱۳۹۳، ۹۸).

در ادامه سعی می‌شود تا نمود تصویری استعاره در آثار نگارگری قدیم ایران از منظر شکل، رنگ و بافت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. همچنین برای نشان دادن پیوند ادبیات با نگارگری سعی می‌شود تا نوع استعاره به کار رفته در آثار نگارگری، با کاربرد انواع استعاره در ادبیات مقایسه شود.

۱-۶-۴. کاربرد استعاره از نظر شکل

الف) اشکال حیوانی. یکی از وجوه کاربرد استعاره در نگارگری استفاده از صفات و خصلت‌های حیوانات گوناگون است. حیوانات در آثار نگارگری جدا از صحنه‌پردازی و اشاراتی که در متون آمده، گاهی به معنای دیگری نیز اشاره دارند و هنرمندان از آنها به عنوان استعاره‌هایی برای مفاهیم خاص استفاده نموده‌اند. برای مثال، در تصویر شماره (۱)، با عنوان «حکایت پدر مرده»، کمال‌الدین بهزاد از چند حیوان برای نمایش مضمون داستان که بیانگر مرگ و ناپایداری دنیا است استفاده نموده است. بدین صورت که بر روی درخت کهنی که در بالای تصویر قرار دارد، دو زاغ را، که استعاره از مرگ و عزاست، به تصویر کشیده و شاید این امر به دلیل رنگ سیاه بدن این پرنده باشد. نظامی در داستان لیلی و مجنون در بخشی از داستان که مجنون زاغی را بر روی درخت خطاب قرار می‌دهد در خصوص رنگ سیاه زاغ، صفت عزاداری و سیه پوشی به آن می‌دهد و می‌گوید:

شب رنگ چرایی ای شب افروز	روزت ز چه شد سیه بدین روز؟
بر آتش غم منم، تو جوشی	من سوگ‌زده، سیه تو پوشی
گر سوخته‌دل نه خام رایبی	چون سوختگان سیه چرایی؟

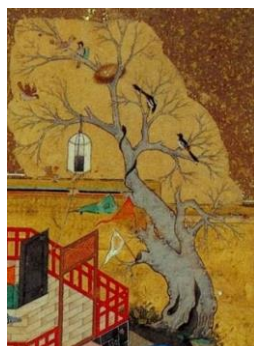
همچنین زاغ را استعاره از نفس اماره می‌دانند:

زاغ نمادی برای نفس اماره قرار می‌گیرد که به کمترین چیزی دل خوش می‌کند و حاضر نیست از آنها دل بکند و همانند زاغ که می‌گویند قطره‌ای از آب حیات را نوشیده به دنبال جاودانه شدن در این دنیا است (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۶۹).





تصویر ۲. انوشیروان به صدای جغدها در خرابه‌ها گوش می‌کند، (بخشی از اثر)،
منسوب به آقامیرک، خمه طهماسبی، قرن ۱۰ ه.ق.
محل نگهداری: موزه بریتانیا (Cary Welch, 1976, 70)



تصویر ۱. حکایت پدر مرده (بخشی از اثر)،
کمال‌الدین بهزاد، منطق الطیر، قرن ۹ ه.ق،
محل نگهداری: موزه متروپولیتن (Bahari, 1997, 87)

پرندگان کوچک دیگری نیز بر بالای درخت کشیده شده که در لانه‌ای تخم گذاشته‌اند و نشان از زندگی است؛ همچنین هنرمند در این اثر ماری را تصویر کرده که در حال نزدیک شدن به لانه پرندگان برای خوردن تخم‌ها و ایجاد ناامنی برای زندگی آنهاست. در مجموع می‌توان گفت که این بخش از اثر استعاره‌ای مرکب یا نمادی از ناپایداری دنیا محسوب می‌شود که بیان بصری هنرمند از موضوع داستان و ابداعات وی را نمایش می‌دهد.



تصویر ۴. مجنون در بیابان، منسوب به آقامیرک، خمه طهماسبی، قرن ۱۰ ه.ق.
محل نگهداری: موزه بریتانیا (Cary Welch, 1976, 92)



تصویر ۳. ملاقات مجنون با دای‌اش سلیم، منسوب به بهزاد،
خمه نظامی، قرن ۹ ه.ق،
محل نگهداری: موزه بریتانیا (www.bl.uk)



در اثری دیگر (تصویر شماره ۲) با عنوان «انوشیروان به صدای جغدها در خرابه‌ها گوش می‌کند»، از یک طرف خرابی و ویرانی حاصل از حکومت پادشاه زمانه و از طرف دیگر هوشیار و متنبه شدن شاه از این قضیه را نشان می‌دهد. هنرمند همزمان از چند استعاره‌گونه حیوانی بهره برده است. یکی جغد که نمادی از شومی و بدبختی است و بر بالای خرابه نشسته و دیگری چندین مار در لابه‌لای ویرانه که نمادی از مرگ و نابودی‌اند. اما درعین حال لانه لک‌لکی را به همراه دو جوجه در طرف مقابل نشان می‌دهد، درحالی‌که لک‌لکی دیگر برایشان غذا آورده و در مجموع می‌تواند نماد یا استعاره مرکبی از زندگی و امید است و این تضاد مرگ و زندگی، تأکید مضاعف بصری نگارگر برای نشان دادن مضمون داستان است.

اما آنچه بیش از همه استفاده استعاره‌گونه از اشکال حیوانی به خصوص در نمایش مضامین عارفانه را نشان می‌دهد، در تصاویر داستان مجنون در بیابان ملاحظه می‌گردد. برای مثال در تصاویر شماره (۳) و (۴) ویژگی‌های غریزی هر یک از حیواناتی که همراه مجنون در بیابان هستند با برخی خصایص ممدوح و مذموم انسانی شباهت دارند و به نظر می‌رسد که شاعر و نگارگر از این خصلت‌ها به صورت استعاره و نماد وجهی از خصایص انسانی استفاده کرده است؛ نظامی می‌گوید:

شاهیش به غایتی رسیده	کز خوی دادن ددی بریده
افتاده ز میش گرگ را زور	برداشته شیر پنجه از گور
سگ با خرگوش صلح کرده	آهو بره شیر شیر خورده
درنده پلنگ وحش زاده	از خوی پلنگی اوفتاده

بدین گونه که مجنون یا آنها را در وجود خود مطیع ساخته (مانند خصلت‌های مذمومی همچون حس قدرت و سلطه‌جویی، حيله‌گری، طمع‌ورزی و غیره) و در این حیوانات رام شده تبلور یافته و یا آنها را استعاره و نمادی از خصایص نیکوی وجود وی همچون عشق، پاکی، وفاداری و غیره گرفته است.

ب) اشکال گیاهی. در میان استعاره‌های گیاهی، درختان جایگاه ویژه‌ای دارند که در اینجا برای نمونه به درخت سرو اشاره می‌شود. سرو در طبیعت درختی است همیشه سبز که خزان

ندارد و از این رو نمادی از جاودانگی محسوب می‌شود. «سرو رمز جاودانگی و نامیرایی است. به برکت عمر طولانی و همیشه سبز بودن در میان بسیاری از اقوام، درخت زندگی نام گرفته و در بین درختان جنبه اساطیری قدرتمندی دارد.» (آل ابراهیم دهکردی، ۱۳۹۵، ۱۰۷).

درخت سرو نیز معمولاً در نگاره‌های عرفانی متناسب با مضمون داستان، استعاره از معشوق و نیز جاودانگی است. استفاده از استعاره سرو در نگارگری، هم به صورت سرو کوهی کپه‌ای و هم به صورت درخت سرو کشیده به همراه نهال شکوفه‌دار پیچان به دور آن، در آثاری که به خصوص صحنه‌هایی از عشق لیلی و مجنون که تصویرگر عشقی پاک است و یا نمایش سایر دلدادگان دیده می‌شود. برای مثال، در تصاویر شماره (۵) و (۶) این نوع سرو به شکل سرو کوهی و به صورت «منفرد» تصویر شده که نمایانگر اتحاد جاودان عاشق و معشوق است و این امر به صورت یک سنت در اغلب نگاره‌های شاخص نگارگری ایران مشاهده می‌شود. کاربرد این استعاره تصویری از ابداعات نگارگران ایرانی برای بیان بهتر محتوای اثر و تداعی ذهنی و مکمل بر بیان مضمون عرفانی مورد نظر نگارگر است.



تصویر ۶. ملاقات لیلی و مجنون، منسوب به بهزاد، دیوان امیر خسرو دهلوی، قرن نهم ه.ق.
محل نگهداری: کتابخانه چستر بیثی دوبلین (Bahari, 1997, 67)



تصویر ۵. مجنون در بیابان، منسوب به بهزاد، خمسه نظامی، قرن ۹ ه.ق.
محل نگهداری: موزه بریتانیا (Bahari, 1997, 124)

در نمونه دیگری از آثار عاشقانه، سرو بلندقامت به همراه شکوفه تصویر شده است. «در اصطلاحات عرفانی، سرو عبارت از علو مرتبه، قد و بالای محبوب است» (شهرستانی، ۱۳۸۳، ۶) چنانچه حافظ می‌گوید:

لب تو خضر و دهان تو آب حیوان است قد تو سرو و میان تو موی و گردن عاج
در نگاره‌هایی که عموماً مربوط به صحنه‌های دلدادگی عشاق است، سرو کشیده به همراه نهالی پیمان بر گرد آن در حالی که شکوفه‌های زیبای خود را عیان کرده نمایش داده شده است و در مجموع استعاره‌ای از احوال دلدادگان عاشق محسوب می‌شود و به زبان بصری به تصویر در آمده است. این ترکیب نیز از ابداعات نگارگران برای نمایش شادابی و مغالزه عشاق است. برای مثال، در تصویر شماره (۷) و در داستان دلدادگی نوشابه به اسکندر از طریق دیدن تصویر وی، دو سرو با نهال پیمان شکوفه‌دار، در پشت او به نشان دلدادگی وی کشیده شده است. همچنین در تصویر شماره (۸)، که سلامان و ابسال را در جزیره خوشبختی نشان می‌دهد، از همین استعاره استفاده شده است.



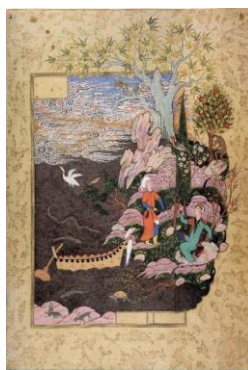
مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۰۷

مطالعه بین‌رشته‌ای نقش
صورخیال در ...



تصویر ۹. مجنون بر سر مزار لیلی،
منسوب به قاسمعلی، خمسه نظامی،
قرن ۱۰ ه.ق.
محل نگهداری: موزه بریتانیا، www.bl.uk



تصویر ۸. سلامان و ابسال در جزیره
خوشبختی، هنرمند نامعلوم، هفت
اورنگ جامی، قرن ۱۰ ه.ق.
محل نگهداری: نگارخانه فریر، واشنگتن
(Simpson, 1997, 57)



تصویر ۷. نوشابه اسکندر را براساس
تصویرش شناسایی می‌کند، منسوب به
میرزاعلی، خمسه طهماسبی، قرن
۱۰ ه.ق.
محل نگهداری: موزه بریتانیا
(Cary Welch, 1976, 81)



ج) اشکال جمادی. هنرمندان نگارگر از اشکال جمادی نیز برای بیان معانی پنهان و استعاری بهره برده‌اند. یکی از این عناصر، آب و چشمه حیات است. در عرفان اسلامی، تعبیر لطیفی از آب حیات شده است. «آب حیات در اصطلاح سالکان کنایه از چشمه عشق و محبت باری تعالی است که هر که از آن بچشد هرگز معدوم و فانی نگردد» (یاحق، ۱۳۶۹، ۲۹). همچنین در فرهنگ نمادها در خصوص چشمه آب حیات آمده است. «نمادگرایی چشمه آب حیات، به خصوص با چشمه‌ای جوشان در وسط باغ، در پای درخت زندگی و در مرکز بهشت زمینی تصویر می‌شود، از این چشمه چهار رود در چهار جهت اصلی جاری می‌شود. این چشمه را اصطلاحاً چشمه زندگی، چشمه جاودانگی یا چشمه جوانی می‌نامند» (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۴، ۵۲۳ و ۵۲۴).

در نگاره‌های عرفانی از چشمه و آب روان که یا از پایه درخت و یا از دل صخره بیرون می‌آید استفاده شده است و آن را استعاره از جاودانگی و بقا قرار داده‌اند. برای مثال، در اغلب آثار نگارگری با مضامین داستان لیلی و مجنون، عموماً مجنون در مقام فنای فی‌الله و رسیدن به بقای بالله معمولاً در کنار چشمه حیات و آب روان ترسیم شده است (نک: تصویر ۳ و ۵ و ۶). حتی در صحنه جان سپردن مجنون بر مزار لیلی و یگانه‌شدن با معشوق نیز از این استعاره استفاده شده است (تصویر شماره ۹). لازم به ذکر است که همواره در کنار این چشمه و آب روان، سبزه و گیاهانی روئیده که به نظر می‌رسد خود استعاره و نمادی از طراوت و شادابی عشق است.

گونه دیگر بیان مضمون خیالی از طریق عناصر جمادی، استفاده از استعاره مکنیه تخیلیه یا همان تشخیص (انسانوارگی و جانورپنداری) است که در نگارگری به‌وفور آن را به‌کار برده‌اند. نمایش و نسبت دادن حالات و ویژگی‌های انسانی و حیوانی به عناصر جمادی، به‌نوعی به نگاره، حیات و زندگی بخشیده و در عین حال به بیان معنای اثر کمک نموده است. کری و لش^۱ در تحلیل برخی از این تصاویر می‌نویسد: «نقش‌مایه‌های انسانی و حیوانی در کوه و صخره‌ها را به نقش ارواح و اشباح تشبیه کرده است» (خواجیه عطاری و نجارپور جباری، ۱۳۹۴، ۸۵). اصولاً نگارگران ایرانی از تشخیص به‌خصوص در عناصر طبیعت همچون کوه



و ابر و گیاهان به‌وفور استفاده کرده و از این طریق این عناصر را از حالت جمودی خارج و روح و حیات به آن بخشیده‌اند. این مسئله به‌خصوص در مکتب تبریز و در آثار سلطان محمد بسیار دیده می‌شود. برای مثال، در تصویر شماره (۱۰) سلطان محمد با نمایش چهره‌های انسانی و حیوانی، از تشخیص انسان‌واره و جانورپندار در صخره‌ها استفاده کرده و به صخره‌ها حالات انسانی بخشیده است. همچنین در اثری دیگر با عنوان «به بند کشیدن ضحاک» (تصویر شماره ۱۱) در بالای قلّه دماوند، ابرهای متراکمی تصویر شده که به‌صورت دو سر اژدهای غرّان در آمده که شاید استعاره صریحی از مارهای ضحاک باشند. در عین حال از آنجا که هنرمند به عنصری غیرذی‌روح، شخصیت جانوری بخشیده، می‌توان آن را تشخیص جانورپندار دانست. گونه دیگر کاربرد تشخیص مربوط به شخصیت بخشی به اشیاست. اینکه از لوازم مشبّه‌به یعنی انسان یا حیوان در اشیا استفاده می‌شود به‌نوعی به آن شخصیت و روح می‌بخشد و آن را در تعامل با سایر عناصر جاندار نشان می‌دهد. برای مثال، در تصویر شماره (۱۲) در سرپرچم جنگجویان از سر اژدها استفاده شده و این امر بر جنبه حماسی آنها و کنش نقش با فضای جنگ نیز افزوده است.



تصویر ۱۲. جنگ رستم با افراسیاب (بخشی از اثر)، منسوب به قاسمعلی، شاهنامه شاه‌طهماسب، قرن ۱۰ ه.ق. (Canby, 2011, 46)



تصویر ۱۱. در بند کردن ضحاک، سلطان محمد، شاهنامه شاه طهماسب، قرن ۱۰ ه.ق. محل نگهداری: موزه آغاخان، (Canby, 2011, 86)



تصویر ۱۰. پیرزن و سلطان سنجر (بخشی از اثر)، سلطان محمد، خمسه نظامی، قرن ۱۰ ه.ق. محل نگهداری: موزه بریتانیا، (Cary Welch, 1976, 74)

د) اشکال انسانی. در آثار نگارگری برخی از تصاویر انسانی در تصویرگری داستان‌های خاص، دارای معانی پنهان‌اند. این تصاویر معمولاً از نوع استعاره‌گونه‌ها و نمادها هستند. باید این نکته مجدداً یادآوری شود که مرز افتراق استعاره و نماد بسیار باریک است چنانچه



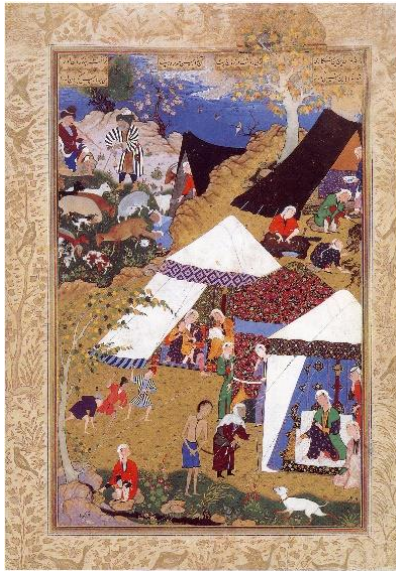
«این ابزار مخیل در بلاغت قدیم مطمح نظر نبودند و غالباً آن را از دیدگاه استعاره و کنایه می‌نگریستند» (شمیسا، ۱۳۹۲، ۲۱۹).

یکی از اشکال انسانی که معمولاً در تصویرگری داستان‌های عرفانی و به‌خصوص صحنه‌هایی از داستان لیلی و مجنون برای ایراد معنایی خاص استفاده می‌شود، نقش چوپانی است که در حال نواختن نی است. تصویر چوپان در این نگاره‌ها جدای از نقش معمولی آن که چوپانی را در حال چرای گوسفندان نشان می‌دهد، نمایشی از جریان زندگی عادی است و معمولاً دارای معنای پنهانی نیز هست. به‌طورکلی، نقش چوپان در تصاویر، نمادی از قدیمی‌ترین دوران زندگی بشر است و حتی بیان شده که «در تمدن چادرنشینان دامدار، تصویر چوپان، دارای نمادی مذهبی است» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴، ۵۴۷). این قول مؤید این نکته است که انبیاء و اولیاء الهی، اغلب به شغل چوپانی مشغول بودند، زیرا برای هدایت مردم «صبری» چونان یک چوپان لازم بود. از سوی دیگر، نی که یک سوی آن در دهان نی‌نواز (واسط حق و خلق) قرار دارد و نفّاس رحمانی را به‌سوی خلق هدایت می‌کند و از سوی دیگر آن، کلام حق بر خلق ظاهر می‌شود، همان است که مولانا از آن، به عنوان حکایت هجران انسان از روز الست و دلتنگی برای آن زمان یاد می‌کند و در اول مثنوی می‌گوید:

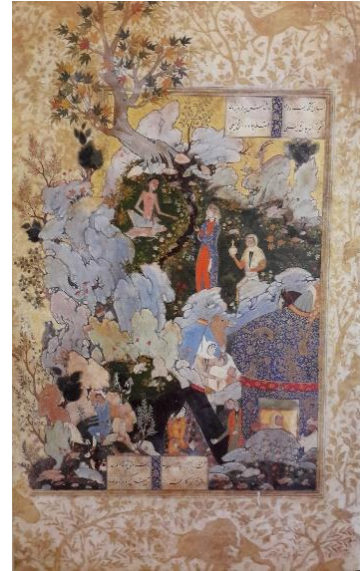
بشنو از نی چون حکایت می‌کند از جدایی‌ها شکایت می‌کند

نمایش نی‌نواز در حقیقت نمادی از نوای عشق و دعوت انسان به اصل خویش است. در نگاره‌های لیلی و مجنون نیز هم در صحنه‌های فراق لیلی و مجنون از یکدیگر و هم حضور مجنون بر مزار لیلی، هنرمند نگارگر اغلب از چوپان نی‌نواز به‌عنوان نمادی برای دعوت به بازگشت به فطرت استفاده کرده (تصاویر ۹ و ۱۳ و ۱۴) که تداعی‌کننده این اشعار مولانا نیز است:

نی حریف هر که از یاری برید پرده‌هایش پرده‌های ما درید
نی حدیث راه ر خون می‌کند قصه‌های عشق مجنون می‌کند



تصویر ۱۴. بردن مجنون به خیمه لیلی، منسوب به
میرسید علی، خمسه طهماسبی، قرن ۱۰ ه.ق.
محل نگهداری: موزه بریتانیا (Cary Welch, 1976, 89)



تصویر ۱۳. ملاقات لیلی و مجنون، منسوب به محمدی،
سلسله الذهب جامی، قرن ۹ ه.ق.
(Soudavar, 1992, 238)

از دیگر اشکال انسانی می‌توان به پیکره پیرمرد نخ‌ریس اشاره کرد که برای مثال در نگاره نزاع شتران کمال‌الدین بهزاد، تصویر شده است (تصویر شماره ۱۵). بهزاد در کتیبه این نگاره بیان می‌کند: «این رقمیست مطلع خلقت مُشعر از مضمون افلا ينظرون الی الابل کیف خُلِقَتْ...» که به ترسیم مفهوم خلقت پرداخته است. «بهزاد در افقی بسیار گسترده، این رسم و «رقم» را نوعی اطلاع از خلقت و اشراف به آن معرفی می‌نماید و آن را نیز رمزی از مضمون آیه افلا ينظرون الی الابل کیف خلقت می‌داند که در این آیه و آیات پس از آن، مردم با استفهامی توییحی به نظر و اعتبار در خلقت شتر و سپس بلندی آسمان و گستردگی زمین دعوت شده‌اند» (فیض، ۱۳۸۷، ۱۸۸).

آفرینش شتر در این آیه و آیات مشابه دیگر که توجه را به خلقت عناصری از این عالم جلب می‌کند، بهانه‌ای برای توجه‌دادن مخاطب به خلقت و نظم دقیق آن است. چنانچه در قرآن کریم آمده «انا کل شیء خلقناه بقدر» (قمر، ۴۹)، یعنی همانا ما هر چیزی را با اندازه‌گیری قبلی آفریدیم. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «قدر هر چیز

عبارت است از مقدار و حدّ و هندسه‌ای که از آن تجاوز نمی‌کند، نه از جهت زیادی و نه از جهت کمی، و نه از هیچ جهت دیگر» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴۰).

بهزاد در این جا از پیکر پیری سبزپوش استفاده کرده که دوکی در دست می‌چرخاند تا نخ‌ی باریک و ظریف از چشم شتران به دست آورد و این عمل را آنقدر با دقت انجام داده که برای دیدن نازکی نخ، یک چشم را بسته و با چشم دیگر آن را به دقت می‌نگرد که در مجموع نمادی از دقت در خلقت است. همچنین هر یک از اجزای وابسته به این پیکره می‌تواند نماد امری باشد:

«بدون تردید شیخ در اینجا نماد وارستگی و کمال انسانی و انسان کامل و دوک او نیز نمایش گردش زمین و زمان و البته رشته او نیز نمودی از امتداد زمان آفاقی تا زمان انفسی است. اگر دو شتر، تمثیل امتداد روز و شب و گذر عینی زمان در این دنیا فرض شده‌اند، رشته و دوک شیخ نیز تمثیل امتداد زمان ملکوتی در زمان ناسوتی است» (فیض، ۱۳۸۷، ۱۹۵).



تصویر ۱۵. نزاع شتران، کمال‌الدین بهزاد، قرن ۱۰ ه. ق.
محل نگهداری: کاخ گلستان، (موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۸۴، ۴۲۸)

۲-۶-۴. کاربرد استعاره از نظر رنگ

رنگ‌ها دارای ارزش‌های استعاری و معانی پنهان هستند. اینکه برای مفهومی، رنگ خاصی در نظر گرفته می‌شود که تداعی معنا می‌کند، وارد حوزه استعاره می‌شود. اما به دلیل آنکه در هر فرهنگ و طی گذشت زمان، این معنا و مفهوم مورد اتفاق نظر افراد یک جامعه قرار می‌گیرد، بیشتر از لفظ نماد که نوعی استعاره‌گونه است، استفاده می‌شود. باید اشاره کرد که

رنگ و نور از اساسی‌ترین و مهمترین عناصر بیانی در هنر نگارگری است. وجود نور منتشر در کل اثر و نیز درخشش نوری رنگ‌ها سبب ظهور رنگ‌هایی شفاف و درخشان شده است. استفاده از رنگ‌های درخشان و شفاف در آثار نگارگری ایران خود نمادی از عالم مثال و خیال می‌باشد که مملو از نور است و تاریکی و سایه در آن وجود ندارد.



تصویر ۱۶: ملاقات مجنون با پدرش، منسوب به بهزاد، قرن ۱۰ ه.ق. دیوان امیر خسرو دهلوی

محل نگهداری: موزه لنینگراد، (Poliakova, 1987, 124)

نگارگران در آثارشان از رنگ‌ها برای بیان معانی استعاری بسیار استفاده نموده‌اند. در بررسی استعاری رنگ‌ها در نگارگری از جهتی هر رنگ ممکن است بیان معنای ویژه‌ای داشته باشد و از جهت دیگر رنگ‌ها در نسبت با هم تداعی معنایی خاص دارند که به چند مورد از آنها مختصراً اشاره می‌شود. برای مثال، رنگ طلایی در آثار نگارگری زمانی که برای آسمان به کار می‌رود نمادی از وجود نور حق است (تصاویر ۵ و ۶ و ۹). گاهی این رنگ بر



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

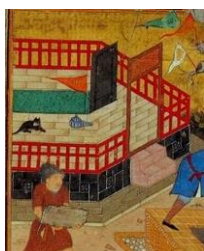
۱۱۳

مطالعه بین‌رشته‌ای نقش
صورخیال در ...

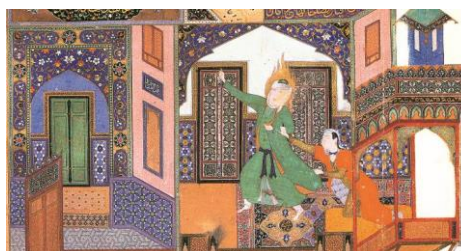
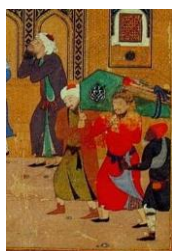


روی زمین قرار می‌گیرد که متناسب با موضوع نگاره، نشانی از اتفاق یا امری مقدس بر روی زمین دارد. در تصاویر ۱۴ و ۱۶، که اولی بردن مجنون به خیمه‌گاه لیلی و دیگری ملاقات مجنون با دوستانش را نشان می‌دهد، هنرمند زمین را طلایی گرفته که نمادی از جایگاه مقدس عشق است.

یکی دیگر از روش‌هایی که نگارگران برای تعالی مضامین آثارشان به کار می‌برند استفاده از زبان استعاری و نمادین رنگ‌ها در پوشش افراد است. یکی از این موارد استفاده از رنگ آبی برای لباس مجنون است که نماد پاکی ملکوتی اوست (تصاویر ۵ و ۶ و ۱۴ و ۱۶). رنگ سبز که نماد عصمت است، برای اولیای الهی استفاده می‌شود و بر عصمت و پاکی تأکید می‌شود. چنانچه بهزاد در نگاره یوسف و زلیخا (تصویر شماره ۱۷)، از آن در ترسیم عصمت و پاکی یوسف استفاده می‌کند. همچنین رنگ دری را که قرار است پس از گشوده شدن و وقایع پس از آن، بر پاکی یوسف گواهی دهد را نیز به‌طور نمادین سبز می‌گیرد. حتی در فرهنگ بصری و نمادین بهزاد در اثری دیگر، برای نشان دادن درستکاری و پاکی فرد متوفی، در تابوت او و یا برای قبر فرد بزرگواری که از دنیا رفته در یک نگاره همزمان از این رنگ استفاده نموده است (تصویر شماره ۱۸).



تصویر ۱۸: حکایت پدر مرده، (بخش‌هایی از اثر)،
کمال‌الدین بهزاد، نسخه منطق‌الطیر، قرن نهم ه.ق.
محل نگهداری: موزه متروپولیتن (Bahari, 1997, 87)



تصویر ۱۷: حکایت یوسف و زلیخا، (بخشی از اثر)، کمال‌الدین
بهزاد، ۸۹۳ ه.ق.
محل نگهداری: موزه قاهره مصر، (Bahari, 1997, 109)

یکی از ابتکارات نگارگران که از کمال‌الدین بهزاد آغاز و در آثار نگارگران بعد از وی به‌صورت سنت هنری ادامه یافت، نشان دادن معانی و مفاهیم درونی یک شخصیت از طریق بازتاب دادن آینه‌وار رنگ نمادین در پیکره افرادی است که در مقابل این شخص قرار

دارد. لازم است تذکر داده شود که در سنت نگارگری ایران، برخی ابداعات، در آثار مختلف دوره‌های گوناگون به صورت «سنت هنری» توسط نگارگرانی که توجه به کاربرد استعاره‌های گوناگون داشته‌اند ادامه یافته است. با بررسی بصری و معنایی آثار نگارگری مکاتب گوناگون، این‌گونه تحلیل‌ها با آشنایی با زبان نگارگری، استنباط و قابل تجزیه و تحلیل و بسط است. برای مثال، در تصویر شماره (۱۹) این مسئله را می‌توان در انعکاس رنگ قرمز عشق مجنون در لباس دایی‌اش که در مقابل اوست ملاحظه نمود. همین سنت را می‌توان در تصویر شماره (۲۰) نیز مشاهده نمود بدین صورت که رنگ قرمز که نماد عشق است در پیکره لیلی و مجنون قرار داده نشده بلکه بر لباس پیکره دو فردی که مقابل ایشان هستند بازتاب یافته است.



تصویر ۲۰. بردن مجنون به خیمه لیلی، (بخشی از اثر)، منسوب به میرسیدعلی، خیمه طهماسبی، قرن ۱۰ ه.ق.
محل نگهداری: موزه بریتانیا، (Cary Welch, 1976, 89)



تصویر ۱۹. ملاقات مجنون با دایی‌اش سلیم، (بخشی از اثر)، منسوب به بهزاد، خیمه نظامی، قرن ۹ ه.ق.
محل نگهداری: موزه بریتانیا www.bl.uk

۳-۶-۴. کاربرد استعاره از نظر بافت

یکی از عناصر بیانی نگارگری استفاده از بافت است. نگارگران از این عنصر برای نمایش جنسیت‌های گوناگون از طریق پردازش نقطه و خط استفاده می‌کنند؛ بدین صورت که برای نشان دادن بافت‌های خشن از نقطه یا خط‌پردازهای زبر و خشن و برای بافت‌های لطیف از نقطه و خط‌پردازهای نرم بهره برده‌اند. یکی از کارکردهای مفهومی بافت، مربوط به ترکیب کلی نگاره است. در کنار بافت‌های گوناگونی که برای نمایش موارد گوناگون در یک نگاره استفاده شده، هنرمند برای بیان مضمون کلی اثر، نوع به‌خصوصی از بافت را به کار برده که بتواند آن مضمون را از طریق حسی برای مخاطب تداعی کنند. برای مثال، در تصویر

شماره (۲۱) که مجنون در بیابان را نشان می‌دهد با وجود صخره‌ای که قاعدتاً می‌بایست بافتی خشن داشته باشد و نیز حیوانات گوناگونی که تصویر شده، نگارگر در مجموع از نوعی پرداز نرم و لطیف به همراه حرکات نرم برای نمایش صخره‌ها بهره جسته که بر لطافت موضوع عاشقانه تأکید کند (مقایسه شود با تصویر ۲۲ که هنرمند از بافت خشن صخره‌ای در صحنه جنگ استفاده کرده). می‌توان این‌گونه استفاده بیانی از بافت برای بیان مضمون کلی یک اثر را معادل استعاره مرکب یا تمثیلیه دانست «یعنی با مشبه‌بھی سر و کار داریم که «جمله» است» (شمیسا، ۱۳۹۲، ۲۰۵). به بیان دیگر بافت در هنر، معادل جمله در ادبیات قرار می‌گیرد.



تصویر ۲۲. فرود با ایرانیان مواجه می‌شود، (بخشی از اثر)، منسوب به قدیمی، شاهنامه شاه طهماسب، قرن ۱۰ ه.ق. محل نگهداری: موزه هنرهای معاصر (موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۸۴، ۲۷۱)



تصویر ۲۱. مجنون در بیابان، (بخشی از اثر)، منسوب به آقامیرک، خمسه طهماسبی، تبریز، قرن ۱۰ ه.ق. محل نگهداری: موزه بریتانیا (Cary Welch, 1976, 92)

۵. نتیجه‌گیری

شاعران برای انتقال معانی و صور خیالی از ترفندها و ابزارهایی استفاده می‌کنند که قابلیت انتقال به عالم محسوسات را داشته باشند. همین بیان در آثار نگارگری نیز به تبع آن به کار می‌رود و نگارگر از صورخیال بصری به صورت اشکال، رنگ‌ها و بافت‌ها برای انتقال مفاهیم و صور عالم خیال استفاده می‌کند.

در پاسخ به پرسش اول مبنی بر اینکه آرایه استعاره در شعر و نگارگری ایران چه تأثیرات بیانی دارد؟ باید گفت استعاره در ادبیات فارسی در قالب واژگان و جملات به صورت صریح و غیرصریح از طریق استعاره‌های مصرحه، جان‌بخشی به اشیا (تشخیص)، مرکب و

نیز از طریق استعاره‌گونه‌ها و نمادها تداعی معنا می‌نماید که این امکانات از طریق شعر به نگارگری ایران نیز منتقل گشته و هنرمندان نگارگر نیز از «امکان بیانی» این آرایه به‌صورت بصری استفاده کرده‌اند.

همچنین در پاسخ به پرسش دوم مبنی بر اینکه نگارگران چگونه از ظرفیت استعاره در بیان بصری خویش بهره برده‌اند؟ نگارگران این آرایه را به سه صورت در قالب اشکال، رنگ‌ها و بافت‌ها برای بیان معانی نهفته به‌کار برده‌اند. در زمینه اشکال، ایشان از استعاره‌های حیوانی، گیاهی، انسانی و جمادی استفاده کرده‌اند. همچنین از زبان استعاری و نمادین رنگ‌ها در فضاها و لباس‌ها بهره جسته و در ترکیب و فضای کلی آثار از بافت‌های استعاری و نمادین بهره جسته و در نهایت توانسته‌اند هویت بصری جدید را از این طریق ایجاد نمایند.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی



- اشرفی، مقدمه مختاروونا (۱۳۶۷). همگامی نقاشی با ادبیات در ایران (مترجم: رویین پاکباز). تهران: نگاه.
- آل‌ابراهیم دهکردی، صبا (۱۳۹۵). نقش درخت سرو و معانی نمادین آن در نگاره‌هایی از شاهنامه تهماسبی. مجله باغ نظر، ۱۳(۴۵)، ۱۰۵-۱۱۴.
- بیچرانلو، عبدالله؛ و پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۹۲). کارکردها و کارکردهای بازگشت معنایی استعاره‌ها، مطالعه موردی مفهوم میان‌رشته‌ای مهندسی فرهنگی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. doi: 10.7508/isih.2014.19.006.۱۰۱-۱۲۱، (۳)، ۵
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۷). الزامات زبان‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، (۱)، ۱۱۱-۱۳۵. doi: 10.7508/isih.2009.01.007
- پولیاکوا، ی.آ؛ و رحیمووا، زد.ای. (۱۳۸۱). نقاشی و ادبیات ایرانی (مترجم: زهره فیضی). تهران: روزنه.
- تجویدی، اکبر (۱۳۸۵). نگاهی به هنر نقاشی ایران از آغاز تا سده دهم هجری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات.
- خواجه عطاری، علیرضا؛ و نجارپور جباری، صمد (۱۳۹۴). جانبخشی به طبیعت در آثار سلطان محمد. فصلنامه نگارینه هنر اسلامی، ۲(۷ و ۸)، ۸۴-۹۶. doi: 10.22077/nia.2015.653
- درزی، قاسم (۱۳۹۷). استعاره و میان‌رشته‌ای؛ بیان موارد کاربست استعاره‌ها در پژوهش میان‌رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۰(۲)، ۲۶-۱۰۱. doi: 10.22035/isih.2018.277
- دینانی، غلامحسین (۱۳۸۱). ادراک خیالی و هنر. مجله خیال، ۲، ۱۱-۶.
- رحیمی، امین؛ موسوی، سیده زهرا؛ و مروارید، مهرداد (۱۳۹۳). نمادهای جانوری نفس در متون عرفانی با تکیه بر آثار سنایی، عطار و مولوی. مجله متن‌پژوهی ادبی، ۱۸(۶۲)، ۱۷۳-۱۴۷.
- زمانی، احسان؛ امین‌خانی، آرین؛ و اخوت، هانیه (۱۳۸۸). نقش متقابل هنر منظرپردازی و نگارگری ایران. کتاب ماه هنر، ۱۳۵، ۸۰-۹۱.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). صور خیال در شعر فارسی (چاپ هشتم). تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۲). بیان (چاپ دوم). تهران: میترا.
- شهرستانی، سیدحسن (۱۳۸۳). نماد سرو در نگاه حافظ. هنرنامه، ۲۲، ۱۵-۵.
- شوالیه، ژان؛ و گریبان، آلن (۱۳۸۲). فرهنگ نمادها (مترجم: سودابه فضایی). تهران: جیحون.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (مترجم: محمدباقر موسوی همدانی؛ جلد ۱۹). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عسگرنژاد، منیر؛ و گذشتی، محمدعلی (۱۳۹۴). هنر ادبی و ادبیات هنری. دوفصلنامه پژوهش های دستوری و بلاغی، ۵(۷)، ۲۱۳-۲۳۱. doi: 10.22091/jls.2015.480

فتوحی، محمود (۱۳۸۱). تصویر خیال. مجله ادبیات و علوم انسانی، ۱۸۵، ۱۳۳-۱۰۳.

فیض، رضا (۱۳۸۷). بهزاد صورتگر معنا. مجله آینه میراث، ۴، ۱۸۳-۲۰۴.

کشاوری، گلنار (۱۳۹۴). جوهره مثالی هنر نگارگری ایرانی و نقش سنت در آن. مجله کیمیای هنر، ۴(۱۶)، ۷۷-۹۰.

کوچش، زلتن (۱۳۹۳). مقدمه ای کاربردی بر استعاره (مترجم: شیرین پورابراهیم). تهران: سمت.

گرابار، اولگ (۱۳۸۳). مروری بر نگارگری ایران (مترجم: مهرداد وحدتی دانشمند). تهران: فرهنگستان هنر.

ماهوان، فاطمه؛ و یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۹). تأثیر صورخیال ادبی بر نگارگری مکتب شیراز. مجله بوستان ادب، ۲(۲)، ۱۸۴-۱۶۱. doi: 10.22099/jba.2012.323

مددپور، محمد (۱۳۸۳). آشنایی با آرای متفکران درباره هنر (جلد ۳ و ۴). تهران: سوره مهر.

موزه هنرهای معاصر تهران (۱۳۸۹). شاهکارهای نگارگری ایران (چاپ دوم). تهران: موزه هنرهای معاصر تهران.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰). یادداشت‌های استاد علامه جلال‌الدین همایی درباره معانی و بیان. تهران: هما.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۹). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران: سروش.

Bahari, E. (1997). *Bihzad, master of Persian painting*. London, England: I.B.Tauris & CO.

Canby, S. R. (2011). *The Shahnama of Tahmasp: The Persian Book of Kings*. USA & Iran: Metropolitan Museum of Art & Vjeh Nashr Co.

Cary Welch, S. (1976). *Royal Persian manuscript*. London, England: Thames and Hodson.

Poliakova, E. A., & Rakimova, Z. I. (1987). *L'art de la miniature et la litterature de l'orient*. Mossco, Russia: Gafour Gouliame.

Simpson, M. (1997). *Persian poetry painting and patronage*. Washington, D.C, USA: Freer Gallery of Art, Smithsonian Institution.

Soudavar, A. (1992). *Art of the Persian court: selection from the art and history Trust collection*. New York, USA: Rizzoli.





ارائه الگوی مدیریت زنجیره تأمین سبز جهت توسعه پایدار محیط زیست با رویکرد مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد و دیمتل

زهرا دلشاد^۱، مژده ربانی^{۲*}، حسن دهقان دهنوی^۳

دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۹؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

چکیده

مدل مدیریتی زنجیره تأمین سبز، جهت حفاظت از محیط زیست است و شرکت‌ها با استفاده از آن می‌توانند با توجه به آینده‌نگری تأثیرات منفی زیست‌محیطی را کاهش داده و به استفاده مطلوب از منابع و انرژی دست یابند. هدف از مقاله حاضر این است که با استفاده از روش کیفی داده‌بنیاد به شناسایی و تدوین الگوی زنجیره تأمین سبز در صنعت پتروشیمی استان فارس بپردازد و میزان اثرگذاری و اثرپذیری‌ها را با روش دیمتل بررسی نماید. روش گردآوری داده‌ها، مطالعه اسناد و مصاحبه با ۲۰ نفر از خبرگان آگاه از موضوع مورد بحث، با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی است. برای تحلیل داده‌های کیفی، از سه مرحله کدگذاری باز، محوری، انتخابی استفاده شده است. همچنین اولویت‌بندی معیارها با استفاده از روش دیمتل و پرسشنامه صورت گرفت. نتایج مطالعه حاضر، نشان‌دهنده استخراج ۲۱ کدگذاری محوری و ۹۰ کدگذاری باز، در روش کیفی داده‌بنیاد است که در قالب مدل پارادایمی قرار گرفت. سپس با استفاده از مقایسات زوجی در روش دیمتل پس از محاسبه وزن، جهت رتبه‌بندی نهایی معیارهای انتخابی زنجیره تأمین سبز، نشان می‌دهد که معیارهای محوری طراحی فرایندهای سبز، مشتریان و سایر نهادهای بیرونی، نوآوری سبز، رویکردهای مدیریت محیط زیستی، قابلیت‌های تأمین‌کنندگان سبز، مدیریت منابع انسانی، بهبود عملکرد محیط زیست، مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی (دارای مقادیرهای بزرگتر از حد آستانه)، دارای درجه اهمیت (وزن) بالاتری هستند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت زنجیره تأمین سبز، نظریه داده‌بنیاد، کدگذاری، روش دیمتل

۱. گروه مدیریت صنعتی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

۲. گروه مدیریت صنعتی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

mrabbani@iauyazd.ac.ir ✉

۳. گروه مدیریت صنعتی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

۱. مقدمه

مدیریت زنجیره تأمین سبز به عنوان یکی از مفاهیم مدیریتی در سال های اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته است. در واقع، مدل مدیریتی برای حفاظت از محیط زیست است. توسعه پایدار^۱ به معنی توسعه و پیشرفت نسل آینده است. فرایندی است برای به دست آوردن پایداری در هر فعالیتی که نیاز به منابع و جایگزینی سریع و یکپارچه آن وجود دارد. شاخصه های توسعه پایدار را می توان در چهار گروه اجتماعی، اقتصادی، بنیادی و زیست محیطی بررسی نمود. این مفهوم کلی با استراتژی حفاظت جهانی به طور گسترده ای مطرح شد تا حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست را در راستای ایفای نقش بهتر در جهت رفاه انسانی به نحو مطلوب، مدیریت نماید. در توسعه پایدار باید رشد اجتماعی ای فراهم شود که در آن نیازهای همه افراد برآورده شود، حفاظت مؤثری از محیط زیست انجام شود و در مصرف منابع طبیعی با دقت عمل شود. همچنین باید رشد پایدار و رونق اقتصادی را به همراه داشته باشد (اسلیمان^۲، ۲۰۱۲).

در دهه های اخیر به دلیل پیدایش توسعه پایدار، مردم جهان توجه بیشتری به حفاظت از محیط زیست و منابع زیستی دارند. به منظور دستیابی موفقیت آمیز به مسائل محیط زیستی، راهبردهای مدیریت محیط زیست شرکت بایستی در تمام عملیات یک سازمان نفوذ کرده و پیاده سازی شوند (گرین، اینمان، سور، و زلبست^۳، ۲۰۱۸، ۲۴-۱). سیستم های مدیریت محیط زیست و مدیریت زنجیره تأمین سبز مکمل یکدیگرند و اجرای آن، نه تنها باعث بهبود محیط زیست می شود بلکه می تواند باعث افزایش پایداری و بهبود عملکرد محیط زیست شبکه تأمین جهانی شود. مشارکت های زیست محیطی، منجر به یکپارچگی دانش و افزایش همکاری ها بین سازمان ها خواهد شد و در نتیجه، آن سازمان های موجود در زنجیره تأمین می توانند قابلیت های سازمانی خود را توسعه دهند (فامیه و کوارتانگ، آسانته، و آتوو^۴، ۲۰۱۷، ۲۶-۱).



مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی

۱۲۲

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰

1. sustainable developmentl

2. Slimane

3. Green, Inman, Sower, & Zelbst

4. Famiyeh, Kwarteng, Asante-Darko, & Ato Dadzie



زنجیره تأمین سبز، عملیات‌ها را با استفاده از راه‌حل زیست‌محیطی، از جمله توسعه و بهبود سرعت، افزایش سازگاری، سیاست مذاکره با تأمین‌کنندگان و مشتریان، بهبود می‌بخشد (تونی، رنتیزلاس، و دافی^۱، ۲۰۱۸، ۱-۳۰). رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در ترکیب با مدیریت زنجیره تأمین موقعیتی برنده برای سازمان‌ها ایجاد می‌کند و به آنها در به‌وجود آمدن یک مزیت قوی در بازار جهانی (از طریق کاهش هزینه و بهبود در رقابت) کمک می‌کند. شناسایی مزایایی برای طرح‌های زیست‌محیطی و عملکردهای کسب‌وکار برای انتشار چنین طرح‌هایی در شرکت‌های مختلف مهم است. اکثر صنایع بایستی زنجیره تأمین را از نقطه‌نظر پایداری زیست‌محیطی با تغییر مدیریت سنتی به مدیریت زنجیره تأمین سبز توسعه دهند (کازانکولا و ساگاناک^۲، ۲۰۱۷).

در مقاله حاضر تلاش شده است تا روشی برای شناسایی و اولویت‌بندی مهمترین عوامل مؤثر در مدیریت زنجیره تأمین سبز صنعت پتروشیمی با تلفیقی از رویکرد کیفی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد^۳ و روش کمی سلسله‌مراتبی دیمتل^۴ ارائه شود. با مرور ادبیات تحقیق، مصاحبه و نظر خبرگان آشنا به زنجیره تأمین سبز، معیارهای کلیدی جمع‌آوری شد. از آنجاکه مدل‌سازی همه این معیارها به‌صورت یکجا با روش‌های محاسباتی و شبیه‌سازی به‌شدت سخت و زمان‌بر هستند، پژوهش‌های محدودی در زمینه مدل کیفی و کمی زنجیره تأمین سبز به جمع‌آوری چنین مجموعه‌ای پرداخته‌اند. برای اولویت‌بندی معیارها در مقاله حاضر، به منظور گزینش بیشترین اثر علت معلولی بر یکدیگر و بر سلسله‌مراتب خروجی‌های زنجیره تأمین سبز، از مفاهیم وزن کلی^۵ در فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی از روش ارزیابی و آزمون تصمیم‌گیری دیمتل استفاده شده است. از بیان این مطالب می‌توان به جنبه نوآوری و دانش افزایی این پژوهش اشاره نمود.

مطالعه موردی این مقاله صنعت پتروشیمی استان فارس است. از آنجاکه روند روبه‌رشد گسترش صنعت پتروشیمی و بروز نشانه‌هایی از تأثیرات منفی بر محیط زیست،

1. Tuni, Rentizelas, & Duffy
2. Kazancoglu, Kazancoglu, & Sagnak
3. Grounded Theory
4. decision making trial and evaluation laboratory: DEMATEL
5. overall priority



لزوم پایداری را به میان آورده است. بنابراین، طراحی مدل مدیریت زنجیره تأمین سبز با نظریه داده‌بنیاد می‌تواند راهنمای مناسبی جهت کنترل و مدیریت ضایعات مبنی بر اتخاذ ملاحظات زیست‌محیطی باشد. با توجه به این معیارها، ضرورت دارد تا این عوامل تأثیرگذار در صنایع مختلف شناسایی و براساس آن به تقویت و بهبود توانمندی‌های خویش پرداخته شود. شرکت‌ها به منظور کسب یا بهبود چابکی، انعطاف‌پذیری و عملکرد مناسب از یک سو با نوعی فشار رقابتی برای هماهنگی و همکاری از طریق زنجیره تأمین مواجه‌اند؛ و از سوی دیگر، افزایش نگرانی‌ها نسبت به مسائل و معضلات زیست‌محیطی، شرکت‌ها را به سمت وسوی اتخاذ استراتژی‌های مدیریت زنجیره تأمین سبز در صنعت پتروشیمی سوق می‌دهد.

در واقع این پژوهش به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱. مدل شکل‌گیری مدیریت زنجیره تأمین سبز و پیامدهای آن با استفاده از روش کیفی داده‌بنیاد چگونه است؟ دارای چه اجزایی است؟ و چه روابطی بین اجزای این مدل وجود دارد؟
۲. رتبه‌بندی رابطه علت معلولی و وزن دهی معیارها با روش دیمتل به چه صورت است؟

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در این بخش ابتدا درباره مبانی نظری مرتبط با زنجیره تأمین سبز، روش داده‌بنیاد و روش دیمتل توضیحاتی بیان گردیده است و در انتها جدول پیشینه مرتبط با موضوع ارائه گردیده است.

۲-۱. مدیریت زنجیره تأمین سبز^۱

در دهه اخیر مدیران شاهد یک دوره تغییرات شگرف جهانی به واسطه پیشرفت در تکنولوژی، جهانی شدن بازارها و شرایط جدید اقتصادی و سیاسی بودند. با افزایش تعداد رقبا، سازمان‌ها مجبور شدند که فرایندهای درون سازمانی را برای باقی ماندن در صحنه رقابت جهانی بهبود بخشند. هم‌افزایی رعایت ملاحظات زیست‌محیطی و مدیریت زنجیره تأمین، فرصتی را برای سازمان‌ها فراهم می‌کند تا بهره‌وری، کیفیت و عملکرد محیطی خود را از طریق جریان پیوسته اطلاعات ارتقاء دهند. مدیریت زنجیره تأمین سبز یکی

1. Green Supply Chain Management (GSCM)



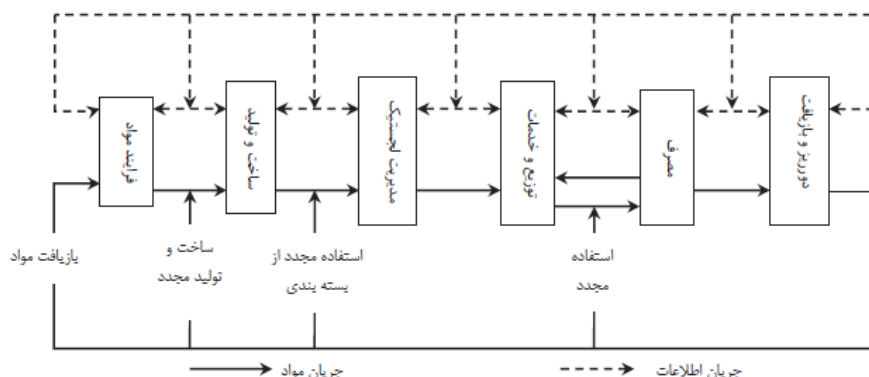
از ایده‌های نوآورانه است که به سرعت به توسعه عملکرد زیست محیطی در صنایع توجه می‌کند (آواستی، کوار، سیدهو، چاهان، و گوپال^۱، ۲۰۱۷).

ضرورت سبز شدن زنجیره تأمین زمانی مطرح شد که دولت‌ها از یک طرف فشارهایی را برای استانداردهای زیست محیطی لحاظ کردند و از طرف دیگر، تقاضای مشتریان برای عرضه محصولات سبز (بدون اثر مخرب بر محیط زیست) به وجود آمد (گرین و همکاران^۲، ۲۰۱۸).

داشتن احساس برتر، ارتقای کیفیت زندگی، قوانین دولتی، و استانداردهای زیست محیطی بزرگ‌ترین محرک سازمان‌ها برای پذیرش زنجیره تأمین سبز است. این محرک‌ها می‌تواند اخلاقی (بازتابی از ارزش‌های مدیریت) و یا تجاری (به دست آوردن مزیت رقابتی با اهمیت دادن به محیط زیست) باشد (کیم، چویی، و فیتوارون^۳، ۲۰۱۹). ایده مدیریت زنجیره تأمین سبز، از بین بردن یا به حداقل رساندن ضایعات، کاهش استفاده از منابع، کاهش مصرف انرژی و آلودگی محیط زیست است که به عنوان یک نوآوری مهم در توسعه راهبردهایی برای رسیدن به سود با کاهش خطرات، بالا بردن راندمان زیست محیطی و بهبود عملکرد به سازمان کمک می‌کند (کانکایا و سزن^۴، ۲۰۱۸، ۱-۲۵).

زنجیره تأمین سبز از طریق ایجاد مطلوبیت و رضایت مندی از منظر زیست محیطی می‌کوشد تا از عملیات سبز و بهبود عملکرد محیطی خود به عنوان یک سلاح راهبردی جهت کسب مزیت رقابتی پایدار سود ببرد (داوئی، حامید، چاین، و لینگ^۵، ۲۰۱۵). در واقع، زنجیره تأمین سبز بخش جدانشده از فعالیت شرکت‌ها برای سازگاری با محیط زیست می‌باشد که با هدف پایداری محیط زیست، کاهش آلاینده‌ها و کاهش هزینه‌های ناشی از مشکلات زیست محیطی فعالیت می‌کند. گسترش فعالیت‌های سازمان‌ها در حیطه زیست محیطی می‌تواند موجب بروز فضای کسب و کار جدیدی در حوزه بازیافت و استفاده مجدد محصولات شود (تونی و همکاران، ۲۰۱۸).

1. Awasthi, Kaur, Sidhu, Chauhan, & Goyal
2. Green, et al.
3. Kim, Choi, & Phetvaroon
4. Cankaya & Sezen
5. Dawei, Hamid, Chin, & Leng



شکل ۱. ساختار مدیریت زنجیره تأمین سبز

منبع: شعبان‌نژاد، ابراهیمی‌نژاد، و فرقانی، ۱۳۹۶



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۲۶

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰

مطالعه موردی این مقاله صنعت پتروشیمی است. از آنجا که صنعت پتروشیمی از جمله صنایع حساس به آلاینده‌ها می‌باشد. بنابراین طراحی مدل مدیریت زنجیره تأمین سبز، می‌تواند راهنمای مناسبی جهت کنترل و مدیریت ضایعات برای صنایعی که دارای آلاینده‌ها هستند، خواهد بود. شناسایی عوامل و معیارهای تأثیرگذار بر مدیریت زنجیره تأمین سبز، توجه پژوهشگران را به مطالعه و بررسی عوامل مؤثر آن در سازمان، جلب نموده است. با توجه به این معیارها، ضرورت دارد تا این عوامل تأثیرگذار در صنایع مختلف، شناسایی و مدل‌سازی شود تا به کمک آن مدیران صنایع بتوانند الگوی مناسبی جهت برنامه‌ریزی‌های آینده‌شان در خصوص سرمایه‌گذاری روی عوامل و راهکارهایی که موجب تسهیل این موضوع در سازمان می‌شود، پیدا نمایند و براساس آن به تقویت و بهبود توانمندی‌های خویش پردازند.

۲-۲. مبانی نظری روش تئوری داده‌بنیاد

نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (گراندد تئوری یا نظریه زمینه‌ای) روشی است که برای اولین بار در سال ۱۹۶۷ توسط دو محقق به نام گلیسر و استراوس^۱ مطرح شده است. روش تئوری داده‌بنیاد را این‌گونه تعریف کرده‌اند: فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق

1. Glaser & Strauss



داده‌های سازمان‌یافته و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون هستند. نظریه بنیادی یک روش پژوهشی استقرایی^۱ و اکتشافی^۲ است که به پژوهشگر در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا به تئوری‌های موجود و از پیش تدوین شده خود، به تدوین تئوری و گزاره اقدام نماید. واژه گراند در این موضوع نشانگر آن است که هر تئوری و گزاره‌ای که بر اساس این روش تدوین می‌شود بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی، بنیان نهاده شده است (رندال و ملو، ۲۰۱۲)^۳. در واقع تئوری داده‌بنیاد، روشی است برای کسب شناخت پیرامون موضوعاتی که قبلاً در مورد آنها تحقیق جامع و عمده‌ای نشده است و دانش ما در آن زمینه محدود است. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استنتاج می‌شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند. در داده‌بنیاد، روش‌هایی از قبیل گروه‌های تمرکز و مصاحبه برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر به کار گرفته می‌شوند و به همراه آن، بررسی جامعی از ادبیات و پیشینه در تمام فرایند جمع‌آوری داده‌ها صورت می‌گیرد. این بررسی و مرور بر ادبیات و پیشینه، به توضیح و تبیین نتایج در حال ظهور کمک می‌کند (مقدم و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۵۷-۱۲۳).

جدول ۱. فرایند ساختن نظریه داده‌بنیاد

مرحله	فعالیت
طرح تحقیق	تعریف مسئله تحقیق
	تعریف سازه‌های ساخته شده قبلی
	نمونه‌گیری نظری در برابر نمونه‌گیری تصادفی
جمع‌آوری	تداخل مرحله جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها
مرتب کردن داده‌ها	مرتب کردن تقویمی رویدادها
تحلیل داده‌ها	کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی
مقایسه ادبیات	مقایسه نظریه حاصل از داده‌ها با چارچوب‌های مشابه و متفاوت

منبع: شفیع، اخلاصی، و انصاری، ۱۳۹۵

1. inductive
2. exploratory
3. Randall & Mello

۳-۲. مبانی نظری روش دیمتل

دیمتل روش جامعی برای تهیه و تجزیه و تحلیل یک مدل ساختاری است که شامل روابط علیّ معلولی بین عوامل پیچیده است. دیمتل براساس گراف‌های جهت‌دار عمل می‌کند و این گراف‌ها قادر به نمایش روابط جهت‌دار میان زیرسیستم‌ها هستند. این تکنیک که از انواع روش‌های تصمیم‌گیری براساس مقایسات زوجی است، با بهره‌مندی از قضاوت خبرگان با به‌کارگیری اصول نظریه گراف‌ها، ساختاری سلسله‌مراتبی از عوامل موجود در سیستم همراه با روابط تأثیر و تأثر متقابل ارائه می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که شدت اثر روابط مذکور را به‌صورت امتیاز عددی معین می‌کند. روش دیمتل برای حل مسائل پیچیده براساس نظریه گراف‌ها با قابلیت تحلیل شبکه در بررسی روابط دوطرفه همراه با محاسبات ساده‌تر پایه‌گذاری شد. همچنین روش دیمتل دربرگیرنده نظر خبرگان در مورد عوامل در قالب مقایسات زوجی است. تعیین روابط عوامل به‌منظور اثرگذاری و اثرپذیری آنها، اهمیت عوامل نسبت به هم براساس شدت اثر و موقعیت آنها هم از نظر نفوذکننده‌بودن و هم از نظر تحت نفوذ واقع شدن، از خروجی‌های دیمتل است. این موارد در نقشه شبکه روابط به‌صورت دیداری قابل مشاهده است.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۲۸

دوره ۱۳، شماره ۲

بهار ۱۴۰۰

پیاپی ۵۰

جدول ۲. پیشنهاد تحقیقات

ردیف	محقق	عنوان تحقیق	روش تحقیق	متغیرهای تحقیق
۱	ژیان و بهنیا (۱۳۹۷)	شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر در اجرای مدیریت زنجیره تأمین سبز	روش دیمتل	مدیریت کارکنان، سازمانی، قوانین و دستورالعمل‌ها و ۳۲ زیرمعیار
۲	شمشیری و پیلهوری (۱۳۹۶)	شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر زنجیره تأمین سبز با روش دیمتل و ANP فازی	روش دیمتل و ANP فازی	عوامل مدیریتی و کارکنان، عوامل فرهنگی، عوامل سازمانی، قوانین و دستورالعمل‌ها
۳	شتربانی و بدیع‌زاده (۱۳۹۵)	شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی مدیریت زنجیره تأمین سبز	تصمیم‌گیری چندمعیاره با روش دیمتل و تحلیل سلسله‌مراتبی فازی	کیفیت، بهبود فرایند، تکنولوژی، مدیریت محیط زیست، نوآوری سبز، مواد خطرناک، محصول سبز، تصویر سبز، توانایی پیشگیری از آلودگی، بازیافت، استفاده از مواد بازیافتی و غیرسمی، قابلیت‌های فناوری سبز



ردیف	محقق	عنوان تحقیق	روش تحقیق	متغیرهای تحقیق
۴	Awasthi et al. (2017)	بررسی موانع زنجیره تأمین سبز در بسته‌بندی شرکت کانادایی با رویکرد دیمتل	پرسشنامه بر اساس تحلیل محتوایی زنجیره تأمین سبز و یک مطالعه مقدماتی و روش تحلیل داده‌ها: تکنیک تصمیم‌گیری دیمتل	رقابت بازار و عدم اطمینان، هزینه بالای دفع زباله‌های خطرناک، دشواری در شناسایی فرصت‌های زیست‌محیطی، کمبود اطلاعات منابع انرژی تجدیدپذیر، فقدان اقدامات زیست‌محیطی مؤثر
۵	Tuni, et al. (2018)	اندازه‌گیری عملکرد محیطی برای زنجیره تأمین سبز	بررسی ادبیاتی سیستماتیک درباره مدل‌های زنجیره تأمین سبز، روش تحلیل داده‌ها: استفاده از نرم‌افزار SPSS(20) و تکنیک‌های تصمیم‌گیری	سیستم زیست‌محیطی، منابع طبیعی، انرژی، مدیریت ضایعات آب و هوا و خاک (دفع آلاینده‌های هوا)، آلاینده‌های آب، ضایعات زمینی
۶	Gardas et al. (2018)	بررسی شاخص‌های کلیدی عملکرد مدیریت زنجیره تأمین سبز در صنایع کشاورزی	مطالعات پیشین، بررسی و نظرات خبرگان و کارشناسان، پرسشنامه روش تحلیل داده‌ها: روش معادلات ساختاری	مدیریت محیط زیست، فشار تنظیم‌شده، فشار رقابتی، طراحی سبز، خرید سبز، بسته‌بندی سبز، دانش و فرهنگ‌سازی، حمل و نقل سبز، تصویر سبز و بازاریابی، عملکرد عملیاتی، عملکرد زیست‌محیطی، عملکرد اقتصادی، همکاری مصرف‌کنندگان و تأمین‌کنندگان، لجستیک معکوس
۷	Kazancoglu, et al. (2018)	عملکرد مدیریت زنجیره تأمین سبز بر اساس دیمتل فازی: کاربرد در صنعت سیمان	مروری بر مباحث زنجیره تأمین سبز، روش تحلیل داده‌ها: تکنیک تصمیم‌گیری فازی دیمتل	عملکرد زیست‌محیطی (کاهش مصرف انرژی، کاهش تجارت، کاهش مخاطرات محیط زیست) عملکرد عملیاتی (افزایش کیفیت افزایش کارایی بهبود بسته‌بندی سبز) عملکرد لجستیک و تدارکات عملکرد سازمانی (اطلاعات سبز افزایش رضایت مشتری بهبود همکاری با مشتریان اقدامات بازاریابی)

۳. روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات مطالعه حاضر از دو بخش تشکیل شده است:

۱. مطالعات کتابخانه‌ای. برای بررسی ادبیات موضوعی تحقیق به‌طور عمده از کتاب‌ها، مقالات و منابع لاتین و فارسی حاصل از جست‌وجو در اینترنت و صنایع و کتابخانه‌ها استفاده شده است.



۲. تحقیقات میدانی. به منظور جمع‌آوری اطلاعات موردنظر و سنجش متغیرهای تحقیق از ابزار مصاحبه با افراد متخصص در زمینه تحقیق نیز استفاده شده است. جمع‌بندی عوامل موردنیاز مدل به روش کیفی داده‌بنیاد جهت شناسایی کدهای اولیه، محوری و انتخابی، پرسشنامه و اولویت‌بندی متغیرها با جدول‌های مقایسات زوجی دیمتل صورت می‌گیرد.

به‌طورکلی، مقاله حاضر در فاز اول برای گردآوری معیارهای کلیدی و مؤثر بر زنجیره تأمین سبز، با استفاده از بررسی مستندات، مطالعات پژوهشگران پیشین و مصاحبه با روش کیفی داده‌بنیاد انجام گرفت. در فاز دوم، از روش کمی تصمیم‌گیری دیمتل و با استفاده از طراحی و توزیع پرسشنامه مقایسه‌های زوجی میان گروه خبرگان استفاده شد. روش دیمتل این توانایی را دارد که شدت تعاملات و روابط میان عوامل را نشان داده و میزان اثرگذاری و اثرپذیری عوامل از یکدیگر را نشان دهد. مقاله حاضر از نظر هدف، کاربردی است. به منظور پوشش ابعاد مختلف موضوع لازم بود با طیفی از تخصص‌های مختلف در طول زنجیره تأمین صنعت پتروشیمی، مصاحبه انجام گیرد. در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق با ۲۰ نفر از مدیران، کارشناسان، تأمین‌کنندگان فعال در صنعت پتروشیمی استان فارس مصاحبه صورت گرفت. ابتدا ۴ مصاحبه مقدماتی برای شناخت فضای کسب‌وکار، ۱۰ مصاحبه جهت استخراج کدهای مورد نیاز و در نهایت ۶ مصاحبه جهت اطمینان از رسیدن به اشباع نظری با نمونه‌گیری گلوله‌برفی و تأیید کدهای استخراجی توسط خبرگان صورت پذیرفته است. بعد از جمع‌آوری مصاحبه‌ها، تمام مراحل کدگذاری‌های معیارهای مرتبط با زنجیره تأمین سبز، با نرم افزار MaxQda انجام شده است. معیارهای اعتبارسنجی (روایی و پایایی) فرایند تحقیق، کیفیت داده‌ها و تفسیرها، نشان می‌دهد که برای ارزیابی تحقیقات تفسیری (شامل اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری، اتکاپذیری، تصدیق‌پذیری و راستی) و تحقیقات مبتنی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (شامل تطابق، فهم‌پذیری، عمومیت و کنترل‌پذیری) مورد استفاده قرار گرفته است. در نهایت بعد از طراحی مدل مفهومی با روش داده‌بنیاد، اولویت‌بندی معیارهای محوری و زیرمفاهیم با روش دیمتل به کمک طراحی پرسشنامه مقایسات زوجی به تعداد ۱۰ نفر از خبرگان این

صنعت، به کمک نرم افزار MATLAB انجام شده است. جهت تجزیه و تحلیل مدل، مراحل زیر پیموده خواهد شد:



شکل ۲. مراحل اجرایی تحقیق
منبع: نگارندگان

۴. تجزیه و تحلیل داده های تحقیق

وقتی برای تبیین فرایندی نیازمند نظریه باشیم، تحقق این امر مستلزم استفاده از راهبردی است که متضمن ساخت نظریه باشد. از آنجاکه مطالعه حاضر به دنبال چارچوب ساختاریافته برای نظریه فرایندی پیرامون مدیریت زنجیره تأمین سبز است، ابتدا از رویکرد کیفی داده بنیاد استفاده شد. روش نظریه پردازی داده بنیاد بر استفاده از مراحل تحلیل داده ها از طریق کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی تأکید دارد. در مرحله دوم با استفاده از روش دیمتل، اثرگذاری و اثرپذیری معیارها و زیرمعیارها مشخص شد و در نهایت براساس وزن دهی به معیارها، اولویت بندی گردید.

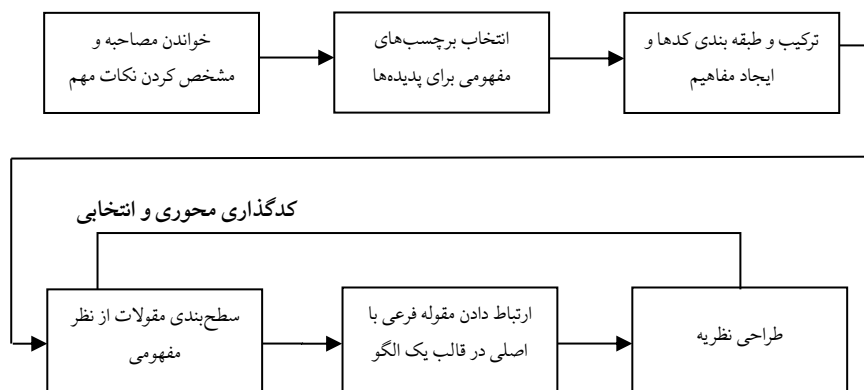




۱-۴. پیاده‌سازی و مراحل کدگذاری‌های روش داده‌بنیاد

هدف اصلی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد ارائه مدلی شکل‌گیری مدیریت زنجیره تأمین سبز و پیامدهای آن و تعیین روابط بین اجزای مدل است. برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق با ۲۰ نفر از مدیران و کارشناسان و تأمین‌کنندگان در صنعت پتروشیمی استان فارس مصاحبه شد. ابتدا نمونه‌گیری، هدفمند قضاوتی بوده و سپس جهت تکمیل، برای رسیدن به اشباع نظری خبرگان از نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شده است. پس از شکل‌گیری معیارهای اولیه، دور دوم مصاحبه‌ها با هدف توسعه این مقولات آغاز گردید که در نهایت با ۱۲ نفر از خبرگان، مصاحبه‌نهایی انجام گرفت. واژه کدگذاری در اینجا به این معنا که برخی از روابط بین مفاهیم به نظر پژوهشگر رسیده و این روابط برقرار می‌شوند. همچنین در هنگام برقراری ارتباط بین مفاهیم، مفاهیم جدیدی کشف می‌شود. هسته اصلی نظریه داده‌بنیاد، مقایسه مستمر است.

کدهای باز



شکل ۳. فرایند انجام کدگذاری‌های نظریه داده‌بنیاد

منبع: رضایی، ۱۳۹۶

الف) کدگذاری باز^۱. کدگذاری باز، فرایند تحلیلی نام‌گذاری مفاهیم و طبقه‌بندی و کشف ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها از طریق انجام دادن مقایسه‌ای مدام است که پژوهشگر مفاهیم را از زوایای مختلفی از بررسی و تحلیل می‌کند. در مقاله حاضر

1. open coding

مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی، با استفاده از روش تحلیل محتوا^۱ بررسی، مفهوم‌پردازی، معیاربندی و سپس ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز مشخص شدند. تعداد ۱۲۰ کد باز، ۲۱ معیار محوری، ۹۰ زیرمعیار شناسایی گردید.

ب) کدگذاری محوری^۲. کدگذاری محوری رویه‌هایی است که از طریق پیوند بین معیار و معیارهای فرعی، داده‌ها را با یکدیگر ارتباط می‌دهد و به فرایند شکل‌دهی معیارها اشاره دارد. این کار با استفاده از یک پارادایم مدل الگویی انجام می‌شود تا روابط بین شرایط علی، پدیده محوری، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی، راهبردها و پیامدها را نشان دهد. شرایط علی^۳. به شرایطی گفته می‌شود که عامل اصلی به وجودآورنده پدیده مورد مطالعه (مدیریت زنجیره تأمین سبز) باشد.

شرایط زمینه‌ای^۴. نشان‌دهنده یک سری خصوصیات ویژه است که بر پدیده‌ای دلالت می‌کند. به عبارتی، محل حوادث یا وقایع مرتبط با پدیده‌ای است که در آن کنش متقابل برای کنترل، اداره و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد. شرایط عمومی و گسترده‌ای بر توسعه یا تهدید پدیده هستند که بر اهمیت پدیده اثر می‌گذارد.

شرایط مداخله‌گر^۵. شرایط میانجی، کلی و وسیع هستند که بر چگونگی کنش متقابل اثر می‌گذارند. وقوع این عوامل باعث تقویت یا بی‌اثر شدن راهبردهای مدیران برای مدیریت کردن می‌گردد.

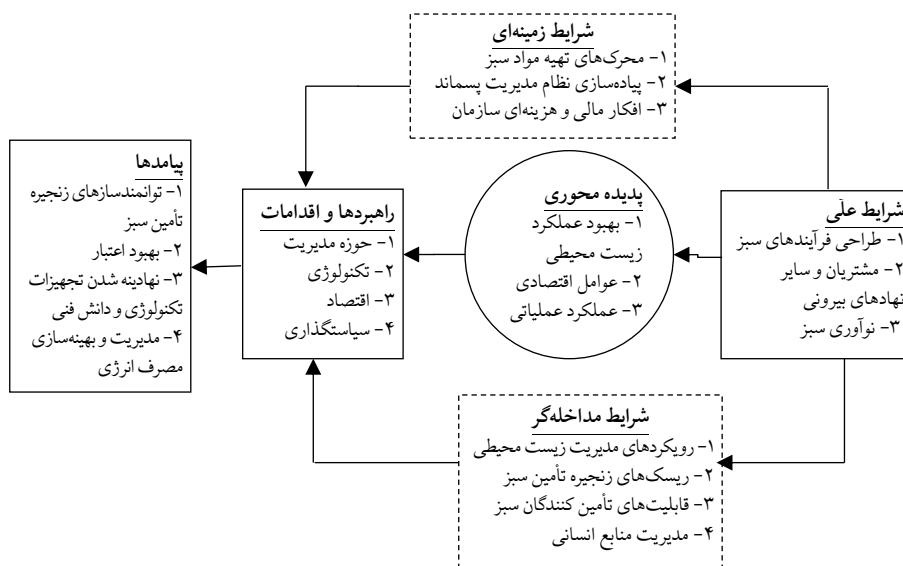
پدیده محوری. با توجه به هدف پژوهش که مدل‌سازی زنجیره تأمین سبز است، پدیده محوری مطالعه و شناسایی عملکردهای تأثیرگذار بر زنجیره تأمین سبز در نظر گرفته می‌شود. راهبردها و اقدام‌ها^۶. راهبردهای موردنظر در تئوری داده‌بنیاد به ارائه راه‌حل‌هایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه اشاره دارد که هدف آن اداره کردن پدیده، برخورد با آن و حساسیت نشان دادن در برابر آن است. این راهبردها و اقدامات، تعاملات و کنش‌هایی هستند که جامعه آماری مدنظر در این پژوهش، برای مدیریت در زنجیره تأمین سبز به کار می‌گیرند.

1. content analysis
2. axial coding
3. causal conditions
4. context conditions
5. intervening conditions
6. strategies





پیامدها و نتایج^۱. پیامدها نتیجه کنش و واکنش شرایطی است که درخصوص پدیده وجود دارد. براساس تجزیه و تحلیل انجام شده بر روی مصاحبه‌ها و کدهای به دست آمده، معیارها و زیرمعیارهای (کد باز) محوری مرتبط با زنجیره تأمین سبز در پیوست به تصویر کشیده شده است. (ج) کدگذاری انتخابی^۲. در این مرحله نظریه پرداز داده بنیاد معیار محوری را که سایر معیارها بر محور آن می گردند و کلیتی را تشکیل می دهند، به طور روشمند انتخاب و با ارتباط دادن آن با سایر معیارها به نگارش نظریه اقدام می کند. کدگذاری انتخابی نتایج کدگذاری های قبلی را مد نظر قرار داده و معیار اصلی را انتخاب می کند و آن را به شکلی نظام مند به سایر معیارها ارتباط داده و ارتباطات را اعتبار می بخشد. با استفاده از کدگذاری انتخابی، معیارهایی که در کدگذاری باز و محوری شناسایی شده اند، در قالب یک تئوری فرایندی با یکدیگر ادغام می شوند. در نهایت مدل پارادایمی پدیده مدیریت زنجیره تأمین سبز را در شکل شماره (۴)، می توان در قالب ۶ بعد اصلی طبقه بندی نمود.



شکل ۴. مدل مدیریت زنجیره تأمین سبز با نظریه پردازی داده بنیاد

منبع: نگارندگان

1. consequences
2. selective coding

۴-۲. پیاده‌سازی روش دیمتل

بعد از ایجاد مدل مفهومی مدیریت زنجیره تأمین سبز با روش داده‌بنیاد، جهت اولویت‌بندی معیارها از روش مقایسات زوجی دیمتل استفاده شد. پرسشنامه این مرحله در قالب یک ماتریس طراحی شده که عوامل اصلی شناسایی شده برای تصمیم‌گیری بهینه در مورد عوامل کلیدی زنجیره تأمین سبز در آن قرار گرفته و در مورد میزان و شدت رابطه میان آنها از یک طیف پنج‌گزینه‌ای (۰ تا ۴) از پاسخ‌دهندگان سؤال می‌شود. در این مرحله امتیازدهی به عناصر توسط خبرگان صنعت پتروشیمی انجام شد. محاسبات روش دیمتل به ترتیب زیر انجام شد:

۱. تشکیل ماتریس ارتباط مستقیم: پس از توزیع پرسشنامه بین تیم ۱۰ نفره از خبرگان صنعت پتروشیمی، میانگین ساده نظرات ایشان در رابطه با هر زوج عامل محاسبه شده و ماتریس A تشکیل شد.

۲. نرمال کردن ماتریس ارتباط مستقیم $N = K * A$: که در این فرمول K به صورت زیر محاسبه می‌شود. ابتدا جمع تمامی سطرها و ستون‌ها محاسبه می‌شود. معکوس بزرگ‌ترین عدد سطر و ستون K را تشکیل می‌دهد.

$$K = \frac{1}{\max_{1 \leq i \leq n} \sum_{j=1}^n a_{ij}} \quad i, j = 1, 2, \dots, n$$

۳. محاسبه ماتریس ارتباط کامل: برای محاسبه این ماتریس، مراحل زیر طی می‌شود:

- ماتریس همانی (I) تشکیل می‌شود.
 - ماتریس همانی از ماتریس نرمال کم می‌شود: ماتریس (I-N)
 - معکوس ماتریس همانی منهای ماتریس نرمال $(I-N)^{-1}$ محاسبه می‌شود.
 - در نهایت ماتریس نرمال را در ماتریس معکوس ضرب می‌کنیم. رابطه $T = (I-N)^{-1}$
- N شدت ممکن از کلیه روابط مستقیم و غیرمستقیم (برآمده از پاسخ خبرگان) را برای گراف مفروض محاسبه می‌نماید.

۴. محاسبه آستانه روابط: جهت تعیین نقشه روابط شبکه (NRM)^۱ باید ارزش آستانه محاسبه شود. با این روش می‌توان از روابط جزئی صرف‌نظر کرده و شبکه روابط قابل اعتنا را





ترسیم کرد. تنها روابطی که مقادیر آنها در ماتریس T از مقدار آستانه بزرگتر باشد در NRM نمایش داده خواهد شد و روابطی که مقدار آنها کمتر از مقدار آستانه باشد حذف خواهند شد. برای محاسبه مقدار آستانه روابط، کافی است تا میانگین مقادیر ماتریس T محاسبه شود.

۵. ایجاد نمودار علی^۱: برای محاسبه درجه اهمیت، میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری

شاخص‌ها، از دو شاخص D و R استفاده می‌شود که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

جمع عناصر هر سطر ماتریس ارتباط کامل، یعنی (R) برای هر عامل نشانگر میزان تأثیرگذاری آن عامل بر سایر عامل‌های سیستم است (میزان تأثیرگذاری):

$$R = [R_i]_{n \times 1} = [\sum t_{ij}]_{n \times 1}$$

جمع عناصر هر ستون ماتریس ارتباط کامل، یعنی (D) برای هر عامل نشانگر میزان

تأثیرپذیری آن عامل از سایر عامل‌های سیستم است (میزان تأثیرپذیری):

$$D = [D_j]_{n \times 1} = [\sum t_{ij}]_{1 \times n}$$

شاخص (R+D) میزان تأثیر و تأثر عامل موردنظر در سیستم است. به عبارت دیگر،

هرچه مقدار R+D عاملی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با سایر عوامل سیستم دارد.

شاخص (R-D) قدرت تأثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. به طور کلی اگر R-D

مثبت باشد، متغیر یک متغیر علی محسوب می‌شود و اگر منفی باشد، معلول.

در نهایت یک دستگاه مختصات دکارتی ترسیم می‌شود. در این دستگاه محور طولی

مقادیر R+D و محور عرضی براساس R-D می‌باشد. موقعیت هر عامل با نقطه‌ای به

مختصات (R+D, R-D) در دستگاه معین می‌شود. به این ترتیب یک نمودار گرافیکی نیز

به دست خواهد آمد.

۶. محاسبه درجه اهمیت (وزن) هر معیار:

$$W_j = [(R_i + D_j)^2 + (R_i - D_j)^2]^{1/2}$$

جهت نرمال‌سازی وزن هر معیار، پس از محاسبه مقادیر وزن نرمال شده، آنها را به صورت

نزولی مرتب می‌نماییم. معیاری که بزرگترین وزن را دارا است، مهم‌ترین معیار می‌باشد.

$$W_j = \frac{W_j}{\sum_{j=1}^n W_j}$$

پس از انجام محاسبات و به دست آوردن جمع سطری و ستونی ماتریس T، اهمیت معیارها (R + D) و تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری (R-D) هر کدام از معیارها و زیرمعیارها محاسبه شد. محل واقعی هر عنصر در سلسله مراتب نهایی توسط ستون های R-D و R+D مشخص می شود؛ به طوری که R-D نشان دهنده موقعیت یک عنصر (در طول محور عرض ها) است و این موقعیت در صورت مثبت بودن R-D، یک نفوذکننده بوده و در صورت منفی بودن آن، تحت نفوذ خواهد بود. R+D نشان دهنده مجموع شدت یک عنصر (در طول محور طول ها) هم از نظر نفوذکننده و هم از نظر تحت نفوذ واقع شدن می باشد. رتبه بندی معیارهایی که میزان تأثیر و تعامل بیشتری نسبت به سایر عوامل دارند (R+D) و رتبه بندی معیارهای اثرگذاری بیشتر هر عامل بر مجموعه عوامل دیگر (R-D) قابل مشاهده می باشد.

جدول ۳. میزان R+D و R-D معیارهای محوری

شرایط	معیارهای محوری شناسایی شده	R+D	R-D
شرایط علی	طراحی فرایندهای سبز	۱۶/۳۰۳۷	۰/۰۴۳۶
	مشتریان و سایر نهادهای بیرونی	۱۶/۶۴۱۵	۰/۳۰۴
	نوآوری سبز	۱۵/۸۷۴۱	-۰/۹۳۴۵
شرایط زمینه ای	محرك های تهیه مواد سبز	۱۵/۰۰۱۴	-۱/۳۰۰۲
	پیاده سازی نظام مدیریت پسماند (لجستیک معکوس)	۱۵/۵۹۹۶	-۰/۶۹۶۴
	افکار مالی و هزینه ای سازمان	۱۷/۲۶۹۳	۰/۴۳۹
شرایط مداخله گر	رویکردهای مدیریت زیست محیطی	۱۵/۹۸۲۷	-۰/۸۲۴
	ریسک های زنجیره تأمین سبز	۱۶/۵۶۶	-۰/۲
	قابلیت های تأمین کنندگان سبز	۱۵/۷۶۲۳	۰/۵۸۶۵
	مدیریت منابع انسانی	۱۵/۹۸۷۹	-۰/۳۷۰۱
پدیده محوری	پدیده محوری (عملکردهای زیست محیطی)	۱۵/۴۳۴۴	-۰/۰۹۱۱
	پدیده محوری (عوامل اقتصادی)	۱۵/۵۲۲۲	۰/۳۲۰۵
	پدیده محوری (عملکرد عملیاتی)	۱۵/۹۶۳۱	۰/۴۰۱۱
راهبردها	راهبردهای زنجیره تأمین سبز (حوزه مدیریت)	۱۴/۹۰۲۷	۰/۴۵۸۵
	راهبردهای زنجیره تأمین سبز (حوزه تکنولوژی)	۱۵/۱۱۴۶	۰/۲۲۱۶
	راهبردهای زنجیره تأمین سبز (حوزه اقتصاد)	۱۵/۲۶۹۱	۰/۵۹۵۳
	راهبردهای زنجیره تأمین سبز (حوزه سیاست گذاری)	۱۶/۷۲۱۵	-۰/۳۵۵۶
پیامدها	توانمندسازهای زنجیره تأمین سبز	۱۶/۱۹۰۹	۰/۱۰۴۸
	بهبود اعتبار	۱۵/۹۶۴۴	۰/۰۷۱۹
	تجهیزات تکنولوژیکی و دانش فنی	۱۴/۹۷۶۳	۱/۰۷۵۳
	مدیریت و بهینه سازی مصرف انرژی	۱۵/۲۲۵۸	۰/۱۴۹۹

منبع: محاسبات تحقیق حاضر





همان‌طور که در جدول شماره (۳) قابل مشاهده است، معیارهای افکار مالی و هزینه‌ای سازمان، راهبرد حوزه سیاست‌گذاری، مشتریان و سایر نهادهای بیرونی دارای درجه اهمیت مثبت (R+D) بالاتری نسبت به مابقی معیارها است. همچنین که معیارهای تجهیزات تکنولوژی و دانش فنی، راهبرد حوزه اقتصاد، قابلیت‌های تأمین‌کنندگان دارای درجه تأثیرگذاری (R-D) مثبت و معیارهای عملکردهای زیست‌محیطی، ریسک‌های زنجیره تأمین سبز، راهبردهای زنجیره تأمین سبز (حوزه سیاست‌گذاری) دارای تأثیرپذیری (R-D) منفی با اولویت اول تا سوم می‌باشند.

همچنین بعد از انجام محاسبات، مشخص گردید که زیرمعیارهای مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی (استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در فرایند تولید)، قابلیت‌های تأمین‌کنندگان سبز (سطح روابط تجاری و ارزیابی تأمین‌کنندگان از نظر زیست‌محیطی)، مشتریان و سایر نهادهای بیرونی (رضایت‌مندی مشتریان) دارای درجه اهمیت مثبت (R+D) اول تا سوم نسبت به مابقی زیرمعیارها می‌باشند. همچنین زیرمعیارهای نوآوری سبز (نوآوری فناوری سبز)، مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی (سیاست‌های کاهش مصرف انرژی در درون سازمان)، مدیریت منابع انسانی (تشکیل کمیته بهره‌وری از پیشنهادات سازنده کارکنان جهت بهینه‌سازی اجرای راهبرد مسئولیت زیست‌محیطی سازمان) دارای درجه تأثیرگذاری (R-D) مثبت بیشتری با اولویت اول تا سوم می‌باشند. زیرمعیارهای محرک‌های تهیه مواد سبز (الزام صنایع به داشتن استانداردهای زیست‌محیطی)، عملکرد عملیاتی (افزایش خط تولید محصول)، ریسک‌های زنجیره تأمین سبز (تقاضا) دارای درجه تأثیرپذیری (R-D) منفی بالاتری می‌باشند.

در نهایت بعد از مشخص نمودن درجه اهمیت، اثرگذاری و اثرپذیری با روش دیمتل، به‌منظور تعیین وزن هر معیار و زیرمعیار، جهت وزن‌دهی آن‌ها از فرمول مرحله ۶ استفاده می‌شود. بعد از محاسبه وزن‌های جداگانه مربوط به معیارها و زیرمعیارها، وزن نهایی از حاصل ضرب وزن هر معیار با زیرمعیارهای مربوطه محاسبه می‌گردد. بعد از مشخص شدن مقدار وزن‌های نهایی، جهت محاسبه حد آستانه، از رابطه تقسیم مجموع وزن‌های نهایی (۲۶۲۵۸/۲۱۹۶۰) بر تعداد زیرمعیارها (۹۰) استفاده شد. رتبه‌بندی نهایی (معیارها و زیرمعیارهای بالاتر از حد آستانه با مقدار ۲۴۴/۰۰۲۹) در جدول شماره (۴) قابل مشاهده است.

جدول ۴. زیرمعیارهای بالاتر از حد آستانه

معیارها	زیرمعیارها	R+D	R-D	وزن نهایی
طراحی فرایندهای سبز	خرید سبز	۱۵/۱۰۲۴	۱/۲۶۲۱	۲۴۷/۰۸۴۲
	بازاریابی سبز	۱۸/۶۹۲	-۳/۲۱۹۶	۳۰۴/۰۵۲۳
	تولید سبز	۱۸/۶۳۰۸	-۱/۷۹۹۱	۳۰۵/۱۶۵
	طراحی سبز	۱۴/۴۵۸۴	۱/۹۰۶۱	۲۳۷/۷۶۵۹
	مصرف سبز	۱۶/۳۳۶۴	۱/۸۵۰۵	۲۶۸/۰۴۸
مشتریان و سایر نهادهای بیرونی	توان مالی مشتریان در پرداخت بیشتر برای محصولات سبز	۲۳/۶۸۵۳	۱/۲۳۷۳	۳۹۴/۷۶۲۲
	اطلاع رسانی محصولات سبز به مشتریان	۱۷/۸۰۸	-۱/۵۲۵۳	۲۹۷/۴۸۶۵
	طراحی محصولات در جهت نیازها و خواسته‌های مشتریان	۲۲/۵۷۶	۱/۵۱۴۷	۳۷۶/۶۰۶
	رضایت‌مندی مشتریان	۲۴/۸۰۵۳	-۱/۲۲۶۷	۴۱۳/۳۷۰۸
نوآوری سبز	نوآوری مدیریتی سبز	۲۳/۸۸۴۲	-۱/۶۶۸	۳۸۰/۷۲۱۶
	نوآوری محصول سبز	۲۳/۲۷۶۷	-۲/۳۵۷۸	۳۷۲/۰۳۰۴
	نوآوری فرایند سبز	۱۷/۲۵۳۵	۱/۰۷۰۸	۲۷۴/۸۸۵۸
	نوآوری فناوری سبز	۲۰/۱۲۶۱	۲/۹۵۵	۳۲۳/۴۶۸
	هماهنگی میان واحدها	۲۱/۶۸۵۷	۰/۵۱۴۳	۳۴۷/۱۵۳۹
رویکردهای مدیریت محیط زیستی	برگزاری دوره‌های آموزشی جهت رعایت مسائل زیست محیطی برای کارکنان و تأمین کنندگان	۲۱/۳۴۲۹	-۲/۷۱۴۳	۳۴۴/۳۲۱۴
	پشتیبانی مدیریت زیست محیطی، اعتقادات مدیریت ارشد، حمایت از تولید سبز	۲۱/۲۸۵۷۳	۱/۱۴۲۹	۳۴۱/۱۴۵۵
	برآورده کردن تقاضای مصرف کنندگان و عمل به مسئولیت اجتماعی	۱۸/۹۴۲۹	۱/۰۵۷۱	۳۰۳/۶۳۲۵
	در دسترس بودن و کیفیت محصولات تأمین کنندگان	۳۲/۷۰۵۹	-۰/۵۸۸۲	۵۱۵/۹۶۰۴
قابلیت‌های تأمین کنندگان سبز	سطح روابط تجاری و ارزیابی تأمین کنندگان از نظر زیست محیطی	۳۲/۷۰۶۰	-۰/۵۸۸۳	۵۱۵/۹۶۰۵
	طبقه‌بندی مواد خطرناک داخل مواد ممنوعه و تحریم شده و عدم استفاده از آن‌ها	۲۸/۰۰	۰۰/۰	۴۱۴/۶۴۹۸
	ترویج فرهنگ کاهش مصرف در فعالیت‌های مختلف سازمان	۲۰/۵۷۴۲	-۱/۹۲۳۴	۳۳۰/۴۶۱
	برگزاری سمینار آموزشی در خصوص اهمیت و رعایت مسائل زیست محیطی برای کارکنان، مشتریان و تأمین کنندگان	۱۶/۹۰۹۱	-۰/۸۴۲۱	۲۷۰/۷۴۸۶
مدیریت منابع انسانی	تشکیل کمیته بهره‌وری از پیشنهادات سازنده کارکنان جهت بهینه‌سازی اجرای راهبرد مسئولیت زیست محیطی سازمان	۱۷/۹۲۳۴	۱/۹۷۱۳	۲۸۸/۳۶۲۷
	فعالیت در انجمن‌های داخلی و خارجی و انجام پژوهش‌های زیست محیطی	۲۰/۰۰	۰/۷۹۴۳	۴۰۳/۴۸۲۴



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۳۹

ارائه الگوی مدیریت
زنجیره تأمین سبز ...

وزن نهایی	R-D	R+D	زیرمعیارها	معیارها
۲۶۷/۲۳۲۵	-۱/۲۱۷۸	۱۷/۲۷۰۹	کاهش پسماندها و ضایعات جامد و مایع	بهبود عملکرد محیط زیستی
۲۷۰/۵۸۴۸	-۰/۱۷۵۵	۱۷/۵۳۰۱	بهره‌گیری از تکنولوژی‌های جدید و دوستدار محیط زیست	
۲۶۲/۶۵۱	۰/۳۷۱۴	۱۷/۰۱۲۹	استفاده از سیستم لجستیک معکوس	
۸۳۰/۴۱۴۸	-۲/۲۶۲۲	۵۴/۴۹۰۴	استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در فرایند تولید (انرژی توربین بادی و خورشیدی)	مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی
۷۷۵/۰۳۱	۱/۵۷۹۵	۵۰/۸۷۵۵	جایگزینی تجهیزات و فناوری‌های جدید و دوستدار محیط زیست	
۷۸۰/۴۰۳۱	۰/۵۹۹۴	۵۱/۲۴۹۲	اندازه‌گیری مقدار اتلاف انرژی در واحدهای مختلف	
۶۹۴/۰۵۱	۲/۳۶۶۴	۴۵/۵۲۰۲	سیاست‌های کاهش مصرف انرژی در درون سازمان	
۷۷۰/۶۸۵۳	-۲/۲۸۳	۵۰/۵۶۳۱	آموزش و ارائه الگوهای مصرف صحیح انرژی	

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

همان‌طورکه در جدول شماره (۴) مشاهده می‌کنید، زیرمعیار نوآوری فناوری سبز، سیاست‌های کاهش مصرف انرژی در درون سازمان، تشکیل کمیته بهره‌وری از پیشنهادات سازنده کارکنان جهت بهینه‌سازی اجرای راهبرد مسئولیت زیست‌محیطی سازمان، طراحی سبز، مصرف سبز، جایگزینی تجهیزات و فناوری‌های جدید و دوستدار محیط زیست، طراحی محصولات در جهت نیازها و خواسته‌های مشتریان، خرید سبز، توان مالی مشتریان در پرداخت بیشتر برای محصولات سبز، پشتیبانی مدیریت زیست‌محیطی، اعتقادات مدیریت ارشد، حمایت از تولید سبز، نوآوری فرایند سبز، برآورده کردن تقاضای مصرف‌کنندگان و عمل به مسئولیت اجتماعی، فعالیت در انجمن‌های داخلی و خارجی و انجام پژوهش‌های زیست‌محیطی، اندازه‌گیری مقدار اتلاف انرژی در واحدهای مختلف، هماهنگی میان واحدها، استفاده از سیستم لجستیک معکوس، طبقه‌بندی مواد خطرناک داخل مواد ممنوعه و تحریم‌شده و عدم استفاده از آنها اثرگذار (R-D مثبت) و زیرمعیارهای بهره‌گیری از تکنولوژی‌های جدید و دوستدار محیط زیست، در دسترس بودن و کیفیت محصولات تأمین‌کنندگان، سطح روابط تجاری و ارزیابی تأمین‌کنندگان از نظر زیست‌محیطی، برگزاری سمینار آموزشی درخصوص اهمیت و رعایت مسائل زیست‌محیطی برای کارکنان، مشتریان و تأمین‌کنندگان، کاهش پسماندها و ضایعات جامد و مایع، رضایت‌مندی مشتریان، اطلاع‌رسانی محصولات سبز به مشتریان، نوآوری



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۴۰

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰

مدیریتی سبز، تولید سبز، ترویج فرهنگ کاهش مصرف در فعالیتهای مختلف سازمان، استفاده از انرژیهای تجدیدپذیر در فرایند تولید (انرژی توربین بادی و خورشیدی)، آموزش و ارائه الگوهای مصرف صحیح انرژی، نوآوری محصول سبز، برگزاری دورههای آموزشی جهت رعایت مسائل زیست محیطی برای کارکنان و تأمین کنندگان، بازاریابی سبز اثرپذیر (R-D منفی) می باشد.

۵. بحث و نتیجه گیری

ریشه و منبع اصلی زنجیره تأمین سبز از ایده مدیریت زنجیره تأمین و تئوری توسعه پایدار نشئت می گیرد. توسعه پایدار نیز یکی از مسائل کلیدی برای تضمین بقای صنعت بوده و نیازمند تعهد و مشارکت تمامی سهامداران است. امروزه مدیریت زیست محیطی با تأکید بر حفاظت از محیط زیست به یکی از مهم ترین مسائل مشتریان، دولت ها، صنایع و رقبا تبدیل شده و فشارهای بین المللی و جهانی، سازمان ها را ملزم به تولید محصولات و خدمات سازگار با محیط زیست کرده است. صنایع تولیدی برای تمرکز بر مسائل زیست محیطی، مفهوم سبز را در مدیریت زنجیره تأمین خود ضروری قلمداد کرده اند. هم افزایی رعایت ملاحظات زیست محیطی و مدیریت زنجیره تأمین فرصتی را برای سازمان ها فراهم می کند تا بهره وری، کیفیت و عملکرد محیطی خود را از طریق جریان پیوسته اطلاعات ارتقاء دهند (چاهان و سینق^۱، ۲۰۱۸، ۴۶-۱).

با توجه به اینکه در زمینه زنجیره تأمین سبز با روش کیفی داده بنیاد تحقیقات داخلی بسیار محدودی انجام گرفته است، بنابراین، در این پژوهش تلاش شد که با استفاده از روش پژوهش کیفی و استراتژی داده بنیاد، الگوی مدیریت زنجیره تأمین سبز شناسایی و تبیین شود. الگوی مورد نظر بر اساس رویکرد سیستمی شامل سه بخش وروری (شرایط علی: طراحی فرایندهای سبز، مشتریان، نوآوری سبز)، فرایندها (پدیده محوری: عملکردهای محیط زیستی، اقتصادی، عملیاتی)، خروجی (پیامدها: توانمندسازها، اعتبار، تکنولوژی، مدیریت انرژی) و روابط بین آنها می باشد. همچنین از جمله نوآوری





این پژوهش نسبت به تحقیقات در زمینه کیفی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد این است که مراحل کدگذاری‌ها با نرم‌افزار MaxQda صورت گرفته است که به‌عنوان یک بانک اطلاعاتی برای مرتب‌کردن و ذخیره‌سازی حجم وسیعی از داده‌های جمع‌آوری شده می‌باشد.

نتایج نهایی حاصل از انجام مراحل روش دیمتل شامل موارد زیر می‌باشد:

معیارهای طراحی فرایندهای سبز، مشتریان و سایر نهادهای بیرونی، نوآوری سبز، رویکردهای مدیریت محیط زیستی، قابلیت‌های تأمین‌کنندگان سبز، مدیریت منابع انسانی، بهبود عملکرد محیط زیستی، مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی دارای مقدارهای بزرگتر از حد آستانه (بالتر از ۰.۲۹/۰.۲۴۴) شدند.

مطابق با جدول شماره (۴)، جهت رتبه‌بندی براساس وزن، زیرمعیارهای مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی (استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در فرایند تولید، اندازه‌گیری مقدار اتلاف انرژی در واحدهای مختلف، جایگزینی تجهیزات و فناوری‌های جدید و دوست‌دار محیط زیست، آموزش و ارائه الگوهای مصرف صحیح انرژی، سیاست‌های کاهش مصرف انرژی در درون سازمان)، قابلیت‌های تأمین‌کنندگان سبز (سطح روابط تجاری و ارزیابی تأمین‌کنندگان از نظر زیست‌محیطی، در دسترس بودن و کیفیت محصولات تأمین‌کنندگان، طبقه‌بندی مواد خطرناک داخل مواد ممنوعه و تحریم‌شده و عدم استفاده از آنها)، مشتریان و سایر نهادهای بیرونی (رضایت‌مندی مشتریان، توان مالی مشتریان در پرداخت بیشتر برای محصولات سبز، طراحی محصولات در جهت نیازها و خواسته‌های مشتریان، اطلاع‌رسانی محصولات سبز به مشتریان)، نوآوری سبز (نوآوری مدیریتی سبز، نوآوری محصول سبز، نوآوری فناوری سبز، نوآوری فرایند سبز)، رویکردهای مدیریت محیط زیستی (هماهنگی میان واحدها، برگزاری دوره‌های آموزشی جهت رعایت مسائل زیست‌محیطی برای کارکنان و تأمین‌کنندگان، پشتیبانی مدیریت زیست‌محیطی، اعتقادات مدیریت ارشد، حمایت از تولید سبز، برآورده کردن تقاضای مصرف‌کنندگان و عمل به مسئولیت اجتماعی)، مدیریت منابع انسانی (ترویج فرهنگ کاهش مصرف در فعالیت‌های مختلف سازمان، فعالیت در انجمن‌های داخلی و خارجی و انجام پژوهش‌های زیست‌محیطی، تشکیل کمیته بهره‌وری از پیشنهادات سازنده کارکنان



جهت بهینه‌سازی اجرای راهبرد مسئولیت زیست‌محیطی سازمان، برگزاری سمینار آموزشی درخصوص اهمیت و رعایت مسائل زیست‌محیطی برای کارکنان، مشتریان و تأمین‌کنندگان)، طراحی فرایندهای سبز (تولید سبز، بازاریابی سبز، مصرف سبز، خرید سبز، طراحی سبز)، بهبود عملکرد زیست‌محیطی (بهره‌گیری از تکنولوژی‌های جدید و دوست‌دار محیط زیست، کاهش پسماندها و ضایعات جامد و مایع، استفاده از سیستم لجستیک معکوس) به ترتیب دارای بالاترین به کمترین درجه اهمیت (وزن) می‌باشند.

در این تحقیق معیار مشتریان و سایر نهادهای بیرونی مشابه با تحقیق لاری، تویلی، و اوجالا (۲۰۱۶)، محمودی و سلمانی (۱۳۹۷) که پیاده‌سازی فعالیت‌های زنجیره تأمین سبز (اقدامات داخلی و خارجی، خرید سبز، کاهش هزینه، افزایش فروش و سهم بازار) بر رضایت مشتریان اثر معناداری دارد. معیار بهبود عملکرد محیط زیستی مشابه با پژوهش ساندراکانی^۱ (۲۰۱۶)، سالاری (۱۳۹۶) که با اتخاذ استراتژی سرمایه‌گذاری در زمینه بهبود عملکرد زیست‌محیطی زنجیره تأمین مزایا و منافع زیادی را مانند صرفه‌جویی در منابع انرژی، کاهش آلاینده‌ها، حذف یا کاهش ضایعات، ایجاد ارزش برای مشتریان و در نهایت افزایش بهره‌وری برای سازمان‌های تولید و خدماتی به همراه خواهد داشت. معیار رویکردهای مدیریت زیست‌محیطی و مدیریت منابع انسانی با توجه به پژوهش مانگلا و همکاران^۲ (۲۰۱۵)، ژیان و بهنیا (۱۳۹۷) که قوانین و دستورالعمل‌ها به‌عنوان مهمترین عامل در اجرای موفقیت‌آمیز مدیریت زنجیره تأمین سبز شناخته شده است و عوامل مدیریت کارکنان و عوامل سازمانی به ترتیب در اولویت دوم و سوم قرار گرفتند. همچنین، پشتیبانی مدیریت ارشد، وجود منابع مالی لازم و حمایت دولت سه معیار مهم اجرای مدیریت زنجیره تأمین سبز می‌باشند. تعهد رسمی مدیریت ارشد سازمان و اعمال ملاحظات لازم برای بهبود عملکرد اعضای زنجیره و میزان منابع سازمانی (مالی و انسانی) و روابط بلندمدت، سطح یا میزان روابط تجاری با اعضای زنجیره، عوامل مؤثر در اجرای زنجیره تأمین سبز می‌باشد.

1. Sundarakani

2. Mangla, et al.



معیار طراحی فرایندهای سبز مشابه با پژوهش تاجیزاوا، جیمزن، و سیرا^۱ (۲۰۱۶)، و احمدی و مساواتی (۱۳۹۷) می‌باشد. طراحی فرایند کلی زنجیره تأمین سبز (شامل: مواد، تولید، بازاریابی، مصرف، بازیافت، تأمین‌کننده و خرید سبز، مدیریت زیست‌محیطی داخلی، حمل‌ونقل و توزیع سبز) که به‌عنوان یک عاملی اساسی در بهبود سطح زنجیره تأمین سبز در شرکت‌ها به شمار می‌رود و همچنین این معیار، باعث به حداقل رساندن اثرات زیست‌محیطی می‌شود. با توجه به پژوهش یوگان و دده^۲ (۲۰۱۶) و عندلیب و مقتدری (۱۳۹۷)، از جمله معیارهای تأثیرگذار بر ارزیابی تأمین‌کنندگان سبز (قابلیت طراحی نوع محصول، سیاست و اهداف حفاظت از محیط زیست، محدود کردن استفاده از مواد زیست‌محیطی ناسازگار) شناسایی شده است. همچنین هدف کلی از انتخاب تأمین‌کننده، کاهش ریسک، به حداکثر رساندن ارزش کلی برای مشتری و ساختن یک ارتباط قوی بین خریدار و تأمین‌کننده، نوآوری سبز (ارائه راهکارهایی برای افزایش سبز بودن محصول)، آموزش و ارائه الگوهای صحیح مصرف انرژی، استفاده از فناوری سبز جهت کاهش آلاینده‌گی محیط زیست و استفاده بهینه مصرف انرژی می‌باشد. معیار نوآوری سبز مشابه با پژوهش نمک‌شناس، مروتی، و ضیایی (۱۳۹۳، ۲۵-۴۲) ابعاد نوآوری سبز شامل نوآوری فرایند و فناوریانه سبز، هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیرمستقیم، به‌واسطه نقش میانجی عملکرد زیست‌محیطی، بر عملکرد سازمان تأثیرگذارند. همچنین نوآوری مدیریتی و محصول سبز تنها به‌صورت غیرمستقیم بر عملکرد سازمان تأثیر می‌گذارند. نوآوری محصول و مدیریت سبز بر عملکرد سازمان تأثیر معناداری دارد. معیار مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی مشابه پژوهش وانگ، سونگ، و ژین^۳ (۲۰۱۸)، پویا و همکاران (۱۳۹۵، ۲۰-۱) مدیریت مصرف انرژی و منابع از قدرت نفوذ پایین و وابستگی بالا برخوردارند.

1. Elcio, Gimenez, & Sierra
2. Uygun & Dede
3. Wang, Song, & Xin

پیشنهاده‌ها

جهت موفقیت در آینده‌نگری زنجیره تأمین سبز، پیاده‌سازی این معیارها در صنایع و سازمان توصیه می‌شود. از مقالات مربوط به حوزه مدیریت زنجیره تأمین سبز می‌توان نتیجه گرفت که برای پیاده‌سازی زنجیره سبز نیازمند تکنولوژی‌های مهندسی سبز و سیستم‌های مدیریتی اطلاعات سبز هستیم. مهمترین مسئله در این موضوع فهم همگانی، درک نیاز، و کاربردی‌شدن مدیریت زنجیره تأمین سبز است. همه شرکت‌ها باید دریابند که آینده جهان در گرو تولید این‌گونه محصولات است تا شرکت‌ها به تولید محصولات سبز تشویق شوند. مطالعات میدانی نشان می‌دهد اقدامات قوی در جهت عملکرد عملیاتی سازمان و استفاده از تکنولوژی و فناوری صحیح، صورت گیرد. توجه به نگاه مشتری‌مداری در مقابل تولیدمداری از الزامات است که باید مدیریت و برنامه‌ریزی شود. تقویت، آموزش و افزایش استانداردهای به‌کارگیری، از الزامات تقویت و گسترش صنعت پتروشیمی است.



احمدی، عباداله؛ و مساواتی، سیدمرتضی (۱۳۹۷). طراحی مدل بهینه جهت ارزیابی و رتبه‌بندی تأمین‌کنندگان زنجیره تأمین سبز با استفاده از تکنیک AHP. چهارمین کنفرانس بین‌المللی نقد و واکاوی مدیریت در هزاره سوم، ۱۵ مرداد ۱۳۹۷، شیراز.

پویا، علیرضا؛ قربان‌پور، احمد؛ ناظمی، شمس‌الدین؛ و ناجی، زهرا (۱۳۹۵). طراحی مدل ساختاری اقدامات مدیریت زنجیره تأمین سبز با استفاده از رهیافت مدل‌سازی ساختاری تفسیری فازی. مجله تحقیق در عملیات در کاربردهای آن، ۱۳(۴)، ۱-۲۰.

رضایی، شمس‌الدین (۱۳۹۶). طراحی مدل درآمدزایی باشگاه‌های فوتبال ایران: با رویکرد گراندد تنوری. پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، ۶(۳)، ۱۱۶-۱۰۱.

ژیان، مهلا؛ و بهنیا، بردیا (۱۳۹۷). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر در اجرای مدیریت زنجیره تأمین سبز. هفتمین کنفرانس ملی کاربردهای حسابداری و مدیریت، ۱۸ شهریور ۱۳۹۷، تهران.

سالاری، ریحانه (۱۳۹۷). مدیریت زنجیره تأمین سبز. کنفرانس بین‌المللی تازه‌های مدیریت، حسابداری و اقتصاد، ۲۶ بهمن ۱۳۹۶، تهران.

شتربانی، فرزانه؛ و بدیع‌زاده، علی (۱۳۹۵). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی مدیریت زنجیره تأمین سبز در شرکت پارس خودرو با استفاده از رویکرد تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره. اولین همایش بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مطالعات مدیریت، ۲۲ آبان ۱۳۹۵، شیراز.

شعبان‌نژاد، مرجان؛ ابراهیمی‌نژاد، مهدی؛ و فرقانی، محمدعلی (۱۳۹۶). انتخاب تأمین‌کنندگان سبز در زنجیره تأمین با ترکیب روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی. دومین همایش بین‌المللی مدیریت و فرهنگ توسعه، ۲ دی ۱۳۹۶، تهران.

شفیعی، رضا؛ اخلاصی، امیر؛ و انصاری، فهیمه (۱۳۹۵). ارائه مدل بومی برندسازی برای خرده‌فروشی‌های اینترنتی با استفاده از روش کیفی تئوری داده بنیاد. فصلنامه تحقیقات بازاریابی نوین، ۶(۲)، ۱۶۷-۱۸۸.

شمشیری، محمد؛ و پیله‌وری، نازنین (۱۳۹۶). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر زنجیره تأمین سبز با روش ANP و کاربرد DEMATEL در محیط فازی. کنفرانس بین‌المللی زنجیره تأمین سبز، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶، لاهیجان.

عندلیب اردکانی، داود؛ و مقتدری، علی‌اکبر (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه محصول سبز در صنعت کاشی استان یزد. فصلنامه تحقیقات بازاریابی نوین، ۸(۳)، ۱۲۰-۱۰۱.

محمودی، امین؛ و سلمانی، لیلا (۱۳۹۷). رابطه بین فعالیت‌های مدیریت زنجیره تأمین سبز و رضایت مشتریان در سازمان‌های تولیدی. دومین کنفرانس بین‌المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، مؤسسه آموزش عالی علامه خویی، ۳۱ خرداد ۱۳۹۷، تهران.





مقدم، ابوالفضل؛ کمالیان، امین رضا؛ یزدانی، بدرالدین؛ کرد، باقر؛ و روشن، سیدعلیقلی (۱۳۹۵). تبیین و طراحی الگوی مدیریت منابع انسانی کارآفرینانه: رویکرد داده‌بنیاد. نشریه بهبود مدیریت، ۱۰ (۴)، ۱۵۷-۱۲۳.

نمک‌شناس، مهسا؛ مروتی شریف‌آبادی، علی؛ و ضیایی بیده، علیرضا (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ابعاد نوآوری سبز بر عملکرد سازمان. فصلنامه مطالعات مدیریت صنعتی، ۱۲ (۳۳)، ۴۲-۲۵.

Awasthi, A., Kaur, J., Sidhu, R., Chauhan, S., & Goyal, S. (2017). A DEMATEL based approach for investigating barriers in green supply chain management in Canadian manufacturing firms. *International Journal of Production Research*, 56(5), 1-21. doi:10.1080/00207543.2017.1395522

Cankaya, Y. S., & Sezen, B. (2018). Effects of green supply chain management practices on sustainability performance. *Emerald, Journal of Manufacturing Technology Management*, 30(1), 98-121. doi:10.1108/JMTM-03-2018-0099

Chauhan, C., & Singh, A. (2018). Modeling green supply chain coordination: current research and future prospects. *Emerald, Benchmarking: An International Journal*, 25(1), 1-46. doi:10.1108/BIJ-10-2017-0275

Dawei, Z., Hamid, A. B., Chin, T. A., & Leng, K. C. (2015). Green supply chain management: A literature review. *Sains Humanika*, 5(2), 15-21. doi:10.11113/sh.v5n2.624

Famiyeh, S., Kwarteng, A., Asante-Darko, D., & Ato Dadzie, S. (2017). Green supply chain management initiatives and operational competitive performance. *Emerald, Benchmarking: An International Journal*, 25(2), 607-631. doi:10.1108/BIJ-10-2016-0165

Gardas, B., Raut, R., Jagtap, A. H., & Narkhede, B. (2018). Exploring the key performance indicators of green supply chain management in agro-industry. *Emerald, Journal of Modelling in Management*, 14(1), 1-25. doi:10.1108/JM2-12-2017-0139

Green, K. W., Inman, R. A., Sower, V. E., & Zelbst, P. J. (2018). Impact of JIT, TQM and green supply chain practices on environmental sustainability. *Emerald, Journal of Manufacturing Technology Management*, 30(1), 1-24. doi:10.1108/JMTM-01-2018-0015

Kazancoglu, Y., Kazancoglu, L., & Sagnak, M. (2017). Fuzzy DEMATEL-based green supply chain management performance: application in cement industry. *Emerald, Industrial Management & Data Systems*, 118(2), 412-431. doi:10.1108/IMDS-03-2017-0121

Kim, Y. J., Kim, W. G., Choi, H. M., & Phetvaroon, K. (2019). The effect of green human resource management on hotel employees' eco-friendly behavior and environmental performance. *International Journal of Hospitality Management*, 76(2019), 83-93. doi:10.1016/j.ijhm.2018.04.007

Laari, S., Toyli, J., & Ojala, L. (2017). Supply chain perspective on competitive strategies and green supply chain management strategies. *Journal of Cleaner Production*, 141(2017), 1303-1315. doi: 10.1016/j.jclepro.2016.09.114

Mangla, S., Gandhi, S., Kumar, P., & Kumar, D. (2015). Evaluating factors in implementation of successful green supply chain management using DEMATEL. *International Strategic Management Review*, 3 (1), 96-109. doi:10.1016/j.ism.2015.05.001

- Randall, W., & Mello, J. (2012). Grounded theory: An inductive method for supply chain research. *International Journal of Physical Distribution & Logistics Management*, 42(89), 863-880. doi:10.1108/09600031211269794
- Slimane, M. (2012). Role and relationship between leadership and sustainable development to release social, human, and cultural dimension. *International Conference on Leadership, Technology and Innovation Management, Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 41 (2012), 92 – 99. doi:10.1016/j.sbspro.2012.04.013
- Sundarakani, B., Younis, H., & Vel, P. (2016). The impact of implementing green supply chain management practices on corporate performance. *Emerald, An International Business Incorporating Journal of Global Competitiveness*, 26(3), 216-245. doi:10.1108/CR-04-2015-0024
- Tachizawa, E. M., Gimenez, C., & Sierra, V. (2016). Green Supply Chain Management approaches: drivers and performance implications. *International Journal of Operations & Production Management*, 35(2016), 1546-1566. doi:10.1108/IJOPM-01-2015-0023
- Tuni, A., Rentizelas, A., & Duffy, A. (2018). Environmental performance measurement for green supply chains: A systematic analysis and review of quantitative methods. *Emerald, International Journal of Physical Distribution & Logistics Management*, 48(8), 765-793. doi:10.1108/IJPDLM-02-2017-0062
- Uygun, O., & Dede, D. (2016). Performance evaluation of green supply chain management using integrated fuzzy multi-criteria decision-making techniques. *Computers & Industrial Engineering*, 102 (2016), 502–511. doi:10.1016/j.cie.2016.02.020
- Wang, Sh., Song, M., & Xin, C. (2018). Simulation of land green supply chain based on system dynamics and policy optimization. *International Journal of Production Economics*, 217(2018), 317-327. doi:10.1016/j.ijpe.2018.08.021



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۴۸

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰



تحلیل ماهیت حقوقی-اقتصادی تأمین مالی پروژه‌محور؛ تعیین سلسله‌مراتب بین زنجیره قراردادهای و چالش تعارض و هماهنگی بین آنها

شادی کسنوی^{۱*}، سیدنصرالله ابراهیمی^۲، محمود باقری^۳

دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۵؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

چکیده

تأمین مالی پروژه‌محور به‌عنوان یکی از شیوه‌های استقراض بلندمدت، از خصوصیات ویژه‌ای برخوردار است که لازمه آن، اعطاء حق نظارت، دخالت و کنترل وام‌دهنده بر اسناد پروژه است. نقش پررنگ وام‌دهنده در مدیریت ریسک‌های قراردادی، اسباب ارتباط زنجیره‌ای بین اسناد مالی و اسناد پروژه را فراهم می‌سازد. حقوق امتیازی وام‌دهنده و تعارض آن با اصول حقوق قراردادهای - به‌ویژه اصل نسبی بودن قراردادها - و ارتباط زنجیره‌ای بین اسناد، شکل جدیدی برای ماهیت تأمین مالی پروژه‌محور قائل می‌شود. این ماهیت جدید، که ارتباطات زنجیره‌ای آن از لحاظ اقتصادی تأیید و کارایی اقتصادی آن توجیه شده است، نگارندگان را به سمت شبکه قراردادی به‌عنوان ماهیت این نوع از تأمین مالی، منفک از تئوری‌های حقوقی سنتی سوق می‌دهد. شناسایی شبکه قراردادی، که در هر دو نظام حقوقی سیویل‌لا و کامن‌لا راهکارهایی برای استفاده از آن ارائه شده است، به جهت قابلیت انعطاف بیشتری که نسبت به حقوق قراردادهای دارد، عامل مهمی در تهیه و تنظیم اسناد تأمین مالی و رضایت وام‌دهنده برای تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌بر صنعت محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تأمین مالی پروژه‌محور، ارتباط زنجیره‌ای اسناد مالی و اسناد پروژه، سلسله‌مراتب اسناد پروژه، شبکه قراردادی

این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تحلیل حقوقی ارتباط زنجیره‌ای بین اسناد در تأمین مالی پروژه‌محور با تمرکز بر صنعت نفت و گاز» در حقوق نفت و گاز دانشگاه تهران است.

۱. گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

shadikasnavi@ut.ac.ir ✉

۲. گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۱. مقدمه

تأمین منابع مالی مورد نیاز پروژه یکی از اصلی‌ترین عوامل اجرای موفق پروژه است و عدم دستیابی به منابع مالی مورد نیاز، ادامه حیات پروژه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بخش عمده منابع مالی مورد نیاز پروژه از منابع خارج از سازمان کارفرمایی و به طرق مختلف از جمله تأمین مالی پروژه محور صورت می‌پذیرد. (اشکوه، ۱۳۹۴، ۸۲) تأمین مالی پروژه محور گونه ای از تأمین مالی استقراری است که به جهت وجود سازوکارهای خاص از ماهیت ویژه ای برخوردار است. «اهرم مالی بالای تأمین مالی پروژه محور^۱» یا به عبارتی سهم حداکثری وام دهنده در تأمین سرمایه از یک طرف و «عدم حق رجوع وام‌دهنده^۲» به دارایی بانیان و سهامداران پروژه برای بازپرداخت اصل و بهره وام (یا در واقع حق رجوع محدود) از سوی دیگر، منجر به محوریت و تسلط وام‌دهنده بر اسناد تأمین مالی می‌شود؛ به نحوی که طراحی اسناد تأمین مالی و تعهدات وام‌گیرنده، حول خواسته‌های وام‌دهنده و شروط مندرج در قرارداد وام طراحی و تنظیم می‌شود. ضمن اینکه وجود این دو ویژگی بحث تخصیص صحیح ریسک را در تأمین مالی پروژه محور بیش از سایر شیوه‌های تأمین مالی پروژه پررنگ می‌سازد. تخصیص صحیح ریسک، یعنی شناسایی و ارزیابی و مدیریت همه عناصر نه‌گانه ریسک‌های شناخته‌شده در قراردادهای زنجیره‌ای بر اساس مدل تفصل^۳، به نحوی که ریسک پیش‌بینی نشده‌ای متوجه وام‌دهنده نشود. این نحوه از تخصیص ریسک مستلزم ارتباط زنجیره‌ای بین قراردادهای پروژه و به تبع آن، بین بازیگران تأمین مالی پروژه محور می‌شود. بنابراین، تأمین مالی پروژه محور متشکل از یک سری قراردادهای مرتبط با هم است. ضمن اینکه وجود این دو ویژگی منجر به ایجاد حق کنترل و نظارت وام‌دهنده



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۵۰

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰

1. High leverage

۲. ویژگی عدم حق رجوع یا non-recourse از ویژگی‌های اصلی تأمین مالی پروژه محور به معنای عدم حق رجوع وام‌دهنده به دارایی بانیان پروژه برای بازپرداخت اصل و بهره وام است که در ادامه مقاله صرفاً به عدم حق رجوع اشاره می‌شود.

۳. مطابق مدل جامع تفصل (TEFCEL) که به مدیریت جامع قراردادی نسبت به عوامل پیچیده با درجه عدم قطعیت و نامعلومی در حد بالا می‌پردازد، لازم است ضمن شناسایی جامع خطرات مطروحه در موضوعات حقوقی و قراردادی، آنها را ارزیابی کرده و روش‌های مدیریت جامع، یکپارچه، میان‌رشته‌ای و استراتژیک را در یک زنجیره صفر تا صد واکاوی و اعمال نماید. مدل تفصل متشکل از ۹ عنصر است که عبارت‌اند از: عنصر فنی؛ عنصر فناوری؛ عنصر اقتصادی؛ عنصر مالی؛ عنصر مالیاتی؛ عنصر بازرگانی؛ عنصر قراردادی؛ عنصر محیطی و عنصر حقوقی است. برای مطالعه مدل تفصل به منابع منتشر شده دکتر سید نصرالله ابراهیمی مراجعه شود.



به‌عنوان ثالث بر قراردادهای منعقد در تأمین مالی پروژه‌محور است؛ به‌نحوی که وام‌دهنده به‌عنوان ثالث قراردادهای پروژه، تحت تأثیر این قراردادها است؛ همان چیزی که اصل نسبی بودن قراردادها را به‌عنوان سنگ بنای حقوق قراردادهای - به‌ویژه در حقوق کامن‌لا - با چالش روبه‌رو می‌کند.

مواردی که به آن اشاره شد نگارندگان را به سمت ماهیت حقوقی تأمین مالی پروژه‌محور جلب کرده است. ماهیت حقوقی تأمین مالی پروژه‌محور در پروژه‌های سرمایه‌بر می‌تواند هم از جانب وام‌دهنده و هم از جانب دولت میزبان حائز اهمیت باشد. از جانب وام‌دهنده از این لحاظ مهم است که بر حقوق و تعهدات وام‌دهنده به‌عنوان ثالث قراردادهای پروژه تأثیر می‌گذارد. این مسئله خود ارتباط مستقیمی با انگیزه وام‌دهنده برای ورود به این شیوه از تأمین مالی دارد. اهمیت این شیوه از تأمین مالی برای دولت میزبان از این جهت است که به‌دلیل عدم حق رجوع وام‌دهنده به بانیان پروژه (که غالباً به‌صورت حق رجوع محدود می‌باشد) و عدم تضمین بازپرداخت وام از سوی بانیان و دولت میزبان، فاکتور مهمی در تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی برای دولت میزبان محسوب می‌شود.

بر این اساس، نگارندگان معتقد به وجود شبکه قراردادی در بین اسناد تأمین مالی پروژه محور هستند. شبکه‌ای از قراردادها که حاصل ارتباط زنجیره‌ای بین اسناد پروژه (که نتیجه اش وجود قراردادهای مرتبط) و بین اسناد مالی و اسناد پروژه^۱ (که نتیجه‌اش تأثیر و تأثرپذیری وام‌دهنده از اسناد پروژه و مدیریت چالش اصل نسبی بودن قراردادها) است. بنابراین، در این مقاله ضمن بررسی ویژگی‌های تأمین مالی پروژه‌محور، ارتباط زنجیره‌ای بین اسناد مالی و اسناد پروژه تحلیل اقتصادی شده و تئوری‌های اقتصادی که مؤید کارایی اقتصادی رابطه زنجیره‌ای بین اسناد در تأمین مالی پروژه‌محور هستند، بررسی می‌شوند. بعد از اثبات وجود ارتباط زنجیره‌ای و کارایی اقتصادی این رابطه، ماهیت شبکه قراردادی مزبور مورد بررسی و شناسایی حقوقی قرار می‌گیرد. در این راستا دلایلی را که نشان می‌دهند که ماهیت شبکه قراردادی منفک از بحث حقوق قراردادهای و حقوق شرکت‌هاست، مطرح

۱. اسناد تأمین مالی پروژه‌محور به دو طبقه اسناد مالی financial documents و اسناد پروژه project documents تفکیک می‌شوند.

گردیده و پس از اثبات این مسئله که شبکه قراردادی در تئوری‌های حقوقی موجود نمی‌گنجد، دیدگاه دو نظام حقوقی کامن‌لا و سیویل‌لا نسبت به این ماهیت جدید مورد بررسی قرار می‌گیرند. در انتها این مقاله به این جمع‌بندی می‌رسد که در صورت پذیرش شبکه قراردادی از سوی نظام‌های حقوقی، می‌توان با رویکرد منعطف‌تری قراردادهای تأمین مالی پروژه محور و زنجیره ارتباطی بین اسناد در این شیوه از تأمین مالی را طراحی کرد، به نحوی که در نهایت بتوان وام‌دهندگان را متقاعد نمود تا به پروژه‌های زیرساختی بر اساس روش تأمین مالی پروژه محور ورود پیدا کنند.

۲. مبانی نظری

تأمین مالی پروژه محور، شیوه‌ای از تأمین مالی است که در قالب ساختار پروژه‌ای تعریف و اجرا می‌شود (دهقانی، ۱۳۹۳، ۴۰-۳۹). این شیوه از تأمین مالی، به جای تکیه بر اعتبار و توانمندی ضامن یا ضامن‌های پروژه (یعنی بانیان پروژه یا دولت میزبان)، اساساً تابعی از قابلیت و توانایی پروژه در برگرداندن بدهی قراردادی، با نرخ متناسب با ریسک‌های ذاتی آن فعالیت اقتصادی می‌باشد (زه‌دی، ۱۳۹۵، ۸۴).

با وجود متعارف بودن اصطلاح واژه تأمین مالی پروژه محور در مبانی نظری تأمین مالی، تعریف صریح و قانونی هماهنگ با همه ارکان در رابطه با این اصطلاح وجود ندارد. از دلایل عمده این امر، فقدان مرزبندی دقیق و مشخص بین سرمایه‌گذاری غیرمستقیم و تأمین مالی پروژه محور از یک سو، و از سوی دیگر، خلط بین دو واژه «تأمین مالی پروژه»^۱ و «تأمین مالی پروژه محور»^۲ است. درحالی که تأمین مالی پروژه هر ساختاری از تأمین مالی جهت جذب منابع مالی برای توسعه پروژه را پوشش می‌دهد، تأمین مالی پروژه محور اشاره به جذب بدهی بدون حق رجوع (یا با حق رجوع محدود) به بانیان پروژه جهت اجرای پروژه‌ای مشخص دارد (اشکوه و صبحیه، ۱۳۹۴، ۸۳). این روش که اصولاً به منظور تأمین مالی طرح‌های زیربنایی از آن بهره گرفته می‌شود، بر پایه استقراض بلندمدت بوده و از



1. project financing

2. Project finance



آنجا که تضمین بازپرداخت اصل و بهره وام بر پایه جریان درآمدی ناشی از اجرای یک پروژه خاص بنا شده، مستلزم ارزیابی دقیقی از ریسک‌های تفسلی موجود در فرایند اجرای مراحل ساخت، بهره‌برداری و تولید درآمد و جریان نقدینگی و همچنین نحوه تخصیص این ریسک‌ها بین بانیان پروژه، وام‌دهندگان و سایر بخش‌های مرتبط با آن پروژه خاص — از طریق شروط قراردادی — می‌باشد (غمامی، ۱۳۸۶، ۲۳۰). به‌طور خلاصه، در شرح ویژگی‌های تأمین مالی پروژه محور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) تیم یا کنسرسیومی از شرکت‌های خصوصی به‌عنوان بانیان پروژه، شرکت تک منظوره با شخصیت حقوقی مستقل (SPV) را به‌عنوان شرکت پروژه صرفاً برای اجرا و مدیریت پروژه بنا نهاده و با پرداخت سهم آورده خود، سرمایه شرکت پروژه را تأمین می‌نمایند (شرکت نیروگاه جنوب اصفهان، ۱۳۸۵، ۶۸)؛

ب) رابطه شرکت پروژه با بازیگران پروژه (از جمله وام‌دهنده، پیمانکار ساخت، تأمین‌کننده مواد اولیه، خریدار محصول و دولت میزبان) از طریق زنجیره قراردادهای مفصل الزام‌آور تعریف شده و رسمیت می‌یابد؛

ج) شرکت پروژه با اهرم مالی بالایی^۱ تأمین مالی می‌شود (سگتی^۲، ۲۰۰۷، ۲۲).

د) وام‌دهندگان پروژه بر اموال و دارایی بانیان پروژه و ترازنامه آن حق رجوع ندارند (یا حق رجوع محدود دارند) و برای بازپرداخت بدهی تنها به عملکرد و دارایی پروژه وابسته هستند. (کوپر و حبیب^۳، ۱۹۹۶، ۲۵-۳۹).

همانطور که اشاره شد در تأمین مالی پروژه محور برای وام‌دهنده در ازاء سرمایه‌ای که به پروژه وارد می‌کند، حق عینی در مقابل وام‌گیرنده و یا حق رجوعی به سهام‌داران و بانیان شرکت پروژه، برای بازپرداخت وام وجود ندارد؛ به عبارت دقیق‌تر، این حق رجوع محدود به موارد خاص است (گتی^۴، ۲۰۱۳، ۳۱۰-۳۱۱)؛ بنابراین، تکیه وام‌دهنده برای بازپرداخت

۱. درخصوص عوامل مؤثر بر نسبت وام به آورده به کتاب حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری به قلم علی حاتمی و اسماعیل کریمیان صفحه ۱۰۵۴ (۱۳۹۴) مراجعه شود.

2. Cegtti

3. Cooper & Habib

4. Gatti



وام صرفاً به جریان نقدینگی حاصل از اجرای صحیح پروژه و تولید محصول و خدمات و البته حقوق قراردادی مترتب بر آنها معطوف است. تولید محصول و متعاقباً تولید درآمد، مستلزم انعقاد قراردادهایی از پروژه است که معمولاً اعضاء اصلی این زنجیره عمودی^۱ را قراردادهای زیر تشکیل می‌دهند: ۱) قرارداد ساخت و تجهیزات (معمولاً بر مبنای یک قرارداد EPC قیمت مقطوع و کلید در دست)؛ ۲) قرارداد بلندمدت تأمین مواد اولیه؛ ۳) قرارداد بلندمدت فروش محصول؛ و ۴) قرارداد حفظ و نگهداری (استی^۲، ۲۰۰۲، ۷۲).

همان‌طور که اشاره شد، در تأمین مالی پروژه محور برای وام‌دهنده حق رجوعی به دارایی سهامداران وجود ندارد؛ ضمن اینکه به جهت عدم پتانسیل مالی شرکت پروژه، دارایی قبلی هم وجود ندارد که وثیقه وام‌دهنده قرار گیرد. پس در واقع وثیقه و پشتوانه اصلی وام‌دهنده، اجرای صحیح قراردادهای اخیرالذکر و قراردادهای فرعی آنها به عنوان قراردادهای پروژه است. از این رو، به جهت اهمیت اجرای صحیح قراردادها برای وام‌دهنده، لازم است تا وام‌دهنده بر روند انعقاد این قراردادها، نحوه اجرای آنها و مشخصه اجرایی که لازم است بر اساس آنها قرارداد اجرایی شود، کنترل و نظارت و دخالت داشته باشد، تا از تخصیص صحیح ریسک بین بازیگران اطمینان داشته و در نهایت ریسکی بر عهده وام‌دهنده باقی نماند. به این ترتیب، مهمترین ابزار یک وام‌دهنده در تأمین مالی پروژه محور کنترل بر قرارداد هاست. لازمه این کنترل، وجود قرارداد وام در نقش محور است تا سایر قراردادهای تأمین مالی تحت تأثیر و به تبعیت از شروط این قرارداد نافذ شوند. به این ترتیب قرارداد وام در محوریت قراردادهای تأمین مالی، مبنای طراحی و انعقاد سایر اسناد تأمین مالی می‌باشد. برای این منظور شروطی در قرارداد وام درج می‌شود تا سلطه و کنترل وام‌دهنده بر سایر اسناد تأمین مالی را تضمین کند. از جمله این شروط، شروط محدود کننده اختیارات شرکت پروژه نسبت به اسناد تأمین مالی می‌باشد^۳ که زمینه تعارض ماهیت تأمین مالی پروژه محور با حقوق قراردادها و اصل نسبی بودن در قراردادها را ایجاد می‌کند. دیدگاه غالبی که

1. Vertical chain

2. Esty, B. C.

3. reserved discretion



درخصوص تأمین مالی پروژه محور وجود دارد این است که در این شیوه از تأمین مالی، شبکه‌ای از قراردادهای^۱ ایجاد می‌شود که ریسک‌ها را قبل از آغاز پروژه شناسایی می‌کنند (کرلی و گتی و استفانی^۲، ۲۰۱۰، ۱۲۹۵-۱۳۲۰). در شرایطی که عدم تقارن اطلاعات وجود دارد قراردادهایی با ذی‌نفعان مختلفی از جمله تأمین‌کننده، دولت میزبان، بانک‌ها، خریداران، پیمانکار ساخت و بهره‌بردار منعقد می‌شود (بایون و اکسو^۳، ۲۰۱۴، ۱۲۴-۱۴۴) و هر کدام از این قراردادها به نحوی طراحی می‌شود که ریسک‌ها به بازیگری که بیشترین قابلیت مدیریت ریسک را دارد منتقل شود. به این ترتیب در تأمین مالی پروژه محور به جای مدیریت ریسک سهام - که پاسخگوی عدم قطعیت‌های پروژه نیست - مدیریت ریسک قراردادی - از طریق تحلیل ارتباط زنجیره‌ای قراردادها - در مرکز توجه قرار می‌گیرد. (مولنر^۴، ۲۰۱۶، ۵). این ویژگی نقطه تمایز تأمین مالی پروژه محور از سایر شیوه‌های تأمین مالی و فلسفه اصلی گره خوردن وام‌دهنده با قراردادهای پروژه و در نهایت ارتباط اسناد مالی و اسناد پروژه است. به نحوی که انگیزه وام‌دهنده برای ورود به پروژه و مباحث مالی قرارداد وام و اسناد تضمین را تحت تأثیر قرار می‌دهد (پوپو و زنگر^۵، ۲۰۰۲، ۷۲۵-۷۰۷). این ارتباط بین اسناد مالی و اسناد پروژه تا حدی است که اسناد پروژه نه تنها بر هزینه‌های گرفتن وام (از لحاظ هزینه و حاشیه سود^۶) بلکه در طراحی ساختار مالی پروژه، کاهش سطح ریسک‌های قابل پیش‌بینی، کاهش هزینه تأمین مالی و افزایش اهرم مالی شرکت (افزایش نسبت بدهی به دارایی) نقش به‌سزایی ایفاء می‌کنند (کرلی و گتی و استفانی، ۲۰۱۰، ۵). خلاصه اینکه ارتباط زنجیره‌ای بین اسناد پروژه (به لحاظ تخصیص صحیح ریسک) و بین اسناد مالی و اسناد پروژه (به جهت تأثیری که قراردادهای پروژه بر ساختار سرمایه دارند) مؤید تشکیل شبکه قراردادهای در تأمین مالی پروژه محور به عنوان ویژگی خاص این نوع از تأمین مالی هستند.

1. nexus of contracts
2. Corielli, Gatti, & Steffanoni
3. Byoun & Xu
4. Mullner
5. Poppo & Zenger
6. Spread



۳. تحلیل اقتصادی شبکه قراردادی در تأمین مالی پروژه محور

رابطه زنجیره‌ای بین اسناد، به‌ویژه رابطه زنجیره‌ای بین اسناد مالی و اسناد پروژه، که خاص این تکنیک از تأمین مالی است، حاکی از شناسایی شبکه‌ای از قراردادهای و سلسله مراتب بین آنها از سوی اقتصاددانان در تأمین مالی پروژه محور است. بنابراین، وجود شبکه قراردادی بیش از آن‌که ریشه حقوقی داشته باشد، ریشه در اقتصاد دارد. در واقع نیاز اقتصادی منجر به ابداع این تکنیک از تأمین مالی شده است. در این بخش از مقاله در ابتدا وجود شبکه قراردادی از بعد اقتصادی و از طریق فرضیه‌ها و تئوری‌های اقتصادی بررسی شده و با لحاظ این مسئله که تحقق شبکه قراردادی در تأمین مالی پروژه محور مورد تأیید اقتصاد به‌عنوان منشاء ظهور این تکنیک از تأمین مالی است، آنگاه در بخش بعدی به بحث حقوقی شبکه قراردادی به‌عنوان ماهیت تأمین مالی پروژه محور پرداخته می‌شود.

۳-۱. فروض اقتصادی، مؤید شبکه‌ای بودن قراردادهای تأمین مالی پروژه محور

در تأمین مالی پروژه محور وجود قراردادهای پروژه (قراردادهای غیر مالی) که کارکرد اصلی آنها انتقال ریسک از بازیگران به شرکت پروژه است، مباحث مالی پروژه (از جمله نرخ سود، مباحث مربوط به وام پروژه و ساختار سرمایه شرکت) را تحت تأثیر قرار می‌دهند و به این ترتیب اسناد پروژه، برخلاف سایر تکنیک‌های تأمین مالی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین مالی پروژه محور داشته و پایه و مبنای معاملات را در این نوع از تأمین مالی تشکیل می‌دهند؛ به‌حدی که در تأمین مالی پروژه محور این اعتقاد وجود دارد که اسناد پروژه نه تنها بر هزینه‌های گرفتن وام (از لحاظ هزینه و حاشیه سود)، بلکه بر طراحی ساختار مالی پروژه، کاهش سطح ریسک‌های قابل پیش‌بینی، کاهش هزینه تأمین مالی و افزایش اهرم مالی شرکت (افزایش نسبت بدهی به دارایی) نقش به‌سزایی دارد (کرلی و گتی و استفانی، ۲۰۱۰، ۵).

حقوق و تعهدات اسناد پروژه تعیین‌کننده رفتار آتی جریان نقدینگی پروژه است و هر چقدر انعقاد قراردادهای بلندمدت پروژه (قراردادهای غیر مالی) به ثبات تولید جریان نقدینگی کمک کند، این شبکه غیر مالی می‌تواند تأثیری بیشتری روی شروط قراردادهای مالی پروژه داشته باشد، خصوصاً در شرایطی که این قراردادها به‌درستی اجرا شده و با عدم نقض خود، تفاوت بین جریان نقدینگی واقعی و جریان نقدینگی پیش‌بینی شده را به



حداقل برساند، چراکه به کاهش ریسک‌های وام‌دهنده و در نهایت ریسک‌های بانیان پروژه می‌انجامد (لیزارد و میلر^۱، ۲۰۰۱). به این ترتیب وجود اسناد پروژه، که تعیین‌کننده حقوق و تعهدات قراردادهای تأمین مالی پروژه‌محور هستند، به طرز چشم‌گیری ریسک وام‌دهنده را کاهش داده و منجر به کاهش نرخ بهره و افزایش اهرم مالی (یا به عبارتی نسبت بدهی به دارایی پروژه) می‌شود (کرلی و گتی و استفانی، ۲۰۱۰، ۹).

همچنین تحقیقات آماری که تاکنون انجام شده نیز تأییدی بر این مدعا هستند که ثبات جریان نقدینگی و کاهش ناپایداری در سطح تولید جریان نقدینگی می‌تواند به موفقیت مذاکره برای نسبت بالاتری از بدهی به حقوق سهامداران کمک کند. این عبارت نشان می‌دهد که طراحی درست قراردادهای پروژه و تحلیل و تخصیص درست ریسک‌های تفلسی به بانیان پروژه، این توانایی را ایجاد می‌کند تا شرکت پروژه با هزینه کمتری پروژه را جلو برده و دلواپسی‌ها و ریسک‌های وام‌دهنده را کاهش دهد. به این ترتیب، تأمین مالی پروژه‌محور چیزی نیست جز شبکه بین قراردادهای مالی و قراردادهای پروژه (کرلی و گتی و استفانی، ۲۰۱۰، ۸-۶).

در تحلیل اقتصادی روابط بین ابعاد مختلف تأمین مالی پروژه‌محور می‌توان به مفروضات زیر استناد کرد:

الف) فرضیه اول این است که با تخصیص مناسب ریسک در قراردادهای غیر مالی و تنظیم دقیق این قراردادها، از عدم ثبات و تزلزل جریان نقدینگی کاسته شده و باعث کاهش گسترش و تطویل وام^۲ می‌شود. در واقع براساس تئوری هزینه معاملات در اقتصاد می‌توان با تنظیم قراردادهای دوجانبه‌ای که جزئیات در آنها به روشنی مشخص شده و با تخصیص مناسب ریسک‌های قابل پیش‌بینی، از بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه بازیگران جلوگیری کرد. ضمن اینکه از آنجاکه معمولاً طرفین قراردادهای کلیدی، خود بانیان پروژه نیز هستند، همین امر انگیزه کافی برای حمایت از قرارداد را ایجاد می‌کند، و چون جریان نقدینگی کمتر در معرض رفتارهای فرصت‌طلبانه است، خود باعث اجرای صحیح پروژه و کاهش سطح

1. Lessard & Miller

2. loan spread



ناپایداری سودی است که به سهامداران تعلق می‌گیرد. همچنین طراحی صحیح قراردادهای و اعمال شروط^۱ دقیق در قرارداد وام می‌تواند از طریق محدود کردن اختیارات مدیریتی و بحث جایگزین‌داری، باعث کاهش هزینه نمایندگی بین بانیان پروژه و وام‌دهندگان شوند (کرلی و گنتی و استفانی، ۲۰۱۰، ۱۱-۱۰). به این ترتیب وجود شروط مناسب و صحیح و طراحی دقیق قرارداد وام، با تعهداتی که ایجاد می‌کند احتمال اینکه وام‌دهنده در معرض ریسک قرار گیرد را کاهش می‌دهد (برکویچ و کیم^۲، ۱۹۹۰، ۷۹۴-۷۶۵). ضمن اینکه در عمل ثابت شده که هر چقدر قراردادهایی با ریسک کمتر منعقد شوند، کاهش حاشیه سود و متقابلاً کاهش هزینه‌های وام را به همراه خواهند داشت (کرلی و گنتی و استفانی، ۲۰۱۰، ۱۱-۱۰).

ب) فرضیه دوم، که خود ارتباط زنجیره تأمین مالی پروژه محور را قوت می‌بخشد، این است که اگر طرف‌های قراردادهای پروژه به واسطه برخورداری از سهم در شرکت پروژه بانی پروژه نیز باشند، به واسطه کاهش گسترش و یا تطویل وام، هزینه نمایندگی نیز کاهش می‌یابد. در واقع، داشتن حقوق و اختیارات نسبت به باقیمانده جریان نقدینگی و کنترل قراردادی بر دارایی از سوی بازیگران کلیدی تأمین مالی پروژه محور، انگیزه‌ای می‌شود تا منافع سهامداران و اطراف‌های قراردادهای هم‌سو و هم‌جهت گردد.

ج) فرضیه سوم آنکه ارتباط قراردادهای غیرمالی با مباحث مالی پروژه مربوط به تأثیری است که تسهیم صحیح ریسک در قراردادهای غیرمالی از طریق کاهش سطح ناپایداری جریان نقدینگی بر ساختار سرمایه پروژه می‌گذارد. به عبارت دیگر، هر چقدر ثبات جریان نقدینگی و ضریب اطمینان وام‌دهنده بیشتر باشد، تمایل به افزایش نسبت بدهی به حقوق سهامداران شرکت پروژه (بانیان) بیشتر شده و به همان نسبت از سهم آورده سهام بانیان و سهامداران پروژه کاسته می‌شود. در تحقیقی که در سال ۱۹۹۰ میلادی انجام شده به تفصیل به این موضوع پرداخته شده (فاما^۳، ۱۹۹۰، ۷۲) و اثبات شد در جایی که پروژه از درآمد ناپایداری برخوردار است، بانیان پروژه مجبور هستند تا آورده سهام را در ساختار سرمایه افزایش دهند. همچنین تحقیق به عمل آمده در سال ۱۹۹۱ میلادی نشان داد که

1. covenant
2. Berkovitch & Kim
3. Fama



مقدار وامی که به پروژه اختصاص داده می‌شود، ارتباط مستقیمی با مشخصه دارایی‌های تأمین مالی (چه اموال مادی و چه اموال معنوی)، سطح اختیارات مدیریتی و تکنولوژی در پروژه دارد (جان‌تی و جان‌کی^۱، ۱۹۹۱، ۵۲). از همین‌رو در قراردادهای تأمین مالی پروژه محور تلاش می‌شود تا از طریق کاهش اختیارات مدیریتی و به تبع آن، کاهش ناپایداری سطح درآمد و هزینه‌ها، به ثبات جریان نقدینگی رسید (کرلی و گتی و استفانی، ۲۰۱۰، ۱۳). کاهش سطح ناپایداری در تأمین مالی پروژه محور از طراحی درست اسناد پروژه صورت می‌پذیرد. این امر محقق نمی‌شود مگر از طریق انعقاد قرارداد ساخت یا EPC (مهندسی، تأمین و ساخت) به صورت کلید در دست^۲ به نحوی که قیمت از قبل مشخص شده و در آن پیمانکار ساخت متعهد به تحویل در زمان معلوم و در سطح اجرایی که استانداردهایش از قبل مشخص شده، می‌باشد. همچنین انعقاد قرارداد تأمین مواد اولیه‌ای که مشخصه‌های مواد اولیه تحویلی به لحاظ کمی و کیفی، از قبل مشخص شده و ضمانت شده‌اند و در نهایت انعقاد قرارداد فروش محصول در قالب‌هایی مانند برداشت یا پرداخت^۳، تا شرکت پروژه و وام‌دهنده را نسبت به فروش همه یا بخشی از محصول، بدون قید و شرط و با قیمتی که از قبل مشخص شده، در یک بازه زمانی مشخص آسوده خاطر سازد. (کرلی و گتی و استفانی، ۲۰۱۰، ۶). بنابراین، عدم وجود قراردادهای کلیدی پروژه منجر به پایین آمدن نسبت بدهی به حقوق سهامداران شده و این فرضیه ثابت می‌شود که به دلیل وجود قراردادهای بلندمدت پروژه و نسبت بدهی به حقوق سهامداران، رابطه مستقیمی بین نحوه طراحی قراردادهای کلیدی پروژه و کاهش سطح ناپایدار جریان نقدینگی پروژه وجود دارد (کرلی و گتی و استفانی، ۲۰۱۰، ۳۰-۳۱).

۳-۲. تئوری‌های اقتصادی، معرف شبکه قراردادی در تأمین مالی پروژه محور

ویلیامسون^۴ در مقاله‌ای که در سال ۱۹۸۸ میلادی منتشر کرد به لزوم یکپارچگی و همبستگی بین حاکمیت شرکتی و تئوری مالی پرداخته و از طریق تئوری هزینه معاملات،

1. John T. & John K.
2. Turn key
3. Take or pay
4. Williamson



با ورود به بحثی میان‌رشته‌ای، پلی ارتباطی بین تأمین مالی پروژه محور و مباحث مدیریت پروژه ایجاد کرد. او معتقد است که تأمین مالی شرکتی مدرن (تأمین مالی پروژه محور برگرفته از تأمین مالی شرکتی مدرن است) و حاکمیت شرکتی هم‌راستا بوده و از این رو لازم است تا بین آنها یکپارچگی وجود داشته باشد (مولنر، ۲۰۱۷، ۱۱۴-۱۰۷). در همین راستا تئوری نمایندگی منعکس‌کننده دو جنبه مالی و مدیریتی تأمین مالی پروژه محور می‌باشد (جنسن، ۱۹۸۶؛ جنسن و مک‌کلینگ^۱، ۱۹۷۶) و ماهیت چند بازیگری نیز این تکنیک را در معرض مباحث چندلایه‌ای تئوری نمایندگی قرار می‌دهد (فارل^۲، ۲۰۰۳، ۵۴۷-۵۶۱). در واقع در تأمین مالی پروژه محور بحث هزینه نمایندگی در چندین لایه محقق می‌شود: در رابطه بانیان پروژه با یکدیگر، رابطه وام‌دهندگان پروژه با یکدیگر، رابطه بین بانیان پروژه و وام‌دهندگان و همچنین در رابطه بین شرکت پروژه و ذی‌نفعان داخل شرکت. از جنبه مالی به جهت ویژگی ذاتی و خاص تأمین مالی پروژه محور در جداسازی پروژه و انگیزه مالی که به دنبال این مسئله ایجاد می‌شود، دید مثبتی به این نوع از تأمین مالی وجود دارد. به‌طوری که دلیل اصلی رشد تأمین مالی پروژه محور در ساختار سرمایه‌گذاری شفافیتی است که نسبت به مسئله نمایندگی وجود دارد، درحالی که در دیگر اشکال سرمایه‌گذاری این نوع از شفافیت وجود ندارد (بریلی، کوپر و حبیب^۳، ۱۹۹۶، ۲۷). در این راستا تئوری هزینه نمایندگی متمرکز بر ساختارسازی هست که قبل از آغاز پروژه انجام می‌شود، بدون اینکه دانش زیادی یا تحلیلی نسبت به آنچه بعد از سرمایه‌گذاری بین نمایندگان یا نهادها اتفاق می‌افتد، داشته باشد (مولنر، ۲۰۱۷، ۱۱۳) چراکه تأمین مالی پروژه محور نیز به دنبال این است که از ابتدا چاره‌ای برای کاهش ریسک بازیگران پروژه ارائه دهد.

تئوری هزینه معاملاتی در بین تئوری‌های رایج، منطق بسیاری از تصمیمات سرمایه‌گذاری را توجیه می‌کند (ویلیامسن، ۱۹۷۹، ۲۶۳-۲۳۳). ویلیامسون اولین محقق است که تئوری هزینه معاملاتی را به ساختار مالی و تأمین مالی پروژه محور ارتباط داد. او

1. Jensen & Meckling

2. Farrell M.

3. Brealey, Cooper & Habib



معتقد است که شرکت‌ها با ایجاد ساختار حاکمیتی از معاملات در برابر رفتار فرصت‌طلبانه دولت میزبان حمایت می‌کنند^۱ (ویلیامسون، ۱۹۸۸، ۵۶۹). اصولاً اعمال تئوری هزینه معاملاتی نسبت به سایر تئوری‌ها رواج بیشتری دارد، چراکه تکیه شرکت‌ها بر معاملاتی است که در بازار انجام می‌دهند (مانند صادرات، لیسانس‌ها و ...) (هنارت^۲، ۲۰۱۰، ۲۵۸). با این وجود فلسفه تأمین مالی پروژه‌محور از منطق کاهش هزینه معاملاتی پیروی نمی‌کند و بانیان پروژه خود را درگیر حداقل‌سازی هزینه‌های معاملاتی نمی‌کنند. در واقع در این تکنیک بانیان نرخ بالای هزینه معاملاتی - که از پیچیدگی قراردادها منتج می‌شود - و نرخ بالای سود را پذیرفته‌اند و در ازاء آن، فایده تأمین مالی پروژه‌محور را در کاهش ریسک این تکنیک می‌بینند. نکته مثبت این تکنیک در کنترل گسترده‌ای است که از سوی وام‌دهنده نسبت به پروژه‌های پرریسک اعمال می‌شود (دیوید و هان^۳، ۲۰۰۴، ۴۲). از این رو هماهنگی که در مدیریت ریسک تأمین مالی پروژه‌محور از سه طریق توزیع ظرفیت‌ها^۴، قراردادها و شیوه اقتصادی-اجتماعی^۵ انجام می‌شود، نیازهای کنترل ریسک را برآورده می‌کند^۶ (مولنر، ۲۰۱۶، ۸۱۴-۸۰۰) و جایگزین بحث اعتبارسنجی می‌شود که در سرمایه‌گذاری‌های خارجی پرریسک وجود دارد (مولنر، ۲۰۱۶، ۱۲۳).

۴. تحلیل حقوقی شبکه قراردادی تأمین مالی پروژه‌محور

آنچه تاکنون به آن پرداخته شد، نتیجه را به این سمت می‌برد که تأمین مالی پروژه‌محور چیزی نیست جز شبکه‌ای از قراردادها؛ شبکه قراردادی که در آن همه قراردادها، از اسناد مالی گرفته تا اسناد پروژه به هم مرتبط، رابطه زنجیرواری را ایجاد می‌کنند. تعریف شبکه قراردادی و تحلیل ماهیت حقوقی تأمین مالی پروژه‌محور به عنوان شبکه قراردادی،

۱. برای شرح بیشتر در این خصوص به مقاله حسین اشکوه مراجعه شود.

2. Hennart

3. David & Han

4. diversification capabilities

5. socio-economic

۶. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

Mullner J., From uncertainty to risk- a risk management framework for market entry



نگارندگان مقاله را به این استنتاج رهنمون ساخت که لازم است تا ماهیت جدیدی در حقوق برای شبکه قراردادی تأمین مالی پروژه محور به طور مستقل و منفک از بحث حقوق قراردادهای و حقوق شرکت‌ها تعریف و شناسایی کرد. بنابراین، با این باور که شبکه قراردادی در تئوری‌های حقوقی نمی‌گنجد، دیدگاه دو نظام حقوقی کامن‌لا و سیویل‌لا را نسبت به این ماهیت جدید مطرح کرده‌اند.

۴-۱. جایگاه شبکه قراردادی در بین تئوری‌های حقوقی

شبکه قراردادی^۱ در قراردادهای تأمین مالی پروژه محور را می‌توان از طریق بیان مشخصه آن اینگونه تعریف کرد: شبکه قراردادی منتج از همیاری و همکاری بین افراد و بازیگران متعدد قراردادی که از لحاظ حقوقی مستقل از یکدیگر بوده و برای رسیدن به یک هدف مشترک گام برمی‌دارند. این شبکه‌ها وقتی به وجود می‌آیند که عدم قطعیت پروژه و حجم سرمایه‌گذاری در آن بالا بوده و به نتیجه حاصل از روابط قراردادی، به‌تنهایی و به صورت انفرادی قابلیت دسترسی وجود نداشته باشد. در این حالت با تضمین نظارت و کنترلی همسان و گسترده بر کل شبکه، به حل مسائل اجرایی قرارداد پرداخته می‌شود. در شبکه‌های قراردادی بیشتر تمایل به سمت یک فعالیت خاص می‌باشد. مکانیزم شبکه قراردادی بایستی به نحوی طراحی شود که اعضا اعتماد کافی برای ارائه دانش و اطلاعات به شبکه و سهم‌شدن در ریسک‌های تفلسی را داشته باشند و بتواند ارتباط و درهم‌تنیدگی مالی و فنی شبکه را به همراه داشته باشد. هرچه این درهم‌تنیدگی بیشتر شود، ارتباط زنجیره‌ای بین اعضا محکم‌تر، خروج آنها از شبکه پرهزینه‌تر و فرصت برای بروز رفتار فرصت طلبانه کمتر می‌شود. ارتباط و درهم‌تنیدگی بین اجزاء، نیاز به حمایت در برابر بخش‌هایی از فعالیت پروژه که به همیاری و اجرای سایر اعضا تکیه می‌شود را پررنگ‌تر ساخته و نیاز به اصلاح ساختاری را که در آن به انتخاب بین اجرا یا نقض پرداخته می‌شود را افزایش می‌دهد؛ همان چیزی که ماهیت شبکه قراردادی را برای قرارگرفتن در حوزه حقوق قراردادهای و تئوری نسبی بودن قراردادی به چالش دعوت می‌کند (کفگی^۲، ۲۰۱۱، ۲).

1. contractual network

2. Cafaggi



در پاسخ به این سؤال که آیا شبکه قراردادی می‌تواند در حوزه حقوق قراردادهای و یا حقوق شرکت‌ها قرار گیرد، استنباط می‌شود از آنجا که اصولاً مرز بین حقوق قراردادهای و حقوق شرکت‌ها روشن است، بنابراین، شبکه قراردادی در یک منطقه خاکستری قرار دارد که تداخلی از حقوق قراردادهای و حقوق شرکت‌ها است. چالش شبکه قراردادی در این است که هم از ویژگی‌های حقوق قراردادهای و هم از ویژگی‌های حقوق شرکت‌ها بهره می‌برد. شبکه قراردادی مستلزم استفاده از ابزار مدیریتی جامع، یکپارچه و منسجم تفسلی است که منعکس‌کننده سطح بالاتری از پیچیدگی نسبت به قراردادهای دوجانبه هستند. شبکه قراردادی تداخل قراردادهایی است که تا حدودی اصل نسبی بودن در آنها رعایت نشده و برای ثالث ایجاد حق شده است. شبکه قراردادی مبتنی بر قراردادهای دوجانبه‌ای است که زنجیروار به هم مرتبط بوده (کفگی، ۲۰۱۱، ۱۰) و در آن برای ثالث مسئولیتی فراتر از حقوق سنتی قراردادهای و آنچه در قراردادهای معمول دوجانبه وجود دارد، در نظر گرفته می‌شود.

به این ترتیب اولین چالش، به نظریه سلسه‌مراتبی قراردادهای و به تعارضی مربوط می‌شود که بین این نظریه و اصل نسبی بودن قراردادهای رخ می‌دهد. در تأمین مالی پروژه محور زنجیره عمودی بین اسناد پروژه به نحوی است که این قراردادهای کاملاً از هم تأثیر می‌گیرند به نحوی که نافذ شدن هر یک از قراردادهای تحت تأثیر عملکرد سایر قراردادهای پروژه می‌باشد. به این ترتیب، قراردادهای درهم تنیده در شبکه قراردادی برخلاف اصل نسبی بودن در حقوق قراردادهای - که در آن نسبت به تأثیر و تأثر هر قرارداد نسبت به سایر قراردادهای و ثالث، محدودیت وجود دارد - عمل می‌کنند. در حقوق شرکت‌ها نیز با اینکه مرزهای شرکت انعطاف بیشتری دارد و این انعطاف با افزایش کارایی شرکت همراه است، اما تحقق یک شرکت مستلزم چارچوبی حقوقی است؛ تولید کالا و خدمات غالباً نیازمند آورده چندین عضو است؛ اجرای این اعضا از هم مستقل بوده و همه به سمت یک هدف مشترک می‌روند. این ویژگی تلویحاً نشان می‌دهد که تخصیص ریسکی که در اینجا رواج دارد پاسخگوی تخصیص ریسکی که هدف شبکه است، نمی‌باشد. در شبکه قراردادی نقض هریک از اعضا، امکان‌پذیری اجرای پروژه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، لازم است تا تخصیص ریسک مورد توافق اعضایی باشد که چه بسا به طور مستقیم طرف قرارداد



محسوب نمی‌شوند. همانطور که در تأمین مالی پروژه محور به عنوان یک شبکه قراردادی تخصیص ریسک اسناد پروژه مستلزم تأیید وام‌دهنده به عنوان فرد ثالثی است که طرف قراردادهای پروژه نمی‌باشد. به این ترتیب، حوزه و دامنه ریسک مشترک در شبکه قراردادی فراتر از مرز روابط قراردادی است. (کفگی، ۲۰۱۱، ۶۸).

تعارض بعدی شبکه قراردادی به لزوم وجود قراردادهای ناقص^۱ مربوط می‌شود. در تأمین مالی پروژه محور ارتباط بین ابعاد مالی و مدیریتی مستلزم وجود قراردادهای مالی ناقص است (مولنر، ۲۰۱۷، ۱۲۲) به نحوی که ویلیامسون لازمه مدیریت تأمین مالی پروژه محور را در وجود اختیارات فرصت طلبانه، قراردادهای ناقص و هزینه‌های معاملاتی می‌داند که از قبل صورت گرفته است (مولنر، ۲۰۱۷، ۱۰۷) به اعتقاد فاما در تأمین مالی پروژه محور ترتیبات مالی را نمی‌توان منفک از سایر ارتباطات زنجیره‌ای دانست. از طرفی چون اغلب طرفین نمی‌توانند همه احتمالات آینده را پیش‌بینی کنند و ممکن است ابزار مناسب هجینگ یا پوشش دهی ریسک نیز وجود نداشته باشد، قراردادهای ناقص از این قابلیت برخوردار هستند که ریسک را بین ذی‌نفعان تقسیم کنند (فاما، ۱۹۹۰، ۷۵)؛ در حقیقت با وجود ارتباط تنگاتنگ بین قرارداد وام و تضامین بازپرداخت با قرارداد تحویل (آف‌تیک)، وجود قراردادهای ناقص در زنجیره اسناد تأمین مالی پروژه محور منجر به روابط ساختاری بین گسترش و تطویل وام^۲ و عوامل ریسک می‌شود، تا جایی که ریسک‌های باقی‌مانده را بین سهامداران و وام‌دهندگان تقسیم کند (دیلمی و هاسوالد، ۲۰۰۵، ۱۵-۱۶). به این ترتیب، چالش بعدی در پاسخ به وجود قراردادهای ناقص در شبکه قراردادی می‌باشد. معمولاً این قراردادها در جایی به کار می‌روند که چاره‌ای در برابر عدم قطعیت‌ها وجود نداشته و جلوگیری از بروز رفتارهای فرصت طلبانه‌ای که ناشی از عدم تقارن اطلاعات است، از دغدغه‌های اجرا محسوب می‌شود؛ درحالی‌که قرار گرفتن در قالب شرکتی نیز به عنوان یک گزینه ارزان و کارا، اصولاً بیش از حد بوروکراسی و دارای مقررات زائد و دست‌وپاگیر می‌باشد. از این رو شبکه‌ها به وجود آمدند تا پروسه تولید را

1. incomplete contract
2. credit spread
3. Deilami & Hauswald



درجایی که رقابت در بازار انعطاف بالایی را می‌طلبد و به توانایی بالایی برای تطابق با شوک‌ها و تغییرات بیرونی احتیاج است، پاسخگو باشند (کفگی، ۲۰۱۱، ۴).

علاوه بر موارد فوق، به طور معمول ماهیت قراردادهای به این ترتیب است که هریک از طرفین به دنبال حداکثرسازی منافع خویش است؛ درحالی که در شرکت هدف مشترکی بین طرفین شرکت‌کننده دنبال می‌شود. بنابراین، مرز بین قرارداد و شرکت، در تفاوت رقابت (قرارداد) و همکاری (شرکت) است (کفگی، ۲۰۱۱، ۱۰). یک نگاه دقیق به قراردادهای نشان می‌دهد که روابط قراردادی در بردارنده دو بعد همیاری و رقابت هستند؛ درحالی که، وجود اهداف و سود مشترک خارج از بحث قراردادی و به حقوق شرکت‌ها مربوط می‌شود. با این وجود، برای مواقعی که بحث شبکه‌های قراردادی با سطح بالایی از عدم قطعیت‌ها همراه است، شرکت‌ها گزینه مناسبی محسوب نمی‌شوند و قابلیت استناد چندانی ندارد. در این مواقع ترجیح به سمت استفاده از سیستم قراردادی است که برای همکاری و توسعه یک پروژه مشترک در قالب شبکه تشکیل شده باشد (کفگی، ۲۰۱۱، ۱۰). شبکه‌های قراردادی تجمع یک سری از افراد برای رسیدن به یک هدف مشترک است؛ پس نتیجه گرفته می‌شود که وجود هدف مشترک لزوماً به معنای استفاده از مدل شرکتی نیست و این هدف می‌تواند از طریق شبکه‌ای از حقوق و تعهدات که در آن شکل گرفته‌اند، در روابط خاص شبکه با اعضایش تخصیص یابد.

با توجه به آنچه بیان شد، از یک سو حقوق قراردادهای به جهت تمرکز روی اصل نسبی بودن، اثرات خارجی قراردادهای دوجانبه بر افراد ثالث را توجیه نمی‌کند. از سوی دیگر، حقوق شرکت‌ها نمی‌تواند تحلیل درستی از شبکه‌های قراردادی ارائه دهد، چراکه از انعطاف کافی، آن‌طور که لازمه منعطف بودن ترتیبات شبکه‌های قراردادی است، برخوردار نیست (آمستوز و تیوبر^۱، ۲۰۰۹، ix). در نتیجه، شبکه قراردادی به طور مستقیم در هیچ یک از تئوری‌های حقوقی نمی‌گنجد و ضرورت دارد تا ماهیت جدیدی در حقوق برای آن تعریف شود. درحالی که با ورود بحث شبکه‌ها به دکتترین حقوقی، این امکان وجود دارد که سؤالات بی‌جوابی که در سالیان متمادی برای دادگاه و دکتترین حقوقی، به جهت تأکید بر نسبی بودن

قراردادها در دکترین به وجود آمده، جواب داده شود؛ به ویژه سؤال بی جوابی که در خصوص اثرات خارجی یک قرارداد دوجانبه بر ثالث به وجود می آید (آمستوز و تیونبر، ۲۰۰۹، xii).

۵. مطالعه تطبیقی جایگاه و روابط شبکه‌های قراردادی در دو نظام حقوقی

سیویل لا و کامن لا

۵-۱. نظام حقوقی فرانسه

در نظام حقوقی فرانسه از اصطلاح *Groups de contracts* یا *Ensemble contractual* برای معرفی قراردادهای مرتبط استفاده می شود که به معنای یکپارچگی قراردادی است. با این وجود، در این نظام حقوقی ساختار قراردادهای مرتبط لحاظ نشده و چون به قرارداد به عنوان یک ساختار واحد نگریسته می شود، شناسایی شبکه قراردادی مستلزم یک سری بازنگری‌ها است (کفگی، ۲۰۱۱، ۱۶۳). از نگاه دکترین حقوق فرانسه، قراردادهای مرتبط و در هم تنیده، با آثار حقوقی همراه هستند که در ادامه تحت دو عنوان: اثر حقوقی قراردادهای مرتبط بر همدیگر و اثر حقوقی قراردادهای مرتبط بر طرفین قراردادها، بررسی می شوند.

الف) اثر حقوقی قراردادهای مرتبط بر همدیگر: در رابطه با آثار حقوقی قراردادهای مرتبط بر سایر قراردادهای پروژه، مهمترین اثر حقوقی بحث تفسیر این قراردادهاست که لازم است هر قرارداد به عنوان بخشی از کل، در راستای سایر قراردادهای شبکه تفسیر می شود تا در نهایت قراردادها به سمت یک هدف مشترک سوق پیدا می کند. برای این منظور لازم است تا اثر حقوقی این دیدگاه در دو مورد ارزیابی قراردادها و فسخ قراردادها به تفکیک تحلیل شود.

۱. **ارزیابی قراردادها.** در رابطه با ارزیابی قراردادها، استفاده از قراردادهای مرتبط منجر به این می شود که تحلیل شروط قراردادی یک قرارداد براساس سایر قراردادهای شبکه صورت گیرد. به عنوان مثال، در تحلیل اعتبار یک قرارداد در شبکه، برای اینکه حتی الامکان از بطلان قرارداد جلوگیری شود، قراردادهای مرتبط بر مبنای سایر قراردادها تحلیل می شود. به این ترتیب، قراردادی که ممکن است براساس شروط مندرج در خود قرارداد غیرنافذ محسوب شود، می تواند براساس سایر قراردادهای شبکه نافذ باشد. در این خصوص



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۶۶

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰



می‌توان به بحث پایین‌بودن قیمت قرارداد اشاره کرد. به موجب حقوق فرانسه، برای اینکه قرارداد فروش نافذ باشد، بایستی از قیمت معقولی برخوردار باشد. حال ممکن است چنین قراردادی که به موجب عدم وجود چنین شرطی قابل بطلان است، وقتی در یک شبکه قراردادی قرار می‌گیرد، نافذ باقی بماند؛ صرفاً به این دلیل که قرارداد فروش بخشی از شبکه قراردادی است که در آن سبب تعهدات فروشنده مشخص است (کفگی، ۲۰۱۱، ۱۷۴). در تأمین مالی پروژه محور این اثر حقوقی می‌تواند نقش پر رنگی در حمایت از وام‌دهنده در راستای اطمینان از عدم فسخ قراردادهای پروژه، که نقش وثیقه برای بازپرداخت وام وام‌دهنده را ایفا می‌کنند، داشته باشد. همین رویکرد در شروط قراردادی نیز به کار می‌رود؛ به این ترتیب که یک شرط قراردادی می‌تواند قابل اعمال بر قرارداد دیگری باشد که در آن قرارداد به این شرط اشاره نشده است. این موقعیت صرفاً در جایی قابل اعمال است که قراردادها با هم لینک بوده و یک کل را تشکیل دهند. همچنین از مثال‌های رایج در این خصوص شرط داوری است که در یکی از قراردادهای شبکه مقرر شده، حال این شرط قابلیت اعمال بر سایر قراردادهای مرتبط را نیز دارد (بلنک^۱، ۱۹۹۷، ۷۰۷).

۲. فسخ قراردادها. دکتین حقوقی فرانسه در قراردادهای مرتبط با هم معتقد به سرایت فسخ از قراردادی به سایر قراردادهای شبکه هستند. در واقع تا مدت‌ها نظام حقوقی فرانسه نسبت به قابلیت فسخ قراردادها در پی یک قرارداد، با چالش روبه‌رو بود تا اینکه در سال ۲۰۰۶ در این خصوص به اجماع رسیدند. با این مضمون که در یک شبکه قراردادی بطلان یا فسخ یک قرارداد منجر به «caducite» در سایر قراردادها می‌شود.^۲ این اصطلاح ترجمه دقیقی ندارد. نوعی از ابطال محسوب شده و در جایی قابلیت اعمال دارد که عنصری که لازمه اعتبار یک قرارداد است به دلیل خاصی اثر خود را در طول اجرای قرارداد از دست داده است. دلیل خاص در اینجا وجود و اجرای قراردادهایی هستند که لازمه وجود شبکه قراردادی محسوب می‌شوند (کفگی، ۲۰۱۱، ۱۷۴) و اثر حقوقی به واسطه ارتباط زنجیره‌ای بین اسناد در تأمین مالی پروژه محور محقق می‌شود؛ به نحوی که به جهت پیش‌نرفتن

1. Blanc

۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: کفگی، ۲۰۰۱، ب، ۱۷۴.



زنجیره عمودی قراردادهای پروژه طبق برنامه از قبل تعیین شده، بقیه قراردادهای قابلیت اجرایی خود را از دست می‌دهند.

ب) اثر حقوقی قراردادهای مرتبط بر طرفین قراردادها. درهم‌پيچیدگی و ارتباط بین قراردادهای این اختیار را برای ثالث قرارداد ایجاد می‌کند که به استناد قرارداد دیگری، حق را به اجرا بگذارد. به این ترتیب، یک قرارداد منجر به ایجاد آثاری برای شخص ثالث می‌شود و این امر استثنایی بر اصل نسبی بودن قراردادهای می‌باشد. در تأمین مالی پروژه محور نیز وام دهنده به عنوان ثالث قراردادهای پروژه از حقوقی نسبت به قراردادهای پروژه برخوردار باشد. دو نوع حق برای وام‌دهنده به عنوان ثالث قرارداد می‌تواند ایجاد شود: حق ادعای خسارت و حق مستقیم جبران خسارت.

۱. حق ادعای خسارت. درخصوص حقی که برای ثالث نسبت به ادعای خسارت به وجود می‌آید، لازم به توضیح است که این اتفاق در جایی محقق می‌شود که ثالث از عدم انجام تعهد و اجرای قرارداد خسارت ببیند و درحالی خواهان جبران خسارت باشد که هیچ گونه قراردادی بین خسارت دیده و خسارت زننده وجود ندارد. مسئله این است که آیا فرد خسارت دیده در نبود رابطه قراردادی می‌تواند بابت نقض قرارداد بین دو طرف دیگر، ادعای خسارت کند؟ پاسخ این سؤال به این بستگی دارد که آیا قرارداد مطروحه و ثالث زیان دیده در رابطه یک شبکه قراردادی قرار دارند یا خیر؟. شبکه قراردادی این حق را برای طرفین به وجود می‌آورد که بر علیه طرف قراردادی که موجب خسارت شده، ادعای خسارت کنند؛ درحالی که، در حالت معمول صرفاً می‌توان از طریق حقوق مسئولیت مدنی ادعای خسارت کرد. دادگاه‌های فرانسه چنین اثر حقوقی را برای قراردادهای مرتبط قائل هستند و هدف از شناسایی این حق، ایجاد تسهیلات جبران خسارت از طریق ادعای خسارت مستقیم نسبت به شخص مسئول و ایجاد تسهیلات برای اثبات نقض است. به این ترتیب لازمه ایجاد حق برای ثالث در روابط قراردادی وجود زنجیره قراردادی می‌باشد (کرل^۱، ۲۰۱۱، ۱۳). این مسئله در تأمین مالی پروژه محور که از ویژگی عدم حق ارجاع برخوردار است، می‌تواند انگیزه قابل تاملی برای ورود وام‌دهنده به پروژه باشد.



۲. حق مستقیم جبران خسارت. حق مستقیم جبران خسارت و یا به عبارتی «action directe» به این معنا که حق مستقلاً برای ثالثی که مدعی ذی نفع بودن در قرارداد است ایجاد می‌شود (فابریزو کفگی^۱، ۲۰۱۱، ۱۷۷). در تأمین مالی پروژه محور از طریق تعهدات وام گیرنده در قراردادهای بیمه‌ای که منعقد می‌شود این حق برای وام‌دهنده تأمین مالی پروژه محور در نظر گرفته می‌شود. همچنین وام‌دهنده نسبت به بازیگران پروژه و دولت میزبان، از طریق انعقاد قرارداد مستقیم^۲ این خواسته را عملی می‌سازد؛ در حالی که، اگر معتقد به تحقق شبکه در تأمین مالی پروژه محور باشیم نیاز به انعقاد قراردادهای مستقیم کم‌رنگ‌تر می‌شود.

از آنچه نسبت به نظام حقوقی فرانسه بیان شد می‌توان استنباط کرد که یک رژیم واحد جوابگوی شبکه قراردادی نیست. البته که باید به قطعیت‌های حقوقی برای حل مسائل شبکه‌ها رسید، اما شبکه‌های قراردادی مستلزم ابزار و راه‌حلی منعطف هستند، و این به جهت پیچیدگی و تنوع و چندگانگی است که در شبکه‌های قراردادی وجود دارد. بنابراین، مقرر کردن یک راه حل ثابت و غیر منعطف حقوقی جوابگوی چالش‌های شبکه‌ها نیست. ضمن اینکه مقررات‌گذاری‌ها می‌توانند نتیجه معکوس داشته و منجر به تشویق بازیگران شبکه به ایجاد ساختارهای جدید برای فرار از انعطاف ناپذیری‌های حقوقی شود. اگر چارچوبی برای طراحی یک شبکه قراردادی در نظر گرفته می‌شود، مهم است که منعطف باشد. در همین راستا پدر علم حقوق فرانسه معتقد است که گاهی لازم است تا در وضع قوانین خساست به خرج داد (پرتالیز^۳، ۱۹۸۸).

۲-۵. نظام حقوقی انگلیس

تحلیل حقوقی موضوعی که وجودش در نظام حقوقی به رسمیت شناخته نشده، امری دشوار است. در حقوق انگلیس هم شبکه‌های قراردادی چه تحت این نام، چه تحت نام‌های دیگر به رسمیت شناخته نشده‌اند و به تبع آن قانونی در این زمینه وضع نشده است. اینکه چرا برخلاف سایر نظام‌های حقوقی، نظام حقوق انگلیس کمتر به این پدیده جدید

1. Fabrizio Cafaggi

2. direct agreement

3. portalis



تن داده، ریشه در تعصبی دارد که دکتترین حقوق انگلیس نسبت به اصل نسبی بودن قراردادهای قائل هستند. در حقوق انگلیس ریشه اصل نسبی بودن قراردادهای به اصل حاکمیت اراده (آزادی قراردادی) برمی‌گردد. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که رویکرد حقوق انگلیس نسبت به اصل نسبی بودن قراردادهای و حق بازنگری مجدد نسبت به روابط بازیگران شبکه قراردادی که اصولاً فراتر از اصل نسبی بودن اعمال می‌شود، چیست؟ چرا حقوق انگلیس تمایلی به ایجاد حقوق قراردادی فراتر از اصل نسبی بودن ندارد و این رویکرد چه تأثیری بر مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر، فراتر از اصل نسبی بودن دارد؟ (ویتاکر^۱، ۲۰۱۱، ۲). اینکه حقوق انگلیس تا چه حد معتقد به ترتب آثار حقوقی قرارداد بر ثالث می‌باشد، و اینکه آیا این نظام حقوقی، ثالث قرارداد را محق لازم‌الاجرا شدن تعهدات قراردادی می‌داند، همان چیز است که تحت اصل نسبی بودن قراردادهای از تحمیل تعهدات از سوی ثالث جلوگیری می‌کند. در این خصوص لازم به توضیح است که حقوق انگلیس نگاه بسیار مضیقی به بحث شناسایی حق برای ثالث قراردادی دارد و این منطق را به واسطه ارتباط تنگاتنگ دکتترین اصل نسبی بودن قراردادهای با دکتترین عوضین توجیه می‌کند. به این معنا که عدم شناسایی حق برای ثالث قرارداد از این مسئله نشأت می‌گیرد که ثالث، عوضی در برابر آنچه دریافت می‌کند پرداخت نکرده است (اسمیت^۲، ۱۹۹۷، ۱۷). در خصوص دکتترین عوضین لازم به توضیح است که این دکتترین در نظام حقوق انگلیس هسته اصلی مفاهیم قراردادی را تشکیل می‌دهد. دکتترین عوضین معتقد است که قرارداد صرفاً موافقت‌نامه‌ای نیست که در آن تراضی طرفین منجر به ایجاد تعهد شده باشد، بلکه برخلاف آنچه در بسیاری از نظام‌های حقوقی رواج دارد، وجود قصد طرفین شرط کافی برای ایجاد تعهد نمی‌باشد. از نگاه این دکتترین، قرارداد نوعی چانه‌زنی است که با لفظ عوضین معنای حقوقی یافته است (رای صادره در پرونده کری علیه میسا^۳، ۱۸۷۵، ۱۶۲). اثر حقوقی این دیدگاه نسبت به قرارداد، اصل نسبی بودن قراردادهای است که به استناد آن یک فرد صرفاً در صورتی از قرارداد سود می‌برد که در ازای آن عوضی پرداخت کرده باشد.

1. Whittaker
2. Smith
3. Currie CF, v Misa



بنابراین، ثالثی که عوضی در ازاء قرارداد پرداخت نکرده، استحقاقی نسبت به منافع قرارداد ندارد (کفگی، ۲۰۱۱، ۱۸۱). با این اوصاف این سؤال باقی می‌ماند که چرا در حقوق کامن‌لا مواردی پیش‌بینی نشده که به طرفین قرارداد اجازه دهد که خودخواسته در قرارداد برای ثالث حقی قائل شوند. در واقعیت در این رابطه چالش‌هایی نیز به‌وجود آمده و پرونده‌های متعددی مطرح شدند.^۱ در نهایت این ضرورت احساس شد که بین اصل نسبی بودن و عوضین و قصد طرفین برای قائل شدن حقی برای ثالث تعادل ایجاد شود. به این ترتیب که فرم سنتی قرارداد به همان ترتیب سابق باقی بماند و صرفاً در قراردادهای خاصی، ساختار قراردادی نسبت به اصل نسبی بودن قراردادهای، ساختارسازی مجدد شود. برای این منظور یک سری از قراردادهای متمایز شدند، به این نحو که در روابط طرفین ترتیبات قراردادی چندطرفه (این مورد شامل روابط شبکه قراردادی نیز می‌شود) به شیوه خود مقررات‌گذاری اطراف قرارداد در کنار قوانین و مقررات، ساختارسازی مجدد شود. حال دکترین حقوق انگلیس برای شناسایی حقوق قراردادی فراتر از اصل نسبی بودن دو مکانیزم پیشنهاد دادند که از طریق آنها طرفین قرارداد وجود حق برای ثالث را به رسمیت بشناسند. راه حل سنتی، انعقاد قرارداد مستقیم می‌باشد و این استدلال که اگر این قرارداد منعقد نشود به این معناست که طبق اصل آزادی قراردادی طرفین قصدی برای ایجاد روابط قراردادی نداشته‌اند. راه حل دوم، انعقاد قرارداد به نحوی است که در آن برای ثالث وجود حق پیش‌بینی شده باشد (کفگی، ۲۰۱۱، ۱۸۴-۱۸۳). به موجب قانونی که در سال ۱۹۹۹ میلادی در انگلیس تصویب شد، این قانون به طرفین این اختیار را می‌دهد که در قرارداد منعقد بین خود، حقی برای ثالث قائل شوند. بنابراین، سرایت اثر حقوقی به ثالث در نتیجه قصد طرفین و تلویحاً با محدود کردن اثر دکترین عوضین امکان‌پذیر است. البته لازم به ذکر است که این قانون حتی در جایی که قرارداد منافعی برای ثالث قائل می‌شود نیز در تضاد با دکترین عوضین نیست، چراکه همچنان قرارداد بین طرفین در ازاء عوضین منعقد می‌شود ولی نیازی نیست که ثالث در ازاء سودی که می‌برد، عوضی پرداخت کند. به موجب قانون مذکور، ثالث از حقوقی نسبت به قرارداد برخوردار است؛ چه به این امر

۱. برای بررسی بیشتر این دسته از پرونده‌ها رجوع کنید به: کفگی، ۲۰۱۱، ۱۸۲.

مستقیماً در قرارداد اشاره شده باشد یا شرطی در قرارداد باشد که برخورداری از یک سری منافع از سوی ثالث را تأیید کرده باشد. این حق برای ثالث در نظر گرفته می‌شود مگر اینکه گزینه‌ای در قرارداد دال بر عدم قصد طرفین برای لازم‌الاجرا شدن حقوق ثالث وجود داشته باشد. به این ترتیب، رویکرد انگلیس در خصوص تحلیلی که دکترین حقوقی نسبت به روابط حقوقی طرفین در شبکه‌های قراردادی ارائه می‌دهند، به قانون ۱۹۹۹ برمی‌گردد. این قانون با بازنگری که در برخورد با اصل نسبی بودن قراردادها ارائه داد، استثنائی بر این اصل قائل شده که این استثناء به مواردی که طرفین قصد خود به ایجاد حق برای ثالث را اظهار کرده‌اند - یا حداقل قصد خود بر قائل نشدن حق برای ثالث را اظهار نکرده باشند - محدود می‌شود (کفگی، ۲۰۱۱، ۱۹۶).

۶. نتیجه

تأمین مالی پروژه محور به جهت دو ویژگی اهرم مالی بالا یا به عبارتی سهم حداکثری وام دهنده در تأمین سرمایه از یک سو و عدم حق رجوع برای بازپرداخت وام از سوی دیگر، مستلزم حق نظارت و کنترل وام‌دهنده بر اسناد تأمین مالی می‌باشد. ضرورت شناسایی این حق به دلیل تکیه وام‌دهنده بر جریان نقدینگی است که نتیجه اجرای صحیح اسناد پروژه می‌باشد. دامنه این حق تا حدی است که سایر اسناد تأمین مالی کاملاً تحت تأثیر و تأثر وام دهنده به عنوان ثالث قراردادی می‌باشند. این ویژگی نقطه تمایز تأمین مالی پروژه محور از سایر شیوه‌های تأمین مالی و فلسفه اصلی ارتباط زنجیره‌ای بین اسناد مالی و اسناد پروژه می‌باشد. تأمین مالی پروژه محور لازمه همسویی و نیل به هدف واحد را از مدیریت ریسک سهام در سایر شیوه‌های تأمین مالی به سمت مدیریت ریسک‌های قراردادی هدایت می‌کند. مدیریت ریسک مستلزم تخصیص صحیح ریسک و وجود رابطه زنجیره‌ای عمودی بین اسناد پروژه است؛ به نحوی که عملکرد هر قرارداد تحت تأثیر عملکرد سایر قراردادهای پروژه قرار می‌گیرد. این رابطه زنجیره‌ای که تحقق آن در بررسی‌های میدانی، مورد تأیید اقتصاددانان واقع شده و کارایی اقتصادی آن اثبات و توجیه شده، ماهیت تأمین مالی را به سمت شبکه قراردادی سوق می‌دهد. ماهیتی که در آن برای شخص ثالث حقوقی فراتر از



حقوق سنتی قراردادهای به رسمیت شناخته می‌شود و تا حدودی با اصل نسبی بودن قراردادهای در تعارض است. این ماهیت جدید (شبکه قراردادی) که طی شرایطی از سوی دو نظام کامن‌لا و سیویل‌لا مورد شناسایی قرار گرفته، می‌تواند نقش به‌سزایی در تهیه و تنظیم اسناد تأمین مالی داشته باشد به‌طوری‌که در نهایت با وجود عدم حق رجوع محدود دارایی بانیان پروژه، وام‌دهنده از آسودگی خاطر بیشتری نسبت به کنترل و نظارت بر قراردادهای پروژه به‌عنوان اصلی‌ترین وثیقه بازپرداخت وام برخوردار باشد؛ انگیزه‌ای که می‌تواند کمک شایانی برای جذب منابع مالی پروژه‌های سرمایه‌بر صنعت محسوب شود.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۷۳

تحلیل ماهیت
حقوقی-اقتصادی
تأمین مالی...

- ابراهیمی، سید نصرالله؛ جواندل جانانلو، فرخ (۱۳۹۴). مدیریت تفصیلی ریسک در تنظیم قراردادهای بین‌المللی نفتی. مطالعات حقوق انرژی، (۱۱)، ۳۶-۱۷. doi: 10.22059/jrels.2015.54550
- اشکوه، حسین؛ و صبیحیه، محمدحسین (۱۳۹۴). روش تأمین مالی پروژه محور و شرکتی از منظر حاکمیت پروژه موردکاوی: پروژه‌های بالادستی پارس جنوبی در ایران و قطر. چشم انداز مدیریت مالی، ۱۲، ۸۱-۱۰۸.
- حاتمی، علی؛ و کریمیان، اسماعیل (۱۳۹۴). حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری. تهران: تیسرا.
- دهقانی، تورج (۱۳۹۳). سرمایه‌گذاری و تأمین مالی پروژه‌های نفت و گاز. تهران: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- زهدی، مسعود (۱۳۹۵). آموزش گام‌به‌گام فنون حرفه‌ای در تأمین منابع مالی و سرمایه‌گذاری. تهران: هزاره سوم.
- شرکت نیروگاه جنوب اصفهان (۱۳۸۵). رویکرد قراردادی نیروگاه جنوب اصفهان. برگرفته از <https://www.mapnagroup.com/fa/companies/south-isfahan-power-plant>
- غمامی، مجید (۱۳۸۶). تأمین مالی پروژه‌های ساخت، بهره‌برداری و انتقال. مجله حقوق تطبیقی، (۲)، ۱۲۲-۱۰۱. doi: 10.22059/JCL.2010.80797
- Amstutz, M., & Teubner, G. (2009). *Networks: legal issues of multilateral co-operation*. Oxford: Hart Publishing.
- All Answers Ltd. (November 2018). *Currie v Misa - Summary*. Retrieved from <https://www.lawteacher.net/cases/currie-v-misa.php?vref=1>
- Blanc, V.G. (1997), *Clause Compromissoire Et Clause Attributive De Jurisdiction Dans Un Meme Contrat Ou Dans Un Meme Ensemble Contractuel* http://www.tendancedroit.fr/wp-content/uploads/2019/04/G_ACTIONNAIRE_ep3.pdf
- Brealey, R. A., Cooper, I. A., & Habib, M. A. (1996). Using project finance to fund infrastructure investments. *Journal of Applied Corporate Finance*, 9(3), 25-39. doi:10.1111/j.1745-6622.1996.tb00296.x
- Brealey, R.A., Cooper, I.A., & Habib, M.A. (1996). Using project finance to find Infrastructure Investments. *Journal of Applied Corporate Finance*, 9(3), 25-39. doi: 10.1111/j.1745-6622.1996.tb00296.x
- Byoun, S., & Xu, Z. (2014). Contracts, governance, and country risk in project finance: Theory and evidence. *Journal of Corporate Finance*, 26, 124-144. doi:10.1016/j.jcorpfin.2014.03.003





- Carole A. De Vincelles (2011). *Linked contracts under French law*. Reterived from 10.4337/9781849809696.00013
- Corielli, F., Gatti, S., & Steffanoni, A. (2010). Risk shifting through nonfinancial contracts: effects on loan spreads and capital structure of project finance deals. *Journal of Money, Credit and Banking*, 42(7), 1295–1320. doi:10.1111/j.1538-4616.2010.00342.x
- Dailami, M., & Hauswald, R. (2007). Credit-spread determinants and interlocking contracts: A study of the Ras Gas project. *Journal of Financial Economics*, 86(1), 248–278. doi:10.1016/j.jfineco.2007.03.001
- David, R. J., & Han, S. K. (2003). A systematic assessment of the empirical support for transaction cost economics. *Strategic Management Journal*, 25(1), 39–58. doi:10.1002/smj.359
- Esty, B. (2002). Returns on project-financed investments: evolution and managerial implications. *Journal of Applied Corporate Finance*, 15(1), 71–86. doi:10.1111/j.1745-6622.2002.tb00342.x
- Esty, B.C. (2003). *The Economic Motivations for Using Project Finance*. January 2003. Harvard Business School: Mimeo.
- Fabrizio, C. (2011). *Contractual networks and contract theory: A research Agenda for European contract law*. Edward Elgar Publishing.
- Fabrizio, C. (2011). *Networks, inter-firm cooperation and economic growth contractual*. Edward Elgar Publishing.
- Fama, E. F. (1990). Contract costs and financing decisions. *The Journal of Business*, 63(S1), S71. doi:10.1086/296494
- Farrell, L. (2003). Principal-agency risk in project finance. *International Journal of Project Management*, 21(8), 547–561. doi:10.1016/s0263-7863(02)00086-8
- Gatti, S. (2013). Credit risk in project finance transactions. *Project Finance in Theory and Practice*, 321–369. doi:10.1016/b978-0-12-391946-5.00008-6
- Gatti, S. (2013). Introduction to the theory and practice of project finance. *Project Finance in Theory and Practice*, 1–25. doi:10.1016/b978-0-12-391946-5.00001-3
- Hainz, C., & Kleimeier, S. (2012). Political risk, project finance, and the participation of development banks in syndicated lending. *Journal of Financial Intermediation*, 21(2), 287–314. doi:10.1016/j.jfi.2011.10.002
- Hennart, J.-F. (2010). Transaction cost theory and international business. *Journal of Retailing*, 86(3), 257–269. doi:10.1016/j.jretai.2010.07.009
- Jensen, M. C. (1996). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *Corporate Bankruptcy*, 11–16. doi:10.1017/cbo9780511609435.005
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1998). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. *SSRN Electronic Journal*. doi:10.2139/ssrn.94043

- John, T. A., & John, K. (1991). Optimality of project financing: Theory and empirical implications in finance and accounting. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 1(1), 51–74. doi:10.1007/bf02408406
- Kraus, A., & Litzenberger, R. H. (1973). A state-preference model of optimal financial leverage. *The Journal of Finance*, 28(4), 911–922. doi:10.1111/j.1540-6261.1973.tb01415.x
- Langlois, R.N. (July 20, 2016). *The corporation is not a nexus of contracts. It's an iPhone*. Available at <https://ssrn.com/abstract=2856631> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2856631>
- Lessard, D. R., & Miller, R. (2001). Understanding and managing risks in large engineering projects. *SSRN Electronic Journal*. doi:10.2139/ssrn.289260
- Müllner, J. (2016). From uncertainty to risk—A risk management framework for market entry. *Journal of World Business*, 51(5), 800–814. doi:10.1016/j.jwb.2016.07.011
- Müllner, J. (2017). International project finance: review and implications for international finance and international business. *Management Review Quarterly*, 67(2), 97–133. doi:10.1007/s11301-017-0125-3
- Müllner, J. (2017). International project finance: review and implications for international finance and international business. *Management Review Quarterly*, 67(2), 97–133. doi:10.1007/s11301-017-0125-3
- Poppo, L., & Zenger, T. (2002). Do formal contracts and relational governance function as substitutes or complements? *Strategic Management Journal*, 23(8), 707–725. doi:10.1002/smj.249
- Portalis (1988). Discours Preliminaire Dur Le Code Civil https://mafr.fr/IMG/pdf/discours_1er_code_civil.pdf
- Rugman, A.M. & Verbeke, A. (2003). Extending the theory of the multinational enterprise: internalization and strategic management perspectives. *Journal of International Business Studies*, 34(2), 125–137.
- Smith, S. (1997). *Contracts for the benefit of third parties: In defence of the third party rule*. *Oxford Journal of Legal Studies*, 17(4), 643–663. doi: 10.2307/764754
- The Law Commission (1996). *Privity of contract contracts for the benefit of third parties*. Report No 242, Rederived from http://www.lawcom.gov.uk/wp-content/uploads/2017/02/lc242_privity-of-contract-contracts-for-the-benefit-of-third-parties.pdf
- Whittaker S. (2011). *Contract networks, freedom of contract and the restructuring of privity of contract*. doi: 10.4337/9781849809696.00014
- Williamson O.E (1988). Corporate Finance And Corporate Governance, American Finance Association. *The Journal of Law & Economics*, 233–261. doi: 10.2307/725118



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۷۶

دوره ۱۳، شماره ۲
بهار ۱۴۰۰
پیاپی ۵۰

- Müllner, J. (2017). International project finance: review and implications for international finance and international business. *Management Review Quarterly*, 67(2), 97–133. doi:10.1007/s11301-017-0125-3
- Müllner, J. (2017). International project finance: review and implications for international finance and international business. *Management Review Quarterly*, 67(2), 97–133. doi:10.1007/s11301-017-0125-3
- Oshkooh, H., & Sobhiyah, H. (1395). *Program governance model, Appropriate with financing approach, case study of upstream oil and gas programs. Financial Management Perspective*, 12, 1-108.
- Poppo, L., & Zenger, T. (2002). Do formal contracts and relational governance function as substitutes or complements? *Strategic Management Journal*, 23(8), 707–725. doi:10.1002/smj.249
- Portalis (1988). Discours Preliminaire Dur Le Code Civil https://mafr.fr/IMG/pdf/discours_1er_code_civil.pdf
- Rugman, A.M. & Verbeke, A. (2003). Extending the theory of the multinational enterprise: internalization and strategic management perspectives . *Journal of International Business Studies*, 34(2), 125-137.
- Smith, S. (1997). *Contracts for the benefit of third parties: In defence of the third party rule. Oxford Journal of Legal Studies*, 17(4), 643-663. doi: 10.2307/764754
- South Isfahan Power plant (2006). *Contractual approach of South Isfahan Power Plant*. Rederived from <https://www.mapnagroup.com/fa/companies/south-isfahan-power-plant>
- The Law Commission (1996). *Privity of contract contracts for the benefit of third parties*. Report No 242, Rederived from http://www.lawcom.gov.uk/wp-content/uploads/2017/02/lc242_privity-of-contract-contracts-for-the-benefit-of-third-parties.pdf
- Whittaker S. (2011). *Contract networks, freedom of contract and the restructuring of privity of contract*. doi: 10.4337/9781849809696.00014
- Williamson O.E (1988). Corporate Finance And Corporate Governance, American Finance Association. *The Journal of Law & Economics*, 233-261. doi: 10.2307/725118
- Zohdi, M. (2016). *A Guide to professional techniques in affording Finance resources And Investment*. Tehran, Iran: Hezâre-ye Sevom.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

43

Abstract



- Fabrizio, C. (2011). *Contractual networks and contract theory: A research Agenda for European contract law*. Edward Elgar Publishing.
- Fabrizio, C. (2011). *Networks, inter-firm cooperation and economic growth contractual*. Edward Elgar Publishing.
- Fama, E. F. (1990). Contract costs and financing decisions. *The Journal of Business*, 63(S1), S71. doi:10.1086/296494
- Farrell, L. (2003). Principal-agency risk in project finance. *International Journal of Project Management*, 21(8), 547–561. doi:10.1016/s0263-7863(02)00086-8
- Gatti, S. (2013). Credit risk in project finance transactions. *Project Finance in Theory and Practice*, 321–369. doi:10.1016/b978-0-12-391946-5.00008-6
- Gatti, S. (2013). Introduction to the theory and practice of project finance. *Project Finance in Theory and Practice*, 1–25. doi:10.1016/b978-0-12-391946-5.00001-3
- Ghamami, M. (2010). Financing BOT Projects. *Comparative Law Review*, 1(2), 101–122. doi:10.22059/jcl.2010.80797
- Hainz, C., & Kleimeier, S. (2012). Political risk, project finance, and the participation of development banks in syndicated lending. *Journal of Financial Intermediation*, 21(2), 287–314. doi:10.1016/j.jfi.2011.10.002
- Hatami A., & Karimiyan, E. (1394). *Foreign investment law in light of investment act and contracts*. Tehran, Iran: Tisa.
- Hennart, J.-F. (2010). Transaction cost theory and international business. *Journal of Retailing*, 86(3), 257–269. doi:10.1016/j.jretai.2010.07.009
- Jensen, M. C. (1996). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *Corporate Bankruptcy*, 11–16. doi:10.1017/cbo9780511609435.005
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1998). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. *SSRN Electronic Journal*. doi:10.2139/ssrn.94043
- John, T. A., & John, K. (1991). Optimality of project financing: Theory and empirical implications in finance and accounting. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 1(1), 51–74. doi:10.1007/bf02408406
- Kraus, A., & Litzenberger, R. H. (1973). A state-preference model of optimal financial leverage. *The Journal of Finance*, 28(4), 911–922. doi:10.1111/j.1540-6261.1973.tb01415.x
- Langlois, R.N. (July 20, 2016). *The corporation is not a nexus of contracts. It's an iPhone*. Available at <https://ssrn.com/abstract=2856631> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2856631>
- Lessard, D. R., & Miller, R. (2001). Understanding and managing risks in large engineering projects. *SSRN Electronic Journal*. doi:10.2139/ssrn.289260
- Müllner, J. (2016). From uncertainty to risk—A risk management framework for market entry. *Journal of World Business*, 51(5), 800–814. doi:10.1016/j.jwb.2016.07.011

BIBLIOGRAPHY

- All Answers Ltd. (November 2018). *Currie v Misa - Summary*. Retrieved from <https://www.lawteacher.net/cases/currie-v-misa.php?vref=1>
- Amstutz, M., & Teubner, G. (2009). *Networks: legal issues of multilateral co-operation*. Oxford: Hart Publishing.
- Blanc, V.G. (1997), *Clause Compromissoire Et Clause Attributive De Jurisdiction Dans Un Meme Contrat Ou Dans Un Meme Ensemble Contractuel* http://www.tendancedroit.fr/wp-content/uploads/2019/04/G_ACTIONNAIRE_ep3.pdf
- Brealey, R. A., Cooper, I. A., & Habib, M. A. (1996). Using project finance to fund infrastructure investments. *Journal of Applied Corporate Finance*, 9(3), 25–39. doi:10.1111/j.1745-6622.1996.tb00296.x
- Brealey, R.A., Cooper, I.A., & Habib, M.A. (1996). Using project finance to find Infrastructure Investments. *Journal of Applied Corporate Finance*, 9(3), 25-39. doi: 10.1111/j.1745-6622.1996.tb00296.x
- Byoun, S., & Xu, Z. (2014). Contracts, governance, and country risk in project finance: Theory and evidence. *Journal of Corporate Finance*, 26, 124–144. doi:10.1016/j.jcorpfin.2014.03.003
- Carole A. De Vincelles (2011). *Linked contracts under French law*. Reterived from 10.4337/9781849809696.00013
- Corielli, F., Gatti, S., & Steffanoni, A. (2010). Risk shifting through nonfinancial contracts: effects on loan spreads and capital structure of project finance deals. *Journal of Money, Credit and Banking*, 42(7), 1295–1320. doi:10.1111/j.1538-4616.2010.00342.x
- Dailami, M., & Hauswald, R. (2007). Credit-spread determinants and interlocking contracts: A study of the Ras Gas project. *Journal of Financial Economics*, 86(1), 248–278. doi:10.1016/j.jfineco.2007.03.001
- David, R. J., & Han, S. K. (2003). A systematic assessment of the empirical support for transaction cost economics. *Strategic Management Journal*, 25(1), 39–58. doi:10.1002/smj.359
- Dehghani, T. (2014). *Investment and affording financial projects of gas and oil*. Tehran, Iran: Institute for International Energy Studies.
- Ebrahimi, S., & Javandel Jananloo, F. (2015). Risk tefcel management in the petroleum upstream contracts drafting. *Journal of Researches Energy Law Studies*, 1(1), 17-36. doi: 10.22059/jrels.2015.54550
- Esty, B. (2002). Returns on project-financed investments: evolution and managerial implications. *Journal of Applied Corporate Finance*, 15(1), 71–86. doi:10.1111/j.1745-6622.2002.tb00342.x
- Esty, B.C. (2003). *The Economic Motivations for Using Project Finance*. January 2003. Harvard Business School: Mimeo.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

41

Abstract

separate nature consider more flexibility to draft project contracts and can help to absorb more investment.

NOVELTY

Legal analysis of relation between project finance documents and assert new and separate nature for project finance.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

40

Volume 13
Issue 2
Spring 2021

We believe that the characteristics of nonfinancial contracts affect not only the pricing of debt contracts in terms of spread and fees, but also the financial structure design: the higher the level of ex ante reduction of risks, the lower the cost of debt funding and the higher the leverage. So, the nature of project finance is to be a nexus of nonfinancial and financial linked contracts (Corielli, Gatti, & Steffanoni, a. 2010, 5)

The main consequence of linked contracts in network contract is to permit a general or global interpretation of all contracts belonging to a contractual network. Therefore, each contract, as a part of a whole, is interpreted in relation to the others. Also, the link between contracts can allow a party to one contract to exercise rights on the ground of another contract. This effect is an exception to the privity of contracts, since a contract produces effects for the benefit of a third party (Fabrizio Cafaggi, 2011, 174-177)

In this regard English lawyers are not generally attracted by notions such as 'Network Contracts'. The core of this explanation lies in part in the traditional attachment to English law's strict doctrine of privity of contract. In other words, the extent to which English law allows a person not party to a contract to enjoy a right to enforce an obligation arising under the contract: that aspect of what is known as privity of contract which prevents parties from imposing obligations on third parties (or 'burdens' as it is often expressed) remains uncontroversial and subject to very few exceptions.

The modern English approach to the way in which the law should analyse the legal relations of parties to networks or groups of contracts is conditioned by a number of elements. There remains a certain lingering doctrinal distrust of the recognition of rights in third parties to contracts (particularly by those scholars who see the doctrine of consideration as central to English law's conception of contract) therefore, English law's vision of privity of contract does indeed recognize the freedom not to contract in members of a network or group of contracts (Fabrizio Cafaggi, 2011, 182-196)

CONCLUSION

Because of two inherent characteristics of project finance - high leverage and nonrecourse - it's necessary to consider special contractual rights for lenders. The existence of these rights and taking control over the project lead to high interdependence and nexuses of contract to the extent that we can assert the existence of contractual network in project finance. Contractual networks as a



INTRODUCTION

One of the most practical methods in project financing is project finance. Because of two inherent characteristics of project finance- high leverage and non-recourse - it's necessary to consider special contractual rights for lenders. The existence of these rights and taking control over the project lead to high interdependence and nexuses of contract to the extent that we can assert the existence of contractual network in project finance.

PURPOSE

The purpose of this essay is the analysis of relation between different participants of project finance and analysis the nature of this relationship to consider more flexibility to draft project contracts and to absorb more investment.

FINDINGS

To analysis the nature of contractual network in project finance must to say that one of the basic features of project finance is the existence of a complex network of nonfinancial agreements, defined here as contracts that generate cash inflows or outflows that affect the unlevered free cash flows of the project. contractual structure is one of the peculiar features of project finance. It can sometimes be very complex, including as many as 40 or more agreements. Of these agreements, four of them are key contract for the soundness of the venture (Esty, 2002, 72). Construction contracts and engineering, procurement, and construction (EPC) contracts are closed on a turnkey basis to make plant and equipment available to the SPV, usually at predefined prices, times of delivery, and standards of performance. Purchasing agreements guarantee raw material to the SPV at predefined quantities, quality, and prices. The selling agreements, often defined as take-or-pay or other agreement with this function, enable the SPV to sell part or all of its output to a third party that commits itself to buy unconditionally, again at predefined prices and for a given period of time. O&M agreements are designed to provide the SPV with efficient and effective plant maintenance, compliant with predefined service-level agreements. These contracts are signed by a special purpose vehicle (SPV) either with different counterparties or with SPV's own shareholders, which are often called project sponsors.

the presence of nonfinancial contracts, whose primary function is the transfer of risks from the SPV to its counterparties, affects the level of interest rate spreads on project finance loans and the choice of a given capital structure for a project finance transaction. Nonfinancial contracts constitute the basis on which project finance transactions are financed.



Kasnavi, S., Ebrahimi, S.N., & Bagheri, M. (2021). The nature of project finance; Identification of hierarchy in the chain of the contracts and co-ordination and reconsideration of the diverse interests. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 13(2), 149-176. doi: 10.22035/isih.2021.368

 <http://dx.doi.org/10.22035/isih.2021.368>

URL: http://www.isih.ir/article_368.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

The Nature of Project Finance; Identification of Hierarchy in the Chain of the Contracts and Co-ordination and Reconsideration of the Diverse Interests

Shadi Kasnavi^{*1}, Seyed Nasrollah Ebrahimi², Mahmoud Bagheri³

Received: Jun. 25, 2020; Accepted: Feb. 3, 2021

ABSTRACT

Financing sources used in infrastructure project is not merely equity capital, it is rather more debt capital. One of the most practical methods in this regard is project finance. Because of two inherent characteristics of project finance- high leverage and non-recourse - it's necessary to consider special contractual rights for lenders. The existence of these rights and taking control over the project lead to high interdependence and nexuses of contract to the extent that we can assert the existence of contractual network in project finance. Contractual networks as a separate nature consider more flexibility to draft project contracts and can help to absorb more investment.

Keywords: Project finance, nexuses of contracts, vertical integration, contractual network

1. Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

✉ shadikasnavi@ut.ac.ir

2. Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

3. Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

- Sundarakani, B., Younis, H., & Vel, P. (2016). The impact of implementing green supply chain management practices on corporate performance. *Emerald, An International Business Incorporating Journal of Global Competitiveness*, 26(3), 216-245. doi:10.1108/CR-04-2015-0024
- Tachizawa, E. M., Gimenez, C., & Sierra, V. (2016). Green Supply Chain Management approaches: drivers and performance implications. *International Journal of Operations & Production Management*, 35(2016), 1546-1566. doi:10.1108/IJOPM-01-2015-0023
- Tuni, A., Rentizelas, A., & Duffy, A. (2018). Environmental performance measurement for green supply chains: A systematic analysis and review of quantitative methods. *Emerald, International Journal of Physical Distribution & Logistics Management*, 48(8), 765-793. doi:10.1108/IJPDLM-02-2017-0062
- Uygun, O., & Dede, D. (2016). Performance evaluation of green supply chain management using integrated fuzzy multi-criteria decision-making techniques. *Computers & Industrial Engineering*, 102 (2016), 502–511. doi:10.1016/j.cie.2016.02.020
- Wang, Sh., Song, M., & Xin, C. (2018). Simulation of land green supply chain based on system dynamics and policy optimization. *International Journal of Production Economics*, 217(2018), 317-327. doi:10.1016/j.ijpe.2018.08.021
- Zhian, M., & Behnia, B. (2019). Identification and ranking of effective factors in the implementation of green supply chain management. *Seventh National Conference on Accounting and Management Applications*, 9 Sep. 2019, Tehran, Iran.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

35

Abstract



- Mahmoudi, A., & Salmani, L. (2019). Relationship between green supply chain management activities and customer satisfaction in production organizations. *The Second International Conference on New Developments in Management, Economics and Accounting*, 21 June 2019, Tehran, Iran.
- Mangla, S., Gandhi, S., Kumar, P., & Kumar, D. (2015). Evaluating factors in implementation of successful green supply chain management using DEMATEL. *International Strategic Management Review*, 3 (1), 96–109. doi:10.1016/j.ism.2015.05.001
- Moghadam, A., Kamalian, A. R., Yazdani, B., Kord, B., & Roshan, A. (2017). Explaining and designing an entrepreneurial human resource management model: a data foundation approach. *Journal of Management Improvement*, 10(4), 123-157.
- Namakshenas, M., Morovati sharifabadi, A., & Ziyaei Bideh, A. (2015). Investigating the effect of green innovation dimensions on organizational performance. *Quarterly Journal of Industrial Management Studies*, 12(33), 25-42.
- Pouya, A., Ghorbanpour, A., Nazemi, S., & Naji, Z. (2015). Designing a Structural Model of Green Supply Chain Management Measures Using a Fuzzy Interpretive Structural Modeling Approach. *Journal of Operations Research in its Application*, 13(4), 1-20.
- Randall, W., & Mello, J. (2012). Grounded theory: An inductive method for supply chain research. *International Journal of Physical Distribution & Logistics Management*, 42(89), 863-880. doi:10.1108/09600031211269794
- Rezaei, Sh. (2018). Designing the revenue model of Iranian football clubs: with grounded theory approach. *Applied Research in Sports Management*, 6 (3), 101-116.
- Salari, R. (2018). Green supply chain management. *International Conference on Management, Accounting and Economic*, 15 Feb 2018, Tehran, Iran.
- Shabannejad, M., Ebrahiminejad, M., & Forghani, M. (2018). Selection of green suppliers in the supply chain by combining fuzzy multi-criteria decision-making methods. *The Second International Conference on Management and Development Culture*, 23 Des 2018, Tehran, Iran.
- Shafiey, R., Ekhlasi, A., & Ansari, F. (2015). Provide a native branding model for online retailers using the qualitative method of data theory. *Quarterly Journal of Modern Marketing Research*, 6(2), 167-188.
- Shamshiri, M., & Pilehvari, N. (2018). Identification and prioritization of factors affecting the green supply chain by Dimtel method and fuzzy ANP. *International Green Supply Chain Conference*, 3 May 2018, Lahijan, Iran.
- Shotorbani, F., & Badiezadeh, A. (2017). Identifying and prioritizing the factors affecting the implementation of green supply chain management in Pars Xodro Company using the multi-criteria decision approach. *The first international conference on modern research in management studies*, 12 Nov 2017, Shiraz, Iran.
- Slimane, M. (2012). Role and relationship between leadership and sustainable development to release social, human, and cultural dimension. *International Conference on Leadership, Technology and Innovation Management, Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 41 (2012), 92 – 99. doi:10.1016/j.sbspro.2012.04.013

BIBLIOGRAPHY

- Ahmadi, E., & Mosavati, M. (2019). Designing an optimal model for evaluating and ranking green supply chain suppliers using AHP technique. *The Fourth International Conference on Management Criticism and Analysis in the Third Millennium*, 6 July 2019, Shiraz.
- Andalib Ardakani, D., & Mughtada, A. (2019). Study and analysis of factors affecting the development of green product in the tile industry of Yazd province. *Quarterly Journal of New Marketing Research*, 8(3), 101-120.
- Awasthi, A., Kaur, J., Sidhu, R., Chauhan, S., & Goyal, S. (2017). A DEMATEL based approach for investigating barriers in green supply chain management in Canadian manufacturing firms. *International Journal of Production Research*, 56(5), 1-21. doi:10.1080/00207543.2017.1395522
- Cankaya, Y. S., & Sezen, B. (2018). Effects of green supply chain management practices on sustainability performance. *Emerald, Journal of Manufacturing Technology Management*, 30(1), 98-121. doi:10.1108/JMTM-03-2018-0099
- Chauhan, C., & Singh, A. (2018). Modeling green supply chain coordination: current research and future prospects. *Emerald, Benchmarking: An International Journal*, 25(1), 1-46. doi:10.1108/BIJ-10-2017-0275
- Dawei, Z., Hamid, A. B., Chin, T. A., & Leng, K. C. (2015). Green supply chain management: A literature review. *Sains Humanika*, 5(2), 15-21. doi:10.11113/sh.v5n2.624
- Famiyeh, S., Kwarteng, A., Asante-Darko, D., & Ato Dadzie, S. (2017). Green supply chain management initiatives and operational competitive performance. *Emerald, Benchmarking: An International Journal*, 25(2), 607-631. doi:10.1108/BIJ-10-2016-0165
- Gardas, B., Raut, R., Jagtap, A. H., & Narkhede, B. (2018). Exploring the key performance indicators of green supply chain management in agro-industry. *Emerald, Journal of Modelling in Management*, 14(1), 1-25. doi:10.1108/JM2-12-2017-0139
- Green, K. W., Inman, R. A., Sower, V. E., & Zelbst, P. J. (2018). Impact of JIT, TQM and green supply chain practices on environmental sustainability. *Emerald, Journal of Manufacturing Technology Management*, 30(1), 1-24. doi:10.1108/JMTM-01-2018-0015
- Kazancoglu, Y., Kazancoglu, L., & Sagnak, M. (2017). Fuzzy DEMATEL-based green supply chain management performance: application in cement industry. *Emerald, Industrial Management & Data Systems*, 118(2), 412-431. doi:10.1108/IMDS-03-2017-0121
- Kim, Y. J., Kim, W. G., Choi, H. M., & Phetvaroon, K. (2019). The effect of green human resource management on hotel employees' eco-friendly behavior and environmental performance. *International Journal of Hospitality Management*, 76(2019), 83-93. doi:10.1016/j.ijhm.2018.04.007
- Laari, S., Toyli, J., & Ojala, L. (2017). Supply chain perspective on competitive strategies and green supply chain management strategies. *Journal of Cleaner Production*, 141(2017), 1303-1315. doi: 10.1016/j.jclepro.2016.09.114



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

33

Abstract

NOVELTY

An attempt has been made to provide a method for identifying and prioritizing the most important factors influencing the green supply chain management of the petrochemical industry by combining a qualitative approach based on data theory and a quantitative hierarchical method. By reviewing research literature, interviews and opinions of experts, key criteria were collected. Since modeling all of these criteria together with computational and simulation methods is extremely difficult and time consuming, few studies could collect such a set on qualitative and quantitative models.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

32

Volume 13
Issue 2
Spring 2021

supply chain were performed with MAXQDA software. The study shows the validation criteria (validity and reliability) of the research process, data quality and interpretations. To evaluate the interpretive research (including reliability, transferability, reliability, validation and truthfulness) Grounded theory (including compliance, generality, and consistency, understanding Controllability) was used. Finally, after designing the conceptual model using the data-based method, the prioritization of pivotal and sub-criteria was performed using the DIMATEL method and a pair wise comparison questionnaire of 10 industry experts using the MATLAB software.

FINDINGS

We need theory to explain a process and achieving this requires a strategy involving constructing theory. Since the present study seeks a structural framework for the process theory around green supply chain management, a data-based qualitative approach was first used. The data-based theorizing method emphasizes the use of data analysis steps through open, axial, and selective coding. In the second stage, using the Demetel method, the effectiveness and efficiency of the criteria and sub-criteria were determined and finally, it was prioritized based on weighing of the criteria.

CONCLUSION

Considering very limited internal research done in the field of green supply chain with qualitative data-based method, this study is an attempt to identify and explain the green supply chain management model using qualitative research method and data-based strategy. The model is based on a systemic approach including three parts of variation (causal conditions: green process design, customers, green innovation), processes (pivotal phenomenon: environmental, economic, operational functions), output (consequences: enablers, credibility, technology, energy management). Also one of the innovations of this research compared to previous researches with the quality data processing theory is that the coding steps have been done with the MAXQDA software, which is a database for sorting and storing large volumes of data. The final results include: Criteria for green process design, customers and other external entities, green innovation, environmental management approaches, green supplier capabilities, human resource management, environmental performance improvement, management and optimization of energy consumption.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

31

Abstract

INTRODUCTION

The green supply chain management has been considered as one of the major concepts in recent years by researchers. In fact, it is a management model to protect the environment. Sustainable development means the development and progress of the next generation. In other words, it is a process to achieve sustainability in any activity that requires resources and its rapid and integrated replacement. Indicators of sustainable development can be considered and studied in four groups: social, economic, fundamental and environmental. This general concept was widely used in the global conservation strategy to manage and protect natural resources and the environment taking into account their roles in human welfare. In sustainable development, social growth must fulfill the needs of all individuals, provide effective protection to the environment and be careful in consuming natural resources. It must also lead to sustainable growth and economic prosperity.

PURPOSE

The study seeks to answer the following questions:

1. What is the formation model of green supply chain management and its consequences using the qualitative data-based method, what are its components and their relationships with the model?
2. What is the relationship between the cause of disability and the weighing of the criteria with the DIMATEL method?

METHODOLOGY

In the first phase, the study mainly focused on key criterion affecting the green supply chain, reviewing documents, previous researchers and interviewing with experts through Qualitative Research Foundation data method. In the second phase, the quantitative decision-making method (DIMTEL) was used in order to design and distribute a pair wise comparative questionnaire among a group of experts. This method has the ability to show the intensity of interactions and relationships between factors and the degree of their influence. In order to cover the different dimensions of the research topic, it was necessary to conduct interviews with a range of specialties along the supply chain of the petrochemical industry. To collect the research data, 20 managers, experts, suppliers active in the petrochemical industry of Fars province were interviewed. First, 4 introductory interviews were conducted to identify the business environment, 10 interviews were conducted to extract the required codes, and finally 6 interviews were conducted to ensure theoretical saturation through snowball sampling and verification of the extracted codes by experts. After interviews, all steps of coding the criteria related to the green



Delshad, Z., Rabbani, M., & Dehghan Dehnavi, H. (2021). Presenting a green supply chain management model for sustainable environmental development using Grounded Theory and DEMATEL Model. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 13(2), 121-148. doi: 10.22035/isih.2021.368

 <http://dx.doi.org/10.22035/isih.2021.368>

URL: http://www.isih.ir/article_368.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

Presenting a Green Supply Chain Management Model for Sustainable Environmental Development Using Grounded Theory and DEMATEL Method

Zahra Delshad¹, Mozhddeh Rabbani², Hasan Dehghan Dehnavi³

Received: Sep. 29, 2020; Accepted: Feb. 3, 2021

ABSTRACT

The green supply chain management model is for environmental protection, which companies could use to reduce negative environmental impacts and achieve the optimal use of resources and energy. The study is an attempt to identify and develop a similar model for the petrochemical industry of Iran's Fars province using Grounded Theory as a qualitative data technique and the DEMATEL method to test its effectiveness and efficiency. The data collection was based on documents as well as interviews with 20 experts selected through snowball sampling. To analyze the qualitative data, three stages of open, axial and selective coding were used. Criteria were also prioritized using the DEMATEL method and questionnaire. The results indicated the extraction of 21 axial and 90 open coding, which were placed in the form of a paradigm model. Then, using pairwise comparisons in the said method, and the final ranking of selected criteria of green supply chain, showed that the central process design, customers and other external institutions, green innovation, environmental management approaches, human resource management, environmental performance improvement, management and optimization of energy consumption (with values greater than the threshold) have a higher degree of importance (weight).

Keywords: green supply chain management, Grounded Theory, coding, DEMATEL Method

1. Department of Management, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

2. Department of Management, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran (Corresponding Author)

✉ mrabbani@iauyazd.ac.ir

3. Department of Management, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran



- Mahwan, F., & Yahaghi, M. (2010). The influence of the literary imagery features on the painting of Shiraz school. *Journal of Boostan Adab*, 2(2), 161-184. doi: 10.22099/jba.2012.323
- Pakatchi, A. (2008). Linguistic requirements of interdisciplinary studies. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 1(1), 11-135. doi: 10.7508/isih.2014.19.006
- Poliakova, E. A., & Rakhimova, Z. I. (2002). Naqāshi va adabiyāt-e Irani [Miniatiura i literatura vostoka: evoliutsiia obraza cheloveka] (Z. Fezi, Trans.). Tehran, Iran: Rozaneh.
- Poliakova, E. A., & Rakimova, Z. I. (1987). *L'art de la miniature et la litterature de l'orient*. Mossco, Russia: Gafour Gouliame.
- Rahimi, A., Mousavi, Z., & Morvarid, M. (2014). Animal symbols of the Ego (An-nafs al-ammara) in mystical texts relying on the works of Sanai, Attar and Rumi. *Literary Text Research*, 18 (62), 147-173.
- Shafi'i Kadkani, M. (2001). *Imaginary images in Persian Poetry* (8th ed). Tehran, Iran: Āgah.
- Shahrestani, H. (2004). The symbol of cypress in the view of Hafez. *Honar-Nāme*, 22, 5-15.
- Shamisa, S. (2013). *Figurative Language* (2nd ed). Tehran, Iran: Mitra.
- Simpson, M. (1997). *Persian poetry painting and patronage*. Washington DC, USA: Freer Gallery of Art, Smithsonian Institution.
- Soudavar, A. (1992). Art of the Persian court: selection from the art and history Trust collection. New York, USA: Rizzoli.
- Tabatabai, M. (1995). *Al-Mizan fi tafsir al-Quran* (M. B. Musavi Hamedani, Trans.; Vol. 19). Qom, Iran: Qom Seminary Teachers Association.
- Tajvidi, A. (2006). *Review of the Iranian painting art* [from the beginning to the 10th century A.H]. Tehran, Iran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; Printing and Publishing Organization.
- Tehran Museum of Contemporary Art (2010). *Iranian masterpieces of Persian painting* (2nd ed.). Tehran, Iran: Tehran Museum of Contemporary Art.
- Yahaqi, M. (1990). *Culture of myths and fictional allusions in Persian literature*. Tehran, Iran: Sorouš.
- Zamani, E., Amin Khani, A., Okhovat, H. (2009). The reciprocal role of Iranian landscape painting. *Book of the Month of Art*, (135), 80-91.

BIBLIOGRAPHY

- Alebrahim Dehkordi, S. (2015). Studing the role and its symbolic meanings of cypress tree (Sarv) in miniatures of Tahmasebi Shahnameh. *Bāgh-e Nazar*, 13 (45), 105-114.
- Asgarnejad, M., & Gozashti, M. (2015). Literary art and art literature. *Rhetoric and Grammar Studies*, 5 (7), 213-231. doi: 10.22091/jls.2015.480
- Ashrafi, M.M. (1988). *Hamgāmi-ye naqāshi ba adabiyāt-e Iran* [Persian-Tajik poetry in XIV-XVII centuries miniatures] (R. Pakbaz, Trans.). Tehran, Iran: Negāh.
- Bahari, E. (1997). *Bihzad*, master of Persian painting. London, England: I.B.Tauris & CO.
- Bichranloo, A., & Pourezzat, A. (2013). Functions and dysfunctions of the semantic boomerang of metaphors: a case study on disciplinary concept of cultural engineering. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 5 (3), 101-121. doi: 10.7508/isih.2014.19.006
- Canby, S. R. (2011). *The Shahnama of Tahmasp: The Persian Book of Kings*. USA & Iran: Metropolitan Museum of Art & Vajeh Nashr Co.
- Cary Welch, S. (1976). *Royal Persian manuscript*. London, England: Thames and Hodson.
- Chevalier, J., & Gheerbrant, A. (2003). *Farhang-e Namādhā* [Dictionnaire des symboles: mythes, rêves, coutumes] (S. Fazaeli, Trans.). Tehran, Iran: Jeyhun.
- Darzi, G. (2018). Metaphor and interdisciplinarity: Explaining the metaphors application in the interdisciplinary research. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 10(2), 1-26. doi: 10.22035/isih.2018.277
- Dinani, G. (2002). Imaginary perception and art. *Journal of Imagination*, 2, 6-11.
- Faiz, R. (2008). Behzad, painter of meaning. *Āyene-ye Mirās*, 4, 183-204.
- Fotuhi, M. (2002). Imaginary image. *Persian Language and Literature*, 185, 103-133.
- Grabar, O. (2000). *Mostly miniatures: An Introduction to Persian painting* (M. Vahdati Trans.). Tehran, Iran: Department of Art.
- Homayi, J. (1991). *Notes of Jalal ul-din Homai about meanings and expression*. Tehran, Iran: Homā.
- Keshavarz, G. (2015). The ideal essence of the Persian painting and the role of tradition in it. *Kimiyā-ye Honar*, 4(16), 77-90.
- Khajeh Attari, A., & Najarpour Jabbari, S. (2015). Vitalized of nature in Sultan Mohammad works. *Negarineh Islamic Art*, 2 (7 & 8), 84-96. doi: 10.22077/nia.2015.653
- Kovecse, Z. (2014). *Metaphor, a Practical Introduction* (Sh. Pourebrahim, Trans.). Tehran, Iran: Samt.
- Madadpour, M. (2004). *Familiarity with the opinions of thinkers about art* (Vol. 3 & 4). Tehran, Iran: Soore-ye Mehr.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

27

Abstract



Similarly, in paintings, painters have used this array in three forms of shapes, colors and textures to express hidden meanings. With regard to forms, they have used animal, plant, human and solid metaphors and considered each as a metaphor of hidden meaning. They have also used the metaphorical and symbolic language of colors in spaces and clothes. In the composition and general space of works, they have used metaphorical and symbolic textures and finally were able to create a new visual identity.

NOVELTY

Since the identification and matching of aesthetic and expressive structures in art, such as poetry and painting, require a partial knowledge and awareness of delicacies, and usually this type of research is done with one-sided knowledge, the present study can offer a different perspective in analyzing paintings. In other words, by identifying and analyzing the metaphorical array as a special expressive tool in paintings, both in adaptation to literary text and in terms of artist's visual innovations, takes a new step to further identify the subject under discussion.

new language and expression in creating a culture of visual arts in Iran. While illustrating the texts, they tried to use the capabilities of literary language to take the work of painting out of the literary narrative and offer a new meaning.

In the meantime, the use of metaphorical description has had a special place in the visual expression of painters. They demonstrated this issue both in the application of artistic technique (such as bright colors, two-dimensional shapes, diffused light, non-use of perspective, etc.) as well as in the type of theme processing. Therefore, by observing the works, the audience realizes the fact that forms - including animal, human, solid, etc. - colors, and even the texture and composition of the works, have a mysterious effect and lead the audience subconsciously to a truth beyond the appearance of the work.

Painters, who were generally present in literary and court circles and some of them were writers and poets themselves, were able to create valuable works that not only harmonized with the literary text but also provided a sublime expression appropriate to the rich culture of Persian literature. Painters are generally inspired by poetic imagination in their depiction. For this reason, poetic descriptions of nature, objects and human beings, and the type of similes and metaphors used in literature, provide artists with a greater artistic expression.

One of the imaginary views and perhaps the most imaginative means of conveying imaginary forms in art is "metaphor". Metaphor means borrowing a word instead of another, because the poet in metaphor uses a word with similar interest to replace another dictum, and rhetoricians express the use of metaphor and its expressive capabilities in Persian literature in various ways, including explicit metaphor, implicit metaphor, compound metaphor and symbol.

The artistic expression of a theatrical metaphor is complex and layered. This expression in painting has caused painters to show hidden meanings in imaginary visual forms. Understanding metaphor that has a conceptual dimension, in fact, is understanding of one conceptual domain in the form of another and expresses hidden meanings of a verbal or visual form, so it can be extended to all arts, including Iranian painting.

CONCLUSION

The results of the present study show that metaphor in Persian literature in the form of words and sentences explicitly and implicitly evokes meaning through different metaphors, objectification (recognition), and compound as well as through symbols.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

25

Abstract

INTRODUCTION

Persian poetry and literature, throughout history, have had a deep connection with Iranian Islamic painting. However, the connection between literature and painting in Iran is not limited to the commonality of the subject, but this has also led to the creation of a universal aesthetic language as well.

The world of imagination is a common denominator of all arts, especially literature and painting, and this creates an inherent connection and inner unity between the two. In the meantime, artists need tools to convey and display their observations from the imaginary world in order to be able to tell the truths and hence, they use imaginary forms for this purpose. These are for conveying exemplary forms that appear in poetry and literature in the form of words and in visual arts and painting in the form of images.

PURPOSE

The article aims to investigate the inherent relationship between the two categories of Iranian art i.e. literature and painting, and the expressive role of imagination especially metaphor in showing hidden and far-fetched meanings. Also, determining the expressiveness of metaphors and their visual types in Persian literature and painting is another objective of this article.

METHODOLOGY

The article is descriptive-analytical in nature where the collecting data method is library-documentary. After analyzing the theoretical framework of the subject, the current research has taken into account paintings of Herat and Tabriz II schools, with about 20 works or part of them containing various metaphors. The article tries to answer these questions: 1- What are the expressive effects of metaphor in Iranian poetry and painting? 2- How have painters used the capacity of metaphor in their visual expression?

FINDINGS

Images in Iranian painting are symbols of imaginary forms. Through creative artistic imagination, Iranian poets tried to express the facts through secret language, and in this way, involved the reader's mind in imaginary worlds and forms. This method of artistic expression was also used by painters. As Persian literature, for describing imaginary forms could use artifacts and literary metaphors, Iranian painters too, knowing more about the characteristics and expressive capabilities of these artifacts, while equating their image and using literary values, tried to find a



Rajabi, Z., & Fahimifar, A. (2021). The role of imagination in Iranian literature and painting with emphasis on metaphor; An interdisciplinary study. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 13(2), 89-119. doi: 10.22035/isih.2021.3605.3794



<http://dx.doi.org/10.22035/isih.2021.3605.3794> URL: http://www.isih.ir/article_355.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

The Role of Imagination in Iranian Literature and Painting with Emphasis on Metaphor; An Interdisciplinary Study

Zeinab Rajabi^{*1}, Asghar Fahimifar²

Received: Sep. 29, 2020; Accepted: Feb. 3, 2021

ABSTRACT

The inner connection of Persian poetry and literature with painting, which shows commonality in imagination and images, has caused these two domains to have deep attachment and provide a common language and expression to describe forms and meanings of the imaginary world. Iranian poets and painters have used special verbal and visual tools to convey these forms and meanings. This article, with emphasis on metaphor, discusses its role and expressive ability in poetry and painting. In the process, the paper seeks to answer: 1- What are the expressive effects of metaphor in Iranian poetry and painting? 2- How have painters used the capacity of metaphor in their visual expression? The purpose of this article is to study the relationship between the two cultural domains of Iran i.e. poetry and painting, and explain their commonalities, that is, in the world of imagination and images. Another purpose is to identify the type of metaphors and their visual kinds in paintings. This is a descriptive-analytical research in which data have been collected through library and documentation centers. The data indicate that metaphor used in Persian poetry in the form of words and sentences explicitly and implicitly transferred to Iranian painting. In other words, painters expressed these metaphors visually in the form of shapes, colors and textures and thus introduced a new visual identity to express themes.

Keywords: imagination, metaphor, poetry, literature, painting

1. Department of Islamic Art, Faculty of Art, Tarbiat Modares University (Corresponding Author)

✉ z.rajabi@modares.ac.ir

2. Department of Art Researches, Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

- MSRT (Aug. 29, 2015). M.A. Persian Language and Literature curriculum. Contemporary Literature, ratification of 165th meeting of Higher Education Planning Council. Retervied from www.msrt.ir
- MSRT (Jun. 24, 2012). M.A. Persian Language and Literature curriculum, Literary compitency, Literary techniques and Literary text. Ratification of 800th meeting of Higher Education Planning Council. Retervied from www.msrt.ir
- Nikmanesh, M. (2010). Critique and review of the Persian language and literature curriculum review conference. *Book of the Month of Literature*, 159 47-54.
- Parsinejad, I. (2001). *Rošangarān-e Irāni va Naqd-e Adabi* [The Iranian English tened thinkers]. Tehran, Iran: Soxan.
- Payandeh, H. (2018). *Nazariye va Naqd-e Adabi: Darsnāme-i Miyānrešte-i* [Critical theory an interdisciplinary coursebook] (Vol. 1&2). Tehran, Iran: SAMT.
- Sobhaninejad, M., & Noorabadi, S. (2017). Prerequisites and mechanism of interdisciplinary academic curriculum to strengthen the future research in order to achieve comprehensive knowledge. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 9(3), 45-21.
- Sobhaninejad, M., Nourabadi, S. (2017). Prerequisites and Mechanism of Interdisciplinary Curriculum in University: Strengthening Future Studies for Substantiating the Comprehensive Episteme. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 9(3), 25-41. doi: 10.22631/isih.2017.1937.2480
- Spelt, E. J., Biemans, H. J., Tobi, H., Luning, P. A., & Mulder, M. (2009). Teaching and learning in interdisciplinary higher education: A systematic review. *Educational Psychology Review*, 21(4), 365.
- Taheri, G. (2018). An introductory study of the causes of the absence of literary theory and literary criticism in Iran. *Literary Theory and Criticism*, 3(1), 69-94. doi: 10.22124/naqd.2019.3266
- Talattof, K. (2015). *Siyāsāt-e Neveštār: Pažuheš-i dar She'r va Dāstān-e Mo'āser* [The politics of writing in Iran: a history of modern Persian literatur]. Tehran: Nāmak.
- Wilde, O. (2009). *Intentions*. Auckland: Floating Press.
- Wolfreys, J. (2013). *Key concepts in literary theory*. Edinburgh University Press.
- Woolf, V. (2000). *Modern fiction, in theory of the novel: A historical approach* (M. McKeon, Ed.). JHU Press.
- Yāvari, H. (1993). Ta'ammol-i dar Naqd-e Ravānšenāxti va Rābete-ye Ravānkāvi va Adabiyāt dar Irān [Reflections on psychological criticism and the relationship between psychoanalysis and literature in Iran]. *Journal of Irān Nāmeḥ*, 45, 129-158.



BIBLIOGRAPHY

- Aman Khani, I., & Alimadadi, M. (2012). Dard ya darmān: Āsibšenāsi-ye kārboard-e nazariyehā-ye adabi dar tahqīqāt-e mo'āser [Pathology of the application of literary theories in contemporary research], *Journal of Naqd-e Adabi*, 9(36), 51-76.
- Arianpour, Y. (1993). *Az Sabā tā Nimā* [From Sabā to Nimā] (Vol. 2, 5th ed.). Tehran, Iran: Zavvār.
- Barthes, R., Todorov, T., & Prince, J. (2015). *Darāmad-i bar Ravāyatšenāsi* [Introduction to Narratology] (H. Rahnama, Trans.). Tehran, Iran: Hermes.
- Behfar, M. (2010). Nāsāzgāri-ye Nazariye bā No'e Adabi [The Incompatibility of Theory with the Literary Type]. *Journal of Naqd-e Adabi*, 3(10), 105-211. doi: 20.1001.1.20080360.1389.3.0.13.1
- Darzi, G. (2019). History of ideas of interdisciplinarity: Transition from an idealistic, integrative approach to a pragmatic, problem-solving one. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 11(4), 1-32. doi: 10.22035/isih.2020.3626.3809
- Dehghani, M. (2001). *Pišgāmān-e naqd-e adabi dar Irān* [Forerunners of Literary Criticism in Iran]. Tehran, Iran: Soxan.
- Eagleton, T. (2012). *The event of literature*. Yale University Press.
- Emarati Moghadam, D. (2010). Tasadof-e nazariye va matn [Theory and text coincidence. *Naqd-a Adabi*, 2(8), 215-219.
- Faculty of Literatures and Humanities of the University of Tehran (Apr. 14, 2019). History of the faculty, Retrieved from <https://literature.ut.ac.ir/history>
- Fotoohi Rudmajani, M. (2017). Editor's note. *Naqd-e Adabi*, 39, 7-12.
- Ghasemipour, G. (2017). Pathology and inadequacies of literary criticism textbooks, *Contemporary Persian Literature*, 7(1), 67-91.
- Habib, M. A. R. (2005). *A history of literary criticism from Plato to the present*. Oxford: Blackwell.
- Jacobs, J. A. & Frickel, S. (2009). Interdisciplinarity: A Critical Assessment, *Annual Review of Sociology*, 35, 43-65.
- Ministry of Science, Research and Technology (MSRT) (Nov. 26, 2011). *Ph.D of Persian Language and Literature curriculum. 190th ratification of Higher Education Planning Council*. Reterved from www.msrt.ir
- Mohammadi Kalesar, A. (2018). Critical study of the application of literary theory in scientific researches; case study, structural narratology). *Naqd-e Adabi*, 42, 149-172.
- Moran, J. (2002). *Interdisciplinarity*. London: Routledge.
- MSRT (Aug. 29, 2015). M.A. Persian Language and Literature curriculum. Literary Critique and Theory, Ratification of 166th meeting of Higher Education Planning Council. Reterved from www.msrt.ir

The Constitutional movement in the late nineteenth century advocated the discourse of modernity. It is in this era that various components of our country's social life are gradually being criticized on the basis of Western models of modernity. Also, it is in this era that critical approaches to Persian literature are developed, showing the influence of modern culture. However, it was after the 1979 Islamic revolution that literary criticism, in its proper sense, flourished. Following a period of relative cultural and social stability in the 1980s and 1990s, books and articles that are directly related to literary theory and criticism are gradually published. The discourse on literary criticism has been prevalent in our country since the late 1990s. During the history of our encounter with literary criticism in our country, most translations in this field have been done in the first and second decades of the third millennium, when several successful books and essays in the field of interdisciplinary studies in Persian literature were published. Until the 2010s, little attention was paid to interdisciplinary studies in Persian literature in academic curricula. It is in this context that the book *Literary Theory and Criticism: An Interdisciplinary Textbook* is published. The first volume contains 545 pages and is arranged in six chapters: formalism, psychoanalysis, structuralism and narratology, mythical-archetypal criticism, new historicism, and Lacanian theory. The second volume has 476 pages and consists of five chapters, namely, the semiotics of poetry, feminism and gender studies, postmodernism, cultural studies and semiotics, and reception theory and reader-response criticism.

CONCLUSION

The literary and academic community of Iran shall benefit from books that systematically explain modern literary theory and criticism, and since few successful analytical examples in this field are available in Persian, the book *Literary Theory and Criticism: An Interdisciplinary Textbook* shall come in handy for all students and scholars in the field of humanities, because it both expounds critical approaches to analyzing literary works and offers practical examples in which the author has applied those approaches to a varied corpus of works in Persian literature, having in mind the concept of interdisciplinarity.

NOVELTY

In this article, a history of literary theory and criticism in Iran, especially in academia, is in the spotlight. Meanwhile, the status of interdisciplinary studies in Persian literature has been studied through the introduction of an academic textbook.



INTRODUCTION

Reading Persian texts (whether literary or non-literary) through interdisciplinary approaches and introducing such approaches along with providing practical examples to make literature and literary studies applicable and practical hold a special value, given the importance of literature in Iranian culture. Hossein Payendeh's book *Literary Theory and Criticism: An Interdisciplinary Textbook* is an academic book for courses related to literary theory and criticism at the postgraduate level. It was published in two volumes by SAMT Organization for Researching and Composing University textbooks in Humanities in 2018. The author's focus has been upon introducing and applying interdisciplinarity. Due to the global importance of interdisciplinary studies in literature in recent decades and the urgent need for such studies in Persian literature, offering a critical introduction to the aforementioned book seems necessary.

PURPOSE

Given the global significance of interdisciplinary studies in literature in recent decades and the need for such studies in Persian literature, our main aim in this article is to analyze the interdisciplinary aspects of theories and approaches introduced and the extent the book has taken into account the benefits of this approach. Another purpose of this article is to study the application of interdisciplinary approaches in reading Persian literary texts, and examine how such approaches are taught in Iranian academia. Overall, we try to attract more attention to educational interrelations among different disciplines of humanities in Iranian universities.

METHODOLOGY

This article examines interdisciplinary studies in literary theory and criticism in the West, in Iran, and in the Iranian academic system, using a historical approach. Then, based on various interdisciplinary approaches in literary studies, the contents of the book are studied and analyzed.

FINDINGS

A review of the book *Literary Theory and Criticism: An Interdisciplinary Textbook* shows that the application of interdisciplinary approaches in this book has resulted in expanding the meaning of the text, diversity in the analysis of texts, and attention to domestic issues in introducing Western theories and using them in reading Persian texts.



Shakeri, A., & Farahmandfar, M. (2021). Literary criticism and interdisciplinary studies in Iran with a closer look at the book literary theory and criticism: An interdisciplinary textbook. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 13(2), 61-87. doi: 10.22035/isih.2021.3951.4067

 <http://dx.doi.org/10.22035/isih.2021.3951.4067> URL: http://www.isih.ir/article_367.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

Literary Criticism and Interdisciplinary Studies in Iran with a Closer Look at the Book Literary Theory and Criticism: An Interdisciplinary Textbook

Abdolrasoul Shakeri^{*1}, Masoud Farahmandfar²

Received: Jul. 30, 2020; Accepted: Feb. 3, 2021

ABSTRACT

Literary Theory and Criticism: An Interdisciplinary Textbook is written by Hossein Payendeh as a university textbook for master's degree course in Persian language and literature. It was first published in two volumes in 2018 by SAMT publications. Given the global importance of interdisciplinary studies in literature in recent decades as well as the need of the same in Persian literature, the current article makes an attempt to investigate the extent and manner of the application of interdisciplinary approaches in the aforementioned book. Taking into account historiographical and critical-analytical approaches, we could obtain a history of the theory and literary criticism in the West and then in Iran. This topic has also been presented in the official curriculums of Iranian universities. The form and structure of the book were studied after explaining the prevalence of the literary criticism discourse in Iran. In the section on reviewing the content, while enumerating the most important variables of the book, the relation of topics with the current situation of the theory and literary criticism in the West and Iran was explained and its contents drew the attention in order to confirm interdisciplinary studies in Persian literature. Based on the findings of this article, it can be argued that the publication of *Literary Theory and Criticism: An Interdisciplinary Textbook* while preserving the link with literary theories, indicating a break from those theories and turning attention to interdisciplinary studies in Persian literature. Its publication as an academic textbook can be considered as a turning point in academic literary studies in Iran.

Keywords: Theory and Literary Criticism, Literary Studies, Interdisciplinary Approaches

1. Department of Persian Literature, Institute for Research and Development in the Humanities, SAMT, Tehran, Iran (Corresponding Author)

✉ shakeri@samt.ac.ir

2. Department of English Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Substantive Issues arising in the implementation of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. E/C.12/2000/4.

The Guardian (2021). WHO team exits Wuhan quarantine to start Covid fact-finding mission, Retrieved from <https://www.theguardian.com/world/2021/jan/28/who-team-exits-wuhan-china-quarantine-covid-fact-finding-mission>

The Law Concerning the Promotion and Protection of Bilateral Investments between The Islamic Republic of Iran and The United Republic of Tanzania, 2015.

The New York Times. (May 29, 2021). *The Coronavirus Outbreak*, Retrieved from <https://www.nytimes.com/interactive/2021/world/covid-cases.html>

The UN General Assembly Resolution on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, A/RES/62/61.

The China–Australia Free Trade Agreement (ChAFTA), 2015.

Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969.

World Health Organization. (2020). Novel Coronavirus China. *Disease Outbreak News*.

World Health Organization. (Jan. 12, 2020). *Communicable Diseases*, Retrieved from <https://www.who.int/csr/don/12-january-2020-novel-coronavirus-china/en/>

Zamani, S. G. & Shiralizadeh, A. (2019). The principles and procedure of interpretation of investment treaties by arbitral tribunals and priority of international law over domestic law. *The Legal Journal of Justice*, 83(105), 111-136. doi: 10.22106/JLJ.2019.35489

Zidar, A. (2015). WHO international health regulations and human rights: from allusions to inclusion. *The International Journal of Human Rights*, 19(4), 505-526. doi: 10.1080/13642987.2015.1045340



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

15

Abstract



- Iran-United States Claims Tribunal, Sedco, Inc. v. National Iranian Oil Co.*, award n. I.T.L. 59-129-3, 28 October 1985.
- Kokabisaghi, F. (2016). Justiciability of the Right to Health in International Legal System. *Medical Law Journal*, 10(3), 7-33.
- Mahmoud, M. V. & Jahromi, M. J. G. (2016). Evolution of the state responsibility regime in international investment law. *Legal Research Quarterly*, 18(71), 340-376.
- Mahmoudi, Z. (2018). The nature of the general principles of law and their functions in international law. *International Law Review*, 35(58), 329-364. doi: 10.22066/CILAMAG.2018.31692
- Mazzuoli, V. D. O. (2020). International responsibility of states for transnational epidemics and pandemics: The case of COVID-19 from the people's Republic of China. *Revista de Direito Civil Contemporâneo*, 23. doi: 10.2139/ssrn.3584944
- Meyguni, S. S. (2013). Outbreak of Middle East Respiratory Syndrome Coronavirus. *Journal of Nurse and Physician within war*. 21 & 22, 49-52.
- Mosavi, F. Mosavi, M., Moghadam, M. H. V. & Golami, M. (2013). The principles of interpretation of contract (A comparative study). *Journal of Private Law Research*, 1(1), 183-213.
- Osterwalder, N. B., Brewin, S., & Maina, N. (2020). Protecting against investor-state claims amidst COVID-19: a call to action for governments. *Investment Treaty News*. 2(11), 4-7.
- Ostrove, M., De Vejar, K. B., & Sanderson, B. (Apr. 16, 2020). COVID-19 – a legitimate basis for investment claims? . *DLA Piper*.
- Paparinskis, M. (2020). Covid-19 and the foundations of international law. In *Opinio Juris Symposium on COVID-19 and International Law*. Retrieved from <http://opiniojuris.org/wp-content/uploads/B.-Sander-J.-Rudall-eds-COVID-19-and-International-Law-Opinio-Juris-Symposium-copy-1.pdf>
- Piran, H. (2014). *The law of international investment* (2nd ed.). Tehran, Iran: Ganj-e Dāneš.
- Ranjan, P. (2019). Police powers, indirect expropriation in international investment law, and Article 31(3)(c) of the VCLT: A critique of the Philip Morris v. Uruguay. *Asian Journal of International Law*, 9(1), 98-124. doi: 10.1017/S2044251318000139
- Roberts, A. (2018). Incremental, systemic, and paradigmatic reform of investor-state arbitration. *American Journal of International Law*. 112(3), 410-432. doi: 10.1017/ajil.2018.69
- Sabanogullari, L. (2018). *General exception clauses in international investment law*. Germany, Baden: Nomos Verlagsgesellschaft.
- Sarkar, S. (Apr. 13, 2020). Liability of China for Covid19 outbreak, state responsibility, and jurisdictional challenges. *Modern Diplomacy*, Retrieved from <https://moderndiplomacy.eu/2020/04/13/liability-of-china-for-covid19-outbreak-state-responsibility-and-jurisdictional-challenges>
- Sourdin, T., Zeleznikow, J. (May. 8, 2020). Courts, mediation and COVID-19, *Australian Business Law Review*. Forthcoming. doi: 10.2139/ssrn.3595910

administration-asks-intelligence-agencies-find-out-whether-china-who-n1194451

Douglas, Z., Pauwelyn, J., & Vinuales, J. E. (2014). *The foundations of international investment law: Bringing theory into practice*. UK: Oxford University Press.

Draft Articles on Prevention of Trans boundary Harm from Hazardous Activities, 2001.

Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, A/56/10.

Duignan, B. (2013). *The great depression*. U.S, New York: Britannica Educational Publishing.

Emmons, C. (2020). International human rights law and COVID-19 states of emergency. *Verfassungsblog*.

Energy Charter Treaty, 1994.

Esmaili, A., Pourghahramani, B. (2019). The challenges of E- proceedings in Iran. *Judicial Law Views Quarterly*. 24(87), 29-59.

EU Commission. (2020). Guidance to the Member States concerning foreign direct investment and free movement of capital from third countries, and the protection of Europe's strategic assets, ahead of the application of Regulation (EU) 2019/452 (FDI Screening Regulation), C(2020) 1981 final.

Fisher, P. (2020). COVID-19 employment litigation tracker and insights, Retrieved from <https://www.fisherphillips.com/innovations-center/covid-19-employment-litigation-tracker-and-insights.html>

Forooghi, F., Mirzaee, M., Baqerzadegan, A. & Soofi, M. (2015). condition of establishing criminal liability in the infectious diseases and attributable offences. *Medical Law Journal*, 9(35), 126-156.

Gaillard, E., & Banifatemi, Y. (2020). Covid-19 and international investment protection. *Shearman And Sterling*. Retrieved from <https://www.shearman.com/perspectives/2020/04/covid-19-international-investment-protection>

Gostin, L. O. (2014). *Global health law*. US: Harvard University Press.

Gralinski, L. E. & Menachery, V. D. (2020), Return of the Coronavirus: 2019-nCoV. *Viruses* 2020. 12(2), 135. doi: 10.3390/v12020135

Hanqin, X. (2003). *Transboundary damage in international law*. UK: Cambridge University Press.

Hatami, A. & Karimiyan, E. (2014). Foreign investment law in light of investment act and contracts. Tehran, Iran: Teesa.

International Health Regulations (Third Edition), 2005.

International Monetary Fund-Research Dept. (Apr. 14, 2020). *World economic outlook 2020*. World Economic and Financial Surveys, Retrieved from <https://www.imf.org/en/Publications/WEO/Issues/2020/04/14/weo-april-2020>

Investment Cooperation and Facilitation Treaty between the Federative Republic of Brazil and the Republic of India, 2020.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

13

Abstract



BIBLIOGRAPHY

- Aerdebili, A. M., Nik, S. J.; Azadmanesh, M. & Makkian, A. (2018). Corona (Definitions, Interventions and the Outcomes). *Journal of Humanities and Islamic Strategic Studies*, 2(23), 145-149.
- Aghamohammadi, E. (2020). International health relations with respect to the Corona pandemic. *Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*. 12(3). 55-83. doi: 10.22035/isih.2020.3950.4057
- Agreement between Australia and the Oriental Republic of Uruguay on the Promotion and Protection on Investments, 2019.
- Ahmadi, S. & Gargaz, M. (2020). The outlook for the cost of economic health in patients with COVID-19. *Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*. 12(3), 25-54. doi: 10.22035/ISIH.2020.3939.4047
- Ameli, J. (2015). Communicable diseases and Outbreak Control, *Turkish Journal of Emergency Medicine*, 15(1), 20-26. doi: 10.5505/1304.7361.2015.19970
- Asgharnia, M. (2016). Governments' regulatory challenges and requirements in the field of health. *Medical Law Journal*. 10(37), 35-57.
- Barreto, M. L., Teixeira, M. G. & Carmo, E. H. (2006). Infectious diseases epidemiology. *Journal of Epidemiology and Community Health*, 60(3), 192-195. doi: 10.1136%2Fjech.2003.011593
- Bekker, P. (2020). *International law in times of crisis: COVID-19 and foreign investments*. CMS- Law Now.
- Benedetteli, M., Coroneo, C. & Minella, N. (May 26, 2020). Could COVID-19 emergency measures give rise to investment claims? First reflections from Italy. *Global Arbitration Review*, Retrieved from <https://globalarbitrationreview.com/coronavirus/could-covid-19-emergency-measures-give-rise-investment-claims-first-reflections-italy>
- Constitution of the World Health Organization, 1946.
- Cooperation and Facilitation Investment Agreement between the Federative Republic of Brazil and the United Arab Emirates, 2019.
- Cura Italia Decree- Law Decree no.18, 2020.
- Damgh, M. P., Efranmanesh, M. H. & Nejad, S. M. T. (2020). Standards of Review of the Host State's Conduct in Investment Arbitration Law. *Journal of Private Law Research*, 8(30), 9-33. doi: 10.22054/JPLR.2018.5320.1127
- Dias, T. S. & Coco, A. (2020). Part II: Due Diligence and COVID-19: States' Duties to Prevent and Halt the Coronavirus Outbreak". Ejil: Talk.
- Dilanian, K., Kube, C., & Lee, C. E. (Apr. 29, 2020). Trump administration asks intelligence agencies to find out whether China, WHO hid Info on Coronavirus pandemic. *NBCNews*, Retrieved from <https://www.nbcnews.com/politics/national-security/trump->

suffered by investors must as a general rule, be legally attributable to the acts or omissions of the receiving State, and in the absence of such an attribution, the State concerned may not be legally bound to any form of reparations. However, the overflow of these claims and invocation of legal and customary protections by foreign investors is considered as a serious threat against the receiving States. Therefore, implementing efficient measures has become more evident and in the absence of which governments will be involved by these claims for years ahead, and many investors may challenge the measures undertaken by them to control Covid-19 in various tribunals.

In case, there are no such measures implemented, besides the general and security exceptions mentioned in the IIAs, the States may invoke a fundamental change of circumstances as a ground for terminating or withdrawing from the relevant investment agreement. Other defenses may be made regarding the exceptions to State responsibility including necessity and force majeure which have been the case in the investment disputes against Argentina.

NOVELTY

Although few published articles have concentrated on this matter, the important distinction between the right to health and the particular commitment to prevent and control infectious diseases is often overlooked. The issues relating to the right to health mentioned by some of the core human rights instruments, namely the prevention and control of infectious diseases, declaring public safety crisis and, as the case may be, the provision of urgent medical services and declaring a state of national emergency, all deserve to be considered as independent commitments and in other words, subsidiary branches of the right to health that are particularly applicable to circumstances of crisis, emergency and, high urgency. The fulfillment of these commitments may expose the businesses, banking and commercial transactions, and various aspects of society and economy to disruption and damage. The prominent feature of intensity and urgency doesn't appear to be the case for the rest of the obligations of the right to life. These features of intensity and urgency of pandemics per se may eventually enable the States to invoke the principle of force majeure or other factors precluding the responsibility of the State. Moreover, if we assume that the States are deemed committed to take health measures and to control pandemics only by the virtue of the health regulations, then we have neglected the potential legal role of the well-known principles, such as the No-harm principle, causation, due diligence, etc. Whereas, these customary rules themselves can provide the basis for the responsibility of States toward their citizens, as well as the foreign investors.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

11

Abstract



control the infectious diseases and their implications are imperative and justifiable; although, the legal aspects of investment protection are multidimensional and may differ subject to the matters of law and facts (*res facti*) in each case.

METHODOLOGY

This article, considering being an interdisciplinary study in humanities, explains the unprecedented economic and investment consequences of this crisis and surveys the legal dimensions of investment protection through a qualitative research methodology and a descriptive-analytical approach.

FINDINGS

The major findings of the research are presented in the conclusion; therein this assumption is concluded to be reasonable that the States' commitment to control the infectious diseases and their implications are imperative and justifiable. However, the legal aspects of investment protection are multidimensional and may differ subject to the matters of law and facts (*res facti*) in each case. However, the States must assess the legal dimensions of the proposed measures to control Covid-19 against the issue of foreign investment and mechanisms to object to these measures because the margin of appreciation for government measures has to be reasonable and always justifiable. In order to determine this margin, the bases of rulings of various tribunals in similar circumstances (e.g. the claims against Argentina) may be refined and accordingly, the claims and the decisions of various tribunals can be predicted with considerable accuracy.

CONCLUSION

The exact study and analysis of this exceptional situation of the Covid-19 pandemic depend on determining operation of international courts and tribunals on various dimensions of this issue in the future. The claims (including those against China) need to be proven in courts of law, following a detailed legal investigation and through a fair trial; otherwise, they will carry no legal or judicial weight. The pandemic has faced investors with various challenges in different countries hence, they ought to be vigilant regarding the regulated protections in the IIAs that best suit their case, and among other things the matter of enforceability of provisions and the expiry date of the agreement, although these protections are often retroactive in nature. The accepted definition of the term "Investment" under these instruments and the scope of properties, assets, and corporations that meet the nationality conditions of the relevant IIA, all need to be taken into consideration. The provided mechanisms of dispute resolution and the arbitration clause have a determining role to play in this context. It is to be remembered that the losses

decontaminated. After extensive speculation about a causative agent, the Chinese Center for Disease Control and Prevention (CDC) confirmed a report by the Wall Street Journal and announced the identification of a novel Covid on 9th January (Gralinski&Menachery, 2020, 2).

Eventually, in March 2020, the WHO declared Covid-19 a global pandemic. Although the initial cases have been associated with the Seafood Market and many reports on social media suggest the snakes, birds and other small mammals including marmots and bats as the probable source of the virus. But the origin of Covid-19 remains unknown despite repeated claims by some high-ranking US officials, including the President and the Secretary of State, that Covid-19 was originated in a lab. However, the Office of Director of National Intelligence (DNI) contradicted reports suggesting that the new coronavirus had been developed by Chinese scientists in a government biological weapons laboratory, and continues that "The Intelligence Community will continue to rigorously examine emerging information and intelligence to determine whether the outbreak began through contact with infected animals or if it was the result of an accident at a laboratory in Wuhan" (Dilanian, Kube & Lee, 2020).

In an attempt to flatten the Covid-19 curve and slow or stop its transmission, governments around the world suspended people's freedom of movement, placed restrictions on freedom of information, and closed schools, businesses and places of worship all in the name of public safety and some governments also declared a national state of emergency (Emmons, 2020). So far, there have been over 3.5 million fatalities worldwide. This huge amount of personal and financial damage draws the attention of international lawyers to the matter of protection of foreign investment which may become considerably affected by the States' international commitments to prevent and control infectious diseases. The States being the primary subject of international law are committed to timely cooperate with international organizations in order to prevent and control the spread of diseases. However, these measures are in many cases threatening or at least seriously affecting the interest of foreign investors.

PURPOSE

The purpose of this article is to determine the present legal aspects related foreign investments that have suffered losses in the face of the Covid-19 pandemic and the consequent adoption of public health regulations and declaring a state of emergency, and the matter of justifiability of all these measures adopted by the governments. Therefore, it pursues the assumption that the States' commitment to



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

9

Abstract



INTRODUCTION

Infectious diseases constituted the most serious health issue in the world until the beginning of the 20th century when chronic degenerative diseases began to dominate this scenario in developed countries (Barreto, Teixeira & Carmo, 2006, 192). Communicable or infectious disease refers to those that are transmitted from animal to human (or from humans to animals) through direct or indirect contact. These diseases are divided into two categories of lethal and non-lethal. Ebola, HIV, SARS1, and Covid-19 are considered among the lethal infections, and some diseases like HSV and Yeast, etc. are known as non-lethal (Forooghi et al., 2015, 127). In the definition of the World Health Organization “Communicable, or infectious diseases, are caused by microorganisms such as bacteria, viruses, parasites and fungi that can be spread, directly or indirectly, from one person to another”, (WHO Africa, 2020). Cholera and plague are among the most severe ones that have caused the death of a huge portion of the European population by far. Today, the threat of infectious diseases is increasingly causing fatalities; “Ebola and Coronavirus are the new instances which are challenging the international health system” (Forooghi et al., 2015, 127).

The outbreak of diseases such as MERS2, SARS, and Covid-19 has affected the overall approach of human communities, governments, and international organizations. For instance, in 2003 SARS caused nearly 774 fatalities. Besides this, more than 335 infectious diseases have emerged over the last half-century and there has been the re-emergence of the old infectious diseases which are rapidly increasing in incidence and geographic range (Gostin, 2014, 35). The WHO which considers prevention of infectious diseases among its major tasks has reformed the International Health Regulations, which are instrumental in providing a global framework for the prevention, detection, and assessment of infectious diseases (Zidar, 2015, 505). Coronaviruses are a large family of respiratory diseases that can cause illness ranging from the common cold to the lethal ones, such as SARS (WHO-DONs, 2020). Since the outbreak of SARS in 2003, various types of human Coronaviruses which may cause respiratory infections have been detected around the world (Meyguni, 2013, 49). In December 2019, a cluster of patients exhibited symptoms of viral pneumonia similar to SARS and MERS infections, with connections to a Seafood Market in the Chinese city of Wuhan, Hubei Province. Thereafter cases of an unknown outbreak of pneumonia were reported to the WHO on 31st December 2019. A day later, the seafood market was closed and

-
1. Severe acute respiratory syndrome coronavirus
 2. Middle East respiratory syndrome coronavirus



Ghasemi, G.A., & Akefi Ghaziani, M. (2021). Legal challenges to protect foreign investment in light of states' international commitment in controlling outbreak of infectious diseases; A case study of Covid-19. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 13(2), 31-60. doi: 10.22035/isih.2021.366

 <http://dx.doi.org/10.22035/isih.2021.366>

URL: http://www.isih.ir/article_366.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

Legal Challenges to Protect Foreign Investment in light of States' International Commitment in Controlling Outbreak of Infectious Diseases; A Case Study on Covid-19

Gholam Ali Ghasemi¹, Mohammad Akefi Ghaziani²

Received: Sep. 24, 2020; Accepted: Feb. 3, 2021

ABSTRACT

Covid-19 has encountered the global economy with numerous challenges, including foreign investments. States are obliged under international law for the health and security of their citizens. However, measures taken to secure public health in the face of a disease outbreak have caused many losses to investment activities. Governments are tossed up between the protection of public health and foreign investment, and they often choose the former and adopt necessary measures. Through a descriptive-analytical method, this article tends to answer the key question that "what are the legal aspects of foreign investments that have suffered losses, and how all these measures adopted by states are legally justified?". Therefore, after an introduction to the crisis, in three chapters, the States' international commitment to control infectious diseases, legal dimensions of foreign investment, and the legal challenges of dispute resolution are analyzed. Finally, it is concluded that the States are committed to controlling the spread of infectious diseases under the international health regulations and the core human rights instruments. Therefore, declaring a state of emergency and other restrictions are not only justifiable but also the part of an international commitment. However, these measures expose foreign investments to unprecedented damages. The overflow of the investment claims is considered a serious threat to the receiving States. Considering the present uncertainty, due to the lack of recorded judgments by international courts and tribunals on this issue, IIAs, customary international law, and the rules of responsibility of States will eventually shape the foundations of the decisions of authorities.

Keywords: Covid-19, economy, foreign investment, international responsibility, investment agreement

1. Department of International Law, Faculty of Law, University Of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author)

✉ ghasemi@qom.ac.ir

2. Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran



- McBride III, L. A. (2018). Anger & approbation, In (Eds.) Cherry, M & Flangan, O. *The Moral Psychology of Anger*, New York: Rowan Littlefield.
- Miller, W. I. (1997). *The anatomy of disgust*. Cambridge, London: Harward University Press.
- Moghanibashi-Mansourieh, A. (2020). Assessing the anxiety level of Iranian general population during COVID-19 outbreak. *Asian Journal of Psychiatry*, 51(102076). doi:10.1016/j.ajp.2020.102076
- Muldoon, O. (2020). Collective trauma, In (Eds.) Jetten, J., Reigher, S.D. Haslam, S.A & Gruwys, T., *Together Apart: The Psychology of Covid-19*. London: Sage Publication.
- Özdin, S., & Bayrak Özdin, Ş. (2020). Levels & predictors of anxiety, depression & health anxiety during COVID-19 pandemic in Turkish society: The importance of gender. *International Journal of Social Psychiatry*, 66(5), 504-511. doi:10.1177/0020764020927051
- Pink, S., Horst, H., Postill, J., Hjorth, L., Lewis, T., & Tacchi, J. (2016). *Digital ethnography: Principles & practice*. London: Sage Publication.
- Skoll, G. R. (2010). *Social theory of fear, terror, torture and death in a post capitalist world*. Palgrave, Macmillan.
- Taheri Kia, H. (2021). Digital culture & visual studies: Nostalgia & dreaming after COVID-19 event in Iran. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 12(2), 91-122, doi:1022035/isih.2020.3847.3978
- Taylor, S. (2019). *The psychology of pandemics: Preparing for the next global outbreak of infectious disease*. Cambridge Scholars Publishing.
- Toohy, P. (2011). *Boredom: A lively history*. Yale University Press.
- Trzebiński, J., Cabański, M., & Czarnecka, J. Z (2020). Reaction to the COVID-19 pandemic: The influence of meaning in life, life satisfaction, & assumptions on world orderliness & positivity. *Journal of Loss & Trauma*, 25(6-7), 544-577. doi:10.1080/15325024.2020.1765098
- Victor, G. S., & Ahmed, S (2019). The importance of culture in managing mental health response to pandemics. In Ed Huremović, D *Psychiatry of pandemics: A mental health response to infection outbreak* (pp: 55-64). New York: Springer, Cham.
- Walby, K., & Spencer, D. (2011). How emotions matter to moral panic, In S. P. Hier (Ed.), *Moral panic and the politics of anxiety* (pp: 104-117). London: Routledge.
- Webb, D. (2007). Modes of hoping. *History of the Human Sciences*, 20(3), 65-83. doi: 10.1177/0952695107079335
- Zokaei, M.H., & Veisi, S (2019). Discourses of hope in social networks. In H. Khaniki (Ed.), *Social Hope, Essence, Status and Etiology* (pp. 175-205). Tehran, Iran: Institute for Social and Cultural Studies.

BIBLIOGRAPHY

- Ahmadi, K., & Ramezani, M. A. (2020). Iranian emotional experience and expression during the COVID-19 crisis. *Asia-Pacific Journal of Public Health*, 32(5), 285-286. doi:10.1177/1010539520937097
- Alexander C., J. (2009). *Remembering the Holocaust: A debate*. New York: Oxford University Press.
- Alexander, C, J. (2013). *Trauma: A social theory*. Cambridge: Polity Press.
- Asmundson, G. J., Paluszek, M. M., Landry, C. A., Rachor, G. S., McKay, D., & Taylor, S (2020). Do pre-existing anxiety-related and mood disorders differentially impact COVID-19 stress responses and coping? *Journal of Anxiety Disorders*, 74, 102271. doi:10.1016/j.janxdis.2020.102271
- Beck, U. (1992). *Risk Society: Toward a new modernity*. London: Sage Publication.
- Braithwaite, V. (2004). The hope process and social inclusion. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 592(1), 128-151. doi:10.1177/0002716203262096
- Duan, C., Linder, H., & Huremović, D. (2019). Societal, public, & [Emotional] epidemiological aspects of a pandemic, In D. Huremović (Ed.), *Psychiatry of Pandemics: A Mental Health Response to Infection Outbreak* (pp: 45-53). Springer. <https://www.springer.com/gp/book/9783030153458>
- Ernest. J.R. (2017). *Remarks on existentialism: Boredom, anxiety and freedom*. Lulu.com.
- Eyerman, R. (2004). Jeffrey Alexander & the cultural turn in social theory. *Thesis Eleven*, 79(1), 25-30, doi:10.1177/0725513604046953
- Frazzetto, G. (2014). *Joy, guilt, anger, love: What neuroscience can and can't tell us about how we feel*. London, UK: Penguin book.
- Goode, E., & Ben Yehuda, N. (2011). Grounding & defending the sociology of moral panic. In S. P. Hier (Ed.), *Moral panic and the politics of anxiety* (pp: 20-36), London: Routledge.
- Huberman, M., & Miles, M. B. (2002). *The qualitative researcher's companion*. London: Sage Publication.
- Jetten, J., Reigher, S.D., Haslam, S.A., & Gruwys, T. (2020). *Together apart: The psychology of Covid-19*. London: Sage Publication.
- Kierkegaard, S. (1980). *The concept of anxiety*. New Jersey: Princeton University Press.
- Le bon, G. (2001). *The crowd: A study of the popular mind*. Mineola, New York: Dover publication, INC.
- Lueck, M. A. (2007). Hope for a cause as cause for hope: The need for hope in environmental sociology. *The American Sociologist*, 38(3), 250-261. doi:10.1007/s12108-007-9017-7



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

5

Abstract



CONCLUSION

The arrival of Covid-19 in Iran with all existing structural issues and contexts led to the expansion of previous emotional structures and, in particular, hope and anxiety. Social networks as a mirror of Iranian popular culture reflect these changes well. Although Covid-19 has provided new opportunities for production, representation, and interpretation of emotions such as hope and anxiety, these expressions continue the previous emotional structure and reproduce the macro structures of Iranian society.

NOVELTY

Using data without intervention gave us the opportunity to understand virtual and emotional elements more accurately and purely. Since Iranian cyberspace is one of the most important areas for identifying emotions in domestic culture, it seems that such research can give a deep understanding of culture, especially in times of crisis, to the general public, researchers and policymakers.

deductive logic, analyzing different texts produced and displayed on social networks, categories and structures were also identified inductively and were used in the analysis and conceptualization.

FINDINGS

The Covid-19 outbreak was one of the historical moments that could contrast the public hope arising from sovereignty and the collective hope belonging to all groups in society. However, in the end, this confrontation does not have a winner, and even both types of hope are broken from within. In addition, despite the relative presence of critical hope among Iranian cyberspace network users, the forces of collective hope do not have enough strength to fight the spread and control of the disease comprehensively. In such circumstances, the hope has shifted more towards heroism and utopian. On the other hand, wit which is an effective force for hope in Iranian society has turned into the carnivalesque through intertextual humor, in a way that its direction is no longer clear. The agentic hope is manifested itself in the form of increased entertainment during quarantine (campaigns and challenges) but could threaten by strategic forces and fall into the trap of meaninglessness caused by the leisure-centric space. Hope is closely linked to anxiety. Raising collective hope can always reduce the anxiety created by structural forces. Existing structural anxieties (such as economic problems or inflation, judicial injustice manifested in various hashtags) have escalated the corona anxiety. The above increased anxiety stems from both structural, political, economic and policy-making weaknesses as well as from the public negligence. Collective anxieties can only raise hope when there is an opportunity for dialogue with power and activism, otherwise, they reinforce the anxiety caused by failure, which itself has a dialectical relationship with existential anxiety. Users try to reduce existential anxiety by turning it into visual anxiety. But since existential anxiety is directly related to structural one, in which individuals have no agency, and on the other hand, the escape routes from this are superficial, they will soon become increasingly anxious. On the other hand, Covid-19 in Iran differs from Ulrich Beck's risk; In Iran, hazards such as Covid-19, although have international and subjective dimensions such as the origin of the virus, relationship with other cultures, environmental and global pollution in the time of the pandemic, but ultimately are dependent on structural forces and therefore viewed as objective and national. As a result, dealing with Covid-19 as a moral panic, the statesmen are considered as devil folks.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

3

Abstract



INTRODUCTION

Digital media, and in particular social networks, have resulted in significant changes in the Iranian society in recent years. In particular, they have led to a change in the emotional economy of society as they have taken on unlimited and often uncontrolled areas and opportunities in production, reproduction, exchange, and change of emotions, and especially because of their textual nature, they have a significant role in making sense of these emotions. In addition to its medical, economic, and political dimensions, the Covid-19 pandemic has created new emerging social forms in various cultural and social domains. The existence of social networks has accelerated this process, especially because they play a major role in the emotional construction of societies. It seems that an emotional transmission has occurred in the face of Covid-19 and it is even possible to speak of the change of the nature of emotions and their constant transformation into each other. The two emotions of anxiety and hope as the most negative and positive ones, previously as the most basic emotions formed the emotional structure of the Iranian society. However, it seems that the existing dynamics in the text of virtual and digital interactions of Iranian users have given them a different nature and quality. On the other hand, anxieties and bottlenecks arising from the Covid-19 pandemic have coincided with particular economic and political challenges the Iranian society has faced in recent years and has caused the special importance and sensitivity of these emotions and made them more complex.

PURPOSE

Since the structure of emotions in Iranian society is influenced by macro-structures, we focus specifically on whether social networks have presented a new form of emotions of hope and anxiety in the society in the face of the Covid-19 pandemic or have acted in accordance with the previous structures.

METHODOLOGY

The present study relies on virtual ethnography. In order to conduct a research that simultaneously assess the psychoanalytic and social layers of the desired emotions and the effects of the Covid-19 pandemic, we needed to use non-participatory methods and non-intervention data. For this purpose, by referring to social media pages of different people were selected randomly and then purposefully, which included people with different genders, age groups, ethnicities, and classes, and their opinions about the impact of Covid-19 on their emotions. Apart from focusing on issues and categories related to the emotional life of the respondents based on



The Effects of the COVID-19 Pandemic on the Emotional Structure in the Mirror of Iranian Virtual Social Networks

Mohammad Saeed Zokaie¹, SiminVeisi^{*2}

Received: Nov. 15, 2020; Accepted: Mar. 5, 2021

ABSTRACT

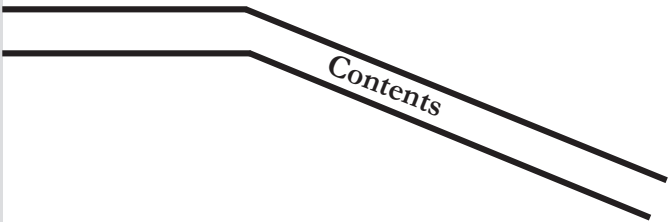
The emotional structure of every society forms the dynamic cultural part of that society. Despite the profound and pervasive effects of these emotional networks on the social context and daily interactions, a systematic and analytical study of on structure of society's emotions is performed rarely in the Iranian social sciences space. Over the past few months, the coronavirus pandemic has had significant effects on the emotional structure of the Iranian society, especially the two emotions of hope and anxiety. Cyberspace is a continuation of real space that well depicts these changes. Relying on virtual ethnography, semiotics and thematic analysis, the present paper shows that the spread of the Coronavirus, in cyberspace more than ever and in the continuation real emotional structures of society has put collective hope against public hope. Based on the results, criticism has tended towards utopian optimism as well as the carnivalization of space. Nevertheless, there are traces of agentic hope, which, of course, sometimes lead to deviation in that space. Anxiety, as an emotion that is inversely related to hope, and especially collective hope, has increased dramatically with the rise of the coronavirus pandemic. Since the increase in structural anxieties does not lead to agentic hope, it has added to frustrations and boredom and existential anxiety. Even the transformation of existential anxiety into visual once has not been able to reduce its severity. Eventually, the anxiety out of corona becomes an abomination to all members of the society and then increases it further.

Keywords: collective hope, public hope, traumatization, objective and national risk, reverse moral panic

1. Department of Cultural Studies, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

2. Department of Cultural Studies, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

✉ siminveisi@gmail.com



Contents

The Effects of the COVID-19 Pandemic on the Emotional Structure in the Mirror of Iranian Virtual Social Networks

Mohammad Saeed Zokaei, SiminVeisi / 1

Legal Challenges to the Protection of Foreign Investment in light of States' International Commitment in Controlling Infectious Diseases (A Case Study on Covid-19)

Gholam Ali Ghasemi, Mohammad Akefi Ghaziani / 7

Literary Criticism and Interdisciplinary Studies in Iran with a Closer Look at the Book Literary Theory and Criticism: An Interdisciplinary Textbook

Abdolrasoul Shakeri, Masoud Farahmandfar / 17

The Role of Imagination in Iranian Literature and Painting with Emphasis on Metaphor; An Interdisciplinary Study

Zeinab Rajabi, Asghar Fahimifar / 23

Presenting a Green Supply Chain Management Model for Sustainable Environmental Development Using Grounded Theory and DEMATEL Method

Zahra Delshad, Mozhdeh Rabbani, Hasan Dehghan Dehnavi / 29

The Nature of Project Finance; Identification of Hierarchy in the Chain of the Contracts and Co-ordination and Reconsideration of the Diverse Interests

Shadi Kasnavi, Seyed Nasrollah Ebrahimi, Mahmoud Bagheri / 37

Quarterly Journal of
Interdisciplinary Studies in the Humanities

Volume 13, Issue 2, Spring 2021

Director-in-Charge: Hossein Mirzaei, PhD

Editor-in-Chief: Mahmood Mehrmohammadi, PhD

Guest Editor: Hosein Ebrahimabadi, PhD

Publisher: Institute for Social and Cultural Studies (ISCS)

Editorial Board

Gholam-Ali Afrooz, Professor of Tehran University; Morteza Bahrani, Associate Professor of Institute for Social and Cultural Studies; Micheal Cook, Professor of Princeton University; Hossin Ebrahimabadi, Associate Professor of Institute for Social and Cultural Studies; Eckart Ehlers, Professor of Bonn University; Hassan Hanafi, Professor of Cairo University; Hadi Khaniki, Professor of Allameh Tabataba'i University; Maghsoud Farasatkah, Professor of Institute for Research and Planning in Higher Education; Reza Mahoozi, Associate Professor of Institute for Social and Cultural Studies; Abbas Manoochehri, Professor of Political Science, Tarbiat Modares University; Mohammad Ali Mazaheri, Professor of Shahid Beheshti University; Mostafa Mohaghegh Damad, Professor of Shahid Beheshti University; Fathollah Mojtabaie, Professor of Tehran University; Faramarz Rafi'poor, Professor of Shahid Beheshti University; Dariush Rahmanian, Associate Professor of Tehran University; Mohammad Taqi Rahnamaie, Associate Professor of Tehran University; Mohammad Hadi Zahedi Vafa, Associate Professor of Imam Sadiq University.

Referees of this Issue

Ebrahim Ekhlesi, Assistant Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University; Hosein Ganjidoost, Professor of Climate Change, Tarbiyat Modares University; Majid Ghamami, Associate Professor of Law, University of Tehran; Khashayar Ghazizade, Assistant Professor of Art, Shahed University; Farhad Iranpoor, Associate Professor of Law, University of Tehran; Amir Hossein Mahoozi, Assistant Professor of Literature, University of Payam-e Noor; Reza Maknoon, Associate Professor of Water Engineering, Amirkabir University of Technology; Mahmoud Mehrmohammadi, Professor of Curriculum Planning, Tarbiyat Modares University; Nahal Nafisi, Assistant Professor of Anthropology, Allameh Tabataba'i University; Bahman Namvar Motlagh, Associate Professor of Literature, Shahid Beheshti University; Farhad Parvin, Associate Professor of Law, Allameh Tabataba'i University; Mohsen Sadeghi, Associate Professor of Law, University of Tehran.

Indexing Databases



- For further information, please visit: www.isih.ir
- All rights reserved for publisher

Address:

No. 124, Momen Nejad St. (1st Golestan), Pasdaran Ave., Tehran, Iran

P.O Box: 1666914711

Tel: +98 21 22570719

Email: info@isih.ir

Fax: +98 21 22570722

Website: <http://www.isih.ir>

**The Effects of the COVID-19 Pandemic on the Emotional Structure
in the Mirror of Iranian Virtual Social Networks**

Mohammad Saeed Zokael, SiminVeisi

**Legal Challenges to the Protection of Foreign Investment in light of States'
International Commitment in Controlling Infectious Diseases (A Case Study on Covid-19)**

Gholam Ali Ghasemi, Mohammad Akefi Ghaziani

**Literary Criticism and Interdisciplinary Studies in Iran with a Closer Look at
the Book Literary Theory and Criticism: An Interdisciplinary Textbook**

Abdolrasoul Shakeri, Masoud Farahmandfar

**The Role of Imagination in Iranian Literature and Painting with Emphasis on Metaphor;
An Interdisciplinary Study**

Zeinab Rajabi, Asghar Fahimifar

**Presenting a Green Supply Chain Management Model for Sustainable Environmental
Development Using Grounded Theory and DEMATEL Method**

Zahra Delshad, Mozhdeh Rabbani, Hasan Dehghan Dehnavi

**The Nature of Project Finance; Identification of Hierarchy in the Chain of the Contracts
and Co-ordination and Reconsideration of the Diverse Interests**

Shadi Kasnavi, Seyed Nasrollah Ebrahimi, Mahmoud Bagheri

